

ECHO TALK

تولید و عرضه محصولات صوتی

خیابان جمهوری، بعد از تقاطع ولیعصر، کوچه شهریار، پلاک ۱۱، واحد ۱، تلفن: ۶۶۴۱۵۰۴۳



سالنامه فرهنگی

خطبه/ ۴ هیئت

- گزیده نهج البلاغه/ ۵
- تعمیق باورهای دینی در هیئت: گفت‌وگو با معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی/ ۶
- اخلاص اخلاص اخلاص: گزارشی از نشست هیئت‌های جنوب شرقی تهران/ ۸
- تأسیس اندیشه‌گاه آینده جهان/ ۹
- سیاست آری، سیاست بازی نه: گزارشی از رد پای سیاست در هیئت/ ۱۰
- مداحی و سیاست/ ۱۲
- معنا و نسبت سیاست و دیانت/ ۱۵
- هیئت با طعم سیاست: یادداشتی از محسن حسام مظاهری/ ۱۷
- مرگ بر زنده باد، مرگ بر مرده باد: میزگردی با موضوع بایدها و نبایدهای رویکرد سیاسی در هیئت‌های مذهبی/ ۲۰
- هنوز فریاد می‌زند مرگ بر شوروی/ ۲۶

تاریخ و اندیشه

- سیاست دینی و دین سیاسی: یادداشتی از عبدالحسین خسرو پناه/ ۲۷
- عبرت از تاریخ کاری روشمند است: گفت‌وگو با دکتر کریم مجتهدی/ ۲۸
- مشابه‌سازی با غرض‌ورزی نمی‌ارزد: چندوچون رجوع به تاریخ به مثابه منبع معرفتی دین/ ۳۱
- تشبیه‌های بی‌حساب، جواب ناصواب: تشبیه شخصیت‌های تاریخ اسلام به رجال سیاسی معاصر/ ۳۲
- تصویر سیاست در قاب تعزیه/ ۳۵

ادبیات آیینی

- غریبه‌آشنا: بحر طویل در رثای امام رضا (ع)/ ۳۷
- مشق هفتاد و دو ملت: گفت‌وگو با احد ده‌بزرگی/ ۳۸
- امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی: گفت‌وگو با دکتر انسیه خزعلی/ ۴۲
- آهوانه: مجموعه شعر/ ۴۶

هنرهای نمایشی

- راه خصوصی شدن تئاتر از تئاتر دینی می‌گذرد: گفت‌وگو با محمد خزاعی/ ۴۸
- تئاتر مکارم‌الاخلاق است: گفت‌وگو با کوروش زارعی/ ۵۲
- نگاهی به جشنواره تئاتر دینی: یادداشتی از ایوب آقاخانی/ ۵۴
- واکاوی یک اصطلاح: نگاهی به تئاتر موسوم به «تئاتر دینی»/ ۵۵
- گشتی در موزه‌های آستان قدس رضوی به هوای نشانه‌های کربلا/ ۵۶

جامعه

- هدف ما تبدیل تهران به ام‌القرای جهان اسلام است: گفت‌وگو با رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران/ ۵۹
- تذکر لسانی و وظیفه همگانی: گفت‌وگو با دبیر شورای امر به معروف و نهی از منکر شهرداری تهران/ ۶۲
- ضرورت نگاه فرهنگی به تهران: گفت‌وگو با احمد مسجد جامعی/ ۶۴
- نقش‌آفرینی مؤثر در حوزه نرم‌افزاری دین و فرهنگ: یادداشتی از مرتضی طلائی/ ۶۲
- بررسی اجمالی کارنامه فعالیت‌های دینی - فرهنگی شهرداری تهران/ ۷۰

مردم‌شناسی

- جایگاه مناسب آیینی در مردم‌شناسی هنر/ ۶۳
- نخل‌گردانی در ایران/ ۷۵
- نگاهی به زندگی و آثار دکتر فرانک ج. کروم/ ۷۸

رسانه

- اسلام مختلف، اسلام منشعب: مروری بر عملکرد شبکه ماهواره‌ای نور/ ۸۱
- گزارشی از دومین همایش بین‌المللی دین و رسانه/ ۸۳
- بنیاد برتر: اولین قدم‌ها برای تشکیل بنیاد رشد و توسعه رسانه‌های دینی/ ۸۶
- رادیو و برنامه‌های مذهبی قبل از انقلاب اسلامی/ ۸۸
- فرم نظرسنجی/ ۹۵
- فرم اشتراک/ ۹۶



اندیشه/ ۲۸

کریم مجتهدی: نظرهای مختلف در تبیین واقعه تاریخی اجتناب‌ناپذیر است؛ ولی گاهی نظریه نیست و سوءنیت است. دو مورخ می‌توانند، با هم اختلاف نظر داشته باشند؛ ولی اگر در جامعه‌ای می‌خواهند، از تحریف تاریخ بهره‌گیرند، تاریخ قربانی می‌شود.

جامعه/ ۶۴

احمد مسجدجامعی: تهران شهری فرهنگی است؛ ولی این موضوع امروز مغفول مانده است و همه فقط درباره ترافیک و آلودگی هوای پایتخت صحبت می‌کنند؛ ولی آیا شما دیده‌اید کسی بگوید باید به تهران نگاهی فرهنگی داشته باشیم؟

هیئت/ ۲۰

رضا معممی‌مقدم: من صدای فلان مداح را دوست دارم و به فلان مسجد هم می‌روم؛ اما وقتی ایشان به آقای ایکس دشنام می‌دهد، با خودم می‌گویم، خدایا چقدر مداح خوبی است؛ ولی چرا اخلاق مداحی ندارد!

ادبیات/ ۳۸

احمد ده بزرگی: برخی شعرا با پشتوانه اندک مطالعاتی به سرودن شعر آیینی به‌ویژه شعر عاشورایی می‌پردازند؛ درحالی‌که درباره عاشورا و حتی جغرافیای عاشورا اندک اطلاعاتی ندارند.

اندیشه/ ۳۲

حسینی‌زاده: این تطبیق‌های درست باید با رعایت انصاف و بی‌طرفی و توسط متخصصان صورت پذیرد؛ یعنی تنها برای فهم حقیقت باشد؛ نه برای اغراض و منافع سیاسی.

هنرهای نمایشی/ ۵۲

کوروش زارعی: هنرمندان تئاتر با آثار و نمایش‌هایی که تولید می‌کنند، مخاطب را از سالن‌های تئاتر فراری می‌دهند و در واقع مخاطب‌کشی می‌کنند.

دبیر هیئت: مجید رزازی
دبیر رسانه: مطهره آخوندی
دبیر هنرهای نمایشی: هانیه خاکپور
همکاران تحریریه: سیدغلامرضا هزاوه‌ای
سیدحجت سجادی‌زاده، داوود بهلولی
محمد صادق امینی، زهرا قدیانی
برهان محمودی، محمود مکتبی

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیرمسئول: مرتضی وافی
سرمدبیر: میثم غضنفری
دبیر تاریخ و اندیشه: حسین سخنور
دبیر ادبیات آیینی: امیر عیسی‌ملکی
دبیر جامعه: علی حقیقت
دبیر مردم‌شناسی: پیمان اسحاقی

سایر همکاران: مجید سلیمیان، الهام حسینی، جواد جواهری، سعیدرضا غضنفری
جلال بیطرفان، محسن واحدی‌پور، جواد محمدی، فرامرز رحمانی
محمدعلی بیطرفان، محمدجواد اسماعیلی‌نژاد، سلیمان جهاننیده‌الله جباری، فاطمه ایدوست، احمد مولازاده

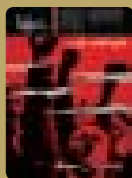
ویراستاری و تصحیح: مریم گل‌باز
طراح نامواره: حمید عجمی
صفحه‌آرایی: علی‌اکبر محمدخانی، سیدعباس عماد حقی
طرح جلد: علی‌اکبر محمدخانی
عکس: حسین اینانلو

مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید. خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. برگشت‌دادن مطالب ارسالی امکان‌پذیر نیست. بهتر است، برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.



چاپ: هنر سرزمین سبز/ ۳۰ هزار نسخه

دفتر ماهنامه خیمه: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به تقاطع استاد نجات‌اللهی، پ ۲۴۱ (ساختمان ۲۱۳ سابق)، طبقه چهارم، واحد ۹/ تلفن دفتر تهران: ۸۸۹۳۴۹۷۰ - ۰۲۱ صندوق پستی تهران: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵ تلفن دفتر قم: ۷۷۵۱۴۲۳-۰۲۵۱ صندوق پستی قم: ۳۷۱۸۵/۴۴۹ آدرس الکترونیک: www.kheimeh.com پست الکترونیک: info@kheimeh.com



شماره بعدی ماهنامه خیمه، هفته آخر آذرماه، به صورت ویژه‌نامه و در ۱۴۴ صفحه به همراه یک کتابچه منتشر خواهد شد. خیمه در آستانه محرم سال گذشته نیز شماره‌های ویژه با موضوع «عاشورا، انقلاب، حرکت...» منتشر کرد که با استقبال مخاطبان روبه‌رو شد.





گزیده‌ای از نهج البلاغه

شَقَشَق

شعله‌ای از آتش دل بود، زبانه کشید و فرونشست

«حوادث اگر مانند یکدیگر بودند، آخرین را با آغازین مقایسه و ارزیابی می‌کنند.»^۱

امیرالمؤمنین (ع) دربارهٔ روش برخورد با فتنه‌ها می‌فرماید:

«در فتنه‌ها، چنان شتر دو ساله باش؛ نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند.»^۲

حضرت پس از جنگ صفین در سال ۳۷ هجری ضمن ایراد خطبه‌ای در کوفه فرمود:

«امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و جاهلان

آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا کسی تمام پیشامدهای آینده

را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد؛ ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه برای انجام

آن قدرت دارد، آن را به‌روشنی رها می‌سازد؛ اما آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد، از فرصت‌ها

برای نیرنگ‌بازی استفاده می‌کند.»^۳

روزی حضرت از محیط خفقان‌زا و تاریکی گفت که پیران را فرسوده، جوانان را پیر و مردان بالیمان را

تا قیامت و ملاقات پروردگار آندوهگین نگه می‌داشت و از اوضاع و احوال خود درحالی‌که خار در چشم و

استخوان در گلو مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریست، آنچه را که می‌دید. تا به آنجا رسید که:

«اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که در برابر شکم‌بارگی سستگران و گرسنگی مظلومان،

سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختیم و رهایش می‌ساختیم و آخر خلافت را با

کاسهٔ اول آن سیراب می‌کردم. آن‌گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر

است.»^۴

گفتند، در اینجا مردی از اهالی عراق بلند شد و نامه‌ای به دست امام (ع) داد و امام (ع) آن را مطالعه

می‌فرمود. گفته شد، مسأله در آن بود که باید جواب می‌داد، وقتی خواندن نامه به پایان رسید، ابن عباس

گفت: «یا امیرالمؤمنین! چه خوب بود، سخن را از همانجا که قطع شد، آغاز می‌کردید؟» امام (ع) فرمود:

«هرگز! ای پسر عباس، شعله‌ای از آتش دل بود، زبانه کشید و فرونشست.»^۵

ابن عباس می‌گوید: «به خدا سوگند! بر هیچ گفتاری مانند قطع‌شدن سخن امام (ع) این‌گونه آندوهناک

نشدم که امام (ع) نتوانست تا آنجا که دوست دارد، به سخن ادامه دهد.»

البته حضرت بارها جان کلام را گفته بود و گفت:

«مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند؛ جز آنکه خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار

خواهد ساخت.»^۶

و بارها هشدار داد:

«خدا هرگز جباران دنیا را درهم نشکسته است؛ مگر پس از آنکه مهلت‌های لازم و نعمت‌های فراوان

بخشید و هرگز استخوان شکستهٔ ملتی را بازسازی نفرمود؛ مگر پس از آزمایش‌ها و تحمل مشکلات.

مردم! در سختی‌هایی که با آن روبه‌رو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذارید، درس‌های عبرت فراوان

وجود دارد.»^۷

«همانا، پس از من، روزگاری بر شما فراخواهد رسید که چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و

فراوان‌تر از دروغ به خدا و پیامبرش (ص) نباشد و نزد مردم آن زمان، کالایی زیانمندتر از قرآن نیست،

اگر آن را درست بخوانند و تفسیر کنند و متاعی پرسودتر از قرآن یافت نمی‌شود، آن‌گاه که آن را تحریف

کنند و معانی دلخواه خود را رواج دهند.

در شهرها چیزی ناشناخته‌تر از معروف و شناخته‌تر از منکر نیست. حاملان قرآن، آن را واگذاشته‌اند و

حافظان آن، آن را فراموش می‌کنند؛ پس در آن روز قرآن و پیروانش از میان مردم رانده و مهجور می‌شوند

و هر دو غریبانه در یک راه ناشناخته سرگردان‌اند و پناهگاهی میان مردم ندارند؛ پس قرآن و پیروانش

در میان مردم‌اند؛ اما گویا حضور ندارند. بسا مردم‌اند؛ ولی از آنها بریده‌اند؛ زیرا گمراهی و هدایت هرگز

هماهنگ نشوند؛ گرچه کنار یکدیگر قرار گیرند.»^۸

پی‌نوشت:

۱. حکمت ۷۶

۲. حکمت ۱

۳. خطبهٔ ۴۱

۴. خطبهٔ ۳

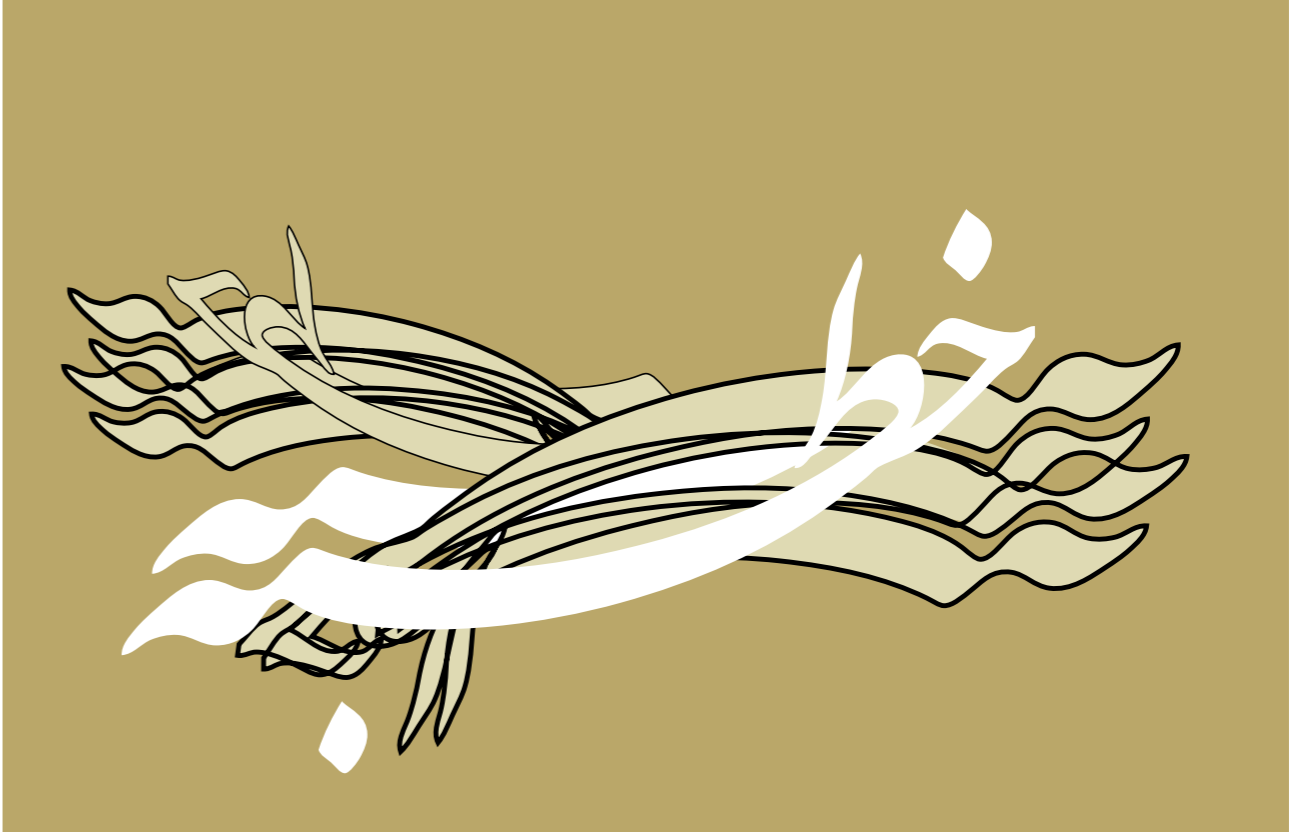
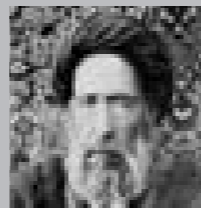
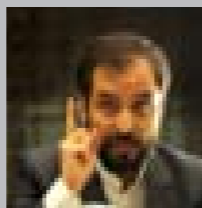
۵. خطبهٔ ۳

۶. حکمت ۱۰۶

۷. خطبهٔ ۸۸

۸. خطبهٔ ۱۴۷

سُست



فرهنگ مظلوم. مظلومیت‌های فرهنگی!

مرتضی وافی

بدون تردید در عرصهٔ فرهنگی وجود دو جبههٔ فعال به چشم می‌خورد. اول، جبههٔ فرهنگی انقلاب اسلامی که در آن مجموعهٔ جریان‌ها، نهادها و عناصر معتقد به مبانی اسلام و انقلاب و کسانی که تلاش فرهنگی در جهت تقویت آن مبانی را دارند، و دوم، جبههٔ فرهنگی معارض با انقلاب که در آن جریان‌های بی‌اعتقاد به مبانی نظام و اسلام و افرادی که تلاش و معارضهٔ فرهنگی با اسلام و حرکت رو به رشد انقلاب را برنامه‌ریزی می‌کنند. هنوز هم این شاخصه‌ها برای شناخت جبههٔ حق و باطل لازم و مورد استفاده است. اما آن‌چه مغفول واقع می‌شود، حس حضور فعال و مؤثر عناصر «میانه» است. در تعریف نوع نگاه این عناصر باید گفت:

الف) عدم اعتقاد جدی به مبانی انقلاب و اسلام و در عین حال عدم تعارض با آن.

ب) شأنیت ورود در حوزه‌های تخصصی و دارا بودن مهارت‌های فنی فرهنگی.

ج) نیازمند توجه به خواسته‌ها، عواطف و همدردی و همراهی در بخشی از انتقادات و نظرهای آنان.

این عناصر که در حوزه‌های تخصصی به‌ویژه «فرهنگ، هنر و علوم انسانی» کم‌شمار نیستند، قابلیت جذب و به کارگیری در دو جبهه را دارند. فقدان نگاهی که بتواند با آغوش باز و سعهٔ صدر این گروه عظیم و کارآمد را به کار گیرد و آثار آن‌ها را در خدمت تفکر ناب انقلاب و بسط فرهنگ اسلامی مورد استفاده قرار دهد همان دردی است که سال‌های سال بسیاری از این چهره‌ها را از میان صف خودی‌ها جدا ساخته و خواسته و ناخواسته آن‌ها را در خدمت جبهه‌های معارض قرار داده است؛ حکایتی دردآلود که گاه خود آن عزیزان به خدمت برده شده را رنج می‌دهد! یادم هست عزیزی که سال‌ها در خدمت به فرهنگ انقلاب و جبهه و جنگ و دانشگاه فعالیت می‌کرد و گرفتار برخی بازی‌های سیاسی شد، در جلسه‌ای خودمانی از او سؤال کردم، فلانی تو چرا؟!

گفت: «گاهی در تشییع جنازه از خود می‌پرسیدم چرا با این همه جمعیت کسی زیر جنازه را نمی‌گیرد. و یک بار وقتی شانهٔ خودم را زیر تابوت حس کردم، فهمیدم که جواب این است؛ هر کس شانه‌اش را زیر این بار بنهد، ناگزیر است تا کنار قبر با جنازه همراه باشد.» و بعد با مزاح و تلخی گفت: «فلانی! ما شانه‌مان را زیر جنازه برده‌ایم. چاره‌ای نیست تا دم قبر باید رفت!» سیاستی که این روزها خاطرها را آزرده و شانه‌ها را به تعب و رنج انداخته از این مقوله است. به خدا پناه می‌بریم از این که یا خود دچار این فتنه گردیم یا کم‌صبری و دید محدود و دایرهٔ تنگ‌مان دیگران را به جنازهٔ سیاست‌بازی و مکر و حيلهٔ جبههٔ معارض گرفتار سازد.

از این رو می‌بایست آثار و لوازم نگاه جبهه‌ای به عرصهٔ فرهنگ را شناخت و بر اساس آن تمامی محورهای فرهنگی موجود در حوزهٔ حکومت و یا دستگاه‌های دولتی فرهنگی، نهادهای غیر دولتی و مؤسسات، NGOها، سازمان‌های مردم‌نهاد و اشخاص و عناصر فعال را سامانی دوباره داد.

ادامه دارد...



گفت‌و‌گو با معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی

تعمیق باورهای دینی کمر هئیت



گروه هیئت: تلاش برای مهندسی مجدد هیئت‌های مذهبی از دغدغه‌های جدی برخی دانشمندان علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم دینی و ... است که هریک از منظری خاص هیئت را به مثابه یک مکان آموزشی-پرورشی که در آن تجمعی از مردم برای زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی با محوریت واقعه عاشورا و قیام امام حسین (ع) صورت می‌گیرد، مطالعه کرده‌اند. بدیهی است، نفوذ این تشکل دینی که شاید هنوز هم مردمی‌ترین نهاد مذهبی در جامعه محسوب می‌شود، در سایر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و ... از دید منتقدان دلسوز در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... پنهان نبوده و نیست و تلاش برای ساماندهی این تشکل‌های مردمی از دغدغه‌های همیشگی مسئولان بوده و هست. بدین منظور همان‌طور که مستحضرید، خیمه سلسله مباحثی درباره هويت هیئت‌های مذهبی، نقش و کارکرد آنها در عصر حاضر و ... را در کارگروه پژوهشی در گروه هیئت قرار داده است و دنبال می‌کند. آنچه در ادامه می‌آید، پرسش و پاسخی درباره مباحث یادشده از حجت‌الاسلام والمسلمین حسین روحانی‌نژاد، معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی است که می‌خوانید.

با محوریت ترویج فرهنگ قرآن و عترت به برگزاری مراسم در مناسبت‌های مذهبی (اعیاد مذهبی، موالید و وفیات ائمه معصومین (ع)) می‌پردازد و با هدف زنده نگه‌داشتن سنت عزاداری در طول سال و به صورت خاص در ایام شهادت سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) با ساختار مردمی و زیر نظر هیئت ائمه فعالیت می‌کند.

خلوص نیت، خود از افضل غربات اهلی محسوب می‌شود.

آنچه به صورت خاص به هیئت هويت می‌بخشد، همانا برگزاری مراسم با محوریت مناسبت‌های مذهبی به‌ویژه عزاداری حضرت سیدالشهداء (ع) است. درباره این موضوع کارکردهایی نیز برای هیئات مذهبی متصور است:

۱. اعتقادی (ترویج معارف قرآنی، تعظیم شعائر الهی و برگزاری مراسم جشن و عزای ائمه معصومین (ع)، تبیین عقاید و احکام اسلامی، رفع شبهات و ...)
۲. فرهنگی (نشریات و کتب، برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی، برگزاری مسابقات و اردوهای زیارتی-سیاحتی و ...)
۳. اجتماعی (فضاسازی تبلیغی در سطح شهرها، ایجاد ارتباط صمیمی میان مردم به‌ویژه قشر جوان با روحانیان، تشکیل صندوق‌های قرض‌الحسنه، کمک‌رسانی به محرومان و مستضعفان و ...)
۴. سیاسی (شرکت گسترده در راهپیمایی‌های مذهبی و ملی، تشویق مردم برای بالا بردن میزان شرکت در انتخابات، اعلام حمایت در مواضع مالی و بین‌المللی نظام مقدس جمهوری اسلامی و ...)

خلیبا آیا همان‌طور که از دل تشکلی مانند بسیج، فرهنگ بسیجی با تعبیر و تفسیرهای گوناگون بیرون می‌آید، هیئت هم ظرفیت ارائه فرهنگی مختص به خود را دارد؟

ایجاد یک فرهنگ، معلول القای درازمدت آموزه‌های خاص به همراه انجام آداب و رسوم ویژه است؛ برای مثال آموزه استجاب شدید اقامه عزای سالار شهیدان از یک‌سو و برقراری مستمر آن، خودبه‌خود به ایجاد فرهنگ یا خرده‌فرهنگ عاشورا و عزاداری منجر شده است. این دو عامل در بیشتر هیئات وجود دارد؛ بنابراین ظرفیت ارائه فرهنگ یا خرده‌فرهنگ هیئتی موجود است و در واقع فرهنگ هیئتی هم‌اکنون هم در بین اقشار مذهبی جامعه ما حضور دارد؛ البته مانند سایر فرهنگ‌ها از آسیب‌هایی نیز رنج می‌برد.

خلیبا وجوه اشتراک و تمایز هیئت‌ها یا «ان‌جی‌او»ها و سایر تشکل‌های فرهنگی-مذهبی چیست؟

از آنجایی که ان‌جی‌او یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد، تشکل‌هایی غیردولتی هستند که عده‌ای را در جامعه با اشتراکات خاصی برای تحقق اهداف خاص اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورند، هیئت نیز می‌تواند نوعی ان‌جی‌او شمرده شود، با این ویژگی که اهداف تأسیس و روش عملکردی

■ از جمله ویژگی‌های هیئت قدمت تاریخی و سابقه دیرین حضور آن در جامعه ایران است که بدون شک قدیم‌ترین و گسترده‌ترین تشکل دینی محسوب می‌شود ■

هیئت، اهداف و روش‌های ویژه‌ای هستند که در سایر ان‌جی‌اوها کمتر مشاهده می‌شود. بستر ایجاد هیئت، همانند دیگر تشکل‌ها، متن جامعه است؛ اما اختصاص به قشر یا طبقه خاصی ندارد و عنصر تقدس عملکرد، از ویژگی‌های خاص آن است که در سایر ان‌جی‌اوها مشاهده نمی‌شود. اعضای هیئت به اعتقاد به تقدس خدمت به هیئت، در راه اجرای برنامه‌های هیئت بدون هیچ چشم‌داشتی از جان مایه می‌گذارند. تفاوت دیگر هیئت با سایر تشکل‌های دینی تمرکز برنامه‌ای هیئت بر اجرای مراسم مذهبی به‌ویژه مراسم مربوط به اعیاد و وفیات ائمه اطهار (ع) و به‌طور خاص حضرت سیدالشهداء (ع) است؛ از جمله ویژگی‌های هیئت، قدمت تاریخی و سابقه دیرین حضور آن در جامعه ایران است که بدون شک قدیم‌ترین و گسترده‌ترین تشکل دینی محسوب می‌شود.

خلیبا مهم‌ترین رسالت هیئت‌ها چیست؟ آیا نگاه سنتی به هیئت‌ها و مجموع عملکردهایی که به‌طور سنتی در هیئت‌ها انجام می‌شود، می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه امروزی در انجام رسالت هیئت‌ها باشد؟

مهم‌ترین رسالت هیئت، تعمیق باورهای دینی و افزایش انگیزه‌های معنوی در بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان است. نگاه سنتی‌داشتن، به‌طور حتم به معنای ناکارآمدی نمی‌تواند باشد؛ بنابراین با توجه به ابعاد مختلفی که فرهنگ جامعه ما دارد، چه بسا هیئات با شکل سلبی خود بتوانند در جذب آن دسته از اقشار جامعه که دینداری را در قالب سنتی

■ وجود مسئول امور فرهنگی و آموزشی در زیرمجموعه مدیریت هیئت می‌تواند نقش بسیار مهمی را ایفا کند ■



ترجیح داده‌اند، مؤثر باشند؛ با وجود این، هیئت به‌ویژه هیئاتی که از کادر اجرایی با سن متوسط روبه‌پایین برخوردارند؛ اما این توانایی را دارند که به صورت مدرن (استفاده از ابزار مدرن، سبک‌های مدرن، پرداختن به موضوعات جدید، اجرای مراسم مدرن، برنامه‌ها با شیوه‌های جدید) به مقوله تعمیق دینداری در زمان کنونی بپردازند. در حال حاضر نوع سنتی در حال فعالیت دینی هستند و هریک مخاطب خاص خود را دارند.

خلیبا جایگاه هیئت‌ها در مختصات نظام آموزشی-پرورشی کجاست؟ به نظر شما چگونه می‌توانیم از هیئت‌ها در انجام امور تربیتی استفاده کنیم؟

هیئات مذهبی به دلیل بهره‌گیری مؤلفه‌هایی نظیر: مباحث قرآنی، سخنران مذهبی، اجرای برنامه‌های عزا و سرور برای اهل بیت (ع)، روحیه جمعی و صمیمت درونی، قابلیت زیادی برای ایفای نقش مکمل (و نه اصلی) در نظام آموزشی و تربیتی جامعه ما می‌توانند ایفا کنند. این نقش بیشتر در موضوع عقاید شیعی، احکام و اخلاق اسلامی می‌تواند جلوه‌گر باشد؛ در ضمن تبیین دیدگاه‌های مربوط به نظام اسلامی نظیر موضوع ولایت فقیه از جمله کارکردهای مؤثر آموزشی و تربیتی هیئات مذهبی بوده است.

بدیهی است که ایجاد گفتمان سازنده مسئولان هیئات و به‌ویژه تعامل با شورای هیئات مذهبی راه استفاده از هیئات برای ارتقای سطح تربیتی دینی جامعه را هموار می‌سازد.

خلیبا به‌طور کلی برای آنکه یک هیئت در مطلوب‌ترین وضعیت خود به منزله یک مکان آموزشی-پرورشی و البته به منظور هر کارکرد دیگری که برای آن قائل هستید، قرار گیرد، چه ساختاری باید داشته باشد؟

به عبارت دیگر ارکان مورد نیاز یک هیئت چیست؟ وجود مسئول امور فرهنگی و آموزشی در زیرمجموعه مدیریت هیئت می‌تواند، نقش بسیار مهمی را ایفا کند؛ اما سازمان، تعریفی از ارکان هیئت دارد و آن را به همه استان‌ها ابلاغ کرده است که در آن مربی قرآن و روحانی در هیئت از ارکان آن هیئت محسوب می‌شوند و بار آموزشی و پرورشی اعضای هیئت و مخاطبان را بر دوش دارند؛ البته خلأهایی در تحقق این امر در هیئات وجود دارد؛ همچون نبود یا کمبود فضای آموزشی، ابزار کمک‌آموزشی و ... که وجود انگیزه‌های معنوی خود باعث می‌شود تا حد زیادی رفع و با مدیریت هوشمند مسئول هیئت از روش‌های گوناگون مردمی و پشتیبانی ارگان‌های فرهنگی حل شود. ■

اخلاص، اخلاص، اخلاص



«و همچنین به مجلهٔ خیمه عرض می‌کنم، بیاپید هر ماه به نام ۱۴ معصوم (ع)، ۱۴ نفر از مسئولان هیئت‌های قدیمی، به ترتیب، معرفی کنید و از کارکرد آنان در هیئت، مطالبی بنویسید؛ آن‌هم نه اینکه او بیاید، تعداد غذادان در روزهای مختلف را بیان کند، بلکه بگوید، چند نفر قرآن‌خوان تربیت کرده است و ... خلاصه فعالیت‌های این هیئت را به طور کامل بنویسید تا دیگر هیئت‌ها درسی بگیرند. من عامیانه نوشتم ... عاقلانه عمل کنید.»
والسلام روئین‌نژاد

گروه هیئت: این فرمایش آقای محمدباقر روئین‌نژاد، مسئول هیئت جوانان بنی‌هاشم تهران را از شمارهٔ بیست‌ویکم نشریهٔ «راه هدایت» نقل می‌کنم. هیئت جوانان بنی‌هاشم را در شمارهٔ ۵۷ معرفی کردیم و دربارهٔ نشریهٔ «راه هدایت» هم گفتیم.

۳-۲ هفتهٔ پیش، فکر می‌کنم، نهم مهر بود که جناب روئین‌نژاد با دفتر ماهنامه تماس گرفتند و برای نشستی در «حسینیهٔ حضرت ابوالفضل قمر بنی‌هاشم (ع)» دعوتمان کردند تا در جلسه‌ای که قرار بود، فردای آن‌روز تشکیل شود و ۴۰ هیئت از هیئت‌های جنوب شرقی تهران شرکت کنند، ما هم حضور داشته باشیم. متأسفانه از بین ۴۰ هیئت فقط مسئولان ۸-۷ هیئت آمده بودند و به نظرم جلسه، آن‌طوری نشد که آقای روئین‌نژاد پیش‌بینی کرده بودند؛ اما همان‌طوری هم که شد، بسیار خوب و مفید بود. در این جلسه با «حاج محمد جنتی» از مداحان و واعظان فرهیختهٔ اهل بیت (ع) آشنا شدیم و گپ‌وگفتی با پیرغلامان حسینی داشتیم که بسیار لذت‌بخش و امیدوارکننده بود. در این جلسه دوستان هر کدام از منظری به

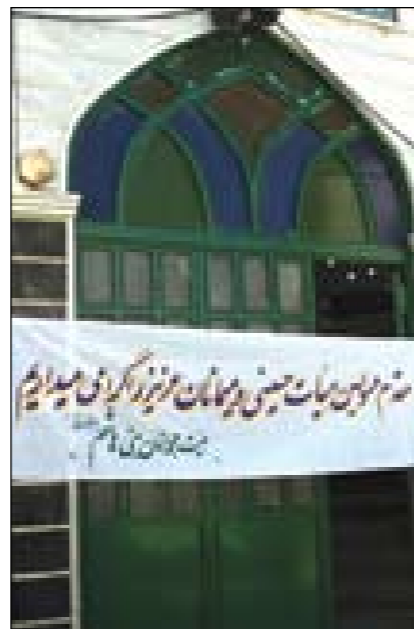
■ اگر در هیئت‌ها برای فهم مسائل دینی کاری صورت نگیرد این تجمع تجمع مفیدی نخواهد بود ■

مقولهٔ هیئت‌داری، نگاهی داشتند و دیدگاه‌های خود را در بوتۀ نقد سایرین می‌آزمودند. از همه گویاتر حاج محمد جنتی بود که می‌گفت: «در کربلا یک غیر مسلمان در برابر امام حسین (ع) نایستاد. امروز هم ما دلمان می‌خواهد، یاری کنیم؛ اما گاهی آنچه مولا می‌خواهد، با آنچه دل ما می‌خواهد، زمین تا آسمان فرق می‌کند. ما باید سمعاً و طاعتاً در برابر فرمایش مولا چشم‌قربان محض باشیم.»

آقای جنتی، واعظ چیره‌بیانی است و سخنانش خوب به دل می‌نشیند. کم‌وبیش همه موافق بودیم که:

- مداحی که میکروفن امام حسین (ع) را سیاسی کند، اشتباه می‌کند.
- مداحی که پشت میکروفن فحش می‌دهد، اشتباه می‌کند؛ ولو اینکه هرچایی برنامه اجرا کند و هرچقدر هم طرفدار داشته باشد.
- اخلاص، اخلاص، اخلاص
- ما باید در بین خود، فرهنگی را نهادینه کنیم که اگر خدای ناکرده همه، راه اشتباه را انتخاب کردند، ما راه درست را برگزینیم.
- نباید به بهانهٔ جذب مخاطب، به هر کاری دست زد.
- اگر در هیئت‌ها برای فهم مسائل دینی، کاری صورت نگیرد، این تجمع، تجمع مفیدی نخواهد بود.

آقای جنتی می‌گفت: «هر جلسه و هر گردهمایی‌ای که برگزار شود، نامش مهم است و اگر جلسه‌ای برای بهترین بندگان خدا یعنی ائمه (ع) برگزار شود، در دایرةٔ گسترده‌تری توجه‌ها را به خود جلب می‌کند؛ بنابراین ما انگشت‌نما می‌شویم. اگر کسی انگشت‌نما شود، در هر زمینه‌ای آبروی مقدمه با ذی‌المقدمه است؛ برای مثال اگر من در قوهٔ قضائیه



کار کنم و اشتباه کنم، آبروی قوهٔ قضائیه را برده‌ام. اگر در فلان وزارت‌خانه مشغول باشم و خطایی کنم، خطای مرا به حساب آن وزارت‌خانه می‌گذارند؛ اما اگر خدای ناکرده در لباس نوکری الگوهای حقیقی جهان تشیع، یعنی حضرت پیغمبر (ص) و آل پیغمبر (ص) اشتباهی مرتکب شوم، بسیار ضرر زده‌ام. گاهی ما تصور می‌کنیم که خدمت می‌کنیم؛ اما در واقع این‌طور نیست. حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «دو دسته کمر مرا شکستند؛ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضُ قَالٍ». یک دسته کسانی که محب افراطی‌اند؛ برای نمونه می‌گویند: «من حسین اللهی‌ام و چه و چه و چه ...» (در صورتی که ما می‌گوییم، السلام علیک یا ابا عبدالله (ع). در اصل تمام هنر ابا عبدالله (ع) در بندگی است؛ منتهی بنده‌ای که ممتاز است.) و کسانی هم که نسبت به من بغض دارند.

جلسهٔ بسیار مفیدی بود و دوستان همه ابراز امیدواری کردند با پی‌گیری‌های مجدد همدیگر به‌اتفاق مدیران و مسئولان سایر هیئت‌ها باز هم این جلسه را دنبال کنیم. به آقای روئین‌نژاد پیشنهاد کردم، اگر خداخواست و جلسات ادامه پیدا کرد، بهتر است که در دفتر ماهنامهٔ خیمه برگزار شود و ایشان هم پذیرفت. به امید خدا با پی‌گیری‌های دوستان، سعی می‌کنیم، این جلسات را به طور هدفمند ادامه دهیم تا به نتایج مطلوب‌تری دست پیدا کنیم. به قول دوستان، این چند جملهٔ آقای جنتی هم بسیار چسبید: «من قصد ندارم، قال الجنتی بگویم که خدای ناکرده واهمه‌ای داشته باشیم. ما قال الصادق (ع) می‌گوییم. ما قال الصادق (ع) می‌گوییم؛ ولو اگر همهٔ معروف‌ها با ما دشمن شوند که مهم نیست. ما با پشتوانهٔ معارف اهل بیت (ع) سعی می‌کنیم، درست‌ترین راه را طی کنیم؛ حتی اگر دیگران نپسندند.» به امید خدا. ■

تأسیس اندیشه‌گاه آینده‌گرا

سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمکران تدوین شد

دبیر شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران، حجت الاسلام مرتضی وافی، دربارهٔ تدوین سند چشم‌انداز مسجد مقدس جمکران دو نوع رویکرد را تبیین کرد و در توضیح این دو رویکرد گفت: چشم‌انداز به یک معنا تصویری از آیندهٔ مطلوب است. آینده آرمانی، که برای افق ۱۵ تا ۲۰ سال ترسیم می‌شود. رویکرد اول، که در آن با درنظر گرفتن داشته‌ها و وضع موجود و با توجه به منابع مالی که ان‌شاءالله سال‌های آینده بدست می‌آوریم، وضعیت آینده را برای مسجد مقدس جمکران ترسیم می‌کنیم.

در رویکرد دوم که از آن با عنوان «رویکرد تجویزی» یاد می‌کنند، ما تا حدی مستقل از آنچه اکنون هستیم و آنچه می‌توانیم باشیم، در یک سفر ذهنی به افق مورد نظر خود، طرحی شایسته از افق مسجد را ترسیم می‌کنیم، در حقیقت نباید به وضعیت موجود نگاه کنیم بلکه باید شرایط مطلوب آینده را درنظر بگیریم.

آنچه که ما برای چشم‌انداز آینده مسجد مقدس طراحی کردیم، چشم‌انداز تجویزی بوده، یعنی گفته‌ایم که باید در آینده چه وضعیتی داشته باشیم و به اصطلاح پس‌بینی کرده‌ایم که برای رسیدن به این وضعیت چه شرایطی را در گذشته باید داشته باشیم. الزامات تحقق چشم‌انداز را در بحث بیانیهٔ چشم‌انداز مسجد مقدس جمکران با این رویکرد تکمیل کرده‌ایم.

اولین گام در تدوین چشم‌انداز، تعریف مأموریت مسجد مقدس جمکران بوده و آن «مشارکت در فرآیند ترویج بومی و جهانی اندیشه و آرمان تشیع است».

اهداف و ارزشهای بنیادین ترسیم شده باید در تمام اقدامات و تصمیم‌های مدیریتی مسجد مقدس جمکران مورد توجه قرار گیرد و بازتاب آشکار داشته باشد. این ارزش‌های بنیادین همسویی با منافع و مصالح عالی نظام اسلامی، حفظ و تقویت وجه قدسی مسجد مقدس جمکران، تقویت نمای علمی - فرهنگی مسجد، بازنمایی عظمت تشیع در چشم جهانیان، تألیف قلوب و توسعهٔ ارتباطات، نوآوری و ابتکار عمل است.

تأسیس اندیشه‌گاه آینده‌گرا جهان از فعالیت‌های پیش‌بینی شده برای جمکران است

افزایش زائران ماهانه و سالانه مسجد مقدس جمکران تا دو برابر که البته شماری از آنها می‌توانند مجازی باشند، برگزاری کنگرهٔ جهانی تشیع، تأسیس اندیشه‌گاه آینده‌گرا جهان، احداث یک مجتمع فرهنگی آموزشی موسوم به سرزمین آینده، تبدیل شدن به الگوی معماری مساجد، احداث فضاهای فرهنگی برای مثال مراکز آفرینش‌های هنری - فرهنگی وابسته به مسجد، برخی اهداف راهبردی مسجد در افق ۱۴۰۴ است.

همچنین ساماندهی و برگزاری جشنوارهٔ آیندهٔ قدسی، دست‌یابی به نرخ رشد سالانهٔ ۴۰ درصد در تولید کتاب‌های شیعی که طبیعتاً باعث می‌شود جمکران در ۲۰ سال آینده به قطب جهانی نشر در حوزهٔ اندیشه و آرمان تشیع تبدیل شود، از جمله اهداف چشم‌انداز است. البته از نظر کیفیت محتوایی و ظاهری نیز کتاب‌ها باید در حد استانداردهای روز جهانی ارتقاء یابد. ایجاد مرکز مطالعات کیفی رسانهٔ اسلامی با توجه به، نیاز به ژورنالیسم و همچنین موارد بصری با مضامین شیعی ناب، ایجاد شبکهٔ جوانان مهدوی با هدف راه‌اندازی یک شبکهٔ فراگیر و بزرگ (که اعضای آن از نظر فیزیکی و مجازی با یکدیگر مرتبط هستند و از آموزش‌های شیعی و خدمات متقابل برخوردار می‌شوند) و راه‌اندازی عظیم‌ترین کتابخانهٔ مجازی تشیع از دیگر اهداف راهبردی این چشم‌انداز است.

چشم‌انداز جمکران به تأیید نهایی رهبر معظم انقلاب می‌رسد

دبیر شورای فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران اضافه کرد: تکمیل پیش‌نویس این چشم‌انداز باید با اضافه کردن سیاست‌های راهبردی و سئوگیری استراتژیکی باشد که پس از تصویب کلیات چشم‌انداز امکان‌پذیر است. ویرایش اول و دوم این چشم‌انداز انجام شده و پس از گرفتن دیدگاه صاحب‌نظران به خدمت تولیت ارانه و در نهایت این چشم‌انداز به محضر مقام معظم رهبری می‌رسد.

این چشم‌انداز پنج ماه دیگر در روز نهم ربیع‌الاول سالروز آغاز امامت امام زمان (عج)، خدمت مقام معظم رهبری می‌رسد. تا اعضای شورای عالی فرهنگی و برنامه‌ریزی مسجد مقدس جمکران براساس آن، ساختار تشکیلاتی، برنامه‌های فرهنگی، اجرایی برنامه‌ها و راهبردهایی بر اساس منویات مقام معظم رهبری داشته باشند.

تصویب این چشم‌انداز در دو مرحله خواهد بود مرحلهٔ اول توسط تولیت مسجد مقدس جمکران صورت می‌گیرد و پس از آن نظر و تأیید نهایی مقام معظم رهبری ابلاغ و اجرایی می‌شود. ■



مسجد مقدس جمکران

مداحی سیاست

منبر امام حسین (ع) محل تصفیہ حساب* نیست



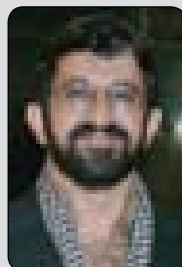
**تذکر مهم آیت‌الله مکارم شیرازی
به مداحان اهل بیت (ع)**



مداحان اهل بیت (ع) باید شئون مجلس عزاداری را حفظ کنند. دین از سیاست جدا نیست؛ اما این سیاست یعنی سیاستی که به معنی حفظ نظام باشد. غلطیدن در جناح‌ها و به نفع آنها در مجالس سخنرانی کردن به صلاح مجالس عزاداری نیست. نباید خطیبان و واعظان اهل بیت (ع) در مراسم‌های عزاداری خود به نفع فلان کاندیدا تبلیغات کنند که این مسئله باعث خواهد شد، مجلس ضایع شود و ارزش‌های عزاداری از هم فروپاشد.



**حاج مرتضی طاهری:
مداحان باید در عرصهٔ سیاست
به مثابهٔ یک وظیفهٔ شرعی و انقلابی
وارد شوند**



هر مسلمان متعهدی باید نسبت به موقعیت زمانی و مکانی‌ای که در آن قرار دارد، حساس باشد و بی‌تفاوت بودن بالطبع از هیچ‌کس مورد قبول نیست؛ به‌ویژه از مداحان اهل بیت (ع)؛ اما اینکه ما بخواهیم در جزء مسائل وارد شویم و از نفرت خاصی حمایت کنیم یا به تخریب و نفی آنان

دست بزنیم، کار درستی نیست.

از طرفی انسان برای وارد شدن به هر عرصه به آگاهی و اطاعت کافی و وافی نیاز دارد. انسانی که اطلاعات و آگاهی ندارد، نمی‌تواند،

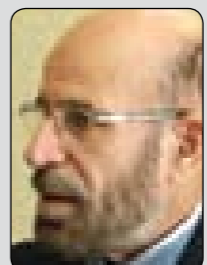
در هیچ عرصه‌ای وارد شود. در این قاعده مداحان مستثنی نیستند و اگر بخواهند، به عرصه‌ای وارد شوند، باید اطلاعات لازم را داشته باشند. مداحان نباید به صورت مستقیم وارد شوند.

اگر مستقیم وارد شوند، باید تبعات آن را بپذیرند و این مسئله از ساحت نورانی ذکر و ذاکری اهل بیت عصمت و طهارت (ع) به دور است.

مداحان باید در عرصهٔ سیاست به صورت کلی و به مثابهٔ یک وظیفه شرعی و انقلابی وارد شوند؛ اما بهتر است در جزئیات وارد نشوند. نباید دچار سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی و حزب‌بازی شوند.



**غلامرضا سازگار:
مداحان باید در سیاست
نقش داشته باشند
اما نقش مثبت**



وقتی کسی می‌خواهد کاندیدا شود، باید از کانال شورای نگهبان بگذرد؛ پس وقتی مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت، حق نداریم به او توهین کنیم؛ چه موافق او باشیم و چه نباشیم. اگر موافق بودیم، مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می‌کنیم؛ اما حق نداریم، دیگری را بگوییم؛ چراکه همه مورد احترام‌اند. وقتی هم که کاندیدای مورد

نظر من رأی نیاورد، وظیفه دارم، با او همکاری کنم. تمام ملت باید این‌گونه باشند. مداحان باید در سیاست نقش داشته باشند؛ اما نقش مثبت.



**حسین هوشیار:
منبر امام حسین (ع)
محل تصفیہ حساب‌ها نیست**

معتقدم، منبر امام حسین (ع) محل تصفیہ حساب‌ها نیست. همان‌طور که منبر، امانت است، گوش مستمع هم امانت است. باید امانتدار خوبی باشیم. امانتی که ممکن است، فردا دست ما نباشد. معتقدم، فریاد حق‌طلبی افتخار یک مداح است. همان‌طور که افتخار می‌کنیم، منبر در زمان رژیم گذشته سیاسی بود، افتخار می‌کنیم که روح حماسه و ظلم‌ستیزی هم در آن بود.



**مهدی منصوری:
مداح
نباید خود را
وابسته به یک جناح و خط کند**

نباید مداح هیچ تحرکی نداشته باشد. اگر مداح سیاست را نداند و خوب را از بد تشخیص ندهد و نتواند برای آینده و کشورش سرنوشت تعیین کند، نمی‌شود. مداح باید مثل یک دایره‌المعارف و با نقاط مثبت و منفی جامعه آشنا باشد. مداح نباید خود را وابسته به یک جناح و خط کند. این خداپسندانه نیست. باید بتواند جامعه را هدایت کند که در این مورد هم هرچه باشد، باید بزرگ‌ترهای خود را الگو قرار دهد. اگر صدایش خوب است و یا شعر خوب می‌گوید، دلیل نمی‌شود که سیاستش هم خوب باشد. تخصص و تعهد باید در کنار هم قرار گیرند.



**حجت‌الاسلام عالی:
مسائل را احساسی بیان کردن
مداحی را تخریب می‌کند**

در اینکه مداح نباید از مسائل سیاسی دور باشد، شک نیست؛ چون دیدگاه نابی که امام (ع) ارائه داد و ما آن را دیدگاه اهل بیت (ع) می‌دانیم، چه در مداحی و چه در سخنرانی باید بیاید؛ منتهی گاهی افراط می‌شود. گاهی دیدگاه‌های خاص اعمال می‌شود. گاهی روی مصادیق انگشت گذاشته می‌شود؛ نه معیارها. اینها ناشی‌گری است.

طبیعی است، مردم به مسائل سیاسی حساس هستند، می‌فهمند و واکنش نشان می‌دهند. زبانی است که منطق روی آن نیست. مسائل را احساسی بیان کردن، مداحی را تخریب می‌کند؛ و گرنه در اینکه نهضت عاشورا به قول حضرت امام (ره) بعد سیاسی‌اش مهم است، شکی نیست. معیار قراردادن آن عیبی ندارد. اشعاری که ظلم‌ستیز باشد و حتی معیارهای اجتماعی را مطرح کند، خوب است؛ ولی به مصادیق وارد شدن، ضربه می‌زند.



**محسن طاهری:
روشنگری مانعی ندارد**



اگر گرایش‌های درست و خطوط بارز دینی، سیاسی و فکری - که روشنگری افکار عمومی و جامعه را باعث می‌شود - گفته شود، مانعی ندارد.

اگر ذاکر و مداح خودش این صفات را داشته باشد و در بین شنوندگان و مشارکت‌کنندگان امواج مثبت ایجاد کند، به اندازهٔ کافی اثر خواهد گذاشت. اگر هم از آنها در موردی نظرخواهی شود، همچون دیگر اقشار و احاد جامعه باید به وظیفهٔ شرعی، الهی و سیاسی خود عمل کنند.



**منصور نورایی:
آیا من مداح نباید
شمر و عمر سعد امروز را نام ببرم؟**

اهل بیت (ع) فرموده‌اند: «بگویید در حق ما آل محمد (ص) چه آورده‌اند تا مردم قدر و ارزش دین را بدانند.» پس در این صورت من مداح که می‌خواهم، حقایق را بیان کنم، آیا نباید بگویم که شمر چه کسی بود؟ شمر امروز، عمر سعد امروز چه کسی است؟ من باید چیزی بگویم که مردم

عبرت بگیرند. من چطور می‌توانم، مداحی کنم و کودتاگران سقیفه بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) را معرفی کنم؛ اما کودتاگران امروز را معرفی نکنم؟ آیا عده‌ای حق دارند، از سیاست بگویند - که صد البته سواد اسلام سیاسی‌شان از بسیاری از مداحان هم پایین‌تر است - اما مداحان که وظیفه دارند تا پیام اهل بیت (ع) را بیان کنند، حق ندارند؟ البته مخالفم که مداحی که سواد ندارد، مداحی کند.

مداح باید باسواد باشد، باید به هر چیزی که می‌خواهد بگوید، علم داشته باشد. باید به‌روز باشد. باید با سیاست آشنا باشد؛ اما کسی که سیاست می‌داند، باید از سیاست حرف بزند. کسی که حقایق را نگوید، باور دینی ندارد. مداح باید از سیاست بگوید؛ البته مداحی که سواد و علم داشته باشد.



**مهدی سلحشور:
دیانت ما عین سیاست ماست
و سیاست ما عین دیانت ماست**



دیانت ما همان سیاست ماست و سیاست ما همان دیانت ماست. ما باید به اصل نظام و ولایت فقیه پایبند باشیم و نسبت به مسائل پیرامونمان موضع‌گیری

کنیم. در مداحی، فضایل اهل بیت (ع) را بگنجانیم و از بهترین شعرها و سبک‌ها استفاده کنیم تا بتوانیم به مردم درس بدهیم.



**سعید حدادیان:
به‌طور حتم باید مداحان
به عرصهٔ سیاست هم وارد شوند**

اول باید بگویم که به‌طور حتم باید مداحان به عرصهٔ سیاست هم وارد شوند. دوم در کدام انتخابات دیدید که دیدگاه‌های دیگران، همچون ورزشکارها و یا بازیگران را نپرسند؟ با همهٔ قشرهای مختلف مصاحبه می‌کنند و نظرشان را می‌گیرند، همیشه از آقای پروین پرسیده شده است که به چه کسی رأی می‌دهد؛ اما به سعید حدادیان و مداحان که می‌رسد، همه صدایشان درمی‌آید. تازه من باید سیاسی‌تر باشم یا آقای پروین؟ من در عرصهٔ سیاسی کشور صاحب‌نظر هستم یا آقای پروین و قلعه‌نویس؟

من به نمایندگی از مداحان می‌گویم که ما در تمام جاهایی که خطر جدی همهٔ جامعه را تهدید کند، دست‌به‌کار می‌شویم و این را هم امام راحل (ره) دستور داده‌اند که انجام دهیم؛

برای مثال من در جایگاه یک مداح، طبق فرمودهٔ مقام معظم رهبری باید از دولت حمایت کنم و می‌کنم؛ اما آنهایی که با دولت مخالفت می‌کنند و دلیل مخالفتشان هم مشخص است، به ما می‌گویند، چرا به عرصهٔ سیاست وارد می‌شوید و از دولت حمایت می‌کنید؟

می‌خواهم به این آقایان بگویم، شما اگر از امام حسین (ع) حیا ندارید و این‌گونه به جامعهٔ مداحی توهین می‌کنید، خودتان را چگونه صاحب‌نظری می‌دانید که بدون دلایل و پیروی از اصول نظریه‌پردازی به‌راحتی می‌گویید، ما یک جریان سیاسی هستیم؟



**خلج:
فراموشی رسالت اصلی**



برخی مداحان به مسائل سیاسی وارد شده‌اند و کار اصلی خود را که بیان معارف دینی و حفظ خون شهدا و یاد ائمه (ع) است، فراموش کرده‌اند.



**مجید زادشیر:
ذاکران اهل بیت (ع)
باید سیاسی باشند**

به عقیدهٔ من سیاست ما همان دیانت ما و دیانت ما همان ولایت ماست. سخن مدرس و فرمایش‌های امام (ره) و رهبر انقلاب دربارهٔ این موضوع بر مبنای زیارت جامعهٔ کبیره است که امام هادی (ره) فرمودند: «زیارت جامعهٔ کبیره را برای شیعیان در آخرالزمان گفته‌ایم که دچار تشکیک و انحراف نشوند.» مثل اکنون که این سؤال بیان شده است که آیا ذاکران به سیاست ورود کنند یا نه؟ مداحان باید تمسک به اهل بیت (ع) و سیرهٔ ایشان کنند و بدون شک باید به سیاست ورود داشته باشند. دعبل خزاعی، کمیت یا شعرا و مداحانی که در زمان اهل بیت (ع) مورد تقدیر و تأیید اهل بیت (ع) واقع شدند، کسانی بودند که به‌نوعی با سیاستمداران روز و با جابران به وسیلهٔ شعر و مداحی و ذکر و ... در تقابل بودند، در زمان امام صادق (ع) حرکت، یک حرکت سیاسی-فرهنگی بوده است. عملکرد امام صادق (ع) بهترین الگو برای ماست که نشان می‌دهد، باید در سیاست ورود کنیم. مگر می‌شود، ذاکر اهل بیت (ع)، مناجات خمس عشر بخواند؛ اما از دل این مناجات مطالب سیاسی-عبادی بیرون نیاورد؟ ذاکران اهل بیت (ع) در اوج دعای کمیل، در اوج روضهٔ

خود با تبیین الگوهای عملی زندگی اهل بیت (ع) در مقابل زورگویان، فاسدان و ظالمان می‌توانند، به تبیین مسائل سیاسی روز بپردازند، به مخاطبان خود بصیرت و آگاهی بخشند، مقدرات اسلام حاصل نمی‌شود؛ جز با صبر و بصیرت؛ اگر چه بصیرت سیاسی بیشتر مطرح است.

با همهٔ این اوصاف، مداحان نباید دچار گروه‌گرایی شوند یا در حزب خاصی عضو باشند. ما طبق آیات قرآن و روایات یک حزب بیشتر نداریم و آن هم حزب‌الله است.

از طرف اهل بیت (ع) به ما مداحان و ذاکران اهل بیت (ع) اجازه داده نشده است، گروه‌گرایی کنیم. ما نباید زیر علم کسی و گروهی جز ولایت فقیه باشیم.

ما باید هم‌گام و همراه با ولایت حرکت کنیم. امام علی (ع) می‌فرمایند: «شیعهٔ واقعی کسی است که پیش به‌طور کامل در جای پای ولی خودش بگذارد.» ما باید تابع ولایت باشیم؛ چون حکومت ما یک حکومت دینی است و مبنای حکومت دینی، لاله‌الله است؛ یعنی نفی همهٔ طاغوت‌ها و همهٔ سیاست‌ها به جز سیاست الهی و این نهی که امام (ره) به آن اشاره دارد، همان نفی طاغوت است.

ذاکران ما باید به‌طور حتم سیاسی باشند؛ اما سیاسی‌کار نباشند. تحلیل سیاسی داشته باشند و بتوانند جامعه و شنوندگان خود را به «سیاست ما همان دیانت ماست.» دعوت کنند. راه، بسیار روشن است و اگر جز این باشد، سیاست تابع جمهوری اسلامی و ولایت فقیه نیست؛ بنابراین بر ما واجب و فرض است که در این سنگر فرهنگی-سیاسی-اجتماعی ایفای نقش کنیم. اگر به تعریف و تمجید از عده‌ای خاص یا احزاب گوناگون پرداخته شود، اشتباه است.

احمد زین‌العابدین:

مداح باید شم سیاسی داشته باشد



وقتی که به گذشته رجوع می‌شود و به هاشمیات می‌نگریم یا به مداحان بزرگی چون دعبیل خزاعی و کمیت و ... متوجه می‌شویم که اینها نمی‌توانستند، به سیاست وارد نشوند. نمی‌توانستند که از ظلم و ستم بنی‌امیه در حق اهل بیت (ع) سخن نگویند. نمی‌توانستند، از مظلومیت اهل بیت (ع) حرفی به میان نیاورند. باید از یزید زمان و عمر سعد زمان سخن می‌گفتند. سیاست‌بازی و فریب‌بازی مد نظر نیست؛ اما اینکه از سیاست حرفی بزنند، جای بحث است.

بله؛ باید از انتخابات و مبارزه با آمریکا و اسرائیل و بی‌عدالتی روزگار و ... صحبت کنند. برای حفظ نظام باید از مظلومیت‌های ولایت مطلقهٔ فقیه سخن به میان آورند. دیانت ما همان سیاست ماست و سیاست ما همان دیانت ما. هر روزی مناسبات خاص خودش را دارد، سخنران یا سخنرانی‌اش، مداح با مداحی‌اش و ... باید در حیطة کار خودشان، برای تبعیت از ولی امر مسلمانان از سیاست صحبت کنند.

مداح باید شم سیاسی داشته باشد و به بحث سیاسی وارد شود. امروز موضوع غزه و فلسطین مطرح است. یک روز بحث وهابیت و کشتار شیعیان است و ...؛ پس باید در هر موضوعی بدون جنجال‌آفرینی و مطابق رهنمودهای مقام معظم رهبری وارد شد.

عباس حیدرزاده:

مداح بدون سیاست، مداح نیست

مداح بدون سیاست، مداح نیست. مداح باید به مسائل زمان آگاه باشد، سیاست را خوب بفهمد، مسائل سیاسی روز را به‌خوبی تحلیل کند و نسبت به آنها واکنش نشان دهد. انقلاب ما انقلابی است که از انقلاب امام حسین (ع) برگرفته شده و حرمت و آزادی در آن نهفته است. این حکومت باید با وجود ما مداحان و ذاکران خاندان عصمت و طهارت (ع) آمیخته باشد. به عقیدهٔ من مداحان باید سیاست را بدانند و بفهمانند؛ ولی به جناح‌ها وارد نشوند؛ چون این کار انسان را رنگی می‌کند؛ یعنی یک رنگ به انسان می‌دهد که بالطبع باعث می‌شود، مخاطبان ما خاص شوند. آن چیزی که مداح باید از آن دفاع کند، دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، محورهای اصلی انقلاب و ارزش‌های انقلاب اسلامی است.

لازمهٔ دخالت در سیاست، آگاهی است و اگر مداحی، بدون آگاهی سیاسی به آن وارد شود، ممکن است خراب کند؛ یعنی باید قدرت تشخیص داشته باشد تا بتواند نظر دهد و قشری را راهنمایی کند؛ پس اگر مداحان با آگاهی و شعور سیاسی و پشت سر مقام معظم رهبری به این عرصه وارد شوند، دچار مشکل نخواهند شد و می‌توانند، مفید باشند.

نریمان پناهی:

برخی به اسم مداحی دکان باز کرده‌اند

برخی به اسم مداحی دکان باز کرده‌اند و پول‌های آن‌چنانی می‌گیرند و ...؛ درحالی‌که مداح مثل ماشاءالله عابدی نه سیگار می‌کشد، نه قلیان و اگر او را به مراسمی دعوت کنید، امکان ندارد پول

بگیرد؛ مگر اینکه قسمش بدهید. به نظر من باید این عده را زیاد تبلیغ کنیم و البته علمای بزرگی داریم که تا زنده هستند، باید برایشان تبلیغ کنیم؛ نه اینکه وقتی رفتند، بر سرمان بزنیم که فلانی چه انسان خوبی بود.



نباید در جلسه‌های مداحی به هم نان قرض بدهند که به فلانی رأی بدهید و به فلانی رأی ندهید. این کار اشتباه است؛ خدا به همه عقل و شعور داده است و انسان باید از آن استفاده کند.

متأسفانه برخی مداحان در زیارت عاشورای خود زیارت را قطع می‌کنند و حرف سیاسی می‌زنند؛ درحالی‌که با این کار زیارتشان را باطل می‌کنند. کجا گفته یا نوشته شده است که وسط زیارت عاشورا می‌توان حرف زد و آن هم سیاسی؟! تو حق نداری، در بین زیارت عاشورا بحث سیاسی کنی. بسیار بد و زشت است، در محضر امام حسین (ع) زیارت را قطع کنی و حرف را مرتب عوض کنی. این کار بی‌ادبی به ساحت حجت خداست. تو وظیفه داری، بروی بالای منبر، روضه را بخوانی و حق نداری به این نمره بدهی و به آن ندهی. تو روضه‌خوان هستی، روضه‌ات را بخوان. دعایت را بکن و برو دنبال کار و زندگی‌ات. وظیفهٔ تو نیست، بی‌احترامی کنی و به سیاست وارد شوی.

برخی مداحان دورهٔ فعلی را با عمر سعد و شمر و ... قیاس می‌کنند. وای! وای! وای! پناه بر خدا! امام معصوم (ع) فرمود: «اگر شیعهٔ ما کاری انجام داد و فسقی مرتکب شد، نگویند، شیعه فاسق است، بگویند آن فعل فسق است.»

ما حق نداریم، حتی یک حیوان را به عمر سعد تشبیه کنیم. ائمهٔ اطهار (ع)، شجرهٔ طیبه هستند و دشمنان آنان شجرهٔ خبیثه و اهل بیت (ع) تمام «ایمان» هستند و دشمنان آنان تمام «کفر» و ما حق نداریم، کسی را عمر سعد و دیگری را شمر بنامیم. ■

* طبق مطالب مندرج در کتاب «غلط نویسیم» از ابوالحسن نجفی، تصفیه‌حساب به معنای مجازی «هر نوع اقدام عملی برای انتقام‌جویی و کینه‌کشی» است که با تسویه‌حساب به معنای «ایجاد تعادل و موازنه در حساب» فرق می‌کند.

خیابا مطالب فوق همگی قبلا در

رسانه‌های مکتوب و مجازی دیگر منتشر شده است.انتشار اظهارنظرهای فوق به معنی تائید و یا رد آنها توسط خیمه نیست.

معنا و نسبت سیاست و دیانت

معنای سیاست

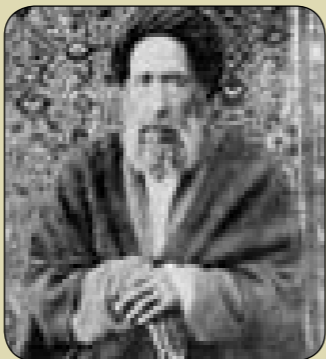
«السیاسة القیام علی الشی بما یصلحه»؛ «سیاست یعنی اقدام برای سامان‌دادن چیزی به وسیلهٔ امری که آن را اصلاح کند.» (۱) «سیاست در اصل از واژهٔ «ساس-یسُوس» گرفته شده و به معنای مملکت‌داری، اصلاح مردم و اداره‌کردن کارهای کشوری است.» (۲) برخی، سیاست را به معنای حکمرانی، زرنگی، روش درست زندگی و ادارهٔ امور مملکت معنا کرده‌اند. (۳) گرچه لغت‌شناسان در تعریف سیاست، تعریف جامع ارائه نداده‌اند؛ ولی همگان در این مهم اتفاق نظر دارند که سیاست به معنای برقراری نظم در جامعه، ادارهٔ مملکت و اصلاح جامعه از ضروریات است.

اقسام سیاست

به یک اعتبار سیاست را می‌توان به دو قسم:

ناشناختهٔ مشهور

مدرس تاکنون در ایران بیشتر در جایگاه یک سیاستمدار شناخته شده است؛ اما مدرس فقط همین نیست. مدرس پیش از آنکه سیاستمدار و سیاست‌شناس باشد، یک دانشمند اصولی سترگ و فقیه برجسته و بزرگی است؛ درست هم‌ردیف اصولیان و فقهای بزرگی همچون کمپانی، نائینی و امثال آنان و شاید انسان بتواند به خودش جرئت بدهد و بگوید از نظر آشنایی به مبانی علم اصول (و نه از جنبهٔ نوآوری در این رشته) در حدی نزدیک به مقام اصولی مرحوم شیخ مرتضی انصاری که معلم همهٔ اصول‌دانان متأخر است؛ اما متأسفانه مدرس به این صفت بارز خود، یعنی علم و دانش و فقاقت هنوز شناخته نیست؛ به این علت که ایشان ناشناخته‌ای مشهور هستند و بعد فقهی و مقام علمی‌شان نیز همین‌طور است.



مشروع و غیر مشروع تقسیم کرد. سیاست غیر مشروع، یعنی خدعه، نیرنگ و فریب. متأسفانه بیشتر اوقات از واژهٔ سیاست همین معنا متبادر می‌شود. سیاست مشروع، سیاست اصولی و منطقی است که برای اصلاح جامعه و حفظ نظم از آن بهره گرفته می‌شود. امام خمینی (ره) در تعریف سیاست مشروع می‌گوید: «اما سیاست به این معناست که جامعه را ببرد، هدایت کند، به آنجایی که صلاح جامعه و مردم است. این [تعریف] در روایات ما برای نبی اکرم (ص) با لفظ سیاست ثابت شده است.» (۴) «و انبیا شغلشان سیاست است و دیانت، همان سیاستی است که مردم را از اینجا حرکت می‌دهد [و به] تمام چیزهایی که به صلاح ملت و مردم است، هدایت می‌کند.» (۵)

رابطهٔ دین و سیاست

دربارهٔ رابطه و نبود رابطه دین و سیاست دو دیدگاه

کدام سیاست؟ کدام دیانت؟

مدرس دربارهٔ چگونگی ارتباط این دو مفهوم با یکدیگر، در یکی از جلسه‌های مجلس چنین می‌گوید: «... ممالک اسلامی، سیاست و دیانت را از هم جدا کرده‌اند؛ ولی ممالک دیگر، سیاستشان عین دیانتشان یا جزو آن است. لهذا در ممالک اسلامی، اشخاصی که متدین هستند، دوری می‌کنند، از کسانی که داخل سیاست هستند. آنها که دوری کردند، ناچار همه نوع اشخاص، رشتهٔ امور سیاست را در دست گرفته و لهذا رو به عقب می‌روند...» مدرس در ریشه‌یابی دلیل انحطاط مسلمانان در ادارهٔ کشورها و سرزمین‌ها، یکی‌نبودن آیین اعتقادی اداره‌کنندگان با شیوه‌های علمی اجرای سیاست و پیشبرد آن را به مثابهٔ عاملی اصلی تلقی می‌کند و تلفیق اعتقاد و عمل و دین و سیاست را به منزلهٔ عامل رهایی از انحطاط موجود برمی‌شمارد.



ما همان دیانت است.» به دیدگاه دوم ناظر است. این جمله از مرحوم سیدحسن مدرس است که از طرفداران هم‌گرایی دینی و سیاست می‌باشد. حق نیز با این گروه است؛ زیرا دین با سیاست رابطه دارد.

متأسفانه واژهٔ سیاست مانند برخی واژگان دیگر از معنای اصلی خود تحریف و به معنای خدعه و نیرنگ تفسیر شده است. سیاست پس از تحریف، بدین معناست که نه تنها دین با آن هم‌گرایی ندارد، بلکه با آن تضاد دارد و مبارزه می‌کند؛ اما سیاست به معنای مشروع آن با دین هم‌گرایی دارد و یکی از بایسته‌های جامعه است. سیاست به معنای مشروع را اندیشمندان از ضروریات زندگی دانسته‌اند و اولیای خدا از آن بهره می‌گرفتند.

در زیارت جامعه در وصف امامان معصوم (ع) آمده است: «... و ساسة العباد و ارکان البلاد...» سیاست به معنای مشروع یعنی برخی صاحبان اندیشه عقیده دارند که نسبت دین و سیاست مانند روح و بدن است. شهید مطهری گفت: «تنها در یک صورت است که می‌توان مسئلهٔ حکومت را از دین در آیین اسلام جدا کرد و آن‌هم هنگامی است که بتوان پیوند جسم را از روح آدمی گسست و با این وصف او انسانی زنده و منشا اثر باشد!» (۶)

رضاشاه برای مدرس پول می‌فرستد!

«سرلشکر خدایار از طرف رضاخان نزد مدرس آمد و با کمال تواضع و احترام گفت: «رضا شاه می‌گوید که خوب است شما به درس و بحث خود بپردازید و از دخالت در امور سیاسی خودداری کنید. رضاشاه میل دارد، به هر طبع که بپسندید با شما روابط حسنه داشته باشد و همهٔ اوامر شما را در امور مملکتی اطاعت خواهد کرد. در ضمن مبلغ یکصد هزار تومان برای شما فرستاده است تا در هر راهی که صلاح می‌دانید، به مصرف رسانید.» مدرس گفت: «به رضاخان بگویید که من وظیفهٔ شرعی دارم که در امور مسلمانان دخالت کنم. اسم آن را سیاست بگذارید یا چیز دیگر، هرچه باشد، فرق نمی‌کند. سیاست در اسلام چیزی جدادنی از دین نیست. در اسلام دین و سیاست با هم است. این پول‌ها را هم بیر که اگر اینجا بماند، همهٔ آن به مصرف نابودی رضاخان خواهد رسید.» خدایار مایوسانه از خانهٔ مدرس، به همراه پول‌ها بیرون رفت.» مدرس، ج ۱، ص ۲۰۹



بزرگان دین بین سیاست مشروع و غیر مشروع مرزبندی کرده‌اند و هیچ‌گاه از سیاست غیر مشروع بهره نمی‌گرفتند. امام علی (ع) در دوران حکومت خود از سیاست مشروع بهره گرفت؛ از این‌رو یکی از مشکلات حضرت، صداقت در سیاست بود که دشمنان حضرت آن را برنمی‌تاییدند. (۷)

برخی اصحاب به ایشان عرض کردند که در سیاست این میزان صداقت شرط نیست. امام (ع) فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید که برای پیروزی خود از ظلم در حق کسانی که بر آنها حکومت می‌کنم، استمداد جویم؟! به خدا قسم! تا خورشید طلوع می‌کند و ستاره‌ها در آسمان چشمک می‌زنند، چنین کاری نمی‌کنم.» (۸) به دلیل بهره‌بردن علی (ع) از سیاست غیر مشروع بود که مردم تصور می‌کردند، معاویه از علی (ع) سیاست‌مدارتر است. امام علی (ع) در برابر چنین تصویری فرمود: «قسم به خدا! معاویه از من سیاست‌مدارتر نیست؛ ولی او نیرنگ می‌زند و مرتکب گناه می‌شود. اگر نیرنگ خصلت زشتی نبود، من سیاستمدارترین مردم بودم.» (۹)

سیاست غیر مشروع با دین تضاد دارد که مانند سیب سالم در کنار سیب فاسد قرار می‌گیرد؛ اما سیاست به معنای مشروع، مقدس است و با دین هم‌گرایی دارد. تقدس و نبود تقدس سیاست موجب

شده است که برخی بزرگان دربارهٔ رابطهٔ دین و سیاست، نخست به تعریف سیاست پرداخته‌اند. مرحوم کاشف‌الغطاء می‌نویسد: «اگر مفهوم سیاست خیرخواهی، خدمت، راهنمایی، جلوگیری از فساد و خیانت، نصیحت زمامداران و تودهٔ مردم، برحذرداشتن آنان از گرفتارشدن در زنجیر استعمار و بندگی و جلوگیری از افکندن دام‌ها بر گردن ملت‌هاست، آری ما تا فرق سر در آن غرقیم.» (۱۰)

دلایل و شواهد نیز نشان می‌دهد که دین با سیاست هم‌گرایی دارد و نگرش جدایی دین از سیاست، رویهٔ استعمار است که از سوی جاهلان و یا مغرضان طرح شده است؛ از این‌رو امام خمینی (ره) عقیده دارد که یکی از عوامل جدایی دین از سیاست، استعمارگران هستند. امام راحل (ره) فرمود: «آن‌کس که خیال می‌کند، دین از سیاست جداست، ناآگاه است که نه اسلام را شناخته است و نه سیاست را.» (۱۱)

تشکیل حکومت توسط پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) بهترین دلیل بر هم‌گرایی دین و سیاست است. اگر دین با سیاست مانند سیب سالم در کنار سیب خراب بود و سیاست با قداست دین منافات داشت، چرا پیامبر (ص) و علی (ع) حکومت تشکیل دادند؟! امام راحل (ره) فرمود: «سنت و رویهٔ پیامبر

نایب مردم

یکی از پیروان و دوستداران مدرس که مردی محترم بود، در مجالس و محافل گفته بود که من خواب دیدم و اعتقاد دارم، مدرس، نایب امام زمان (عج) است. سخنان او به گوش مدرس رسید. با او ملاقات کرد و بدون مقدمه به او گفت: «چرا حرفی می‌زنی که اثبات آن مشکل است؟ بگو مدرس نایب مردم است که هم دلایل کافی برای اثبات آن داشته باشی، هم سخنی به‌جا و درست باشد.»

مدرس با وجود شخصیت و نفوذ معنوی و سیاسی‌ای که در میان تودهٔ مردم داشت، هیچ‌گاه از احساسات مذهبی مردم سوءاستفاده نکرد و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به مقاصد شخصی خود قرار نداد. او همواره خود را نایب و خدمتگزار مردم می‌دانست و این مسئله از اساسی‌ترین و زیربنایی‌ترین شاخص‌های استقرار و تشکیل جامعهٔ مدنی است؛ جامعه‌ای که در آن قانون و خواست ملت حکومت می‌کند.



اکرم (ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است؛ زیرا اولاً خود، تشکیل حکومت داد، به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام می‌پرداخت، به ادارهٔ جامعه برمی‌خواست، والی به اطراف می‌فرستاد ... و قاضی نصب می‌کرد.» (۱۲) از سوی دیگر ائمه (ع) درصدد تشکیل حکومت بودند و حکومت را حق خود می‌دانستند. (۱۳) از این‌رو حاکمان ستمگر آنان را شکنجه و شهید می‌کردند. در کلمات معصومان (ع) هم به ضرورت تشکیل حکومت سفارش شده است (۱۴) و هم به رابطهٔ دین و سیاست. ■

منابع:

(۱) مجمع البحرین، ج ۴، ص ۷۸، تاج العروس، ماده «ساس»، لسان العرب، ماده «سوس»، القاموس، ماده «سوس»

(۲) ترجمهٔ المنجد الطلاب، ص ۲۶۳

(۳) عبدالوهاب فراتی، رهیافتن بر علم سیاست، ص ۲۳

(۴) روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۰/۵/۱۳۷۳، ص ۱۵

(۵) رسالهٔ نوین، ج ۴، ص ۴۶، ولایت فقیه، ص ۱۵۱

(۶) امامت و رهبری، ص ۳۲

(۷) مرتضی مطهری، سیری در سیرهٔ ائمه اطهار علیهم‌السلام ص ۲۸

(۸) الغارات، ج ۱، ص ۷۵، شرح نهج‌البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۱۰۹

(۹) نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰، منهاج البراعة، ج ۱۲، ص ۳۶۶

(۱۰) روزنامهٔ کیهان، ۱۱/۵/۱۳۷۳

(۱۱) تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴

(۱۲) صحیفهٔ نور، ج ۳، ص ۵، ولایت فقیه، ص ۲۴

(۱۳) ارشاد مفید، ص ۲۰۵

(۱۴) نهج‌البلاغه فیض‌الاسلام، خطبهٔ ۱۲۵، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۳، بحارالانوار، ج ۶، ص ۶۰

نباید اسیر لغزش در اصل سیاست و دیانت شویم

سؤال: میانۀ ما و اصل برگشت‌ناپذیر «سیاست ما عین دیانت ماست.» در این ایام، چگونه است؟

جواب: این اصل همیشه در لغزشگاه است؛ لغزش در این اصل به این علت است که سیاست و دیانت ۲ مقوله‌ای هستند که باید همواره با هم باشند و در ادواری که لغزش کم بوده یا نبوده، این دو همراه هم بوده‌اند؛ البته ببینید در حرکت، این حادثه پیش می‌آید. در

فیزیک هم شما حساب کنید، ۲ چرخ ماشین با هم هستند؛ ولی در عین اینکه با هم هستند، از هم جدا هستند و نیز در عین اینکه با هم حرکت می‌کنند، سر پیچ که می‌رسند، یکی باید دور چرخش بیشتری داشته باشد، ولو در یک لحظه.

آن لحظه را باید به‌طور دقیق شناخت تا عبور از پیچ به سلامت انجام شود. سیاست با دیانت که کنار هم قرار می‌گیرند، یکی می‌رود جلو، یکی عقب می‌ماند. این مسئله، آفت است. وای به آن وقتی که رانندهٔ آن ماشین یک پیچ را نشناسد.

ما باید دربارهٔ ۲ گروه یعنی «سیاستمداران» و «سیاست‌مجریان» در موضوع اخلاق، حواسمان را خوب جمع کنیم تا پیچ‌ها را بتوانیم بشناسیم و اسیر لغزش در اصل سیاست و دیانت نشویم.

حجت الاسلام والمسلمین طباطبایی در گفت‌وگو با همشهری

هلئت باطعمه سیاست

محسن حسام مظاهری

همسایگی و همکاری مجالس عزاداری عاشورا با سیاست و قدرت، پدیده‌ای تاریخی و ریشه‌دار است. تا آنجا که سخن گزافی نیست اگر یکی از اصلی‌ترین کارکردهای مجالس و هیئت‌های مذهبی را از بدو تأسیس تاکنون، نقش آفرینی سیاسی آنها بدانیم؛ نقش آفرینی‌ای که همیشه به یک شکل نبوده و متناسب با اقتضانات زمانی در هر دوره دگرگونی‌هایی را پذیرا شده است. از منظر این کارکرد سیاسی می‌توان سیر حیات مجالس و هیئت‌های مذهبی را به چهار دورهٔ تاریخی تقسیم کرد:

دورهٔ اول: از بدو تأسیس تا آغاز غیبت کبرا (۳۲۷–۶۱ ق)

با درنظرگرفتن شرایط ویژهٔ تاریخی می‌توان اقدام ائمهٔ معصومین (ع) را در تشکیل و نیز سفارش به برگزاری مجالس سوگواری، اقدامی سیاسی ارزیابی کرد. در فضای اختناق دوران حکومت امویان، عباسیان و عصر به انزوا راندن و بایکوت شیعیان و پیشوایانشان، این مجالس به‌خوبی توانستند، خلأ ناشی از فقدان کانال‌ها و ابزار ارتباطی مناسب را برای ائمهٔ معصومین (ع) پر و به مثابهٔ تنها رسانه در فضای تبلیغاتی مسموم و یک سوپهٔ ضدشیعی آن زمان ایفای نقش کنند.

بهره‌گیری از عامل تحریک عواطف و احساسات هم انتخاباتی هوشمندانه بود که رسیدن به آن غایت سیاسی را تسهیل کرد.^۲

به طور کلی مجالس عزای این دوره را می‌توان پناهگاه و کھف حسین مبارزان و مخالفان شیعهٔ حاکمیت سیاسی (خلافت اموی و عباسی) دانست.

دورهٔ دوم: از فتح بغداد توسط معزالدولهٔ دیلمی تا سال‌های آغازین حکومت رضاخان (۱۳۵۰–۳۳۴ ق)

قدرت و ظرفیت نهفته در مجالس سوگواری شیعیان آن‌قدر بود که کم‌کم طمع سیاست‌بازان فرصت‌طلب و حکام جاه‌طلب را برانگیخت. می‌توان گفت، این مجالس کمابیش طی یک فرایند استحال‌ه‌ای به‌تدریج از یک ابزار قدرتمند اعتراضی و عدالت‌خواهانه به ابزار سیاست‌بازی شاهان مبدل شد و در نتیجه قدرت انقلابی پیشین خود را تا اندازهٔ زیادی از دست داد.

در حقیقت آغاز این روند را باید قیام عباسیان به رهبری ابومسلم خراسانی بر ضد امویان دانست؛ چراکه به گواهی مورخان یکی از مهم‌ترین عوامل بسترساز پیروزی عباسیان، استفادهٔ سیاسی–تبلیغاتی آنها از نارضایتی تودهٔ مردم شیعه (به‌ویژه شیعیان خراسان) و محبوبیتی که شیعیان به دلیل مظلومیت مداوم خود در حکومت اموی در لایه‌های پنهان جامعهٔ اسلامی آن روزگار به دست آورده بودند، بود. انتخاب زیر‌کانهٔ شعار «الرضا من آل محمد» و نیز پرچم‌های سیاه‌رنگ را توسط ابومسلم –که رنگ لباس

^[1] محسن حسام مظاهری

^[2] محسن حسام مظاهری



عکس: علی‌اکبر محمدحالی

مرگ بر «نرنگ باد» مرگ بر «مرده باد»

باید و نبایدهای رویکرد سیاسی در هیئت‌های مذهبی

امیر عیسی‌ملکی

دارند. فرمایش مولاعلی (ع) است که خوار و ذلیل نشد؛ مگر کسی که در خانه خود با دشمن جنگید و چه می‌کنیم ما که اکنون صحبت از «قتل عام فرهنگی»^۱ است؟!

خاطرتان باشد در شماره ۵۰-۴۹ عهد کردیم، حکایت ما حکایت آنهایی که جنگ‌ها را دلیرانه تماشا می‌کنند، نباشد و همان‌جا بود که از

آن‌چنانی را داشتند و دارند و بخشی از آرمانشان شده که گفتار، کردار و پندارشان را همانند پیسی کولا به سفره دل و اندیشه چشم و دل سیران تحمیل کنند، طمع «غارت فرهنگی»^۲

۲۰ سال پیش، وقتی عقلای این قوم خطر «تهاجم فرهنگی» را گوشزد می‌کردند، بدیهی بود، آنها که چشم دیدن مردمانی را که دلشان برای خدا تنگ شده و بر سر آن‌اند که طرحی نو براندازند، ندارند، بیکار نخواهند نشست و «ناتوی فرهنگی»^۳ کلید خواهد خورد. بدیهی بود، آنها که سودای صادرات سبک زندگی



معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی) - حجت‌الاسلام وافی (مدیر مرکز مطالعات راهبردی خیمه) - پدram الوندی (سردبیر سایت خیمه: www.kheimehnews.com)

در دفتر ماهنامه خیمه برگزار شد و قرار بود در آن «باید و نبایدهای رویکرد سیاسی در هیئت‌های مذهبی» را بررسی کنیم. پرسش‌هایی را که در تنظیم میزگرد با لوگوی خیمه بیان شده است، من و سردبیر سایت از استادان پرسیدیم.

طرح پرسش‌ها از لابه‌لای اظهارنظرهای مخاطبان ماهنامه در طول یک سال گذشته و از میان آنچه به‌تازگی در روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، وبلاگ‌ها و ... درباره این موضوع خوانده و شنیده‌ایم، است.

راستش را بخواهید، مردم از اینکه احساسات دینی‌شان مورد سوءاستفاده عده‌ای خودشیفته و همه‌کس نادان‌انگار قرار گیرد، ناراضی‌اند. باور نمی‌کنید! به این روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، وبلاگ‌ها و ... سری بزنید. مردم خدا را دوست دارند. مردم رسول خدا (ص) را دوست دارند. مردم امامانشان (ع) را دوست دارند. مردم اصحاب رسول و امامانشان را دوست دارند. مردم مصادره به مطلوب را دوست ندارند. باور نمی‌کنید! اصلاً «برو سر کوچه، برو کنار میدان، برو میان گلایه و انتظار، برو دل همین مردمان خودت را بیوی»^۴

هتاک‌های ناجوانمردانه نسبت به کسانی را شاهد هستیم که تا همین دیروز و پریروزها به قولی، خودی محسوب می‌شدند. (چقدر چندشم می‌شود از این لفظ خودی و غیرخودی! ما به‌راستی مسلمانی؟)

در حوزه علوم راهبردی، دانشمندان می‌گفتند: «درک «نیازهای امروز» کافی نیست. ما باید «نیازهای آینده» را بشناسیم.» سپس موضوع «مدیریت آینده» مطرح شد و حالا می‌گویند: «آینده فرارسیده است!»

شگفتا! چه این‌وقت هستیم ما مسلمان‌ها! آینده بماند، حقیقتاً آنچه را می‌گوییم، متناسب با فهم درست شرایط کنونی‌مان است؟

نمی‌دانم برخی از این نارقیقان کی و کجا و نزد کدام استاد، فقیه، مفسر قرآن، جامعه‌شناس، روان‌شناس، ادیب و مداح شدند و با کسب اجازه از کدام مرجع فتوای ارتداد و ... صادر می‌کنند؟ برای به‌به و چه‌چه دوستان پیرامونی می‌گویید یا برای خدا؟ پیامبر خدا (ص) در منبرهایش زبان به دشنام گشود یا امامانش (ع)؟

وظیفه ما گفتن و نوشتن بود که هم گفتیم، هم نوشتیم؛ اما قرار بود، این اشاره‌ای برای شروع میزگردی باشد که با حضور:

- غلامرضا سازگار (شاعر و مداح اهل بیت (ع))
- حجت‌الاسلام والمسلمین سید رضا طباطبایی (مدرس دانشگاه)

- رضا معممی‌مقدم (معاون اداره کل فرهنگی، سازمان تبلیغات اسلامی)

- حجت‌الاسلام محمدرضا حجازی (کارشناس

«هویت هیئت‌های مذهبی در عصر حاضر» صحبت کردیم. هیئت‌ها را به مثابه یک مکان آموزشی-پرورشی نقد کردیم و از ظرفیت بسیار بالای هیئت‌ها برای ساختن جامعه‌ای مطلوب گفتیم. در فاصله میان این ۱۰ شماره اخیر آنگاه که تیترو روزنامه‌ها، مجلات، وبلاگ‌ها و ... «افول منبر، رونق مداحی»، «از مسجد تا لس‌آنجلس»، «بازی موسیقایی» و ... شد ما هم از «مداحی به مثابه کارشناسی عاشورا» و باید و نبایدهای هیئت و هیئت‌داری گفتیم. آنگاه که روزنامه‌ها و ... از «مداحی با پول شهرداری»، «اقتصاد مداحی»، «مداحی جدید، نمونه‌ای از اشرافی‌گری مذهبی» و ... نوشتند، ما هم پرونده ویژه «دستمزد» را در دستور کار قرار دادیم.

تیتروهای جدید هم این‌گونه‌اند: «سیاست‌ورزی مداحان»، «مداحی، از سینه‌زنی تا سیاست‌گری»، «... فقط نوک کوه یخی است که به سراغمان می‌آید»، «احیای دوباره منبرهای حزب»، «قدرت بیش از پیش حزب مداحان»، «سیاست مداحی، مداحی سیاسی»، «آغاز جنبش مداحان»، «مداحان سیاسی و سیاست مداحی»، «غلامرضا سازگار: مداحان باید در سیاست نقش داشته باشند؛ اما نقش مثبت»، «با جنبش کژمدار ... چه باید کرد؟» و ...

در شرایطی که به‌شدت به همدلی نهادهای فرهنگی، آموزشی، مذهبی و ... نیازمند هستیم، جای تأسف است که درگیری‌های لفظی و گاه



یادداشتی از یکی از اعضای کمیته
KHEM@Iranian_society.com

خبايا به نظر شما درست‌ترین برداشت از مفهوم «سیاست» در جمله معروف «سیاست ما عین دیانت ماست» چیست؟

طباطبایی: ابتدا تعریف سیاست را در دینمان عرض می‌کنم. سیاست یعنی روش، روش مدیریت، روش اجرا. سیاست ما در دین یعنی سیاست خدا در عالم. این تعریف از جانب خداوند است. ما می‌دانیم خداوند، عالم را برای شناساندن خود خلق کرده است؛ یعنی خداوند با خلق این جهان نمایشگاهی را برای ظهور و بروز هنر خودش، ترتیب داده است تا ما به هرچه نگاه می‌کنیم، جلوه‌ای از او ببینیم. انسان بالاترین مخلوق خداوند است؛ چه بر اساس نظریه‌های دانشمندان تجربی و چه بر اساس آنچه از ادیان، مکاتب و وحی آمده است، انسان بر احسن تقویم خلق شده و پیچیده‌ترین موجود عالم است؛ بنابراین سیاست اصلی که روش دین ماست و در واقع با هم عینیت دارند، تعریف و شناخته‌شدن انسان است؛ یعنی ما به این دنیا آمده‌ایم تا انسان را بشناسیم، به همین دلیل فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ». پس سیاست شناسایی انسان است و دیانت هم عین همین است.

طبق این فرمایش قرآن کریم که «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ»، دین به‌طور دقیق مسیر برگشت انسان از اسفل السافلین به احسن تقویم است و سیاستی هم که عین دیانت است، باید به‌طور دقیق در همین مسیر باشد. هر سیاستی که در این مسیر باشد، سیاست الهی است؛ البته به‌طور معمول هر گاه بحث سیاست مطرح می‌شود، بحث زعامت و

حکومت به نظر می‌آید؛ درحالی‌که سیاست در اصل، روش است.

خبايا سیاست به معنای روش مدیریت و روش اجرا و یا هر معنای دیگری که شما به آن معتقد هستید، چگونه در گفتار، کردار و پندار یک مداح متجلی می‌شود؟

سازگار: ابتدا اجازه دهید، به معنای «سیاست ما عین دیانت ماست» از منظر زیارت جامعه کبیره نگاهی بکنیم. در این زیارت در یکی از سلام‌های خود به اهل بیت (ع) عرض می‌کنیم: «شما سیاست‌مداران [بندگان خدا] هستید؛ نه سیاست‌مداران هر کسی و هر چیزی ...» باید روی این جمله که معنای آن از حلقوم مبارک حضرت امام (ره) هم در اوایل انقلاب بیرون آمده است، دقیق شویم. امام (ره) فرمودند که بعضی‌ها، انسان‌های بسیار خوبی هستند؛ اما تصور می‌کنند، سیاست ما از دیانت ما جداست؛ درحالی‌که ما باید ابتدا معنای سیاست را بشناسیم. سیاست هر زمان نوعی دارد و برای هرکسی سیاست حدودی دارد. به نظر من سیاست

■ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم ظهور و بروز فعالیت‌های سیاسی را در هیئت‌های مذهبی شاهد هستیم متأسفانه ظرف درست ظهور و بروز این رفتارهای سیاسی را برای کسانی که به طور ذاتی به این مقوله‌ها توجه می‌کنند، فراهم نکرده‌ایم

یعنی کشتی مقصود را از امواج متلاطم به‌طور عاقلانه به ساحل مقصود رساندن؛ برای مثال «بلال» که جز برای امیرالمؤمنین (ع) اذان نمی‌گوید، یک روز بالای مأذنه می‌رود و اذان می‌گوید. در حقیقت این سیاست حضرت زهرا (س) است. همه می‌پرسند، بلال برگشته است؟! [تغییر رویه داده است؟!]. و به محض اینکه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌گویند، اذان را تمام کن. همین که بلال می‌فهمد، فرمایش حضرت زهرا (س) است، اذان را به پایان می‌رساند. چرا؟ می‌خواهد اعلام کند، اکنون هم اگر اذان می‌گویم، برای علی (ع) است. این کار، یک‌جور سیاست است. امام سجاد (ع) در شرایط خفقان که نه می‌تواند، منبر برود و نه کاری انجام دهد. هر سال ۱۰۰ نفر غلام را می‌خرند، آموزش می‌دهند و آزاد می‌کنند. آنها نیز هر کدام به بلادی می‌روند و برای اهل بیت (ع) تبلیغ می‌کنند. در حال حاضر هم سیاست هر مداح باید پشتیبانی از آنچه مورد تأیید ائمه اطهار (ع) و امام حسین (ع) است، متناسب با زمان حال باشد، پیش از انقلاب ما یک نوع سیاست در برپایی هیئت‌ها داشتیم و الآن هم که حکومت، حکومت اسلامی است و به فرمایش امام (ره) نسیمی از اسلام به این مملکت وزیده است، سیاستمان حفظ همین دولت صغیره کریمه است.

خبايا آیا این برداشت از سیاست و این‌گونه معناکردن آن قابلیت خروج از فضای انتزاعی برخی نظریه‌پردازی‌ها و ورود به عرصه‌های اجتماعی (البته با توجه به الزامات عصر جدید و

تنوع و تعدد عقاید و باورهای نوظهور یا عقایدی که در بستر زمان دچار انواع و اقسام تغییراتی از نوع تکامل، تناقض و یا حتی دگرپرسی و استحاله شده‌اند) را دارد؟

وافی: من معتقدم، پیش از اینکه به ترکیب بسیاری از مفاهیم مانند «سیاست ما عین دیانت ماست» بپردازیم، بهتر است، بعضی کلمات را تجزیه کنیم. سیاستی که امروز درباره آن صحبت می‌کنیم، در حقیقت یک‌سری روش‌های کاربردی است که با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی، بتواند تفکر دینی را توسعه دهد و لازمه آن، رسیدن به یک‌سری از باورها و اعتقادات و پایبندی به یک‌سری مبانی فکری است که زیربنای سیاست است. طبیعی است که وقتی صحبت از یک‌سری مبانی و اصول مطرح می‌شود، همین‌جا ممکن است، اولین خطا صورت پذیرد؛ همان‌طور که در حل یک معادله ریاضی گاهی اگرچه اعداد درست را به‌کار می‌بریم؛ اما به دلیل اشتباه در یک ضرب و تقسیم یا منفی و به علاوه نتیجه نادرست می‌گیریم. درباره این موضوع هم فهم نادرست از اصول به خطا منجر می‌شود. نکته بعدی و اشتباه دیگری که ممکن است، با آن روبه‌رو شویم، خطا در نحوه کاربردی کردن این اصول در صحنه‌های اجتماعی است؛ یعنی گاهی ما روش‌ها را می‌شناسیم، راهبرد را داریم؛ ولی به محض اینکه می‌خواهیم، این راهبردها را اجرایی کنیم و هنگام بروز آنها با نام یک رفتار سیاسی اشتباه دوم اتفاق می‌افتد.

اشتباه سوم، مربوط به حوزه فعالیت‌های گروهی و جمعی است. ممکن است در مواردی رفتارهای سیاسی ما درست باشد؛ اما از مجموع فعالیت‌ها نتیجه درستی حاصل نشود. من با آقای سازگار موافق هستم که در تلاطم فضاها و صحنه‌های اجتماعی، کشتی باید درست هدایت شود و هرکس باید نقش خودش را خوب ایفا کند. در واقع کشتی یک چیز است، سکان‌دار چیز دیگر و کسانی که پارو می‌زنند یک چیز و یا نقش دیگر. در حقیقت رفتارها وقتی همراه با یک راهبرد و چشم‌انداز دقیق همراه نباشند، رسیدن به مقصد درست را تضمین نمی‌کنند.

خبايا بسیار خوب، اگر بپذیریم که «سیاست ما عین دیانت ماست» یا باید باشد، با توجه به حساسیت‌های بسیار بالایی که در حوزه معارف دینی وجود دارد، راهبرد و چشم‌انداز ما چه باشد تا این ترکیب یا عینیت چیز ناهمگون و نامتجانسی نباشد؟

معممی مقدم: اولین نکته‌ای که درباره این موضوع باید به آن توجه کنیم، توجه به فرمایش‌های مقام معظم رهبری است. در اصل اگر قرار باشد که ما به این وادی وارد شویم، قطب‌نما باید حضرت آقا باشند. هیچ‌کس به اندازه ایشان به موضوع مداحی و هیئت‌ها حساس نبوده و نیست. ایشان در بحبوحه جنگ در سال‌های ۶۳ تا ۶۸ به‌دقت به این موضوع توجه می‌کردند و حساسیت ایشان تاکنون نیز ادامه داشته است. در اصل فلسفه

تأسیس و تشکیل مؤسساتی چون بنیاد دعبل و دفتر هنر و ادبیات هلال هم به دنبال اظهارنظرهای آقا بوده است، ایشان زمانی درباره اشعاری که در مرآتی و مداحی‌ها خوانده می‌شود، رهنمودهای فراوانی داده‌اند که در کتاب «ستایشگران و ستودگان» و همچنین کتاب «در وادی محبت» آمده است. به نظر یکی از بزرگان «۸۰ درصد اشعار موهن و منفرد، ۱۵ درصد خنثی و فقط ۵ درصد آنها برای استفاده مناسب‌اند.» و به دنبال اظهار نظر معظم‌له بسیاری از شاعران و مداحان به صرافت انجام کارهای خوب افتادند و الحمدلله نتیجه کار هم امروز مشخص است. در حقیقت این مسئله‌ای که درباره سیاست و رویکرد سیاسی هیئت‌های مذهبی می‌گویید، پیش از این به گونه‌ای دیگر درباره هیئت‌ها مطرح بوده و حالا به این شکل و همه اینها مورد توجه ولی امر مسلمین بوده است.

من ۱۰۰ جمله از آقا جمع کرده‌ام که می‌فرماید: «مداح باید ... هیئت‌ها باید ... مداحان نباید ... و هیئت‌ها نباید ...». یعنی حضرت آقا باید‌ها و نباید‌ها را تبیین کرده‌اند؛ برای نمونه، نباید کاری کنیم که جامعه اسلامی و جامعه محب اهل بیت (ع) که مفتخر به نام حضرت ولی عصر (عج) است و به نام حسین بن علی (ع) و امیرالمؤمنین (ع) در نظر مسلمان‌ها شناخته شده است، گروهی انسان‌های خرافی و بی‌منطق معرفی شوند. مداحان باید به تقویت و پیراستن شعر و استحکام‌بخشیدن به آن به پیوند عاطفی مردم با ائمه معصومین (ع) اقدام کنند و ... اینها نکاتی است که ما باید به آنها توجه کنیم و



البته بررسی مسیر تطور سیاست در هیئت‌های مذهبی یعنی آنچه از صدر اسلام تا هم‌اکنون اتفاق افتاده در یک جلسه ممکن نیست و باید بیش از این درباره این موضوع صحبت شود.

خبايا همین‌طور است؛ اما درباره نوع نگاه شما درباره این موضوع این مشکل وجود دارد که حتی در بین کسانی که التزام به تبعیت از آرای مقام معظم رهبری دارند، هنگام رویارویی با موضوعات جناحی، علقه‌های دیگر آنها سبب موضع‌گیری‌هایی شده و می‌شود که چندان متناسب با عینیت سیاست و دیانت نیست؟

معممی مقدم: مداحان عزیز در خط مقدم جبهه انقلاب و جزو نیروهای ارزشمند نظام هستند و من مباحث مربوط به مسائل جناحی را در الویت آسیب‌های هیئت‌های مذهبی نمی‌بینم. هرچند این موضوع هم جزو آسیب‌ها هست. به‌طور کلی هیئت‌های مذهبی یک سری آسیب‌های شکلی و یک‌سری آسیب‌های محتوایی دارد؛ آسیب‌های شکلی نظیر قه‌زنی، غل و زنجیر، برخی اشعار سطحی و ... که باید آنها را کاهش داد و از بین برد و البته تا همین حالا هم اقدامات خوبی در ستاد ساماندهی شئون فرهنگی در مناسبت‌های مذهبی درباره این موضوعات انجام شده است. در بحث مسائل سیاسی، من معتقدم اختلافات جناحی مداحان تأثیری در مخاطبان نخواهد داشت؛ البته به شرطی که مخاطبان را به اندازه کافی تغذیه فکری و معرفتی

یادداشتی از یکی از اعضای کمیته
KHEM@Iranian_society.com

هنوز فریاد می‌زنند مرگ بر شورش

مجید مبینی

برای انجام رسالت تحقق عدالت اجتماعی خود آن‌چنان شیفته و آشفته شده‌اند که از یاد برده‌اند، این امر باید در عرض انجام وظیفه گستراندن عطر معنویت باشد؛ در نتیجه تقویت معنویت می‌بینند. آیا کارکرد هیئت در این سطر خلاصه می‌شود؟ اندک آشنایی با مفاهیم دینی ما را بر این واقعیت واقف می‌سازد که در آموزه‌های آسمانی، «معنویت فردی» و «عدالت اجتماعی» همواره در کنار یکدیگر بوده‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری سرنوشته مطلوب نمی‌یابند.

برای رسیدن به عدالت اجتماعی چه باید کرد؟ عدالت اجتماعی، بدون «سیاست علوی» پدید نمی‌آید؛ بنابراین هر گامی که برای نزدیک‌شدن به سیاست دینی برداریم، به عدالت نزدیک‌تر شده‌ایم و از این‌روست که در اندیشه رهبران دینی، پرداختن به سیاست، آن هنگام که با نیتی راستین صورت پذیرد، نه تنها ناپسند نیست که امری واجب و ضروری شمرده شده است: «سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید ... اگر نبود عهد و پیمانی که خداوند از عالمان گرفته بود که در برابر شکم‌بارگی ظالمان و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می‌انداختم [و] رهایش می‌ساختم.»^۱

بیشتر هیئت‌های مذهبی، خود را موظف به انجام رسالت معنویت‌گستری خود می‌بینند؛ اما آن‌گونه که باید، گسترش عدالت را قسمتی از وظایف خویش نمی‌شمارند. این امر یکی از آسیب‌هایی است که هیئت‌های دینی با آن روبه‌رویند. محدود کردن آیین‌های دینی در معنویت فردی که در پاره‌ای از هیئت‌ها انجام می‌گیرد، قطعه‌ای از پازل سکولاریزه کردن جامعه است که ناخواسته توسط متصدیان این هیئت‌ها صورت می‌پذیرد. امام خمینی (ره) در نقد تفکر جدایی‌مجلس دینی از مسائل سیاسی می‌فرماید: «جنبه سیاسی این مجلس بالاتر از همه جنبه‌های دیگر است، مسئله، مسئله گریه نیست، مسئله تباکی نیست، مسئله سیاسی است که ائمه (ع) با همان دید الهی که داشتند، می‌خواستند که این ملت را یکپارچه کنند تا آسیب‌پذیر نباشند.»^۲

در نقطه مقابل، عده‌ای از هیئت‌های مذهبی،

رفیع داشته باشند. اشکال کار آنجاست که اینان لزوم سیاسی‌بودن هیئت و تلاش برای رسیدن به عدالت اجتماعی را دانسته‌اند؛ اما از دانستن راهکار آن بی‌بهره مانده‌اند.

هیئت باید مکانی برای دادن قدرت تحلیل سیاسی (در حالت بهتر بدون نام‌بردن از چهره‌های جناح‌های سیاسی) باشد و نه تأیید گروهی و تکفیر گروهی که این کار گرهی از کار فروبسته جامعه ما نمی‌گشاید. جلسه‌ها را از دیدگاه سیاسی، تحلیل‌کردن به منظور نزدیک‌شدن به جامعه عدالت‌محور، به این نکته بستگی دارد که مدیران یک هیئت در مرحله نخست خود دانش و قدرت تحلیل عمیق و دقیق رویدادهای سیاسی را داشته باشند.

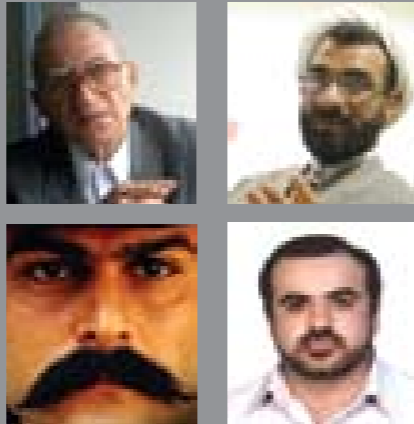
تقویت تحلیل سیاسی، تنها گامی نیست که هیئت‌ها باید بردارند که برای رسیدن به جامعه عدالت‌محور، گامی سخت‌تر و صعب‌تر پیش روست و آن فعالیت عملی پس از فعالیت فکری و تحلیل سیاسی است. صفحات تاریخ انقلاب در سال ۱۳۴۰ شکل‌گیری مجموعه‌ای را شاهد بود که فعالیت‌های فکری و عملی آنها نقش به‌سزایی در شکل‌گیری انقلاب داشت. هیئت مسجد شیخ‌علی، هیئت اصفهانی‌ها و هیئت مؤبد، سه هیئتی بودند که با نام «هیئت مؤتلفه اسلامی» اعلام موجودیت کردند و جدای از رسالت معنویت‌گستری، به تکلیف عدالت‌خواهی خویش نیز اهتمام ورزیدند.

آن روز گذشت و امروز پیش روی ماست. آن علم به‌درستی برافراشته شد و علم‌های امروز منتظر دستانی پرتوان است. رهبر انقلاب، این روزها، در قامت رهبر جبهه عدالتخواه جهانی در برابر جبهه استکبار جهانی، بارها بر لزوم «بصیرت» در میان اقشار گوناگون جامعه تأکید می‌کنند؛ اما عزمی شایسته، آن‌گونه که بایسته است، از فعالان فرهنگی و هیئت‌های مذهبی، برای انجام این تکلیف به چشم نمی‌آید که خود نمونه‌ای از عقب‌ماندگی سیاسی مجموعه‌های فرهنگی ماست. راستی «موسای ما! مولای ما! تو و خدایت بروید بجنگید، ما اینجا نشستیم.»^۳

پی‌نوشت:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳
۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۴
۳. سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۲۴

تاریخ و اندیشه



سیاست دینی و دین‌کارآمدی که با اتکا به فقه پویا جواب‌گوی همه ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... یک جامعه اسلامی باشد، اگر مهم‌ترین دغدغه علمای دین نباشد، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های آنها در تمام تاریخ تمدن اسلامی بوده و هست. اینکه امروز در جوامع اسلامی تا چه اندازه سیاست مسلمانان عین دیانت آنهاست و تا چه اندازه قرائت‌های مختلف از دین اسلام در این کشورها در بوتۀ سیاست‌ورزی و روابط بین‌الملل پیراسته از لوث مصلحت‌اندیشی‌های دین‌ستیز و آراسته به حقیقت و جوهره دین است، مسئله‌ای است که اذهان دغدغه‌مند استادان و علمای اسلام را بیش از پیش مشغول کرده است تا جایی که طیف گسترده‌ای از آرا و عقاید درباره این موضوع را پدید آورده است. اکنون نگاهی داریم، به تنوع و گوناگونی این عقاید از موضع «سیاست ما عین دیانت ماست» تا مواضعی که مروج جدایی دین از سیاست در دوران غیبت هستند، در اقتراح با «عبدالحسین خسروپناه»، استاد حوزه و دانشگاه و نویسنده کتاب «جریان‌های فکری ایران معاصر». در این شماره صحت و سقم تشبیه شخصیت‌های تاریخ اسلام به رجال سیاسی معاصر را نیز بررسی و تلاش کردیم، درباره صرفه و فایده این کار با دلایل گوناگون (از تأمل و تعمق و عبرت‌گیری از تاریخ تا توریه یا پنهان کردن حقیقت و یا گفتن سخن راستی که مخاطب از آن برداشتی اشتباه کند) با استادان گفت‌وگو کنیم. بازخوانی رابطه تعزیه و سیاست در سریال «شب دهم» بخش پایانی این پرونده است.

سیاست دینی دین سیاسی

عبدالحسین خسروپناه



سیاست در واقع مدیریت کلان کشور است. سیاست به معنای کشورداری است. اگر باور داشته باشیم که قلمروی دین یک قلمروی گسترده حاکم‌تری است و به عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته است، طبیعی است، نمی‌توانیم، اسلام منهای سیاست یا سیاست منهای اسلام را بپذیریم. به هر حال وقتی اسلام از ابعاد مختلف سخن گفته، بخشی را هم به مسائل کشورداری پرداخته است و طبیعی است، باید مسائل

سیاسی‌اش هم اسلامی باشد؛ همان‌طور که عباداتش اسلامی است، همان‌طور که معاملات اسلامی است، باید سیاست هم اسلامی باشد؛ اما اگر بخواهید، سیاست را با دین مسیحیت مقایسه کنید (مسیحیت تحریف‌شده فعلی)، به یقین روشن است که گرفتار سکولاریسم است و سیاستش از دیانتش جداست. باید به این نکته توجه کرد که سیاست شاخه‌ها و ابعاد مختلف دارد. از علم سیاست تا جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه سیاسی، کلام سیاسی، فقه، اخلاق و تحلیل سیاسی. در آموزه‌های اسلام، کلام و فلسفه سیاسی، فقه و اخلاق سیاسی به‌طور کامل بیان شده یا دست‌کم اصولی ذکر شده است که با اجتهاد می‌توان، فروع آن را استنباط کرد. در تحلیل سیاسی هم وقتی کسی با نگرشی اسلامی می‌خواهد، به پدیده‌ها و حوادث سیاسی بپردازد، طبیعی است، تحلیلش هم اسلامی خواهد شد.

می‌ماند علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی که بیانگر رابطه بین پدیده‌های سیاسی است با روش تجربی. نباید انتظار داشت که پاسخ این دانش‌ها را از اسلام و قرآن استخراج کنیم؛ ولی چون به تعبیر اهل علم، دانش‌های تجربی انسانی و طبیعی پیش‌فرض‌های متافیزیکی دارند؛ بنابراین باز هم باید متافیزیک اسلامی را به بهره‌وری رساند تا علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی هم اسلامی شود؛ پس بعضی شاخه‌های علوم سیاسی مثل جامعه‌شناسی سیاسی باید از مبانی متافیزیک اسلامی بهره‌یبرد و در اصل مسائل باید از روش تجربی استفاده کند؛ ولی در کلام و فقه و اخلاق سیاسی باید از آموزه‌های دینی و باید و نیاید‌های اسلامی بهره برد.

درباره مصلحت‌انگاشتن جدایی دین از سیاست در دوران غیبت به بهانه یا دلایل مذکور باید گفت، مثل این می‌ماند که وقتی در جایی پزشک متخصص وجود ندارد، به پزشک عمومی هم مراجعه نشود و عوام مردم به درمان بپردازند. وقتی دین اسلام، دینی جامع است، به‌طور قطع اصل اولیه آن تبعیت کردن از امام زمان (عج) است. در روایات آمده است که در زمان غیبت، مجتهدان حجت شما هستند و شما باید از آنان پیروی کنید و به این دلیل که مجتهدان فتاوی‌ی مختلفی دارند، مقلد می‌تواند بر حسب تشخیص پس از پیدا کردن مجتهدی که به ظن خود اعلم می‌داند، به فتوای او عمل کند. در مسئله حکومت‌داری و مسائل سیاسی، طبیعی است، حکومت تشکیل می‌شود و حکومت هم در جامعه، یک حکومت واحد است. طبیعی است، باید مجتهد عالم و عادل به نام ولی فقیه در رأس باشد که وقتی حکمی ولایی صادر کرد، مقلدان و مجتهدان از حاکم اسلامی تبعیت کنند. بقیه مراجع هم حکم خود را دارند؛ یعنی اگر ولی فقیه حکم حکومتی صادر نکرد و تنها فتوای شخصی خود را مطرح کرد، مراجع دیگر هم حق دارند، فتوای خود را طرح کنند و مقلدانشان می‌توانند از ایشان پیروی کنند؛ اما وقتی حاکم اسلامی و ولی فقیه حکم اسلامی صادر کرد، همه، حتی مجتهدان باید تبعیت کنند. حق دارند تذکر دهند؛ ولی در مقام عمل باید تابع ولایت فقیه باشند که این مسئله، نظری است که همه مراجع به آن اعتقاد و اذعان دارند. ■

عبرت‌انرا تاریخ کاری روشمند است

■ گفت‌وگو با دکتر کریم مجتهدی ■

تاریخ، آموختنی‌های فراوانی دارد؛ اما این پرسش وجود دارد که چگونه می‌توان درس‌های آن را به کار بست و از آن برای امروز بهره گرفت. دکتر کریم مجتهدی استاد فلسفه غرب دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی گروه غرب‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از روشمندی در عبرت‌گیری از تاریخ می‌گوید و با دقت فیلسوفانه خود روش‌های علمی این کار را برمی‌شمارد و پیش از آن هم به تفاوت‌های تاریخ و علوم انسانی با علوم طبیعی و ریاضی اشاره می‌کند. مجتهدی ملاحظات و نظریات خود را نیز در باب تاریخ، مدت‌ها پیش در کتابی با نام «فلسفهٔ تاریخ» گردآوری کرده است که در بخش‌هایی از این گفت‌وگو مطالبی را به آن ارجاع می‌دهد.

گفت‌وگوی ذیل با هدف تبیین چگونگی عبرت‌گیری از تاریخ، با وجود متغیرهای مختلف انسانی صورت گرفت و همین موضوع مقدمه‌ای شد تا در نهایت به این پرسش بپردازیم که آیا می‌توان از الگوها و وقایع تاریخی هر دوره سود برد، به نحوی که شرایط و مقتضیات حال نیز در آن لحاظ شده باشد؟ کریم مجتهدی هم با تأکید بر فاصله‌گرفتن از خطرات مبتلابه علوم انسانی و تاریخ یعنی سوءنیت‌ها و انگیزه‌های سیاسی، چنین امکانی را متصور می‌داند و معتقد است که پیچیده و دشوار است؛ اما با رعایت موازین علمی، شدنی است و هرچه باشد، می‌توانیم از دل تاریخ برای امروزمان، فرضیه‌هایی را استخراج کنیم که بهتر از هیچ است.

حسین سخنور

خلیبا اگر قرار باشد، موضوع گفت‌وگویمان دربارهٔ «چگونگی عبرت از تاریخ» باشد و طرف گفت‌وگو هم جنابعالی که از استادان فلسفه هستتید، باشد، خواننده توقع دارد، «تاریخ» مذکور در پرسش، با دقت بیشتری تبیین شود.

بله؛ موافقم و برای این کار نخست باید جایگاه علم تاریخ در بین علوم مشخص شود. اگر به‌طور فرضی، سه نوع علم در نظر بگیریم که عبارت‌اند از علوم ریاضی، علوم طبیعت و علوم انسانی، آن‌گاه

در علوم طبیعی، موضوع بحث به‌طور کلی پدیده‌های مادی است. در پدیدارهای مادی، ما فاعل شناسا را در نظر می‌گیریم؛ یعنی نمی‌گوییم، من الان

در این وضع قرار دارم؛ پس سن و وضع روحی و جسمانی‌ام تأثیری در شناخت پدیده‌های مادی مورد مطالعه‌ام ندارد. انسان را حذف می‌کنیم و فقط به خود پدیده توجه می‌کنیم؛ برای مثال در بررسی فرمول نیوتن، نمی‌دانید وقتی نیوتن این فرمول را می‌نوشت، غمگین بود یا خوشحال؛ درحالی‌که وقتی شعر حافظ را می‌خوانید، خود حافظ در آن منعکس می‌شود؛ یعنی به‌طور دقیق معلوم می‌شود که حافظ وقتی این شعر را می‌گفته، چه حالی داشته است؛ شاد بوده یا غمگین و یا دچار شور و شوق بوده است یا کسلی و بی‌میلی.

خلیبا روش و موضوع علوم انسانی چه تفاوتی با علوم طبیعی و ریاضی دارد؟

در علوم انسانی از جمله تاریخ، موضوع به‌کلی عوض می‌شود؛ یعنی نه فقط موضوع کمیتی و نه فقط موضوعات پدیدارهای مادی، بلکه این علوم چه تاریخ، چه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی یا روانکاوی و ... -که در قلمرو علوم انسانی می‌توانید قرار دهید- اوصافی دارد که در فیزیک و شیمی و ریاضی دیده نمی‌شود.

خلیبا آن اوصاف چیست؟

از این قرار است که این علوم با تصور حضور انسان در این جهان معنا پیدا می‌کنند؛ برای مثال در «تاریخ» می‌گوییم، اگر انسانی در این عالم نبود، علم تاریخ هم از اساس معنا نداشت؛ بنابراین ما تاریخ حیوانات نداریم و تاریخ مرتبط با آن نیز تاریخ طبیعی و بیولوژی و زیست‌شناسی است. اولین شرط عامل مقوم علوم انسانی یعنی عاملی که این علوم را به منصفهٔ ظهور می‌نشانند، حضور انسان در این جهان است. طبیعی است، علم تاریخ هم از این قاعدهٔ کلی بیرون نیست.

از نگاهی دیگر، علوم به‌طور کامل می‌توانند، تجربی یا استنتاجی باشند؛ مانند علوم طبیعی و یا می‌توانند، فقط کمنی باشند؛ مانند علوم ریاضی. روش‌هایی که در علوم انسانی به کار می‌رود، ویژهٔ علوم انسانی است؛ از این‌رو اگر قرار باشد، یک روش عمومی برای علوم انسانی در نظر بگیریم، تمثیل است؛ یعنی از شباهت میان پدیده‌ها به نتایج مشخصی برسیم.

خلیبا با مقدماتی که مطرح کردید، رسیدیم به پرسش نخست و اصلی‌مان که آیا به‌طور کلی می‌توان از تاریخ عبرت گرفت یا نه؟ به‌طور دقیق‌تر آیا با توجه به وجود متغیرهای مختلف زمانی و مکانی، امکان استفاده از تاریخ و الگوگیری از رفتارها و اقدامات شخصیت‌های تاریخی، وجود دارد؟

به نکات مهمی اشاره کردید. به‌طور قطع عبرت از تاریخ باید روشمند باشد. به چه شکل؟ برای مثال

اوضاع و احوال جامعه‌ای در یک مقطع خاص تاریخی همچون اوضاع و احوال فرانسه، پیش از انقلاب کبیر را در نظر بگیرید. مورخ در تحلیل آن اوضاع و احوال نمی‌تواند پیش‌بینی کند که احتمال دارد، یک پدیدار اجتماعی رخ دهد. در اینجا از شباهت و تشابه و آمادگی استفاده می‌کنیم. می‌گوییم چون در آنجا این‌طوری بود، اینجا هم احتمال می‌دهیم، این‌طوری باشد؛ ولی جوابی که می‌توانیم بدهیم «قطعیت» علوم طبیعی را ندارد. مثل ریاضی نمی‌توانیم، تنها بر اساس تعاریف استنتاج کنیم. تنها می‌توانیم بگوییم: «احتمال مقرون به یقین»؛ یعنی احتمال دارد؛ احتمالی که نزدیک به یقین است که چون امری در فلان دوره به وقوع پیوسته است، به سبب آنچه اسناد و مدارک دربارهٔ آن دوره برای ما افشا می‌کند، «احتمال دارد» که همان اتفاق در این دوره هم به وقوع پیوندد؛ در نتیجه در علوم انسانی تشابه و بازگشت به موارد مشابه بسیار رایج است.

در روانکاوی، یک پزشک یا روان‌کاو در یک نفر موارد و حالتی می‌بیند که کم‌وبیش شبیه به حالات نفر دیگری است که در فلان بیمارستان با آن کار کرده است. می‌تواند فکر کند که این تشابه می‌تواند، راهکاری را به او نشان دهد. آن راهکار جدید راه حل نیست؛ ولی یک قضیهٔ احتمالی است. این فرضیه به ذهن من می‌آید که شاید چنین چیزی می‌تواند رخ دهد. مطلب را ساده می‌کنم؛ شما فرض کنید، از رفتار کسی پی می‌برید که او به شما راست می‌گوید. همین رفتار مشابه را در کس دیگری می‌بینید و این مسئله به ذهن شما می‌آید که این یکی هم باید راستگو باشد.

این بازگشت به تاریخ این حالت را دارد. هیچ چیز قطعی‌ای را نمی‌تواند به شما بگوید؛ ولی یک‌جور مقدمه و یک نوع آشنایی برای فهمیدن قضیه پیش روی شما می‌گذارد. یا یک فرضیه به ذهن‌تان خطور می‌کند. این فرضیه هیچ اعتباری ندارد؛ ولی نمی‌شود و نمی‌توان آن را انکار کرد. این فرضیه باز بهتر از هیچ است و دلالت بر یک تجربه دارد؛ تجربه‌ای که به عینه تکرار نخواهد شد؛ ولی احتمال دارد که نتایج آن مشابه آن چیزی باشد که در گذشته بوده است.

■ تاریخ در نهایت فرضیه ای اراپه می کند که هیچ اعتباری ندارد

ولی نمی‌شود و نمی‌توان آن را انکار کرد.

این فرضیه باز بهتر از هیچ است و دلالت بر یک تجربه دارد

تجربه‌ای که به عینه تکرار نخواهد شد

ولی احتمال دارد که نتایج آن

مشابه آن چیزی باشد که در گذشته بوده

است ■

خلیبا اشاره داشتید، تاریخ برای امروز ما در بهترین حالت فرضیه‌ای به ما تقدیم می‌کند که «بهتر از هیچ» است؛ دلیل این ادعا چیست؟ بسیار پیش آمده است که همین بهتر از هیچ و ایجاد تناظر بین وقایع تاریخی و اتفاقات حال، سوءتفاهماتی را به‌وجود می‌آورد که در سودمندی تاریخ تردیدهایی جدی پیش می‌آید.

همان‌طور که گفتم، نباید توقع داشته باشیم، همان قطعیتی که در علوم طبیعی وجود دارد، در علوم انسانی و تاریخ وجود داشته باشد. در علوم طبیعی هر معلولی، علت مشخصی دارد؛ اما در علوم انسانی چنین نیست و همین موضوع هم همان سوءتفاهماتی را باعث می‌شود که شما به آن اشاره داشتید؛ ولی این سوءتفاهمات اصل سودمندی تاریخ را منتفی نمی‌کند. منظور خود را با مثالی روشن می‌سازم. در نظام طبیعت موضوع مورد مطالعه خارج از فاعل شناساست؛ فرض کنید می‌خواهیم، دربارهٔ پدیدهٔ انبساط تحقیق کنیم، در مطالعهٔ این پدیده همچون سایر پدیده‌های طبیعی سه مؤلفه را می‌توان پی‌گیری کرد. همان‌طور که ذکر شد، اولاً موضوع مورد مطالعه خارج از «من» است و جنبهٔ خارجی دارد. دوم، تکرارشدنی است؛ یعنی می‌توان عین این تجربه را فردا هم تکرار کنیم و ببینم همان نتیجه به دست می‌آید یا نه. سوم، کمنی است و می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد؛ برای مثال ضریب انبساط به‌طور کامل سنجش‌پذیر است؛ اما هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها در تاریخ وجود ندارد.

در تاریخ نمی‌توانید، قضیه را به عینه تکرار کنید؛ چون گذشته‌ها گذشته است. تنها یک کار می‌توان کرد؛ اسناد و مدارک و گواهی‌ها را جمع‌آوری کنید و با نقل و اثبات اعتبار و مقایسهٔ آنها، نتایجی برای امروز خود بگیرید. اختلاف‌ها و تفسیرهایی هم ممکن است پیش بیاید؛ چون انسان‌ها به عینه مثل هم نیستند و ممکن است دو جور تفسیر شوند؛ در نتیجه چون نمی‌توانیم، در هیچ آزمایشگاهی به‌عینه رخداد را تکرار کنیم، در هر صورت فقط از طریق تشابه و استدلال تمثیلی می‌توانیم، به آن پی ببرید. نکته‌ای دیگر که در تاریخ، اهمیت به‌سزایی دارد،

جامعه‌شناسی است. عواملی که در جامعه‌شناسی می‌توانید تعریف کنید، کمک خواهند کرد که رخدادهای گذشته بهتر فهم شوند؛ اما یک ملاحظه در مقایسهٔ تاریخ و جامعه‌شناسی با علوم طبیعی وجود دارد و آن، وجود علت‌های متفاوت برای یک معلول است؛ برای مثال اگر در جامعه معضل بیکاری وجود داشته باشد، می‌توان گفت، به‌طور دقیق علت این بیکاری چیست؟ در شیمی علت حرارت، انبساط است؛ اما هم‌اکنون در جامعه‌شناسی نمی‌توانید بگویید، علت بیکاری چیست. این معضل ممکن است بر اثر علل متعددی به وجود آمده باشد؛ همین‌طور اگر خودکشی در جامعه‌ای افزایش یابد،

گفت‌و‌گو با سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، مؤلف کتاب «اسلام سیاسی در ایران»

تشبیه‌های بی‌حساب

جواب ناصواب

■ تشبیه شخصیت‌های تاریخ اسلام به رجال سیاسی معاصر ■



چندی است که در فضای غبار‌آلود سیاسی تطبیق‌های تاریخی چنان فراگیر و دست‌وپاگیر شده است که کمتر کسی را می‌توان یافت که تاکنون به نمونه‌ای از این شبیه‌سازی‌های ناشیانه و گزینشی برخورد کرده باشد. شاید سابقهٔ تطبیق و تشبیه‌های تاریخی به دورانی بازگردد که روحانیت و دیانت علاوه بر انتقاد و اعتراض به حاکمیت، نیم‌نگاهی به قدرت پیدا کرد. تاریخ ادیان و از آن جمله اسلام پهلو‌به‌پهلوی اساطیر مملو از چهره‌های سیاه و سپیدی بود که آسان‌ترین راه را پیش پای می‌نهاد. هر سپیدروی پاکدامن را خودی و هر تیره روز تردامن را ناخودی‌دانستن و هر ضد خود را با انواع تهمت‌ها لگدکوب‌کردن و زیر پا انداختن و از این رهگذر به توجیه خود نزد افکار توده‌ها پرداختن، ساده‌ترین راه برای فاتحانه و ساده‌انگارانه رایت حقانیت افراختن است.

دکتر سیدمحمدعلی حسینی‌زاده، نویسندهٔ کتاب «اسلام سیاسی در ایران» است. وی تتبعات و تقریراتی در زمینهٔ اسلام سیاسی و نقش علما و روحانیان در مورد مشروعیت‌بخشی به حکومت‌ها دارد که در آنها این‌ جایگاه را تا عصر حاضر پی‌گیری می‌کند. حسینی‌زاده در گفت‌وشنودی که پیش‌رو دارید، به برخی حداقل‌های لازم برای استفاده از تاریخ، به مثابهٔ منبع مهم معرفتی در اسلام و تشیع اشاره می‌کند و اگرچه دست مورخان و فقیهان را در این راه گشاده داشت، گروهی شک و پرسش را نیز از پیش رویمان برداشت و سودجویان و فرصت‌طلبان را از دایرهٔ ذی‌حقان در این زمینه، بیرون انگاشت.

سید غلامرضا هزاوه‌ای

خیلیا آیا می‌توان از مفهوم‌ها، تعبیرها، شخصیت‌ها و رخداد‌های صدر اسلام برای تبیین و توضیح وضعیت موجود جامعهٔ اسلامی استفاده کرد؟ اگر پاسخ مثبت است، چه کسانی برای این تطبیق‌های تاریخی اجازه خواهند داشت و برای این کار چه قواعد و ضوابطی را باید رعایت کنند؟

بحث شما از مفهوم‌ها، تعبیرها و توصیف‌ها شروع می‌شود و تا حوادث تاریخی پیش می‌رود. آنچه به نظر بیشتر باید روی آن تمرکز کرد، شبیه‌سازی حوادث تاریخی است. مفاهیم در هر زمان تعاریفی دارند که می‌شود آن را جست‌وجو کرد و در مورد آن توضیحاتی داد. نکتهٔ مهم، شبیه‌سازی تاریخی است که زیاد تکرار می‌شود و بیش از همه در جامعهٔ ما رواج دارد؛ بنابراین بحث را روی شبیه‌سازی تاریخی متمرکز می‌کنیم. اگر قرار باشد از لحاظ علمی به قضیه نگاه کنیم، در عمل بازسازی عینی پدیدهٔ تاریخی امکان‌پذیر

نیست؛ چراکه هیچ پدیدهٔ تاریخی تکرار نمی‌شود. پدیده‌ها همواره یک‌بار اتفاق می‌افتند و اگرچه ممکن است، شبیه به هم به نظر آیند، هیچ‌گاه همانند هم نیستند.

علت شبیه‌بودن پدیده‌ها در هر جامعه جریان‌های کلی یا کلان تاریخی است که وقایع در چار‌چوب آنها تعریف می‌شوند؛ چراکه باعث می‌شوند، شباهت وقایع تاریخی با یکدیگر زیاد به نظر برسد. در هر صورت هر حادثه و هر شخصیت تاریخی در یک‌زمان و شرایط اجتماعی خاص متولد می‌شود و امکان تکرار ندارد؛ برای

■ به لحاظ علمی

بازسازی عینی پدیدهٔ تاریخی

امکان‌پذیر نیست

چراکه هیچ پدیدهٔ تاریخی

تکرار نمی‌شود

پدیده‌ها همواره یکبار اتفاق می‌افتند

و اگرچه ممکن است

شبیه به هم به نظر آیند

هیچ‌گاه عین هم نیستند ■

بدون اینکه ما بخواهیم، به شباهت تاریخی تام عاشورا با برای مثال انقلاب مشروطه یا انقلاب ۵۷ حکم دهیم، این دو را به مثابهٔ دو جریان تاریخی کنار هم قرار می‌دهیم و شباهت‌های آن را بررسی می‌کنیم. برای شبیه‌سازی، هم باید بی‌طرفی و انصاف را لحاظ کنیم و هم باید به این معنا توجه کنیم که این شبیه‌سازی هیچ‌گاه کامل و تام نیست و آن حادثه هیچگاه دوباره اتفاق نیفتاده است، بلکه تنها جنبه‌هایی از آن تکرار شده است.

این کار در زمینهٔ علمی باید صورت گیرد؛ یعنی کسانی اجازه دارند، به این کار دست بزنند که به‌طور کامل از شرایط ظهور این جریانات و حوادث تاریخی آگاهی دارند. کسانی که اطلاعات کامل تاریخی یا در بعضی موارد اطلاعات اسلامی ندارند، نمی‌توانند، این‌گونه از تاریخ استفاده کنند. در جامعهٔ ما این نکته رواج دارد که سیاستمداران بیشتر دست به این کار می‌زنند و نه علما و دانشمندان. در واقع این تطبیق‌های تاریخی را به‌طور عمدۀ سیاستمداران و با اهداف سیاسی صورت می‌دهند.

خیلیا بنابراین آیا می‌توان تطبیق‌های تاریخی را به دو دستهٔ درست و نادرست تقسیم کرد؟ ملاک ما برای تشخیص درست از اشتباه چیست؟

بله؛ باید جوانب قضیه را رعایت کنیم؛ یعنی، در نظر داشته باشیم که هیچ زمانی حادثه‌ای به معنای تام تکرارشذنی نیست. حوادث می‌توانند در جریانات تاریخی تفسیر و معنا شوند و سپس می‌توانیم، آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم. این‌گونه شبیه‌سازی را می‌توان شبیه‌سازی درست قلمداد کرد؛ اما این بدان معنا نیست که این حادثه به شکل تام و تمام شبیه حادثه‌ای دیگر است و نکتهٔ دیگر آنکه این تطبیق‌های درست نیز باید همان‌گونه که بیان شد، با رعایت انصاف و بی‌طرفی انجام گیرد، به‌طور کامل عالمانه باشد و توسط متخصصان صورت پذیرد؛ یعنی، تنها برای فهم حقیقت باشد؛ نه برای اغراض و منافع سیاسی.

خیلیا آیا شأن تاریخ‌دانی از سیاست‌ورزی جداشدنی است؟

سیاستمدار به مثابهٔ کسی که متولی ادارهٔ امور مردم است، جایگاهی دارد و در همان حال ممکن است، به عنوان یک مورخ یا تاریخ‌دان نیز مطرح باشد. چنین کسی وقتی سیاستمدار شد، دیگر از درجه اهمیت جایگاه دوم، یعنی مورخ‌بودن تا اندازهٔ زیادی کم می‌شود. در عمل در تاریخ این اتفاق افتاده است که سیاستمداران برای توجیه عمل و منطق خویش، خود را به

■ تمایل به تطبیق تاریخی و شبیه‌سازی

و مقایسهٔ لحظات ناب تاریخی

به هر حال وجود دارد

این جریان تا زمانی که

در قالب درک جریانات کلی تاریخ باشد

مشکلی ایجاد نمی‌کند ■

بزرگان و اسطوره‌ها شبیه کردند، حوادث تاریخی بزرگ و جریان‌های تاریخی مورد قبول مردم را به خود نسبت دادند و خود را در

جبههٔ حق و جناحی که اسطوره‌های تاریخی و مورد احترام جامعه قرار دارند، قرار دادند. در واقع این شیوه، شیوهٔ اقناع و راضی‌کردن مردم به حساب می‌آید. به جای اینکه پای استدلال و منطق را به میان آوریم، با شبیه‌سازی شرایط تاریخی حقانیت خود را به مردم نشان می‌دهیم. اگرچه این کار برای اقناع مردم بسیار مفید است، در عمل و به‌طور عمدۀ نوع شبیه‌سازی‌هایی که این‌گونه صورت می‌گیرند، بسیار بسیط و ساده‌انگارانه است. تصوری که از حق و باطل در این شبیه‌سازی‌ها وجود دارد، بسیار ابتدایی است. در این رهگذر به پیچیدگی‌های حوادث تاریخی چندان توجهی نمی‌شود. تنها به نظر می‌رسد که نوعی بازی با شخصیت‌ها و اسطوره‌هاست.

هیچ‌وقت چنین شبیه‌سازی‌هایی که به هر حال به ضرورت زمان است، جامعیت و شرایط علمی لازم برای بررسی کامل پدیده‌های تاریخی را ندارد؛ یعنی در واقع سیاستمداران در این زمینه نه دقت می‌کنند و نه حتی توان و تخصص لازم برای دقیق دیدن را دارند. عمدۀ این شبیه‌سازی‌ها برای اقناع توده‌ها صورت می‌گیرد. در واقع این امر اجتناب‌ناپذیر است. سیاستمدار وقتی از موضع یک سیاستمدار سخن می‌گوید، انتظار نمی‌رود که چندان عالمانه و دقیق سخن بگوید؛ آن‌هم در حوزه‌ای که تخصص ندارد. سیاستمدار با مردم سروکار دارد. مردم بیشتر تمایل دارند، با تشبیه و تمثیل و … حقایق را درک کنند؛ اما به نظر می‌آید

■ این تطبیق‌های درست باید

با رعایت انصاف و بی‌طرفی انجام گیرد

و توسط متخصصان صورت پذیرد

یعنی، تنها برای فهم حقیقت باشد

نه برای اغراض و منافع سیاسی ■

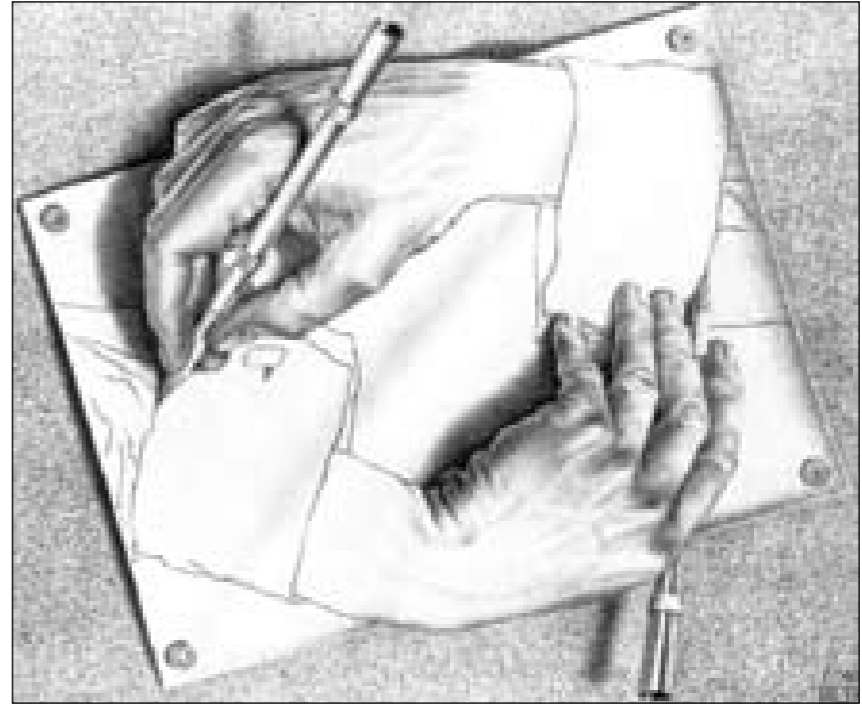
که این کار ایجاد مشکل می‌کند.

اگر قرار باشد که هر کسی خود را جای بزرگان و اسطوره‌ها قرار دهد و هر حادثهٔ تاریخی را بتوان در هر لحظه‌ای تکرار کرد و با استفاده از آن حادثهٔ تاریخی حقانیت خود را به مردم نشان داد، آن اسطوره‌ها و خاطرات ماندنی مردم و خاطرات ناب تاریخی جامعه دچار لطمه می‌شود. در واقع وقتی بی‌محابا از این اسطوره‌ها استفاده شود، آن اسطوره‌ها در ذهن مردم مشوش می‌شوند. وقتی از این اسطوره‌ها هزینه می‌کنید تا حقانیت خود را اثبات کنید، بالطبع انتظار خواهد بود که گروه‌های مختلفی این کار را انجام دهند و همین‌گونه هم هست. یک گروه تنها نخواهد بود. آنگاه به‌تدریج این اسطوره‌ها از اسطوره‌بودن خارج می‌شوند و حتی ممکن است، حقانیت اسطوره‌ها نیز زیر سؤال برود.

جامعه در مورد این اسطوره‌ها فکر می‌کند و آنها را قبول دارد؛ اما وقتی شما آنها را احیا کنید و برای رسیدن به منافع خود از آنها سود ببرید و زیاد از آنها استفاده کنید، این امکان وجود دارد که مردم احساس کنند، باید در مورد اندیشه‌ها و اسطوره‌هایشان بازاندیشی کنند. همیشه این خطر را باید به جان خرید که اگر ما بخواهیم، از این اسطوره‌ها برای حقانیت خودمان استفاده کنیم، بالطبع گروه‌های مختلف این حق را خواهند داشت و به این ترتیب دیگر معلوم نیست، چه بر سر این اسطوره‌ها خواهد آمد.

فکر می‌کنم، اگر کسی احساس کند، این خطر وجود دارد که در صورت استفادهٔ سیاسی از اسطوره‌ها، آنها و خاطرات ناب تاریخی متزلزل خواهند شد، خود نیز در استفاده از آنها پرهیز خواهد کرد. به هر حال این انحصاری نیست؛ یعنی، اگر شما حق دارید که از اسطوره‌ها و لحظات ناب تاریخی استفاده کنید، این‌گونه نیست که دیگری چنین حقی نداشته باشد. همه دوست دارند که خود را در جبههٔ امام حسین (ع) قرار دهند و طرف مقابل را یزید قلمداد کنند. چنین مسئله‌ای کار را مشکل‌تر خواهد کرد. باید پذیرفت که این حوادث، حوادث نابی بودند و ما در تاریخ اسلام اسطوره‌های نادری داریم که باید حفظ شوند. هرکسی این صلاحیت و لیاقت را ندارد که دست به تفسیر آنها بزند یا از آن بالاتر خود را در جای آنها قرار دهد.

در واقع اسطوره‌ها به این دلیل اسطوره شدند و خاطرات برای آنها ماندنی شد که نمی‌شود آنها را تکرار کرد؛ ولی در معنای کلی بدون آنکه بخواهیم خود یا دیگری را جایگزین کنیم و تنها برای فهم یک جریان کلی تاریخی و برای الهام‌بخشی، می‌شود از این کار استفاده کرد. اینکه داریم «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» به این معناست که همیشه در تاریخ جریان ظلم‌ستیز و



یادماندگی از منتهی‌المراد حضرت امام خمینی (ره)

استبدادستیز و همیشه انسان‌های آزاده وجود داشتند. عاشورا سرمشق و الگوی آنهاست و همیشه تاریخ هم این‌گونه خواهد بود؛ اما هیچ زمانی به‌طور کامل عاشورا تکرار نمی‌شود؛ چراکه یک امام حسین (ع) بیشتر در تاریخ نیست و یک عاشورا هم بیشتر در تاریخ ندارد.

به مثابه الهام‌بخش انسان‌های آزادی‌خواه و ظلم‌ستیز عاشورا همیشه عاشورااست؛ اما هیچ‌کس نمی‌تواند خود را به‌طور انحصاری در جبهه حسین (ع) و دیگری را در جبهه یزید قرار دهد. این نکته مهم است که ما بدون تمسک به این شبیه‌سازی‌های تاریخی بتوانیم، حق و باطل را تشخیص دهیم. بتوانیم ظلم و عدل را بشناسیم و بر اساس آن از حق و عدل دفاع کنیم و با ظلم و باطل و استبداد بستیزیم. تشبیهات نباید باعث شود که فهم و درک ما از حقیقت مشوش شود.

حلیا تاریخ به منزله یک منبع معرفتی، اهمیت فراوانی در اسلام و به‌ویژه در اندیشه شیعی دارد؛ از تفسیر آیات قرآن که دست‌کم در برخی آیات مهم به‌طور کامل وابسته به شأن نزولی است - که به‌طور مسلم تاریخ به حساب می‌آید- تا استفاده فقها از قول، فعل و تقریر پیامبر (ص) برای استنباط احکام فقهی که آن‌هم در زمره وقایع تاریخی است. استفاده از تاریخ در این زمینه‌ها به تطبیق‌های نادرست تاریخی منجر نمی‌شود؟

فقیه می‌خواهد حکم را کشف کند. کشف حکم با تطبیق تاریخی تفاوت دارد. زمانی می‌خواهیم

ببینیم، از نظر امام (ع) این موضوع فقهی چیست و حکم آن کدام است. باید ابعاد مختلف را بررسی کنیم، تاریخ و سیره را در نظر بگیریم تا حکم را استنباط کنیم؛ اما در تشبیه تاریخی، ما یک حادثه تاریخی را با حادثه‌ای دیگر همانند می‌پنداریم و برخورد معصوم (ع) را شبیه‌سازی می‌کنیم. این کار با کشف حکم شرعی متفاوت است. در فقه، هدف، کشف حقیقت است؛ بنابراین از ابعاد مختلف به قضیه نگاه می‌شود و زمانی که حکم استنباط شد، اعلام می‌شود؛ اما تشخیص موضوع بر عهده مکلف و عرف است. به نظر من مسئله ما با این مسئله متفاوت است. به هر حال تاریخ در فقه و استنباط احکام فقهی اهمیت فراوانی دارد؛ اما این مسئله با شبیه‌سازی تاریخی تفاوت دارد.

حلیا شما در کتاب «اسلام سیاسی در ایران» یکی از دلایل اقبال مردم به اسلام سیاسی فقهاتی را استفاده این گفتمان از اسطوره‌ها، نام‌ها و خاطره‌هایی دانستید که معتقدید، توده مذهبی با آنها مانوس است. آیا در پس دست‌یابی به این عوام‌فهمی، تطبیق‌های تاریخی نادرست رخ نمی‌دهد؟

به هر حال نزدیک‌شدن به این اسطوره‌ها

در واقع اسطوره‌ها به این دلیل اسطوره شدند و خاطرات برای آنها ماندنی شد که تکرار نمی‌شوند

کار گفتمان‌ها را راحت می‌کند. این امر، امری بدیهی است. هرچه شما به ذهنیت مردم و به آن اسطوره‌هایی که مردم می‌شناسند، نزدیک‌تر باشید، اینها در گسترش یک گفتمان به شما یاری می‌رساند. این اتفاق در انقلاب افتاد که یک جبهه ظلم، ستم و استبداد وجود داشت و بحث مبارزه با ستم و ظلم مطرح بود. در این مبارزه بود که اسطوره‌ها به کمک آمدند و هیجانی به وجود آوردند. در واقع انقلاب را در متن یک جریان استبدادستیز و ظلم‌ستیز قرار می‌دهم و معتقدم، الهام‌گرفتن از عاشورا ضربه‌ای به اسطوره‌های تاریخی وارد نکرد؛ اما تداوم این شرایط به چه شکل است؟ این‌گونه نیست که ما در اختلافات سیاسی خود همواره بتوانیم، شرایط انقلاب را تکرار کنیم.

نباید احساس کنیم که همیشه آن شرایط تکرار می‌شود. این تداوم است که به اسطوره‌ها ضربه خواهد زد. زمان انقلاب جریانی وجود دارد که حاکم است و با مردم مقابله می‌کند. به ستم دست می‌زند، شکنجه می‌کند و می‌کشد. ظلم بودن و ناحق بودن آن به‌طور کامل بدیهی است.

استفاده از این نمادها نه برای آنها و نه برای جامعه نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند، بلکه به براندازی ظلم و ویرانی استبداد نیز کمک می‌کند؛ اما در ادامه، زمانی که شما بخواهید در اختلافات داخلی در شرایط تثبیت نظام، یعنی زمانی که دیگر ظلم بدیهی یا حق بدیهی مشخص نیست، از این نمادها استفاده کنید، به آشفتگی شرایط، دامن خواهید زد. در شرایط انقلاب از این اسطوره‌ها استفاده شد و به‌طور طبیعی این استفاده باید صورت می‌گرفت؛ چون در واقع مبارزه‌ای بود که به هیجان و شور نیاز داشت و این اسطوره‌ها، این شور و هیجان را ایجاد می‌کردند.

باز هم فکر نمی‌کنم که در آن زمان این تشبیه‌ها چندان دقیق و به تعدد استفاده می‌شد. فکر می‌کنم، همیشه به ناب‌بودن اسطوره‌ها و لحظه‌های تاریخی توجه و به تکرارناپذیر بودنشان تأکید می‌شد. وقتی به‌ویژه در شرایط عادی زیاد از این اسطوره‌ها استفاده شود، دیگر آنها اهمیت خود را از دست خواهند داد.

حلیا آیا تطبیق تاریخی در آیات و روایات سابقه دارد؟ مشابه حدیث منزله که پیامبر (ص) خود را به حضرت موسی (ع) و حضرت علی (ع) را به هارون همانند می‌کند، احادیث و آیات دیگری هست؟ آیا می‌توانیم، از این تطبیق که به‌طور مسلم در زمره تطبیق‌های درست است، مشخصاتی را برای تشبیه‌های مجاز استخراج کنیم؟ همان‌گونه که پیش از این هم بیان شد، برای درک جریان کلی تاریخی می‌شود، از این

شبیه‌سازی‌ها بهره برد؛ به شرط اینکه بر این نکته تأکید کنیم که ما طرفدار حق باشیم و با این تشبیه‌ها نمی‌خواهیم، حق را بشناسیم. حق را تنها با استدلال و منطقی و فرآیندهای معرفتی می‌شود، شناخت. صرف ادعاهای شبیه‌سازی، معیار حق‌بودن نیست.

تأکید من روی شبیه‌سازی‌هایی است که در حوزه سیاست صورت می‌گیرد؛ خطراتی که در پس آن متوجه جامعه و اسطوره‌هاست. در همان حال همان‌گونه که گفته شد، عالمان جواز چنین کاری را دارند. پیامبر (ص) به‌طور مسلم با پیامبران دیگر شباهت دارند و در اینجا مشکلی ایجاد نمی‌شود. مشکل در حوزه سیاست است که شما خود را در جایگاه حق قرار دهید، از اسطوره‌ها استفاده کنید و سعی کنید مردم را به این وسیله در حقانیت خود اقناع کنید؛ آن‌هم بدون توجه به اینکه آن پدیده‌های تاریخی در چه زمان، چه زمینه و چه متنی بودند و تنها یک شبیه‌سازی ساده‌انگارانه، ابتدایی، هیجانی و به‌نوعی جهان‌گرایانه را رقم بزنید. این کار با آنچه در مورد پیامبر (ص) گفتید، فرق دارد.

حلیا آیا گفتمان‌های معطوف به تشکیل حکومت در عصر غیبت را می‌توان

می‌گویند که کار پاکان را قیاس از خود مگیر پیامبری خود را به پیامبر دیگر تشبیه می‌کند نمی‌شود از این نتیجه گرفت که من و یا امثال من خود را به پیامبر (ص) یا علی (ع) تشبیه کنیم

تطبیق‌های کلان، ریشه‌ای و کلی در نظر گرفت و در چارچوب تطبیق‌های تاریخی با آن روبه‌رو شد؟ آیا واگذاری همه یا برخی اختیارات پیامبر (ص) و ائمه (ع) به فقیهان ناشی از تطبیق‌های تاریخی نادرستی نیست که در تعارض با فلسفه غیبت به نظر آید؟

این کار، الگوبری است. ما یک مدینه آرمانی داریم. الگویی که در آن معصوم (ع) حکومت می‌کند، الگوی امام علی (ع) یا الگویی که در آن حکومت در دست پیامبر (ص) بوده است. این آرمان‌های حکومت اسلامی است که هم در اهل تسنن و هم در شیعه وجود دارد. حال ما می‌خواهیم خود را به آن آرمان‌ها

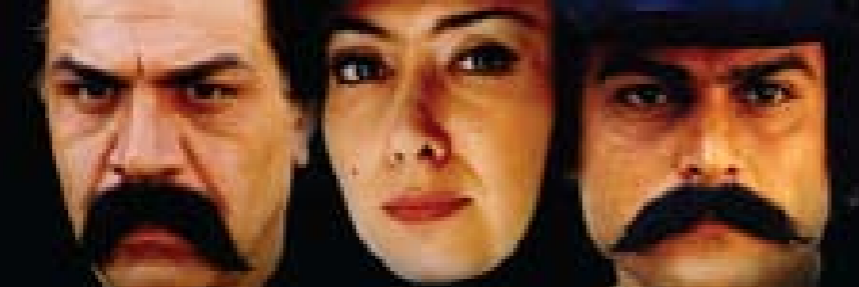
نزدیک کنیم. در عصر غیبت هم این بحث وجود دارد که آیا می‌توان به این آرمان نزدیک شد یا خیر. آیا می‌شود این آرمان را تکرار کرد؟ ما سعی می‌کنیم که به این آرمان‌ها نزدیک شویم. شیوه‌های مختلفی هم وجود دارد، برای آنکه بتوانیم به این حکومت نزدیک شویم. زمانی علما معتقد بودند که مشروطه به این الگو نزدیک‌تر است.

این نظریه ولایت فقیه و اسلام سیاسی به یک معنا که در انقلاب اسلامی مطرح شد، تا اندازه‌ای چرخشی از آن نظریه سنتی شیعه که به نبود امکان برقراری حکومت مشروع در عصر غیبت معتقد بود، به حساب می‌آید. ما در گذشته به این اعتقاد داشتیم که امکان رسیدن به این آرمان یا نزدیک‌شدن به این آرمان وجود ندارد؛ ولی در انقلاب اسلامی مطرح شد که می‌توان تا اندازه‌ای به این الگو نزدیک شد و آن را در اینجا پیاده کرد و با آن همراه شد.

نه اینکه ما بتوانیم به‌طور کامل حکومت علوی را تکرار کنیم یا خود را به جای ایشان قرار دهیم؛ به‌هیچ‌وجه؛ همان‌گونه که خود حضرت هم فرمودند: «شما نمی‌توانید، مثل من باشید، سعی کنید، مقداری به من نزدیک شوید.»

باز خوانی رابطه تعزیه و سیاست در سریال «شب دهم»

تصویر سیاست در قلاب تعزیه



سید رضا صائمی

اگر بخواهیم درباره رابطه میان تعزیه به مثابه یک نمایش آیینی-مذهبی و سیاست سخن بگوییم، باید پیش از آن نسبت بین هنر و سیاست را بازشناسی کنیم. شاید بسیاری از مخاطبان خسته از سیاست‌ورزی، این تناسب را از بنیاد غلط بدانند و ساحت هنر را فراتر و پاک‌تر از آن تصور کنند که جولانگاه سیاست‌بازی شود؛ اما همین که پذیرفتیم، سیاست، نوعی بازی است، آنگاه می‌شود، میان سوژه نمادین تعزیه به مثابه یک بازی نمایشی و سیاست ارتباط برقرار کرد؛ همچنان که میان بازی شطرنج و سیاست رابطه نمادینی برقرار می‌کنند. اتفاقاً تعزیه، نمایشی است که از بابت مضمون و درون‌مایه اثر یکی از سیاسی‌ترین حوادث مذهبی را بازنمایی می‌کند تا همواره این پیام معروف را که «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا» به مخاطبان یادآوری شود و فلسفه قیام امام حسین (ع) فراموش نشود.

فلسفه مبارزه و ایستادگی در برابر ظلم و به ذلت طاغوت تن‌ندادن و آزادگی و با عزت زیستن، مهم‌ترین و مقدس‌ترین آرمانی است

یادماندگی از منتهی‌المراد حضرت امام خمینی (ره)

که به منزله غایت کنش سیاسی می‌تواند تعریف شود. سیاست‌ورزی تنها در مبارزه مسلحانه و شمشیر کشیدن به دشمن خلاصه نمی‌شود، بلکه کنش سیاسی دارای انواع و اقسام رفتارها و استراتژی‌های عقلانی است که برخی از آنها در قالب زبان و نماد و تصویر و نمایش تبلور می‌یابد. به همان اندازه‌ای که قیام امام حسین (ع) را می‌توان سیاسی خواند، تألیف دعا‌های امام سجاد (ع) را نیز می‌توان امر سیاسی قلمداد کرد. سیاست تنها سلاح تیز و گرم ندارد، گاهی مبارزه نرم در عرصه فرهنگ و هنر، تیغش تیزتر از نوک شمشیر است؛ از این‌رو تعزیه یک تئاتر سیاسی است که جزو آیین‌های سنتی و مذهبی محسوب می‌شود؛ اما می‌توان مؤلفه‌های نمایش مدرن را هم در آن پیدا کرد و طبق تقسیم‌بندی‌های جدید، آن را در شاخه تئاتر سیاسی قرار داد. تعزیه در لغت به معنی سوگواری و عزاداری و برپا داشتن یادبود عزیزان در گذشته است؛ اما در اصطلاح به نوعی نمایش مذهبی با آداب و رسوم و سنت‌های خاص اطلاق می‌شود. تعزیه دارای سویه مذهبی و نمایشی است؛ اما خاستگاه سیاسی دارد و حکومت صفویه برای تبلیغ و بسط فرهنگ شیعی، به گسترش آن کمک زیادی کرد.

در واقع سیاست به شکل متنی و فرامتنی، این نمایش مذهبی را پشتیبانی کرده است و نسبت بین سیاست و تعزیه دارای عقبه تاریخی است. در ابتدای دوره قاجاریه، تعزیه، به دلیل حمایت شاهان و طبقه مرفه جدید بازرگان و سیاسی، دامنه‌دارتر شد. بعدها در نمایش‌خانه‌های موقت به نام تکیه یا حسینیه این نمایش‌ها اجرا می‌شدند. تاریخ دقیق ساختمان یکی از این تکیه‌های ثابت یعنی تکیه نوروزخان، ۱۱۷۷ ه.ش، مقارن اوایل سال‌های سلطنت فتحعلی‌شاه است. در نخستین مراحل تعزیه، بسیاری از نقالان مذهبی و غیرمذهبی به بازی در آن پرداختند؛ به این ترتیب تعزیه از مایه و سبک نقالی تأثیر گرفت. تعزیه در دوره ناصرالدین‌شاه قاجار به اوج خود شکوه و توسعه خود رسید. ساختمان مدور تکیه دولت در چهار طبقه، مجلل‌ترین نمایش‌خانه‌های تعزیه بوده است. همین‌طور می‌توان از تکیه شاهی، تکیه ولی‌خان، سپهسالار، تکیه قورخانه، تکیه سرچشمه، تکیه عزت‌الدوله، تکیه نوروزخان، تکیه چهل تن، تکیه سید ناصرالدین و ... یاد کرد.

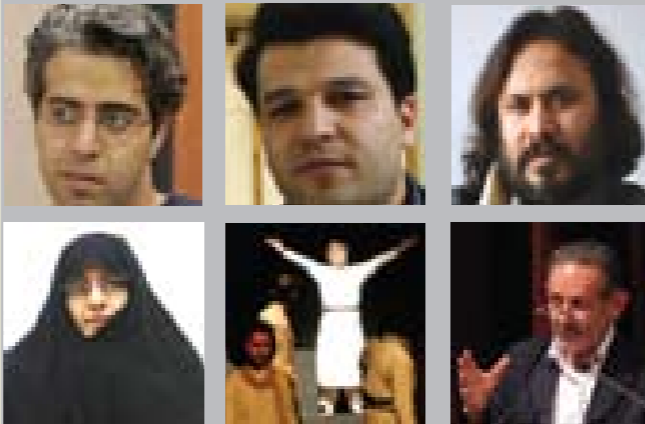
در فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی و در دوران مبارزات سیاسی حکومت شاه نسبت به مراسم و آیین‌های محرم و عزاداری حساسیت داشت و سعی در کنترل آنها می‌کرد. تعزیه نیز به عنوان یکی از آیین‌های مهم عاشورایی از این‌گونه مستثنی نبود. نمونه‌ای از کاربرد و کارآمدی تعزیه در قیام بر ضد ظلم و جور را در زمان قاجار می‌توان در سریال «شب دهم»

ساخته حسن فتحی جست‌وجو کرد. «شب دهم» روایت خانواده‌ای قجری است که اواخر سال‌های حکومت رضاخانی، دست شسته از همه حوادث بیرون خانه، خلوت گزیده و به خاطرات ایام اقتدار قجر دلخوش کرده‌اند. تا اینکه مرد جوان شروری برای سرقت به خانه آنها می‌رود و به دختر صاحبخانه دل می‌بندد. خانواده قجری نیز جواب مثبت به این ازدواج را در گرو شرط اجرای ده شب تعزیه در ده شب اول محرم در ملاء عام (آن‌هم زمانی که تعزیه از طرف حکومت، غیر قانونی اعلام شده است) می‌گذارند. در واقع قهرمان اصلی داستان، حیدر خوش مرام از لوطی‌های یکی از محلات تهران قدیم است که دل‌باخته یکی از شاهزاده‌های قجری می‌شود، دختر، شرط ازدواج را اجرای ده شب تعزیه در زمان ممنوعیتی که از سوی رضاخان برای اجرا مراسم مذهبی معمول داشتند، گذاشته است. حیدر به اتفاق دوستانش برای اجرای این خواسته همت می‌گمارد که در نهایت به دلیل ایستادگی در برابر سرکوب حکومت که به دلیل تحول درونی حیدر در نتیجه اجرای تعزیه ایجاد شده، به شهادت می‌رسد و سرنوشتی عاشورایی پیدا می‌کند.

این سریال به منزله بهترین اثر عاشورایی در حوزه فیلم و سینما برگزیده شد. عنصر تعزیه در سریال «شب دهم» علاوه بر موقعیت دراماتیکی که دارد و در خدمت قصه است، دارای کارکرد در تگاتنگ با هم قرار دارند. حیدر و نوچه‌هایش در فرایند برگزاری تعزیه به یک خودآگاهی سیاسی نسبت به شرایط جامعه خود می‌رسند و به واسطه تزکیه‌ای که از آشنایی و تجربه عملی عزاداری به‌ویژه صیانت و همیت در اجرای تعزیه به دست می‌آورند، دچار تحول اخلاقی می‌شوند.

این تحول در قهرمان اصلی داستان حیدر - که حسین یاری نقش آن را ایفا کرده بود- رسیدن از عشق زمینی به یک عشق معنوی و آسمانی است؛ اما اگر از منظر جامعه‌شناسی سیاسی بخواهیم، به این قضیه نگاه کنیم، باید به نقش و تأثیر تعزیه

هنر و ادبیات آینه



در بیداری و آگاهی‌بخشی به جامعه و مردمی سخن بگویم که زیر سلطه حکومت ظالمانه از احیای مراسم مذهبی خود محروم بودند. ترس حکومت از برگزاری چنین آیینی، وجوه سیاسی این نمایش را برجسته‌تر می‌کرد و در نهایت کارکرد سیاسی تعزیه را بیشتر جلوه‌گر می‌نمود. وجود مفاهیمی مثل شهادت، جهاد، ظلم‌ستیزی، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر و قیام برای احیای دین از بار سیاسی بالایی برخوردار است که در تعزیه، دراماتیک شده و جلوه بصری پیدا می‌کند.

جدای از تأثیرات تربیتی این مفاهیم و آموزه‌ها که در ماجرای کربلا نهفته است، قدرت نمایشی تعزیه و طرح این مفاهیم در ساختاری دراماتیک، مخاطب این مراسم را بیش از یک سخنرانی و عزاداری برای امام حسین (ع) از پیام خود متأثر می‌کند و بر می‌آشوبد. تعزیه دارای این ظرفیت اخلاقی و آموزشی است که نه فقط از اهمیت و ارزش برخی مفاهیم اخلاقی و حتی سیاسی سخن بگوید، بلکه نمونه و الگوی عملی شیعه‌بودن را به نمایش بگذارد؛ شیعه‌بودنی که به قول دکتر علی شریعتی یک حزب تمام است و مثل احزاب مدرن سیاسی دارای تحلیل و استراتژی سیاسی است. موقعیت تعزیه در شب دهم را به شکل تلویحی می‌توان با برگزاری نمایش در هملت شکسپیر قیاس کرد؛ هرچند این مقایسه به معنی رابطه این همانی، میان آنها نیست.

در نمایشنامه شکسپیر، هملت برای اینکه شکش درباره رابطه قتل پدر و ازدواج عمویش با مادرش به یقین تبدیل شود، در شب عروسی آنها نمایشی را ترتیب می‌دهد که نقشه قتل پدرش توسط عمویش را نشان می‌دهد تا از طریق واکنش فراقحقی عمو نسبت به این نمایش هملت بتواند از تردید خود رهایی یابد. به نوعی اجرای تعزیه در شب دهم چنین موقعیتی پیدا می‌کند و حکومت از این می‌ترسد تا مردم با تماشای تعزیه با آن هم‌ذات‌پنداری کنند و شرایط حاکمیت موجود را با آن بسنجند و در نتیجه در برابر حکومت به پا خیزند. اگر نمایش را آیینة جامعه فرض کنیم، تعزیه آیین‌های است که تصویر و ماهیت واقعی حکومت و سیاستمداران را در خود منعکس می‌کند و نقاب از چهره آنها می‌زداید.

در اینجا تعزیه همچون ابژه‌ای هشداردهنده و آگاهی‌بخش می‌ماند که سوژه‌های انقلابی و هوشیار پرورش می‌دهد. در شب دهم نه فقط شخصیت‌های درون قصه، بلکه مخاطبان سریال نیز متوجه می‌شوند که قیام امام حسین (ع) یک مانیفیست ایدئولوژیک است که حقوق و تکلیف ملت را با حکومت تعیین می‌کند و رمز کفر و ایمان را مشخص می‌سازد؛ مرزی که به قول ترانه تیتراژی «شب دهم» چه به هم نزدیک است. ■

غیربناشنا

بحر طویل در رثای جانسوز حضرت علی بن موسی الرضا (ع)

مرحوم هاشم «تراب» کاشانی

چونکه در طوس غریب الغربا، پرتو انوار خدا، خسرو اقلیم وفا، معنی والشمس ضحی، ترجمه بدر دجی، کاشف اسرار خفا، قبله ارباب صفا، گوهر دریای ولا، قلزم موج سخا، مردمک چشم حیا، شاه فلک جاه رضا، گشت ز مأمون دغا، از وطن خویش جدا، در ره تسلیم و رضا، گشت چو در بزم جفا، جرعه کش جام بلا، گفت ابا صلت بیا تا نگری امر قضا را.

از ستمکاری مأمون ستم‌گستر می‌شوم، شدم بر عنب سبزده مسموم، جگر خسته و مغموم، در این ساعت معلوم، پس از روزی مقسوم، اجل بر من مظلوم، مقدر شد و معلوم، چه سازم من معصوم، ز هستی شده معدوم، حیاتم شده مختوم، ز یاران همه محروم، مگر خادم و مخدوم، چه از هند و چه از روم، که هستید در این بوم، جزا را شده موهوم، بدانند ز قیوم، شود بر همه مفهوم، که مسمومم و محروم، قضا را شده محکوم، وفا را شده موسوم، به حال من مظلوم، دل سنگ شود موم، بدارند چو مرقوم، در او نام رضا را.

ای اباصلت دل افکار حزین خیز و در خانه نخستین به رُخم بند، پس از این ز زمین فرش فروچین که شود خاک زمین، بستر این زار حزین، نیست مرا چونکه معین، غیر خداوند یقین، قسمت من بود همین، عاقبتم کار چنین، گردد و بدرود کنم دار فنا را.

ای صبا بر به تقی از من مظلوم خبر، گوی که هستی تو مگر، بی‌خبر از حال پدر، بسته رضا بار سفر، کن به سوی طوس گذر، بین که چو شمع است شمر، بر دلم از سوز جگر، بستر من خاک نگر، بر نهم از خشت تو سر، بر سر زانوی تو بگذار و نظر سوی تو در وقت حذر باشدم از اشک بصر، بنگریم عارض تر، وه که به معصومه خبر کس نبرد تا که گذر، بر سر من آورد و چاک زند رخت عزا را.

ای (تراب) از غم سلطان غریبان، عوض اشک بدامان، بفشان لؤلؤ و مرجان که چرا شاه خراسان، به خراسان چو غریبان، شده مسموم ز عدوان، شده مقتول ز دونان، به لب آورده ز غم جان، شده جانش بر جانان، ز وطن مانده به حرمان، ز تقی مانده به هجران، نه به طوسش سر و سامان، نه ورا داروی درمان، ز دلش تا فلک افغان ز فغانش همه ارکان، متزلزل که به دوران ز چه فکرنند بقا را.

مشق هفتاد و نهم

سمیرا شاه قلی: «احد ده‌بزرگی» متولد ۱۳۲۸ شیراز است، وی یکی از سردمداران و پیشکسوتان عرصه ادبیات آیینی به‌ویژه شعر عاشورایی محسوب می‌شود. او با تشکیل انجمن ادبی حافظ در سال‌های پیش از انقلاب - که جلسات آن به صورت مخفی برگزار می‌شد - مبارزات سیاسی خود را دنبال می‌کرد، وی همچنین دبیر کنگره سراسری شب شعر عاشوراست. برخی آثار او عبارت‌اند از: «نماز سرخ خون»، «از کربلا تا کربلا»، «در آیین شقایق»، «پنجره نور»، «خطبه خون»، «شروه و شقایق»، «دفتری از گزیده ادبیات معاصر»، «پنجره‌های همیشه باز» و «لبخند صبح» با استاد «احد ده‌بزرگی» درباره تاریخ ادبیات آیینی به‌ویژه شعر عاشورایی، نیازها و خلأهای موجود در عرصه ادبیات آیینی گفت‌وگو کردیم و از وی خواستیم، درباره جایگاه ادبیات آیینی، مسیرهای رفته و باقی‌مانده این ادبیات و نوع نیاز به آن در جامعه امروز برایمان بگوید و چنین پاسخ گرفتیم:



عبدالله بن محمد بن احمد بن محمد بن کیهان

احد ده‌بزرگی

است. در ببحوه پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل تقارنی که انقلاب با قیام و جریان عاشورا داشت و الگو قراردادن قیام عاشورا در انقلاب، اشعار آیینی و عاشورایی شکل جدیدی به خود می‌گیرند و دوباره اوج می‌گیرند؛ اما ادبیات آیینی تنها به ادبیات عاشورایی و شعر عاشورایی محدود نمی‌شود، بلکه گونه‌های دیگری از شعر را نیز دربرمی‌گیرد. همان‌طور که می‌دانیم، شیعه بر چهار محور

■ برخی شعرا
با پشتوانه اندک مطالعاتی
به سرودن شعر آیینی
به‌ویژه شعر عاشورایی می‌پردازند؛
درحالی‌که درباره عاشورا
و حتی جغرافیای عاشورا اندک اطلاعاتی
ندارند ■

ادبیات آیینی و عاشورایی ریشه در فطرت بشر دارد و از آغاز خلقت آدم (ع) شروع شده و در طول تاریخ با سیر و روندی معتدل ادامه یافته است، این نوع ادبیات در زمان رسول اکرم (ص) روزبه‌روز دوران شکوفایی خود را طی می‌کند؛ چراکه حضرت، خود، مشوقی برای شاعران این حوزه بودند. واقعه عاشورا و قیام حضرت سیدالشهدا (ع) نیز نقطه اوج و عطف این ادبیات است؛ پس ادبیات آیینی قدمتی به درازای تاریخ بشر دارد.

ادبیات آیینی به معنای واقعی کلمه، پس از واقعه کربلا در زمینه شعر فارسی حرکت خود را آغاز می‌کند؛ به عبارت دیگر این ادبیات در زبان فارسی از زمان دیلمیان آغاز شده است و در دوران صفویه به اوج می‌رسد. پس از صفویه نیز با فراز و فرودهایی روبه‌رو شده است؛ اما پیوسته به جلو حرکت کرده

می‌شود، عاشورا سرمشقی برای هفتاد و دو ملت است، بی‌دلیل نیست. در زمان کنونی نیز شاعران جوان و معاصر آیینی ما باید به عاشورا نگاهی مرتبط با زمان و نیازهای موجود داشته باشند. حضرت ابوالفضل (ع) به مثابه یکی از قهرمانان واقعه عاشورا دارای صفات بسیاری است؛ اما آنچه در میان این صفات بسیار بااهمیت است، تبعیت وی از امام زمانش است. ایشان از امام حسین (ع) یک لحظه غفلت نکرد. این تواضع و فروتنی حضرت، به ما نسبت به ولایت ادب می‌آموزد. امروز جوانان ما نیازمند هستند، مسئله ولی را بشناسند. باید امام زمان (عج) خود را بشناسند و با اطاعت از آن راه شهدای عاشورا را ادامه دهند. این نکته بسیار مهمی برای شعرای ماست. اگر از ابوالفضل (ع) دم می‌زنیم، سیره و روش وی را نیز باید بشناسیم.

تنها توجه به آسیب‌ها و نقص‌های موجود کافی نیست، بلکه باید به آنچه می‌توان داشت و نداریم، آنچه در عرصه ادبیات آیینی می‌توان تولید کرد؛ ولی نمی‌کنیم نیز توجه داشته باشیم. برخی از شعرا با پشتوانه اندک مطالعاتی به سرودن شعر آیینی به‌ویژه شعر عاشورایی می‌پردازند؛ درحالی‌که درباره عاشورا و حتی جغرافیای عاشورا اندک اطلاعاتی ندارند. این شاعران بر اساس علاقه شخصی به سرودن شعر درباره امام حسین (ع) و عاشورا می‌پردازند و نام شعر عاشورایی بر آن می‌نهند. باید توجه داشت که این نوع کار، شعر عاشورایی ما نیست. شعر عاشورایی شعری است که محتوای معنوی خود را حفظ می‌کند. شاعر عاشورایی شعری است که جغرافیا و عناصر شعر آیینی را می‌شناسد. می‌داند استعاره «گل پرپر» اشاره به چه شخصیتی در عاشورا دارد.

در شعر عاشورایی شاعر گاهی با مردم کوچه و بازار حرف می‌زند که باید شعرها ساده و روان باشد؛ مانند همین مرثیه‌های موجود، مردم با همین ذکرها و مرثیه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. گاهی هم با کسانی حرف می‌زند که اهل ایجاز و استعاره‌اند؛ در نتیجه با این عده باید با همین زبان حرف زد. اینکه شاعر کجا و برای چه کسی حرف می‌زند، اهمیت دارد. با مردم کوچه و بازار باید حتی به محاوره حرف زد. برای یک اثر ماندگار که همه می‌خواهند، از آن استفاده کنند، باید تلاش مضاعف و چند برابر داشته باشیم. چه بسا که برای غزلی ماندگار یک شاعر باید یک سال کار کند تا شاید این غزل از هر لحاظ ماندگار شود.

سردمداران فرهنگی نیز باید فرهنگ علوی را در باور مردم نهادینه کنند. مردم به فرهنگ علوی باور دارند؛ اما در محتوای فرهنگ علوی به‌صورت عمقی وارد نشده‌اند. مردم ما نهج‌البلاغه واقعی را نمی‌شناسند. با وجود اینکه نهج‌البلاغه در دسترس مردم قرار دارد، درس‌های آن را نمی‌دانند و در برخورد با آن، دست کم در عمل، بیگانه هستند. ■

شعری از احد ده‌بزرگی

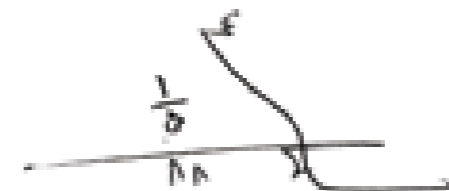
بیعت گرفتن مسلم

آن شب که کوفه در شرار فتنه می‌سوخت
دل همچو اختر در مدار فتنه می‌سوخت
چون آیینه آن حامل نور ولایت
بی‌پرده افشا کرد منشور ولایت
تا بانگ تکبیرش به گوش چرخ پیچید
دامان خود را دیو شب از خاک برچید
گفتند مردم یک‌صدا یا دوست یا دوست
جان و دل ما را بزن پیوند با دوست
ما غنچه دل را به دست می‌سپاریم
چون سایه سر بر خاک پایت می‌گذاریم
ای ساقی صهبای جام عشق مسلم
پیمانه پیمای امام عشق مسلم
پیمانه را پرکن که مخموریم امشب
لب‌تشنه پیمانه نوریم امشب
او چون مه نو باده‌پیمای بود تا صبح
در جمع بود و باز تنها بود تا صبح
مردم به خاک مقدم او سرسپردند
با دست بیعت دست پاکش را فشردند
او از یدالله فوق ایدیهیم سخن گفت
از بیعت با آفتاب شب‌شکن گفت
آن شب گذشت اما سحر سربرنیاورد
خفاش بر خورشید حق، باور نیاورد
او کرد شب را صبح اما باز مردم
کردند راه روشن آینده را گم
با آنکه بر سر داشتند از دین کلاهی
هر لحظه می‌رفتند، سرگردان به راهی
نیرنگ‌بازان باز هم نیرنگ کردند
چون گرم بیله عرصه بر خود تنگ کردند
خناس‌ها بار دگر با داس و سواس
کردند گل‌ها را خزان در باغ احساس
زور و زر و تزویر عهدی تازه بستند
کهنه کتاب فتنه را شیرازه بستند

نیام خدای تورا

با احترام ضمن سلام و تحویلی طاعات و عبادات همه دعوت الله کاروان نشر ما هفتاد
 ترنمکی اجماعی خیر برین سیرتک این یج هر دو برین با تقصص وادعای خدایا
 کنندگان این هفتاد ما هفتاد نوبه ۵۵ خیر ما قرانت کنیم در سیم آری
 شعر یا صفای آتای صفا به هفتاد اما که زمان سوره اوله بزبان آختری
 بنوی برانگیز ترجمه این کما تالی و شعر اجرا کرده نصرت تمت الفضل به خدایا
 ترجمه شده بودم لذا بنده خیرم آید که این شعر را همان مضامین و آهنگ و غایب
 به نظم فارسی در نیاید لذا در صد این شدم به این شعر با همان وزن و
 و با همان مضامین و با همان غایب و آهنگ به نظم فارسی در میارم
 که کتب قدس آناد و محاسن خدا این کار انجام شد و تقدیم حضرتان
 کنیم در صورت صلاح دید در مجله نشر شود که عزیزان فارسی زبان هم
 لاستفاده کامل سریند. دهکده تعلیم در حداد کربلا

عبدالله باقری
 ایستادگی
 با تقصص وادعای خدایا



نیامدی تو

ای قلم در کلامت اثر نیست آمد این جمعه و رفت یارب	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	ز آشنایم مرا یک خبر نیست یوسف فاطمه را خبر نیست
کس نگوید فراق غم ندارد ای دو دیده نگاهی بره کن	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	صبر هر عاشق از کف برآرد آفتاب زیر ابر، که نماند
در مقام و جلال بی قرینی کی شود که جمالت ببینم	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	بین خوبان تو آن بهترینی همچو گل در کنارم نشینی
سوخت پروانه و شمع شد آب کی شود کز پس پرده آبی	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	از فراق دلخون و بی تاب راه کربوبلا خود گشایی
تا به کی غنچه گل فسرده آمد این جمعه و او نیامد	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	قلبها پر ز خون و آزرده جمعه دیگر آخر که! باشد
در مقام و جلال بی قرینی کی شود که جمالت ببینم	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	بین خوبان تو آن بهترینی همچو گل در کنارم نشینی
«ساریا» صبر کن در فراقش دل به سینه ز غم خسته مانده	ای امام زمان کی میایی خود ره کربلا را گشایی	بلکه گردد عراق، باز راهش راه کربوبلا بسته مانده
در مقام و جلال بی قرینی کی شود که جمالت ببینم	یا امام زمان یابن الزهرا خویش را کن عیان یابن الزهرا	بین خوبان تو آن بهترینی همچو گل در کنارم نشینی



شاعران عبقریه



عکس: احسان ایلانلو

گفت‌و‌گو با دکتر انسیه خزعلی *

گروه ادبیات: «امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی»، نام کتابی است که در آن «دکتر انسیه خزعلی» در سه بخش، شعر حسینی را از حیث فنی-موضوعی با عنایت به تحلیل و پرهیز از اشعار عامیانه و سبک‌های ضعیف و با بهره‌مندی از شاعران گوناگون از زوایای سبک، شرایط و مناطق جغرافیایی بررسی می‌کند. بخش اول با نام «امام حسین (ع) از نگاه تاریخ و ادب»، ۲ فصل دارد که در فصل اول آن: - شرایط، عوامل، انگیزه و اهداف در حادثه کربلا

- تحلیل‌ها، دیدگاه‌ها، نظرات مخالف و موافق درباره قیام امام حسین (ع) که به زعم مؤلف پایه و اساس ادبی هستند که آن ادب در زمینه شعر حسینی شکوفا می‌شود و ثمرات خویش را از ریشه‌های فکری و تاریخی خود به بار می‌نشانند، بررسی می‌شوند.

فصل دوم این بخش «شعر حسینی در مسیر تاریخ» نام دارد و در آن اشعار حسینی از پیدایش تا قرن سیزدهم در چهار دوره مرور شده است.

بخش دوم این کتاب، پنج فصل و «نگاهی به شعر حسینی معاصر» نام دارد. «اغراض شعر حسینی معاصر»، «موضوعات شعر حسینی معاصر»، «رموز حسینی در اشعار معاصران»، «نمونه‌هایی از شعر عربی معاصر (کلاسیک)» و «نمونه‌هایی از شعر عربی معاصر (شعر آزاد)»، عنوان فصل‌های این بخش است که مؤلف در

آن، اغراض، موضوعات و انواعی از شعر معاصر، اعم از ضعیف و قوی، قدیم و جدید، کلاسیک و نو را درباره امام حسین (ع) مطرح کرده است. در صفحه ۱۵۸ کتاب آمده است: «نام امام حسین (ع) به عنوان رمز مبارزه و الگوی سازش‌ناپذیری در شعر عربی جلوه می‌کند و هر جا شاعری بنای گردن‌فرازی و سرخم‌نکردن در برابر ظلم دارد، خود را به امام حسین (ع) منتسب می‌کند و از سر امام حسین (ع) بر نیزه می‌گوید.»

دکتر انسیه خزعلی در بخش سوم کتاب با نام «تاملی در اشعار قصصی معاصر پیرامون امام حسین (ع)» در دو فصل مجزا با نام‌های «ملاحم حسینی» و «نمایشنامه‌های منظوم حسینی» ویژگی‌های آنها را معرفی و تشریح می‌کند. این کتاب را که یک پیشگفتار، مقدمه، بخش‌های یاد شده و پیوستی حاوی مطالب زیر دارد:

- زندگی شاعران معاصر حسینی
- فهرست منابع
- نمایه
* نمایه اشخاص
* نمایه مکان‌ها

مؤسسه انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۸۳ در ۲۶۶ صفحه و با ۲ هزار نسخه چاپ و منتشر کرد. این کتاب در جشنواره قلم زرین سال ۸۳ در

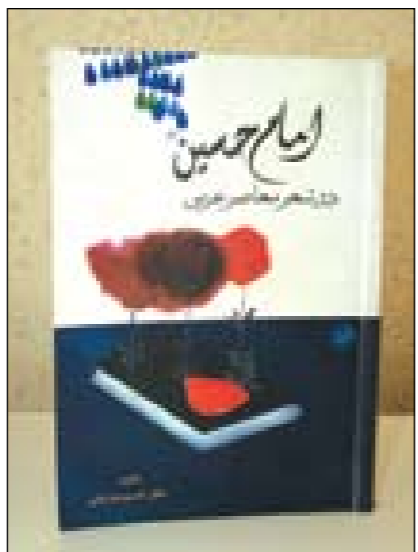
خلیا ترجمه‌نشدن اشعاری که در کتاب ذکر شده‌اند، این گمان را که مخاطبان کتاب عده‌ای محدود هستند که دست‌کم به زبان عربی تسلط دارند، به وجود می‌آورد. آیا این تصور درستی است؟ لطفاً درباره کتاب و شیوه تحقیق و بررسی خود توضیح بفرمایید.

به‌طبع با عنایت به شیوه تحقیق که بخش عمده‌ای از آن به نقد ادبی اشعار اختصاص دارد، مخاطبان کلام، خاص هستند و به‌صورت عمده کسانی را که تسلط به زبان عربی یا آشنایی نسبی به این زبان و ادبیات داشته باشند، شامل می‌شود. در مورد کتاب و شیوه تحقیق، در ابتدا باید برای آقای دکتر دسوقی شتا طلب مغفرت و رحمت داشته باشم که جرعه این پژوهش را در ذهن من روشن کردند. ایشان که مدتی مدیر گروه ادبیات فارسی دانشگاه قاهره در مصر بودند، در دیداری که از ایران داشتند و در ملاقاتی که دست داد، بیان کردند که حب اهل بیت (ع) و اظهار علاقه به ایشان در جوامع ادبی عربی، نمود چشم‌گیری دارد؛ ولی ناقدان اهل سنت کمتر به آن توجه کرده‌اند و بسیار به‌جاست که ایرانیان با انتسابی که به این خاندان دارند، در این زمینه حرکتی انجام دهند. پس از آن، من، جمع‌آوری اشعار در مورد اهل کساء را شروع کردم و با توجه به گستردگی آن و لزوم نگاه عمیق و نقدی به این آثار پس از مدتی آن را به امام حسین (ع) و حرکت جاوید آن حضرت محدود کردم و با بررسی آثار به‌جای مانده از شعرای نخستین عاشورا تاکنون، ضمن بررسی مقایسه‌ای شعر جدید با میراث گذشته، بخشی از کتاب را به نقد آثار منظوم معاصر اختصاص دادم.

خلیا در شرح موضوعات مطرح در اشعار حسینی از ابتدا تا قرن سیزدهم، به رثا و نوحه‌سرایی، هجو بنی‌امیه، ربط حادثه کربلا به سقیفه، لعن و نفرین، دعوت به صبر و تحمل و ... اشاره کرده‌اید؛ آیا در یک جمع‌بندی کلی، «پیام عاشورا» و «انگیزه و هدف امام حسین (ع)» در محتوای اشعار تجلی می‌یابد؟

همان‌گونه که این قرون طولانی در کتاب به مقاطع گوناگون تقسیم شده است، باید در یک بررسی منصفانه و برای اظهار حکم درست و قطعی به هر دوره و موقعیتی به‌طور جداگانه اشاره و نسبت به آن قضاوت کرد. در مجموع تلاش شاعران بر القای پیام عاشورا از آغازین روزهای پس از عاشورا تاکنون قرار گرفته است؛ ولی نمی‌توان خمود و سکون این اشعار را در برهه‌هایی خاص از تاریخ، به‌ویژه در برخی دوره‌های خفقان و ظلم و ستم بنی‌امیه و بنی‌عباس منکر شد. در اشعار نزدیک به عصر عاشورا جنبه تحسر و ندامت که با حرکت توأبین عجین است، توانسته است، پیام حقانیت این قیام را به زبان بازماندگان

از راه حق جاری سازد و به‌محض سرکوب این اشعار در قرون بعدی با پاگیری حکومت‌های شیعی در گوشه و کنار بلاد اسلامی، بار دیگر پویایی و حیات‌بخشی حرکت حسین (ع) در شعر دمیده



می‌شود و در دوره‌های نزدیک به معاصر با وجود کاسته شدن از عمق معنا و پیام‌رسانی در اشعار، به دلیل لفظ‌پردازی و گسترش شعر مناسبات و ... فراگیری این اشعار در سطح عموم و ورود ادبیات عاشورا به متن مردم و جامعه در تبیین اهداف و پیام عاشورا تأثیر به‌سزایی داشته است.

خلیا به نظر شما در یک جمع‌بندی کلی، تلاش شاعران در پرداختن به موضوع عاشورا چه پیرایه‌ها و آرایه‌هایی در حماسه عاشورا داشته و این تأثیرات تا چه اندازه مثبت و تا چه اندازه منفی بوده است؟ آیا این ظرفیت در مجموعه اشعار عاشورایی وجود دارد که بدون رجوع به سایر منابع و تنها از طریق اشعار، عاشورا و امام حسین (ع) را بشناسیم؟

نوع نگاه و سبک و شیوه خاص شاعران در عصرهای گوناگون، بی‌شک در چگونگی تصویر عاشورا و کیفیت تصویر آن بی‌تأثیر نبوده است. شاید انتظار به‌جا و مناسبی نباشد که از شعر، انتظار

دربرابر آنچه در کتاب ذکر شده است، دیدگاه‌ها و نظرات مخالف و موافق است؛ نه فقط نظرات مخالف و همان‌گونه که اشاره شده است، درصد بسیار کمی از نظرات اهل سنت به مخالفان این قیام و حرکت اختصاص دارد که با جواب‌ها و استدلال‌های علمای همین فرقه روبه‌رو شده است؛ بنابراین نمود وسیع این امر در موافقت و همراهی شعر و ادب حسینی با قیام و نهضت عاشوراست و نظرات مخالف در موارد بسیاری به مثابه نظر باطل و مردود طرح و به آن اعتراض می‌شود.

درباره قسمت دوم سؤال هم همان‌طور که ذکر شد، این نظرات به‌صورت نقدی در شعر حسینی نمود می‌یابد؛ پس ما به بهانه مقدمه برای ورود در بحث شعر حسینی بدان پرداختیم تا در اشارات مذکور زمینه ذهنی مخاطب را برای این امر آماده کرده باشیم. لازم به ذکر است که این مخالفت‌ها به مخالفت با قیام و حرکت عاشورا محدود نیست، بلکه در ادامه این حرکت، در مباحثی مانند عزاداری برای امام حسین (ع) و سبک آن و لازم بودن و نبودن

بازگویی درست و دقیق حوادث را طلب کنیم و مبنای دریافت یک حقیقت را کلام منظومی قرار دهیم که جمال و تأثیرگذاری آن در گرو بهره‌گیری از استعاره و تشبیه و مجاز و تا حدی خروج از دایره و مرزهای مشخص حقیقت است و هنر آن استفاده از مبالغه و تصویرپردازی با استمداد از نور و رنگ و شخصیت و زمان و مکان و حرکت است که این اشعار در شکل ملحمی و حماسی آن با گونه‌ای از قصه‌می‌آمیزد و در حقیقت دو فن و هنر دست‌به‌دست هم می‌دهد تا صحنه‌ای را در نگاه و افکار مخاطب، زنده، جذاب و عینی سازد، به‌ناچار چنین امری باید از خیال و مجاز و موسیقی بهره‌های مطلوبی برده باشد که لازمه آن فاصله گرفتن از نقل یک حقیقت عریان است؛ ولی نمی‌توان منکر اشارات، رموز و نشانه‌هایی از واقعیت‌هایی شد که در قالب احساس و شعور به حوادث روح می‌بخشد و لحظاتی از آن را زنده می‌کند و به حوادثی رهنمون می‌شود.

خلیا اشاره کرده‌اید که پایه و اساس ادبی که در زمینه عاشورا شکوفا می‌شود، در دو بحث: شرایط، عوامل، انگیزه و اهداف در حادثه کربلا، تحلیل‌ها، دیدگاه‌ها و نظرات مخالف در قیام امام حسین (ع) ریشه دارد و ثمرات خویش را از ریشه‌های فکری و تاریخی خود به بار می‌نشانند.

الف) آیا به راستی همه موارد فوق در شعر حسینی تجلی می‌یابد؛ یعنی تحلیل‌های متفاوتی که درباره قیام عاشورا وجود دارد، در اشعار حسینی تجلی پیدا می‌کند؟

ب) به طور مشخص، آیا نظرات مخالف درباره قیام عاشورا و امام حسین (ع) نیز در اشعار شاعران نمودی دارد؟ البته آنچه در کتاب ذکر شده است، دیدگاه‌ها و نظرات مخالف و موافق است؛ نه فقط نظرات مخالف و همان‌گونه که اشاره شده است، درصد بسیار کمی از نظرات اهل سنت به مخالفان این قیام و حرکت اختصاص دارد که با جواب‌ها و استدلال‌های علمای همین فرقه روبه‌رو شده است؛ بنابراین نمود وسیع این امر در موافقت و همراهی شعر و ادب حسینی با قیام و نهضت عاشوراست و نظرات مخالف در موارد بسیاری به مثابه نظر باطل و مردود طرح و به آن اعتراض می‌شود.

درباره قسمت دوم سؤال هم همان‌طور که ذکر شد، این نظرات به‌صورت نقدی در شعر حسینی نمود می‌یابد؛ پس ما به بهانه مقدمه برای ورود در بحث شعر حسینی بدان پرداختیم تا در اشارات مذکور زمینه ذهنی مخاطب را برای این امر آماده کرده باشیم. لازم به ذکر است که این مخالفت‌ها به مخالفت با قیام و حرکت عاشورا محدود نیست، بلکه در ادامه این حرکت، در مباحثی مانند عزاداری برای امام حسین (ع) و سبک آن و لازم بودن و نبودن

آن همچنین پیامدها و آثار این سنن، مخالفان و موافقان در اشعار با یکدیگر به محاجه پرداخته‌اند که نمونه بارز آن را می‌توان در شعر علائلی، شاعر اهل تسنن دید که در آغاز با اعتراض و انکار نسبت به این عزاداری‌ها موضع می‌گیرد و وقتی از نزدیک با مضامین و پیام‌های این سنن آشنا می‌شود، اعلام می‌کند که جامعهٔ مسلمانان امروزه نیازمند به چنین عزاداری‌ها و پیام‌رسانی‌هایی است که خود به جمع عزاداران می‌پیوندند و اعلام می‌دارند که مسلمان وارستهٔ امروز باید دو قبله داشته باشد؛ قبله‌ای برای نماز و قبله‌ای برای آزادی و ظلم‌ستیزی که یکی کعبه و دیگری کربلاست.

فللمسلم الاسمی شعار مقدس
هما قبلتان للصلوة و للاباء

و اعلام می‌دارد که من وقتی رمز گریه و ندبه‌های عزاداران را فهمیدم، خود نیز به جمع آنان پیوستم:

فطربت لما فهمت الرموز
و ارسلت دمی فوق الرمم

البته مخالفان این امر نیز دلایل خویش را در اشعار بیان کرده‌اند که از آن جمله تشویبهٔ چهرهٔ مسلمانان نزد کشورهای دیگر، فاصله گرفتن از حماسهٔ حسینی و خمودگی در اشک و ماتم و پیامدهای منفی اجتماعی در تصنع و ریاکاری‌های سوءاستفاده‌کنندگان از این مراسم است.

حلبیا با توجه به تعاریف متفاوتی که از ملحمه آورده شده است و با توجه به این تعریف که «در حقیقت باید حماسهٔ فارسی را معادل نسبت به واقعهٔ عاشورا تا چه اندازه متأثر از ملحمه‌های سروده شدهٔ عربی است؟» تأثر زیادی از ملحمه ندارد؛ چراکه اولاً، ملحمه یک فن نوپا در ادب عربی است و هنوز در میان عامهٔ مردم نفوذ نکرده و پایگاه مناسبی به‌دست نیاورده است. در ثانی، به دلیل طولانی بودن و کم‌رنگ بودن عاطفه و احساس در آن، آن گونه که باید، بین خواص ادب نیز اقبال نداشته است. ملحمه‌های موجود بیشتر جنبهٔ تاریخ منظوم را به خود گرفته و شاید ابیاتی از آن در توصیف صحنه‌های خاص توانسته است، نقش شعری و تأثیر‌گذاری خود را تا حدی ایفا کند.

حلبیا همان طور که شما اشاره کرده‌اید «موسیقی مناسب برخی اشعار و هماهنگی آن با دلاوری‌های حماسه‌سازان عاشورا، آنها را به گونه‌ای مشهور ساخت که پس از گذشت اندکی، آن را جزئی از روایات شمردند» و برای مثال این شعر شاعر معاصر، محسن ابولحج، را ذکر کرده‌اید:

إِن كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَا يَسْتَقِيمُ

إِلَّا بَقْتَلِي فَيَا سُيُوفَ حُدَيْنِي
با توجه به آنچه ذکر شد و مطالب دیگری که گویای ماندگاری شعر و تأثیر‌گذاری آن در کتاب از زبان «جاحظ» به آن اشاره شده، آیا می‌توان اشعار حسینی را منابعی دانست که در آن بخش غیر مستندی از تاریخ عاشورا هم یافت می‌شود، نظیر آنچه دربارهٔ برخی از بحر طویل‌های فارسی می‌گویند؟

می‌توان چنین گفت، به‌ویژه که بخشی از تاریخ مستند عاشورا نیز در قالب اشعار و رجزهای اهل بیت (ع) و اصحاب به‌جای مانده است. شاید این ماندگاری در اشعار از این دست به دلیل تشابه به آثار معاصر مذکور به اشعار حماسی و رجزهای مرتبط با آن عصر باشد که بخشی از آن مرتبط با موسیقی و بخش عمده‌ای به محتوا و پیام هم‌سو و هماهنگ با عصر عاشورا برمی‌گردد؛ البته مقایسهٔ آن با بحر طویل‌های زبان فارسی شاید مناسب نباشد؛ چراکه این بحر با ضرباهنگ خاص خود و تمرد از محدودیت در طول مصراع توانسته است، وقایعی را از تاریخ به‌نظم آورد که این ویژگی‌ها در اشعار ماندگار شعر عربی به‌صورت مجموع وجود ندارد؛ همان‌گونه که در بحر طویل‌های عربی به دلیل تفاوت آن با بحر طویل فارسی مطلب مذکور صادق نیست.

حلبیا در صفحهٔ ۶۳ انتشار اشعاری دربارهٔ عاشورا و امام حسین (ع) را از زبان «جنیان» بیشتر به علت وجود حالت خفقان، نسبت داده‌اید و اشاره کرده‌اید، شاعران ترجیح می‌دادند، برای حفظ جان خود، اشعار حماسی و رثایی خود را بی‌نام و نشان در میان مردم انتشار دهند، پس بایی از کتاب «کامل‌الزیارات» به نوحه‌سرایی «جن» بر امام حسین (ع) اختصاص یافته است؛ اما برخی استادان روایت‌هایی را که از



عکس: حسین ابتهاج

تأثیر و تأثر افلاک و ملائک، «جن»، حیوانات، نباتات و جمادات دربارهٔ این موضوع وجود دارد، از تاریخ‌نگاران شام و دمشق، نادرست و نوعی تحریف می‌دانند که گاه دربارهٔ آنها تعمدی هم وجود داشته است. لطفاً دربارهٔ این موضوع توضیح بیشتری بفرمایید. بحث تأثیر و تأثر افلاک و موجودات مرئی و نامرئی مانند جن و ملائک از این‌واکه مطلب دیگری است که علما و اهل حدیث باید نسبت به صحت و سقم آن و حد و مرز قضاوت در این مورد، اظهار نظر کنند. بی‌شک نوعی از تأثر از این حوادث مورد تأیید آیات و روایات است؛ چنانچه قرآن کریم در هلاکت ستمگران از عدم تأثر افلاک یاد می‌کند:

فما بکت علیهم السماء ... که بیانگر تأثر این کائنات در از دست رفتن اولیاء و نیکان است؛ اما اینکه چه میزان از این تأثرات با احساس محدود بشر درک می‌شود و یا روایات و نقل‌های موجود در این زمینه تا چه حد به صحت مقرون است، جای سؤال و شک دارد؛ بنابراین از یک‌سو کثرت اشعار منتسب به جنیان و از سوی دیگر ذکر اسامی شاعرانی که شعرشان به جن نسبت داده شده است، این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که در برهه‌ای خاص، شاعر چاره‌ای جز پنهان کردن آثارش در قالب‌های مذکور نداشته است و اگر بر این امر حوادثی چون دستور خلیفه بر بردن زبان شاعری را که در رثای حسین (ع) شعر سروده بود را بیفزاییم، قوت این امر دوچندان می‌شود؛ برای مثال اشعاری که در برخی روایات از ام لقمان بنت عقیل نقل شده است با این مضمون:

ماذا تقولون اذ قال النبي لکم
ماذا فعلتم و انتم آخر الامم
بعترتی و با هلی بعد مفتقدی
منهم اساری و قتلی ضرجوا بدم

با اندکی تغییر در بیت دوم:
باهل بیتی و اخوانی و مکرمتی ...
در کامل‌الزیارات به جنیان نسبت داده شده است یا برخی اشعار که در زمرة نخستین سروده‌های حسینی محسوب می‌شود؛ مانند این ابیات:
و ان قتیل الطف من ال هاشم
اذل رقاب المسلمین فذلت
به «سلیمان بن قتة العدوی» نسبت داده شده است که گفته می‌شود، سه روز بعد از شهادت حسین (ع) از آن منطقه عبور کرد و اشعاری را در رثای اهل بیت (ع) سرود که مطلع مشهور آن چنین است:
مررت علی ابیات ال محمد
فلم ارها امثالها یوم حلت
همین اشعار در روایات دیگری به جنیان نسبت داده می‌شود و با عنوان «نوع الجن علی الحسین (ع)» نقل می‌شود.

حلبیا تقید به نقل روایات بدون تصرف در آنها، مراسم شکلی عزاداری امام حسین (ع) و دمساز بودن اشعار حسینی با این مراسم، تقلید از سبک‌های گذشته و تقید به عدول نکردن از آنها را سه دلیل عمدهٔ تغییر در محتوا و لفظ اشعار حسینی در طول قرن هفتم تا نهم و در ادامه از قرن نهم تا سیزدهم دانسته‌اید، به طوری که شعر این دوران پویایی کافی ندارد.

آیا موارد یاد شده علت‌العللی دارند یا مربوط به سلیقهٔ شاعران این دوران است و آنچه جهشی چشمگیر در ادب حسینی بعد از دوران یاد شده را باعث شده است، چیست؟ فاصله‌گرفتن از عصر عاشورا و حکومت‌های شیعی که تا قرن هفتم از عوامل مهم رشد و شکوفایی شعر حسینی محسوب می‌شد، از یکسو و صیغهٔ عام حاکم بر ادبیات در دوره‌هایی که از آنها یاد شد که به لفظ‌پردازی و سطحی‌نگری و تکرار و تقلید بسنده کرده بود، خواه‌ناخواه بر ادب حسینی تأثیر گذاشت و کم‌کم ادبیات عاشورایی را به حاشیهٔ زندگی مردم راند. با نزدیک شدن به دورهٔ معاصر و شروع حرکت‌های آزادی‌خواهانه و گسترش وسایل ارتباطی، نیاز به زنده‌داشت قهرمانی‌ها و عبرت‌پذیری از حماسه‌های تاریخ اسلام بار دیگر به ادب و به‌ویژه شعر حسینی به دلیل استقبال مردمی از آن در ایجاد شور و حرکت، به‌صورت ویژه توجه شد و از علل مهم پویایی و حیات دوبارهٔ این ادب، می‌توان به همراهی و هم‌پایی آن با نیازها، آلام، مشکلات و آمال معاصران اشاره کرد.

حلبیا نمونه‌های ذکر شده در فصل چهارم و پنجم از بخش دوم و فصل اول و دوم از بخش سوم با چه معیاری گزینش شده‌اند؟

آیا موارد سابق‌الذکر را به منزلهٔ بهترین نمونه‌های شعر عربی معاصر آورده‌اید؟
در این فصول تلاش شده است، نمونه‌ای از آثار شاعران معاصر با زاویه‌دیدهای گوناگون، مسلک‌های متفاوت و سبک‌های مختلف بررسی شده و مورد مذاقه قرار گیرد.

در این نمونه‌ها، آثار شاعران خوش‌بین مانند علائلی و جواد جمیل در کنار شاعران بدبینی مثل سیاب و جواهری بررسی شده است و از این چشم‌انداز، تفاوت دیدگاه‌های این شاعران در مقوله‌هایی مانند عزاداری امام حسین (ع) و آداب خاص آن مشهود است؛ همان‌گونه که به برخی دیدگاه‌های مشترک مانند لزوم نگرش عمیق به قیام عاشورا و درس‌آموزی از عبرت‌های آن در مسائل سیاسی-اجتماعی توجه می‌شود. ضمن اینکه پایگاه‌های عقیدتی متفاوتی در مورد شاعران فوق‌الذکر وجود دارد. برخی دیدگاه سوسیالیستی، برخی اهل سنت و برخی شیعه و حتی گروهی از آنان شیوهٔ لائیک و بی‌دینی و لاقیدی را در زندگی خویش پیش گرفته‌اند.

در بخش سوم نیز ضمن توجه به معیارهای بالا، باید اذعان کرد که قدرت انتخاب زیادی در این گزینش وجود نداشت؛ زیرا نمایشنامه‌های منظوم و ملاحم حسینی انگشت‌شمار و میزان دسترسی به تمامی آنها به‌ویژه آثار معاصر گاه ناممکن بود؛ بنابراین در حد دسترسی و امکان برای انتخاب به برترین و متنوع‌ترین آثار از حیث سبک و استقبال توجه شده است.

حلبیا در تحلیل شعر «محمد مهدی الجواهری» اشاره کرده‌اید که «او عزاداری‌های ظاهری و تهی از معنی را از سیاست سیاست‌بازانی می‌داند که در ادامهٔ جنایات خویش نسبت به محبان امام حسین (ع) رنگ دلخواه خود را به این مراسم پاشیده‌اند؛ رنگی که به ظاهر دلپذیر و مردم‌پسند است.» و در جای دیگر اشاره کرده‌اید که «تقدیس او از امام حسین (ع) از صورت‌های ساختگی و ادعاهای تقواییست.»

اساساً عکس این حالت تا چه اندازه در شعر

■ از علل مهم پویایی
و حیات دوبارهٔ این ادب
می‌توان به همراهی و هم‌پایی آن
با نیازها، آلام، مشکلات
و آمال معاصران اشاره کرد ■

شاعران عرب وجود دارد؟

عکس این حالت یعنی اشعار ریاگونه یا تکسب مسلک، با وجود اینکه درخور توجه نیست؛ ولی نفی و انکار شدنی نیز نیست.

با وجود اینکه هیچ اثر ادبی مانند ادب اهل بیت (ع) و دلدادگان به ایشان اخلاص و صدق و عاطفه ندارد؛ ولی متأسفانه وجود اشعار مناسبات و آثار تصنعی در این ادبیات را نیز نمی‌توان منکر شد، از این‌روست که برخی شاعران معاصر بر مرثیه‌ها و عزاداری‌های بی‌محتوا که صورتی تقلیدی و تصنعی به خود گرفته، هجوم آورده و خواهان صداقت در گفتار و کردار و مطابقت آن دو در مدعیان حب حسین (ع) و اهل بیت (ع) شده‌اند.

حلبیا «شیخ عبدالله علانلی» در کتاب «سمو المعنا فی سمو الذات» ضمن بررسی ریشه‌های قیام امام حسین (ع) «نوعی حزب‌گرایی را که مانند زالو به مجتمع نوزای عرب چسبیده است» همچنین تعصبات تاریخی اعراب را از ریشه‌های نهضت و دلایل شکل‌گیری قیام عاشورا معرفی می‌کند، آیا این گونه نظریه‌پردازی در اشعار علانلی نیز نمود پیدا کرده است؟

عبدالله علانلی بیش از آنکه شاعر باشد، یک ناقد و محلل، همچنین صاحب نظر در مسائل لغوی زبان عربی است و در این زمینه آثار متعددی دارد. شعر او گاه و بی‌گاه، فوران احساس و عاطفهٔ او را بیان می‌کند و ضمن اینکه از تحلیل ضمنی تهی نیست؛ به‌طور عمده تحریک عواطف و انگیزش شور و حماسه را هدف گرفته است و تا حدی که من با اشعار حسینی منتسب به ایشان آشنا هستم، تحلیل شعری او دربارهٔ اهداف و دستاوردهای قیام عاشورا و ضرورت احیاء این نهضت نمود یافته است و در مورد ریشه‌یابی این جریان، در آثار منظومی که از ایشان یافتم، چنین امری را ندیدم؛ اگرچه این موضوع در برخی آثار شعری معاصر عصر عاشورا رخ می‌نماید.

حلبیا لطفاً برای تکمیل این بحث و معرفی کامل کتاب اگر موضوعی از منظر سؤالات مغفول مانده است، مطرح فرمایید و دربارهٔ آن توضیح دهید.

از توجه شما و مجلهٔ وزیتان به آثار و ادبیات عاشورایی سپاس‌گزارم و یادآوری می‌کنم که در همهٔ بخش‌های موجود در کتاب به مقدار تشنگی و در حد وسع، به مطالب توجه شده است و در بسیاری از موضوعات مذکور، فراوانی آثار و زمینه‌های پیدا و پنهان، پژوهشی وسیع و عمیق را طلب می‌کند. ■

* رئیس دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه الزهرا

گم کرده

اولین مرتبه‌ای بود سفر می‌رفتیم توی آبادی‌مان - ساده بگویم - مولا! بین ما صحبتی از غربت «آقا» شده بود اولین مرتبه‌ای بود که در گوشه صحن پا به پای دل ما عشق قدم بر می‌داشت رو به ایوان طلا غرق تماشا بودیم تا به خود آمده بودیم، دوتا سرگردان خواهر کوچک من، یکسره هق‌هق می‌کرد خادمی پیر من و مرضیه را پیدا کرد سی - چهل سال از آن حال و هوا می‌گذرد چشمان کی به قدم‌های تو روشن می‌شد در مسیر قدمت - ضامن آهو! - ماندیم جاده گاهی که به روی دل ما سد می‌شد روزهایی که سرآپای خراسان می‌سوخت می‌سپردیم به دستان تو خود را، مولا! خواب دیدم - دو سه شب پیش - من و مرضیه باز

مثل غریبه‌ها به شما خیره می‌شوم از لابه‌لای پنجره‌ها خیره می‌شوم از راه دور آمده‌ام پای بوستان بر دست‌تان شبیه گدا خیره می‌شوم هر وقت آدم سرت آقا شلوغ بود بین صدای سوز و دعا خیره می‌شوم تا چشم کار می‌کند اینجا کبوتر است چون کفتری به باب رضا خیره می‌شوم اینجا است کعبه فقرا، ثامن الحجج هر لحظه بر مقام و منا خیره می‌شوم ای آفتاب طوس، دلم شور می‌زند از سمتان به سمت خدا خیره می‌شوم وقت وداع آمده، اما هنوز هم بر گنبد بلند شما خیره می‌شوم

مهدی صفی یاری

رؤیای آسمانی

شبى تنها
میان این همه رؤیا
تو را دیدم...
تو را با قامتی زیبا
میان دشتی از گلها
کنارت بحر آبی رنگ
و دستانت پر از گلبوته‌های نور
پر از گلبرگ یاس و سوسن و مریم
و من سر تا به پا حیرت
دلم سنگین از این غم‌ها
از این دنیا
که ناگه
آهویی رعنا
در آغوش تو شد آرام
صدایی از دل دریا
چنین می‌خواند:
به قربان پناه گرمی ای مولا!
تمام صورتم را اشک‌ها پر کرده بود، آری
چنین رؤیا مرا واداشت
که بنویسم:
به قربان پناه گرم تو آقا!

ملیحه طاهری عمرانی

سوخته دل

من به عشق تو چنین راه دراز آمده‌ام
بس گرفتار و غمین، بهر نیاز آمده‌ام

درگه تو همه آیند به امید وصال
بی‌سروپایم و مشتاق به راز آمده‌ام

در سرم جز ره عشق تو نباشد، شرری
چهره بگشا و نما در، من باز آمده‌ام

پای من سخت ز هجران تو بگداخت، نگر
رحمتی کن تو شفا ده به نماز آمده‌ام

گر طبیعی بنهد دست بر این قلب پریش
خون چکان دست و دو دیده، بگداز آمده‌ام

اشک در چشم و دلم پر شده از خون ای دوست
جان به لب، سوخته دل، چشم به ناز آمده‌ام

گام من کوتاه و اندوه دلم شد، بسیار
مهر آن چشمه و اکنون، بجواز آمده‌ام

خلیل توحیدی (مهران)

کنار سفره که بودیم حرف مشهد شد
وزید بوی خراسان و ناگهان رد شد

دوباره یاد غریب‌آشنا و شوق حرم
و سیل اشک که در پشت پلک‌ها سد شد

و دخترم که به دل حسرت زیارت داشت
درست هم نظر مرتضی و احمد شد

دو سال هست که تو قول داده‌ای بابا
برای ما که نرفتیم واقعاً بد شد

تمام بودم آوار شد و یک لحظه
زمان برای عبور از خودش مردد شد

دو روز بعد بلیط و شروع یک پرواز
کبوترانه دلم بی قرار گنبد شد

قطار تهران - مشهد درست ساعت هشت
و ایستگاه که سرشار بوق ممتد شد

و چند ساعت دیگر به صحن آزادی
نگاه منتظرم گرم رفت و آمد شد

اسماعیل سکاکی قزوینی

ممکن که نیست آبی دریا کشیدنت

باید به قدر تشنگی ما چشیدنت

حتی عقاب‌ها به تماشا نشستند

مانند آسمان به هوای پریدنت

دستان باد پیش قدم‌هاست بسته است

پاهای رود مات به مقصد رسیدنت

تضمین نسل گل قدمت می‌پراکند

مثل نسیم خاطره دارد وزیدنت

آقا روایت است که آهوی خست‌های

روزی گرفت گوشه دامن دیدنت

این خاک سهم غربت ما بی پناه‌هاست

با قصه ضمانت آهو شنیدنت

تقدیر اگر چه تلخ ولی آفتاب عشق

اینگونه خواست از شب مشهد دمیدنت

دستی به جام بردی و دستی به زلف یار

لاجرعه بود لخت جگر سر کشیدنت

یوسف جمال داشت ولی ما دلی که ترد

قیمت شکست موقع ما را خریدنت

امیر رجبعلی زاده

سؤال همیشه

گلدسته‌ات
کهکشانی است
که سیاهی شهر را تکذیب می‌کند
پیرامون تو همه چیز بوی ملکوت می‌دهد:
کاشی‌های ایوانت
و این سؤال همیشه
که چگونه می‌توان آسمان‌ها را
در مربعی کوچک خلاصه کرد.
و پنجره فولاد
التماس‌های گره‌خورده
و بغض‌هایی که پیش پای تو باز می‌شوند...

آرش شفاعی

آهوانه

محمد خزاعی دبیر جشنواره تئاتر رضوی:

راه خصوصی شد تئاتر انر تئاتر دینی می‌گذرد



محمد حسین ایلانو

محمد خزاعی دبیر جشنواره تئاتر رضوی

جشنواره تئاتر رضوی که در اولین دوره فعالیت با نام جشنواره تئاتر دینی در سال ۱۳۸۲ شروع شد، اکنون هفتمین دوره خود را سپری می‌کند. این جشنواره که در ابتدا در چهار بخش تعریف شده بود، هم‌اکنون در ۱۲ بخش مسابقه ایران، مسابقه تجربی، مسابقه کودک و نوجوان و عروسکی، بخش میهمان، آثار خارجی، نمایش‌های خیابانی، نمایش‌های رادیویی و تلویزیونی، مجالس تعزیه، آیینی، مسابقه عکس و پوستر تئاتر دینی، پژوهش و متون نمایشی برگزار می‌شود. این جشنواره در زمره جشنواره‌های موضوعی تئاتر قرار می‌گیرد و موضوع آن امام رضا (ع) و مفاهیم و مضامین مرتبط با ایشان است. محمد خزاعی دبیر سه دوره اخیر جشنواره تئاتر رضوی است. درباره اهداف این جشنواره، جایگاه کنونی آن در میان مردم و هنرمندان و عملکرد آن با وی گفت‌وگو کرده‌ایم:

هائیه خاکپور

خبایا تعریف شما از تئاتر دینی چیست؟

دین مجموعه مسائلی در زندگی است که انسان بتواند به وسیله آن به کمال برسد و به طیفی از آرمان‌ها و رفتارها که مجموعه آن اخلاق است، دست پیدا کند؛ به عبارتی مجموعه کنش‌های ما نسبت به مسائل اطراف، رفتارهای دینی ما را می‌سازد؛ البته دین معنای گسترده‌ای دارد و هرگز به معنای محدود کردن در یک قالب و چارچوب نیست. ادیان مختلف، تعاریف

متفاوتی از دین دارند؛ اما در معنای مشترک، دین مجموعه فضایل و نکات مثبتی است که به انسان‌ها کمک می‌کند تا بتوانند به کمال نزدیک شوند و به انسانیت خود دست پیدا کنند. با این تعریف، اگر بخواهیم به بحث تئاتر وارد شویم، عده زیادی معتقدند که تئاتر همان دین است و وجه مشترک آنها با یکدیگر به ما اجازه نمی‌دهد، تئاتر را به دینی و غیردینی تقسیم‌بندی کنیم؛ زیرا تمام مسائلی که در پیکره مضامین تئاتری کشور مطرح می‌شود، دینی است؛ بنابراین در تعریف عام و فراگیر، تمام نمایش‌هایی که به اجرا درمی‌آید،

برخی موضوعات دمدستی مانند شفا، معجزه و ... را بیان می‌کردند؛ اما امروز در شرایطی هفتمین دوره این جشنواره برگزار می‌شود که کسانی که در این حوزه فعالیت دارند، نگاهشان وسیع‌تر شده است، پا را فراتر گذاشته‌اند و به موضوعات دیگری نیز می‌پردازند.

در واقع ما به تدریج به هدف این جشنواره که حضور اندیشه‌های امام رضا (ع) در زندگی معاصر است، نزدیک می‌شویم و قصد داریم به این نکته اشاره کنیم که اگر رفتارهای امام رضا (ع) را در زندگی‌مان سرمشق و الگو قرار دهیم، در همه زمینه‌ها موفق خواهیم بود.

گاهی نگاه سطحی به مسائل دینی باعث می‌شود، دل‌زدگی ایجاد شود و اینکه برخی به همین دلایل از دین فاصله می‌گیرند؛ زیرا تعریف درست، ریشه‌ای و عمیق از دین ندارند.

خبایا البته تعریف هنرمندان از تئاتر و دین نیز مشابه آن چیزی است که شما می‌گویید؛ اما آنجا که شما از این دو تعریف، تئاتر دینی را نتیجه‌گیری می‌کنید، آنها چنین چیزی را قبول ندارند. شاید این اصطلاح به آن دسته از نمایش‌ها که مدنظر شماست، نمی‌نشیند.

همه در تعاریف کلی از دین وجه مشترک داریم؛ اما باعث نمی‌شود که از کنار موضوعات خاص و جزئی بگذریم و آنها را نادیده بگیریم. وقتی راجع به امام معصومی صحبت می‌شود که از طریق آن می‌توانیم به اهداف متعالی‌تری برسیم، آیا باید بگوییم، اینها به‌طور ویژه نمایش‌های دینی نیستند و فرقی با نمایش‌های دیگر ندارند؟ به نظر من یک تعریف عام از تئاتر دینی وجود دارد و یک تعریف خاص مانند پرداختن به مضامینی همچون امام رضا (ع)؛ با وجود این نمی‌توان گفت، نمایش‌های دینی خاص یا موضوع ائمه (ع) یا یکی از موضوعات اصلی دین اگر دستمایه کار تئاتری قرار گیرند، نباید نام تئاتر دینی بر روی آن گذاشت.

به نظر من منظور و نگاه ما کمی متفاوت است و همین مسئله باعث می‌شود، بحث‌های متفاوتی پیش آید و اگر گاهی برخی هنرمندان می‌گویند، کار دینی نمی‌کنند و یا در جشنواره‌های دینی شرکت نمی‌کنند، از همین مسئله ناشی می‌شود. باید به این دوستان گفت، مگر کاری که شما انجام می‌دهید، با تعریف خودتان دینی نیست؟ از سوی دیگر مگر می‌شود، کسی در ایران زندگی کند و ارادتی به امام رضا (ع) نداشته باشد؟ آیا می‌شود، کسی در ایران زندگی کند و نگاه غرض‌ورزانه هم نداشته باشد؛ اما نتواند با امام حسین (ع) ارتباط برقرار کند؟ این امر، اعتقادی در وجود تمام ایرانیان است. اگر برخی هنرمندان می‌خواهند، برای خودشان فضایی روشنفکری به‌وجود آورند و با برخی واژه‌ها از نمایش‌های دینی فاصله بگیرند، پس چرا وقتی به آنها امکانات داده می‌شود یا منابع نقدی و پول خوب در اختیارشان قرار داده می‌شود، حاضر به کار می‌شوند؟ این ضدوقتی بودن چه معنایی

می‌تواند داشته باشد؟ اگر عده‌ای به مسئله‌ای اعتقاد ندارند، باید تا آخر بر حرف و اعتقاد خود باقی بمانند و اگر اعتقاد دارند؛ پس چرا با حرف‌های خود چنین فضایی را به‌وجود می‌آورند؟

به نظر من برخی تناقض‌هایی که وجود دارد، به دلیل نبود شناخت صحیح از چنین مسائلی است. ما زمانی به برخی مسائل به‌طور موقتی و گذرا در زندگی می‌پردازیم؛ همچنان که نسبت به مسائلی در حوزه دین و مذهب چنین کاری کرده‌ایم؛ درحالی که این مسئله بسیار عمیق و ژرف است.

هنرمندانی که در حوزه تئاتر دینی فعالیت می‌کنند، اندیش‌ورز و اندیشمند هستند و به صورت عام‌تر تمام کسانی که در حوزه دین فعالیت می‌کنند؛ زیرا دین یعنی عمق. وقتی کسی مسئله دینی را بیان می‌کند و می‌خواهد به لایه‌های پنهان آن بپردازد، باید به‌طور کامل عمیق شود. این مسئله برخی هنرمندان را اذیت می‌کند که دوست ندارند، در جشنواره‌های سفارشی کار کنند و این‌گونه استنباط می‌کنند که تئاتر رضوی هم جشنواره‌ای سفارشی است؛ پس علاقه‌ای برای حضور در آن نشان نمی‌دهند؛ درحالی که به نظر من جشنواره امام رضا (ع) و به تبع آن تئاتر رضوی به‌هیچ‌وجه سفارشی نیست؛ به این علت که تمام کسانی که در جشنواره کار می‌کنند، به‌نوعی نسبت به مسائل دینی دغدغه دارند. نوع نگاه هنرمندانی که در جشنواره رضوی شرکت می‌کنند، با هنرمندان دیگر جشنواره‌ها تفاوت دارد و هرگز هم به دنبال این نیستیم که هنرمندانی را که به این‌گونه موضوعات و مسائل تمایل ندارند، به جشنواره وارد کنیم.

در واقع جشنواره تئاتر رضوی جایگاه کسانی است که به امام رضا (ع) دل بسته‌اند و عشق می‌ورزند. جشنواره امام رضا (ع) دلی است و هنرمندانی در آن حضور دارند که به چنین موضوعی اعتقاد دارند.

خبایا درست است که هنرمندانی به این جشنواره وارد می‌شوند که به آن اعتقاد دارند؛ اما برخی معتقدند، عده‌ای از هنرمندان به دلیل استفاده از امکانات به آن وارد می‌شوند و به این دلیل خرسند نبودند که جشنواره‌ای با موضوع امام رضا (ع) برگزار شود که استفاده از امکانات آن، برخی هنرمندان را مجبور کند که، خود را به گونه‌ای

اگر برخی هنرمندان می‌خواهند برای خودشان فضایی روشنفکری به‌وجود آورند و با برخی واژه‌ها از نمایش‌های دینی فاصله بگیرند پس چرا وقتی به آنها امکانات داده می‌شود یا منابع نقدی و پول خوب در اختیارشان قرار داده می‌شود حاضر می‌شوند، کار کنند

دیگر نشان دهند.

این جشنواره امکانات خاصی ندارد و اتفاقاً حتی از برخی جشنواره‌های دیگر امکانات آن کمتر است. جشنواره رضوی به جز ارادت هنرمندان به کاری که می‌کنند، امتیاز دیگری ندارد؛ حتی در این جشنواره تضمین اجرای عمومی هم وجود ندارد؛ با اینکه در سایر جشنواره‌های موضوعی این امتیاز به تئاترها داده می‌شود. اگر جشنواره در این سال‌ها معتبر شده است، ربطی به امتیازات آن ندارد. برخی دوستانی که چنین سخنانی می‌گویند، هنرمند نیستند و این الفاظ و سخنان در میان هنرمندان جایی ندارد. هنرمند نگاه باز و عمیقی دارد و نمی‌تواند، این‌گونه سطحی و زودگذر با چنین موضوعاتی برخورد کند.

خبایا هدف از برگزاری چنین جشنواره‌ای چه بود و چقدر توانستید به اهداف خود نزدیک شوید؟ هدف جشنواره فرهنگی-هنری امام رضا (ع) اشاعه فرهنگ رضوی در کشور بود؛ بدین معنی که تلاش شود، در قسمت‌های مختلف فرهنگی کشور، نگاه عمیق‌تری از مسائل رضوی به مردم و خانواده‌ها بدهیم؛ زیرا در جامعه ما نگاه تحلیلی به چنین مسائلی وجود ندارد و بیشتر ما جدا از حاجت‌گرفتن و رفع مشکلات، امامان خود را نمی‌شناسیم.

در واقع جشنواره‌های زیرمجموعه جشنواره فرهنگی-هنری امام رضا (ع) راه‌اندازی شد تا بتواند، میزان تأثیرگذاری اندیشه‌های امام رضا (ع) در زندگی معاصر را افزایش دهد؛ همین‌طور برای اینکه با الگوبرداری صحیح از پیشوایان دینی، از اندیشه و افکار آنان استفاده کنیم و از لایه‌های ظاهری‌اش کنار رویم تا به اعماق آن دست پیدا کنیم. ما از اصل اتفاقات پیش‌آمده برای امام رضا (ع) بی‌خبر و غافلیم؛ درحالی که هر کدام از آنها علت‌های تاریخی و اخلاقی آموزنده دارد که می‌توان از آنها درس گرفت؛ با وجود این، ما در ترسیم این وقایع تاریخی -که می‌تواند الگوی بسیار مناسبی برای جامعه امروز ما باشد- ناموفق بوده‌ایم. مجموعه فعالیت‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود، ارتباط‌دادن بین مردم و این اندیشه‌هاست و اصل و هدف برگزاری جشنواره رضوی نیز گسترش فرهنگ و سیره رضوی بود.

خبایا جشنواره رضوی چه فعالیتی انجام داده است تا نگاه تحلیلی و موشکافانه به این قضیه گسترش پیدا کند و هنرمندان تنها به دنبال بازنمایی تاریخی اتفاقات و حوادث مشهور زندگی ایشان نباشند؟

اگر در بازنمایی تاریخی، پژوهش و تحقیق وجود داشته باشد، به‌هیچ‌وجه بد نیست و به داستان‌های شیرینی که در این حوزه وجود دارد، پی می‌بریم؛ البته در شرایطی که به دو یا سه قضیه محدود نشویم. در برگزاری جشنواره تئاتر رضوی، از سال دوم متوجه شدند که نقطه‌ضعف این مسئله در بحث پژوهش و

مطالعه‌نداشتن هنرمندان به‌ویژه نمایشنامه‌نویسان در این حوزه است. برخی نویسندگان شاید براساس تخیل خود و ارادت قلبی‌شان، چیزی می‌نویسند و هیچ پژوهشی در این زمینه ندارند و بیشتر، شخصیت‌هایی را در نمایشنامه‌های خود بیان می‌کنند که تک‌بعدی هستند و به لایه‌های پنهان این مسئله دست پیدا نکرده‌اند؛ اما در دورهٔ پنجم، جشنواره، فهرست‌نویسی آثار دربارهٔ امام رضا (ع) را منتشر کرد و در اختیار هنرمندان قرار داد و اعلام کرد، هنرمندان می‌توانند، از این آثار با ذکر منبع و مأخذ استفاده کنند تا در سال بعد بر اساس آن نمایشنامه تولید شود. نتیجهٔ آن کار در این دوره خودش را به این صورت نشان داده است که تنوع موضوعی آثار حاضر در جشنواره، به یکی دو قضیه محدود نیست. نگاه موجود در جشنوارهٔ امسال نسبت به این موضوع، متفاوت از گذشته است و نشان می‌دهد که جشنوارهٔ رضوی گامی به جلو برداشته



نمایشنامه‌خوانی در جشنواره رضوی

است؛ البته شاید تا رسیدن به نقطهٔ ایده‌آل فاصله داشته باشد؛ اما رشد آن درخور توجه است.

در این دوره از جشنواره در حوزهٔ تحقیق و پژوهش این اقدام را انجام دادیم که از آقای نصرالله قادری، نویسنده و کارگردان تئاتر خواستیم، قصه‌هایی را که در مورد امام رضا (ع) وجود دارد و قابلیت دراماتیزه‌شدن دارد، به صورت کتاب درآورد تا آن را در اختیار هنرمندان قرار دهیم. چنین حرکتی برای نخستین بار است که در کشور اتفاق می‌افتد و ما امیدواریم سال آینده حضور آثار متنوع‌تری را شاهد باشیم.

آقای قادری هم به همراه تیم خود، ۱۲۵ داستان تاریخی، معاصر، قدیمی و … را جمع‌آوری کرده‌اند که برای همه نوع سلیقه است و با نام «یک ققمه از کوثر» منتشر خواهد شد و این کار خلأ محدودشدن به چند قصه را از میان خواهد برد.

بازهم در بخش پژوهش، کتاب‌هایی توسط

تفاوت دیگر این دوره، تعدد بخش‌های آن است؛ درحالی‌که ششمین جشنوارهٔ تئاتر رضوی در چهار بخش برگزار می‌شد، امسال در ۱۲ بخش برگزار می‌شود که البته این رشد بی‌دلیل و بادکنکی نبوده است؛ چون در واقع خود من به گسترش جشنواره و در نهایت نبود توانایی برای برگزاری آن معتقد نیستم. در جلسه‌های متعدد کارشناسی در دورهٔ قبل به این نتیجه رسیدیم که تئاتر رضوی، ظرفیت خوبی در تئاتر کشور و جشنواره‌های موضوعی ایجاد کرده است و زمان آن رسیده است که این جشنواره را گسترش دهیم. چنین کاری نشان می‌دهد، مسئولان و کسانی که برای جشنواره تئاتر رضوی برنامه‌ریزی می‌کنند، در مورد این مسئله دغدغه دارند. ضمن آنکه هنرمندان علاقه‌مند شدند و از این جشنواره استقبال کردند و با آثارشان به ما پشت‌گرمی دادند که بتوانیم، جشنواره را در ۱۲ بخش گسترش دهیم که عبارت‌اند از: نمایش صحنه‌ای، خیابانی، کودک و نوجوان، تعزیه، تولید متون نمایشی، بین‌الملل، نمایش‌های رادیویی، آیین، عکس، تله‌تئاتر و …

این اتفاق نیز در جشنواره افتاد که کسانی با طیف‌ها، تجربه‌ها و سنین گوناگون در این جشنواره حضور دارند و می‌توانند، آن را به جشنوارهٔ کاملی تبدیل کنند؛ زیرا جشنواره‌ای کامل است که بتواند از حضور مخاطبان مختلف در برگزاری جشنواره سود ببرد.

این بحث نیز وجود دارد که با رایزنی‌های انجام‌شده، تصمیم گرفته شده است که برای کارهای حاضر در جشنوارهٔ تئاتر رضوی، اجرای عمومی وجود داشته باشد؛ زیرا یکی از معضلات ما در دوره‌های گذشته، اجرانشدن این کارها بود.

حلیا این جشنواره چقدر به حضور هنرمندان و علاقه‌مندساختن آنها برای کار در این مضمون و تا چه اندازه به حضور مخاطبان نظر دارد؟

به‌طور قطع جشنوارهٔ موضوعی تئاتر رضوی باید ترکیبی از این دو باشد؛ زیرا به بازتولید مسائلی می‌پردازد که هنرمندان و مردم با اعتقاد قلبی سراغ آن می‌روند و ارادت خاصی در سراسر کشور به مقولهٔ امام رضا (ع) وجود دارد.

از سوی دیگر ما معتقدیم، جشنواره‌های تئاتر دینی می‌توانند، همچون پل آشتی بین مخاطب و تئاتر ایفای نقش کند. تئاتر در کشور ما مخاطب تربیت‌شده و خاص دارد که نمایش‌های مختلفی را می‌بینند؛ اما آثار نمایشی مذهبی، استقبال‌کنندهٔ فراوانی دارد و مخاطب عامی که از تئاتر فاصله گرفته است، با آن ارتباط برقرار می‌کند؛ به این علت که مردم احساس می‌کنند، در این نمایش‌ها، باورهایشان مطرح می‌شود و شکی ندارند که این نمایش می‌تواند، برای خود و خانواده‌شان مفید باشد و مضامین و محتوای این نمایش‌ها سالم و در همان حال تأثیرگذار و آموزنده است.

من معتقدم، اگر ما مسئلهٔ تئاتر دینی را در طول

سال در کشور مستمر کنیم، می‌تواند، پل ارتباطی مخاطب و تئاتر شود؛ زیرا وقتی خانواده‌ها به دیدن نمایش عادت کنند، بعد از مدتی این کار جزو فرهنگ آنها می‌شود و در چنین حالتی مسئله‌ای که همواره باعث می‌شود، نگران شویم؛ یعنی «مخاطب‌شناسی» حل می‌شود.

اگر مخاطب خوب برای تئاتر وجود داشته باشد، طبیعی است، بخش خصوصی راحت‌تر می‌تواند، به تئاتر وارد شود و تئاتر خصوصی را شکل دهد. بین تئاتر خصوصی و مخاطب ارتباط معناداری وجود دارد؛ تئاتر خصوصی وقتی می‌تواند، در ایران شکل بگیرد که مخاطب بخواهد، برای دیدن نمایش نقدینگی بپردازد و تئاتر دینی بهترین ابزار و روش برای بالا بردن میزان مخاطب و در نتیجه حرکت به سمت تئاتر خصوصی در کشور است.

حلیا برای ایجاد انگیزه در هنرمندان تئاتر چه برنامه‌ای داشتید؟

موضوعی که در این جشنواره مطرح می‌شود، دغدغهٔ تمام ایرانیان و نیز هنرمندان است. وظیفهٔ ما در جشنوارهٔ تئاتر رضوی در حد برگزاری آن است و استقبال خود هنرمندان و دل‌مشغولی ایشان نسبت به این مسئله است که باعث می‌شود، در چنین جشنواره‌ای حضور داشته باشند. جشنوارهٔ تئاتر رضوی جای هنرمندانی است که به این قضیه و کاری که انجام می‌دهند، عشق می‌ورزند و با ارادت خاصی در آن حاضر می‌شوند؛ بنابراین چنین نگاهی هیچ‌گاه وجود ندارد که ما از هنرمندان تقاضا کنیم، به این جشنواره وارد شوند، بلکه خود ایشان هستند که استقبال می‌کنند و در واقع اینکه حدود ۹۰۰ اثر به یک جشنواره موضوعی برسد و هیئت انتخاب مجبور شوند، برخی آثار را با وجود شایستگی و تنها به دلیل محدودیت‌های سالن و امکانات کنار بگذارند، بی‌سابقه است.

وقتی چنین اشتیاقی در بین هنرمندان وجود دارد، ضرورتی ندارد، ما به دنبال عده‌ای باشیم و بخواهیم که در جشنواره حاضر شوند. تئاتر رضوی جایگاه خود را بین هنرمندان باز کرده است و هنرمندان آن را به مثابهٔ یکی از جشنواره‌های معتبر کشور قبول دارند و دل‌مشغولی آنهاست که در این جشنواره حضور پیدا کنند.

حلیا دربارهٔ بین‌المللی‌شدن این جشنواره هم توضیح دهید.

موضوع امام رضا (ع) این‌گونه نیست که همهٔ کشورهای جهان بتوانند، به آن وارد شوند؛ بنابراین تعریف بین‌المللی‌شدن در این جشنواره، متفاوت از دیگر جشنواره‌هاست. در جشنوارهٔ تئاتر رضوی که آثاری می‌توانند، شرکت کنند که به‌نوعی مضمون آن مرتبط با امام رضا (ع) باشد، تعداد کشورهایی که می‌توانند، شرکت کنند، محدودتر می‌شود.

■ برای آیندهٔ این جشنواره این ترسیم را داریم
که به یکی از پایگاه‌های جهان اسلام تبدیل شود ■

برای این کار می‌توان از کشورهای جهان اسلام اثر پذیرفت که البته امسال تصمیم گرفته شده است که هنرمندان ایرانی مقیم خارج از کشور نیز بتوانند در سال‌های بعد اثر خود را ارائه کنند؛ هرچند که بیشتر سرمایه‌گذاری ما بر روی کشورهای جهان اسلام است.

امسال استقبال از بخش بین‌الملل جشنواره خوب بود؛ اما به دو دلیل کارها ریزش داشت؛ برخی کارها از جانب هیئت انتخاب ضعیف شناخته شد و هم‌طراز با نمایش‌های ایرانی نبود. دوم، برخی آثار با وجود اعلام آمادگی قبلی به جشنواره نرسید. در این دوره اولین گام برای بین‌المللی‌شدن جشنوارهٔ تئاتر رضوی برداشته شد. هرچند که هشت کشور آثار خود را ارسال کردند، تنها دو اثر خارجی از آذربایجان و تاجیکستان حضور دارند و این بخش به صورت غیر رقابتی برگزار خواهد شد؛ البته امیدوارم با تشکیل اتحادیهٔ تئاتر دینی جهان اسلام که بیشتر کارهای آن انجام شده است، بتوانیم در سال‌های آینده، مراودات هنری جهان اسلام در زمینهٔ نمایش را از طریق دعوت کارها یا اجرای آثار ایرانی در آن کشورها شاهد باشیم.

حلیا چشم‌انداز جشنوارهٔ تئاتر رضوی چیست؟

جشنوارهٔ تئاتر رضوی با توجه به جایگاهی که در بین هنرمندان باز کرده است، توانسته است به ۴۰ درصد از چشم‌اندازها و اهدافی که در ابتدا برای آن درنظر گرفته شده بود، برسد و با وجود این باز هم در بین جشنواره‌های موضوعی موفق بوده است؛ اما با ترسیمی که ما از آیندهٔ این جشنواره داریم که به یکی از پایگاه‌های جهان اسلام تبدیل شود، هنوز فاصله داریم.

جشنوارهٔ رضوی باید به مرحله‌ای برسد که دیگر

■ شاید این جشنواره
در سال‌های ابتدایی خود
به راه‌های انحرافی رفته باشد
زیرا محققان و پژوهشگران
روی این مسئله فرهنگی
متمرکز نبودند
و به دلیل مطالعه‌نداشتن
برخی موضوعات دم‌دستی مانند
شفا، معجزه و … را بیان می‌کردند ■

دغدغهٔ حضور هنرمندان در آن مطرح نباشد، بلکه باید به تعریف درستی برسد. بسیاری از هنرمندان پیشنهاد می‌دهند که جشنواره به هنرمندان حرفه‌ای کار سفارش بدهد؛ اما من معتقدم، باید بنیان‌های جشنواره را قوی کرد و آنقدر معتبر شود که هنرمندان به‌راحتی در آن حضور پیدا کنند و به تیم برگزاری و سطح جشنواره اعتماد داشته باشند.

نوعی اطمینان‌نداشتن در میان هنرمندان وجود دارد که احساس می‌کنند، حضور در این جشنواره موجب می‌شود، به چهرهٔ هنری آنها خدشه وارد شود؛ اما وقتی ببیند، این جشنواره توانسته است، جایگاه خود را بین مردم و هنرمندان باز کند، به‌تدریج علاقه‌مند می‌شوند که آنها هم در جشنواره حاضر شوند.

هدف دیگر این جشنواره، پیداکردن راهکارهایی برای اجرای عمومی گروه‌های حاضر در جشنواره است که دغدغهٔ مهمی است؛ زیرا ما نمی‌توانیم، گروه‌هایی را که چند ماه تمرین می‌کنند، رها کنیم. من از مسئولان وزارت ارشاد به‌ویژه مرکز هنرهای نمایشی درخواست می‌کنم که فکر جدی دربارهٔ این موضوع داشته باشند و به این گروه‌ها برای اجرا در سالن‌های مختلف اجازه دهند؛ زیرا اگر ما می‌خواهیم، فرهنگ رضوی گسترش پیدا کند و جوانان ما با آن آشنا شوند، باید در طول سال اجرای مستمر داشته باشیم که باعث خواهد شد، میزان تأثیرگذاری بیشتر شود. اگر ما فقط کار خود را به چند روز برگزاری جشنواره، محدود کنیم، نتیجهٔ خاصی نخواهیم گرفت.

مسئلهٔ دیگر مطالعات دینی هنرمندان است. انتظار می‌رود، هنرمندان دایرهٔ مطالعات خود را افزایش دهند و فراتر از نگاه‌های عادی و عامی مردم به چنین مسائلی نگاه کنند. هنرمند کسی است که عمیق‌تر از بقیه می‌بیند و نگاهش متفاوت است؛ پس انتظار می‌رود، کاری که انجام می‌دهد نیز حتی از برخی نظرها از کارشناس‌های دینی نیز جلوتر باشد و مسائل جدید و نویی را بیان کند. در ساختار اجرا هم بدعت و نوآوری داشته باشد تا بتواند مخاطب و جوانانی را که از چنین مباحثی فاصله گرفته‌اند، جذب کند؛ زیرا هم‌اکنون جذب مخاطب با یکی از شیوه‌های اجرایی می‌تواند، شکل بگیرد و این نوآوری، تازگی و بدعت در آثار چه به لحاظ موضوع و محتوا و چه از حیث ساختار است.

نکتهٔ دیگری که در آثار جشنوارهٔ رضوی دیده می‌شود، تخیل است. تخیل در بعضی زمان‌ها خطرناک عمل می‌کند؛ زیرا باعث می‌شود، مسائل دچار تحریف شوند و در جامعه خرافه در مسائل دینی رشد کند و ما نمی‌توانیم، از کنار این مسئله به‌سادگی بگذریم؛ زیرا این خرافات کم‌کم به مسائل فرهنگی کشور وارد و جزو باورهای ما می‌شود؛ بنابراین هنرمندان باید با نگاه دقیق و بر اساس مطالعه و تحقیق در این حوزه گام بردارند. ■

تئاتر مکارم الاخلاق است

گروه هنر: کوروش زارعی، بازیگر و کارگردان تئاتر است. او در کارنامهٔ بازیگری خود نمایش‌هایی همچون مسافران کوفه، شام غریب، غننامهٔ فرات، خورشید کاروان، بانوی بی‌نشان، در قاب ماه و ... را دارد و نیز در نمایش‌های کانال کمیل، مرد آفتابی، مسافران کوفه، بانوی بی‌نشان، پرنیان هفت رنگ و ... در مقام کارگردان حضور داشته است که نمایش‌های مذهبی به‌شمار می‌رفتند. زارعی در تئاتر کشور بیشتر در جایگاه هنرمندی علاقه‌مند به به‌کارگیری مضامین و مفاهیم دینی شناخته می‌شود. دربارهٔ اصطلاح تئاتر دینی، گسترهٔ آن، جایگاه آن در تئاتر کشور و آسیب‌ها و مزایای آن با این هنرمند تئاتر گفت‌وگو کرده‌ایم:

شود و در آن مکان، خدایان و باورهای دینی و آیین‌های مذهبی خود را به شکل دیالکتیک بیان می‌کردند.

پس خاستگاه تئاتر چنین چیزی است. تئاتر خلق شده است تا ارزش‌های والای انسانی را به نمایش بگذارد و بیرون‌آوردن مضمونی از داخل آن به نام تئاتر دینی اشتباه است. مسئلهٔ تئاتر، انسان، دین و تفکر است که ممکن است، گاهی گرایش‌های متفاوتی پیدا کند. این نکته مهم است که مسائل انسانی و اخلاقی و سمت هدایت انسان در آن ترسیم می‌شود و هر تئاتر پیام خود را با استفاده از جلوه‌های بصری و هنری و به‌گونه‌ای خلاقانه بیان می‌کند و به انسان‌ها و جامعهٔ بشر برای سعادتشان هشدار می‌دهد؛ بنابراین همهٔ انواع تئاتر، دینی است و برای بیان کردن مسائل انسان‌ها و ارزش‌های انسانی است؛ زیرا تئاتر تنها هنری است که خلق‌کننده آن انسان است و مخاطب و موضوع آن نیز انسان است؛ پس تئاتر نمی‌تواند به مسئله‌ای به جز انسان بپردازد.

مسئلهٔ تئاتر انسان‌هاست و مسائل مرتبط با آنها که من نام آن را مکارم الاخلاق می‌گذارم؛ یعنی آنچه پیامبر و امامان از مکارم الاخلاق در دین داشته‌اند که ارائهٔ راهکار زندگی سالم برای سعادت بشر است. هنر تئاتر نیز همین کارکرد را دارد و ادامهٔ راه پیامبران و مسیر ادیان است.

همانطور که شأن اجتماعی و سیاسی پیامبران و ائمه (ع) برای آن چیزی است که خداوند بر عهدهٔ آنها گذاشته بود، من معتقدم که هنرمندان تئاتر نیز جایگاه خاصی دارند و خداوند در آنها چیزی را به ودیعه گذاشته که مشابه آن را در بزرگان دین و انسان‌های برگزیده‌اش قرار داده است. در واقع هنرمند تئاتر هم برگزیده شده است که برای تحقق مسائل بشری حرکت کند.

تقسیم‌بندی تئاتر به تئاتر دینی و ... نیز به نظر من اشتباه است. عده‌ای فکر می‌کنند، دین یعنی محصور کردن و در چارچوب قراردادن انسان‌ها و باید‌ها و نبایدها. در حالی که در دین به انسان‌ها اختیار داده می‌شود، کاری را که دوست دارند، انجام دهند؛ اما در کنار آن نیز راه سعادت را به او نشان داده است.

دین برای سعادت بشر است و تئاتر هم همین نکته را می‌خواهد متذکر شود. دین و تئاتر کارکردهای مشترک زیادی دارند. جبر و اختیاری که خداوند در دین قرار داده، در تئاتر هم آمده است؛ به این ترتیب که در تئاتر هنرمند نمایش را ارائه می‌دهد، بدون آنکه قضاوت کند یا پیام مطلق ارائه دهد و مخاطب است که داستان نمایش و صحنه را می‌بیند و انتخاب می‌کند که اگر در شرایط مشابه شخصیت‌های نمایش قرار گرفت، چه راهی را برمی‌گزیند.

در تئاتر پیام بر مخاطب چیره نیست. در واقع خود مخاطب تصمیم می‌گیرد، چگونه با موضوع برخورد کند. تئاتر مخاطب را به فکر وادار می‌کند و به اندیشهٔ او احترام می‌گذارد که انتخاب یا تحلیل کند و در واقع نوع نگرشش را با آن چیزی که دیده است، تطبیق‌دهی‌کنند

خیابا بر اساس تعریف تئاتر دینی، جشنواره‌هایی راه‌اندازی شده است که موضوع آن امامان (ع) هستند. این جشنواره‌ها چقدر می‌توانند، در بین هنرمندان تئاتر برای ترغیب به سمت موضوعات مذهبی ایجادانگیزه‌کنند؟

در اصل قرار نیست که ارزش‌های والای شخصیتی چون امام حسین (ع) در همایش آیین‌های عاشورایی و امام رضا (ع) در جشنوارهٔ تئاتر رضوی نشان داده شود و اینکه این بزرگان در زندگی خود چه شخصیتی داشتند

این‌گونه نیست که اگر نمایشی راجع به امام حسین (ع) کار شود، به این معنی باشد که بتوان برجسب دینی به آن نمایش زد. اتفاقاً می‌توان از زاویه‌ای به زندگی ایشان نگاه کرد که مذهبی نباشد و جنبهٔ متفاوتی از زندگی آنان را نشان دهد.

اینکه نمایشی در جشنواره‌های رضوی یا آیین‌های عاشورایی اجرا می‌شود، در حقیقت بازنمایی همان چیزهایی است که آنها برای ما ودیعه گذاشته‌اند و ما از آن غافل هستیم؛ همان چیزهایی که برای سعادت جامعه بشری است تا آنها را دوباره در مسیر درست قراردهد

چنین شخصیت‌هایی آنقدر ابعاد گسترده و وسیعی دارند که از هر منظر و دیدگاهی که به آنها نگریسته شود، این قابلیت را دارند که به موضوعی برای داستان و شعر و قصه تبدیل شوند و برای نیل بشر به سعادت، از ابعادشخصیتی ایشان استفاده شود.

هر چند در خود اسلام و رفتارها و سکنات

■ **هنرمندان تئاتر با آثار و نمایش‌هایی که تولید می‌کنند مخاطب را از سالن‌های تئاتر فراری می‌دهند و در واقع مخاطب‌کشی می‌کنند**

پیامبر (ص) و امامان (ع) رفتارهای نمایشی زیادی دیده می‌شود. میزانشن و حرکات به لحاظ زیبایی‌شناسی در صحنه خلق می‌شود و هنرمند، چنین موضوع و محتوایی را به تصویر در می‌آورد و حرف خود را نیز می‌زند؛ برای مثال روایت داریم که در زمانی که امام حسن و حسین (ع) نوجوان بودند، به مسجدی وارد می‌شوند و مشاهده می‌کنند که مردی به اشتباه وضو می‌گیرد. ایشان به جای آنکه به‌طور مستقیم به وی تذکر دهند، بازی‌ای طراحی می‌کنند و آنچنان نمایشی، هنرمندانه و خلاقانه این کار را انجام می‌دهند که آن مرد متوجه اشتباه خود می‌شود.

کارکرد تئاتر نیز همین است که استعاره‌ای و غیر مستقیم عمل کند.

یا قضاوت امیرالمؤمنین (ع) راجع به کودکی که دو زن ادعای مادری‌اش را داشتند و نمایشی که وی بازی می‌کند، آنچنان ماهرانه است که دستمایهٔ نمایشی می‌شود به نام «دایرهٔ گچی قفقازی».

خیابا اما در بیشتر نمایش‌هایی که با محوریت ائمه (ع) و بزرگان دینی ساخته شده‌اند، تنها تاریخ، بازنمایی شده است؛ در همان نکات و داستان‌های معمول و متداولی که از این بزرگواران می‌شناسیم و شاید در کمتر اثری نگاهی نو و روایتی جدید از زندگی و وقایع مرتبط با ایشان را شاهد بوده‌ایم.

به‌طور کامل با این حرف موافق هستیم؛ البته دلیل برگزاری جشنواره‌هایی مثل آیین‌های عاشورایی یا رضوی نیز بیان همین نکته است که در بخشی با نام تجربه‌های نو، هنرمندان نگاه جدید و متفاوتی به چنین موضوعاتی داشته‌باشند.

واقع‌های مثل واقعهٔ عاشورا یا شخصیتی مانند امام علی (ع) آنچنان ابعاد گسترده‌ای دارند که می‌توان از هزاران منظر به آن نگاه کرد و نباید تنها به شهادت این امامان (ع) پرداخت، بلکه هنرمندان باید با وسعت دید

بیشتر، از منظر انسان امروزی که در عصر حاضر زندگی می‌کند، به این انسان‌ها نگاه کنند؛ به عبارتی روایت هنرمندان باید به درد انسان معاصر بخورد و به‌گونه‌ای فضای نمایش‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها را طراحی کند که به شرایط امروزی جامعهٔ ما نزدیک و در جامعه ملموس شود تا بتواند این نکات را بگیرد و دریافت کند؛ به عبارتی کلی‌تر، هنرمندان باید دید و نگاه خود را عوض کنند

خیابا چه کسی باید این کار را انجام دهد؟

باید در این زمینه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی انجام شود. همین که در جشنواره‌های آیین‌های عاشورایی و رضوی بخشی به نام تجربه‌های نو قرار داده شده است، از هنرمند می‌خواهد که نگاه امروزی خود را به این مسئله وارد کند و به موضوع‌ها، کارکرد امروزی دهد و آنها را به طرز هنرمندانه‌ای به زندگی مردم وارد کند تا تنها روایت صرف تاریخ نباشد.

خیابا به نظر شما چه کاستی‌هایی در کارهایی که با محوریت امامان (ع) به روی صحنه رفته است، دیده می‌شود؟

به‌تازگی سطح کیفی کارها به‌طور محسوسی بهتر شده است. دست‌کم در بحث نمایشنامه‌نویسی، کسانی که فعالیت دارند، به سوی تحقیق و پژوهش گام برداشته‌اند و سعی کرده‌اند، سندیت بیشتری به موضوع خود بدهند. از سویی تئاتر مذهبی یک ویژگی بزرگ دارد؛ یعنی مخاطب را با خود هم‌گام کرده و توانسته است، بین تئاتر و مخاطب آشتی ایجاد کند که این فرصت بسیار مغتنمی است که در هیچ کدام از انواع دیگر تئاتر رخ نمی‌دهد. تنها نمایش با رویکرد موضوعی و آن‌هم سوژهٔ مذهبی است که گروه عظیم تماشاگران از طیف‌ها و اقشار مختلف جامعه به سالن‌های تئاتر کشیده می‌شوند.

بر این اساس می‌توان ادعا کرد که یکی از مشکلات اساسی تئاتر در کشور ما نبود شناخت مخاطب از سوی هنرمندان است؛ درحالی‌که در هر کشوری بر اساس شناخت از تماشاگران و فضا، آثار هنری خود را طراحی می‌کنندوبه‌مخاطب‌ارائه‌می‌دهند.

ما در کشورمان ظرفیت بالایی به نام مذهب داریم که در خود شخصیت‌هایی بسیار بزرگ و با ابعاد پیچیده دارد. هنرمندان می‌توانند، از علاقه‌مندی مردم به این مضامین و شخصیت‌ها استفاده کنند و با محور قراردادن



خیابا تئاتر دینی یعنی چه؟

در واقع اصطلاح تئاتر دینی برآمده از دو نگاه نادرست به دین و تئاتر است. ریشهٔ تئاتر، در اصل مسائل دینی و مذهبی است. اگر به پیدایش تئاتر در یونان و روم باستان توجه کنیم، آیین‌ها و مناسک دینی مردم باعث شد تا در آن زمان تماشاخانه‌ای درست

ولگاوی یک اصطلاح

نگاهی به تئاتر موسوم به «تئاتر دینی»

شریعت نیز مترادف با دین به کار برده می‌شود که در معنای خاص عبارت از احکام، دستورات، عبادات و اخلاقیاتی است که هر پیغمبر می‌آورد و شریعت هر پیغمبری بر حسب مقتضیات زمان و مکان و امت و قوم او با شریعت دیگری فرق می‌کند. شریعت در معنای خاص با مفهوم دین متفاوت است؛ اما در معنای عام تفاوتی میان این دو نیست.

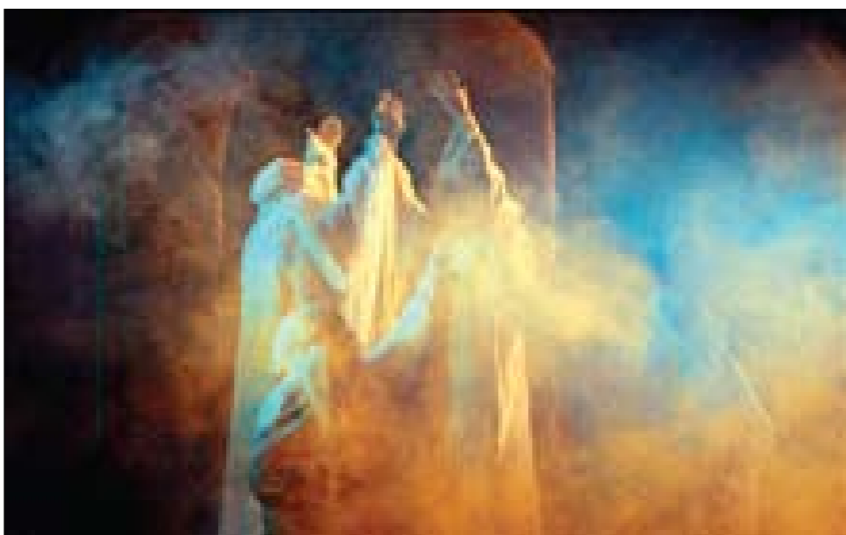
به‌منظور ریشه‌یابی ارتباط تئاتر با مذهب باید گفت، ظهور آثار نمایشی و تئاتر یونان، با بازی‌های آیینی ارتباط دارد. این بازی‌ها به خدایان زراعت، دمتر، دختر اوکورا و دیانیس، اختصاص داشتند و بیشتر به درام مذهبی تبدیل شدند. دیانیس، خدای نیروهای خلاقه و هنری طبیعت به حساب می‌آمد. بعدها او خدای شراب و سپس خدای شعر و تئاتر شد. سمبل‌های دیانیس، گیاهان، به‌ویژه تاک بود. بیشتر او را به صورت گاو نر یا بز ترسیم می‌کردند؛ بنابراین تئاتر و نمایش از زمان پیدایش خود همیشه به‌نوعی مستقیم یا غیر مستقیم با مذهب و مفاهیم دینی در ارتباط بوده است و یکی از نظریه‌های جدی دربارهٔ نمایش، آن را زایندهٔ اسطوره و آیین می‌داند.

با این تعریف می‌توان گفت، تئاتر از اساس پدیده‌ای است دینی و اصطلاح تئاتر دینی اگر تنها دلالت بر نوع خاصی از مفاهیم و مضامین باشد، عبارت چندان درستی به نظر نمی‌آید؛ چه بسا که شاید در برخی این تصور را به‌وجود آورد که در برابر اصطلاح تئاتر دینی، «تئاتر غیر دینی» باید وجود داشته باشد؛ درحالی‌که منظور از تئاتر دینی گونه‌ای از نمایش است که به‌طور خاص به زندگی ائمهٔ معصوم (ع) و بزرگان دینی و یا تاریخ اسلام می‌پردازد.

از سوی دیگر در تاریخ نمایش ایران آنچه به صورت مستقیم پیشینهٔ مذهبی دارد، تعزیه است. تعزیه، آیینی نمایشی است که در برخی نسخ، قصه‌ها و روایات مربوط به زندگی پیامبر اسلام (ص) و به‌ویژه رخدادهای فجایی را که در محرم سال ۶۱ هجری در کربلا برای امام حسین (ع) و خاندانش پیش آمد، به اجرا در می‌آورد؛ البته هیچگاه در متون تاریخی نمایشی، در کنار نام تعزیه عبارت نمایش دینی آورده نشده است؛ زیرا به زعم نگارنده، این عبارت، به‌نوعی تعریف در تعریف است که حتی نتوانسته است، بیان‌کنندهٔ منویات آفرینندگان خود باشد. ■



عکس: حسین انطاوی



هانیه خاکپور

«تئاتر دینی» اصطلاحی است که در سال‌های اخیر زیاد شنیده می‌شود و حتی جشنواره‌هایی با این موضوع برگزار می‌شود. برای فهم این واژه و درستی یا نادرستی آن لازم است، در ابتدا تعریفی از «تئاتر» و «دین» داشته باشیم.

در ساده‌ترین تعریف از دین می‌توان این‌گونه بیان کرد که دین، کیش، طریقت یا شریعت، مجموعه‌ای از معارف، عقاید، باورها، قانون‌ها و دستورهایی برای راهنمایی و پرورش انسان و پیشبرد او به سوی تکامل و رستگاری است و درصدد آموزش راه و رسم درست زندگی کردن است؛ پس دین در مناسک و مراسم خلاصه نمی‌شود، بلکه در همهٔ ابعاد زندگی ساری و جاری است.

نگاهی به جشنواره‌های تئاتر دینی

شعار ما را به هدف نزدیک می‌کند



ایوب آقاخانی

جشنواره‌های تئاتری دینی از قبیل «رضوی» و «عاشورایی» توانسته است، سبب شود، در هنرمندان انگیزه برای حرکت به سمت موضوعات مرتبط با مذهب ایجاد شود. باید دانست که شعار دادن حتی یک قدم هم آدمی را به هدفی که در ذهن دارد، نزدیک نمی‌کند.

جشنواره‌های دینی در زمرهٔ جشنواره‌های موضوعی هستند و از آنجا که خطوط قرمز در چنین جشنواره‌هایی پررنگ‌تر است؛ بنابراین زمانی می‌توان امیدوار بود که این قبیل جشنواره‌ها به حد مطلوبی برسند که محدودیت و خط قرمز خود را به کمترین حد ممکن برسانند و شرایطی را فراهم آورند تا هنرمندان در خلوت بی‌فشاری به هنرآفرینی مشغول باشند.

اینکه چند تن از هنرمندان حرفه‌ای و صاحب سبک تئاتر در این جشنواره‌ها، نمایشی ارائه کرده‌اند، بدین معنا نیست که برگزاری جشنواره توانسته است، موجب شود، چنین گرایشی در بین هنرمندان تقویت شود، بلکه ضعف امکانات سخت‌افزاری در تئاتر باعث می‌شود، هنرمندان برای ارائهٔ اثر خود، به سراغ جشنواره‌ها بروند؛ زیرا امکانات آنها بهتر است؛ اما به گمان من به این معنی نیست که این هنرمندان در خلوت خود هم متأثر از برگزاری چنین جشنواره‌هایی هستند و تمایل دارند، در آن فعالیت کنند؛ البته حضور هنرمندانی که با احساس قلبی و تعلق خاطر و نه برای استفاده از امکانات این جشنواره‌ها، نگاه حرفه‌ای به چنین موضوعاتی دارند و استانداردهای اولیه را در اثر خود رعایت می‌کنند، بی‌شک امیدوارکننده است؛ همچنان که در این سال‌ها آثار فاخری را با این مضمون مشاهده کرده‌ایم؛ هرچند متأسفانه در برخی مواقع حضور برخی هنرمندان صاحب‌نام و حرفه‌ای تئاتر در این جشنواره‌ها را نیز شاهد بوده‌ایم که به‌طور حتم اعتقاد قلبی ندارند و انگیزه‌های دیگری باعث می‌شود، آنها به چنین موضوعاتی روی آورند.

به عقیدهٔ من دو جشنوارهٔ تئاتر دینی رضوی و آیین‌های عاشورایی هرچند نتوانسته نقش آفرین باشد، جشنواره‌های بدی نیز برای شورانگیزی و تبلیغ مذهبی نبوده است؛ با وجود این، این جشنواره‌ها در همین محدودهٔ موضوعی تأثیرگذار بوده‌اند؛ اما نمی‌توان مدعی شد که توانسته‌اند، بر موضوع کلی تئاتر در کشور اثر داشته باشند.

برای رشد و ارتقای کیفی چنین جشنواره‌هایی دو پیشنهاد دارم؛ نخست کم‌رنگ کردن خطوط قرمز و دوم تضمین اجرای عمومی؛ چه بسا بسیاری از آثار که با یک یا دو اجرا در جشنواره در توهم خلق یک اثر درخشان باقی مانده‌اند و چون در خلال تعامل و رویارویی با مخاطب یا منتقدان قرار دارند، نمی‌توانند، ایرادات و اشکالات خود را متوجه شوند.

ادعای مخاطب‌پروری برای تئاتر در این جشنواره‌ها نیز زمانی می‌تواند درست باشد که قشری را که با نمایش‌هایی با این مضمون ارتباط برقرار می‌کنند، در سالن سایر نمایش‌ها ببینیم؛ درحالی‌که مردمی که مخاطب این جشنواره‌ها هستند، کم یا زیاد، در همان فضا باقی می‌مانند. باید دانست تئاتر، هنری است که لازمهٔ آن رویارویی با طیفی از مخاطبان است که چالش آنها با مقولات فرهنگی، یک دو درجه با یکدیگر تفاوت دارند. تا زمانی که تصور «تئاتر برای همه» را داریم و فکر می‌کنیم، تئاتر را باید با توده‌ها پیوند زد - که در هیچ جای دنیا باب نیست - نمی‌توانیم، گام مثبتی برای رشد آن برداریم. تئاتر هرگز قرار نیست، به عده‌ای مخاطب بیگانه با جهان درام سرویس دهد و در همهٔ دنیا نیز هنر تئاتر، ویژهٔ طبقه‌ای فرهنگی و خاص است. ■

آن در آثار هنری خود، مخاطب را با سالن‌های تئاتر آشنا کنند، سپس به تدریج برای رشد و ارتقای اندیشه و تفکر او گام بردارند.

حایما اما این‌گونه به نظر می‌رسد که در مورد این نمایش‌ها، مخاطب نه با تئاتر که با موضوع ارتباط برقرار کرده است. در چنین شرایطی که به مخاطبان در مناسبتی از سال، نمایشی مذهبی ارائه می‌شود و سپس این مخاطب رها می‌شود تا سال بعد یا مناسبتی دیگر، نمی‌توان به‌طور محکم این انتظار را داشت که نمایش‌های مذهبی بتواند، چنین نتیجه‌ای داشته باشد؛ درحالی‌که باید تدبیری اندیشیده شود که مخاطب را با موضوعی که به آن علاقه دارد، به سالن‌های تئاتر کشاند و در خلال یک ارتباط مستمر او را پرورده کرد، برای اینکه در نمایش‌های بعدی، موضوعی را که مدنظرمان است، بتوانیم به او ارائه دهیم. تئاتر برای مخاطب عام برنامه‌ای ندارد و سرمایه‌گذاری نکرده و بنابراین نتوانسته است، ارتباط خوبی با آنها برقرار کند و ضرورت خود را برای آحاد مردم، مشخص کند.

هنرمندان تئاتر باید توجه داشته باشند که با اشاره کردن به مسائل مبتلا به انسان امروز و جامعهٔ انسانی در این هنر، می‌توانند مردم را به سالن‌های تئاتر بکشانند.

من معتقدم که باید در پله‌های ابتدایی آشنایی مردم با تئاتر، نخست کارهای کلاسیکی با این موضوع که مخاطب دوست دارد، تحویل او داده شود و پس از آنکه مخاطب در این مسیر تربیت شد و هنرمند توانست، تفکر او را رشد دهد، کارهای مدرن و آوانگارد یا نمایش‌هایی با موضوعات و مسائل دیگر را نشان او دهد. در این حالت است که می‌توان انتظار داشت، مخاطبی که در این مسیر پرورش یافته است، بتواند با انواع تئاتر ارتباط برقرار کند.

متأسفانه هنرمندان از این ظرفیت بسیار خوب غافل‌اند؛ درحالی‌که خود من تجربه کرده‌ام که مردم در این باره به‌طور کامل مشتاق هستند. هنرمندان تئاتر با آثار و نمایش‌هایی که تولید می‌کنند، مخاطب را از سالن‌های تئاتر فراری می‌دهند و در واقع مخاطب‌کشی می‌کنند. در چنین شرایطی وقتی فاخرترین اثر هم به روی صحنه بیاید؛ اما مخاطب با آن ارتباط برقرار نکند، فایده ندارد. ■

حسین و نگین انگشتر هستی

گشتی در موزه‌های آستان قدس رضوی به هوای نشانه‌های کربلا



موزه مرکزی آستان قدس رضوی در سال ۱۳۲۴ هـ ق افتتاح شد که در سال ۱۳۵۶ به مکان فعلی، یعنی ضلع جنوب شرقی حرم مطهر امام هشتم (ع) انتقال یافت. این موزه مجموعه‌ای از آثار نفیس، هنری و گرانبهایی است که بیشتر آنها را سلاطین و امرای بالیمان در سال‌های دور به بارگاه امام رضا (ع) هدیه کرده‌اند. این مجموعه ارزشمند، شامل موزه‌های گنجینه قرآن و نفایس خطی، گنجینه هدایای مقام معظم رهبری، تمبر و اسکناس، تاریخ مشهد، سکه و مدال، صدف، حلزون و نرم‌تنان، ساعت و نجوم، سلاح، تابلوهای نقاشی و آثار هنری، فرش و ظروف چینی است که در این مجموعه جالب توجه علاوه بر آثاری که به نوعی با حضرت رضا (ع) ارتباط دارند، آثاری هم در خصوص شخصیت حضرت سیدالشهدا (ع) و همین‌طور آثاری مرتبط با شعائر آیینی به چشم می‌آیند که توسط واقفان به این مجموعه اهدا شده‌اند که یک‌به‌یک آنها را بررسی می‌کنیم.

ملیحه پیرمان

موزه قرآن

قرآن منسوب به امام حسین (ع) این قرآن نفیس که به خط کوفی ۹ سطری و در ۸ برگ بیاضی کتابت شده است، شامل این آیات

کریمه است: «ابتدای سوره سجده تا اواخر آیه ۱۲ (۴ برگ)، از اوایل آیه ۷ تا اول آیه ۱۱ سوره احزاب (برگ پنجم)، از اواخر آیه ۴ تا اواسط آیه ۸ سوره سبأ، (برگ ۶)، از اواخر آیه ۱۲ تا اوایل آیه ۱۶ سوره لقمان (برگ ۷) و از اوایل آیه ۱۹ تا آیه ۲۰ سوره مبارکه سبأ (برگ ۸)»

آرایش‌ها: این قرآن نفیس، به نقاط شنگرفی

اعراب‌گذاری شده و جدول‌بندی آن به طلا و تحریر و شنگرف است و در فواصل برخی از آیات، گوی زرین قرار دارد. ذیل نسخه، این مطلب، «کتبه حسین بن علی (ع)» و یادداشت زیارت نسخه توسط شاه اسماعیل موسوی صفوی مزین به سه مهر، درج شده است. جنس ورق‌ها از پوست آهو و در ابعاد ۱۰ × ۱۷ س.م و جلد آن مقوا با روکش پارچه است.

تاریخ وقف این اثر نامعلوم است. اما وقفنامه آن به خط و امضای شیخ بهایی (ره) ثبت شده است.

موزه هدایای مقام معظم رهبری

تابلوفرش عصر عاشورا این اثر نفیس را با الهام از تابلوی عصر عاشورا، اثر استاد محمود فرشچیان، بافنده‌ای اهل تبریز به نام یزدچی بافته است. جنس آن از تار ابریشمی، پود پنبه‌ای و پرز و کرک است که در ابعاد ۱۹۷ × ۱۴۰ س.م بافته شده است. این قالیچه دارای کتیبه‌ای با مضمون (تبریز- یزدچی) است و بر روی قاب دربرگیرنده قالی نوشته شده: (تقدیمی استانداری آذربایجان شرقی به مقام معظم رهبری در سفر مرداد ماه ۷۲)

تابلو معرق چوب این تابلو هم با الهام از اثر عصر عاشورای استاد فرشچیان و با تکنیک معرق کار شده و دارای ۶ تست مجزا و توانایی اتصال به یکدیگر است و در ساخت آن از ۳۰ نوع چوب که شامل ۱۰۱۲۵۰ قطعه است و مقدار کمی صدف طبیعی، خاتم، مس، برنج و آلومینیوم استفاده شده است.

این تابلو اثر استاد محمد تواناست و در ابعاد ۶ × ۴ ترکه در تاریخ شهریور ماه ۸۲، ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کرج به مقام معظم رهبری اهدا کرده است.

تابلو خوشنویسی (کالیگرافی) باز این چه شورش است

در این اثر عبارت (هل من ناصر ینصرنی) در زمینه کار به صورت ترکیبی خاص قرار گرفته است و متن اصلی و مشخص روی تابلو عبارت است از: (باز این چه شورش است که در خلق عالم است-باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است) که با خط تزئینی و به رنگ طلایی روی زمینه اجرا شده است. در قسمت فوقانی تابلو کتیبه‌ای به چشم می‌خورد که در آن تاریخ، مناسبت خلق اثر و امضای صاحب آن مشهود است. این اثر را نصرالله افجه‌ای و با تکنیک رنگ

روغن روی بوم پارچه به سبک (کالیگرافی) و در ابعاد ۱۰۵ × ۱۰۵ در سال ۱۳۷۳ خلق کرده است.

پرچم‌های گنبد حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)

در این بخش ۵ پرچم از گنبد حرمین مطهر امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) به چشم می‌خورد که ۲ پرچم تقدیمی کشور عراق به دکتر مرندی وزیر سابق بهداشت و درمان است و در سال ۷۶ به این موزه اهدا شده است. اما پرچم دیگری از گنبد امام حسین (ع) موجود است که واقف آن نامشخص است و ۲ پرچم گنبد حضرت ابوالفضل (ع) تقدیمی حاج غلامعلی حاج حیدری از تهران است. این پرچم‌های باشکوه بیشترین بازدیدکننده را به خود اختصاص داده‌اند.

موزه مرکزی

علامت زرکوب فولادی این علامت (علم) دارای هفت تیغه فلزی به همراه مجسمه حجمی حیوانات چون: (طاووس، کبوتر، گوزن، شیر، اژدها و گنجشک) است که چند زنگوله نمادین نیز در برخی قسمت‌های آن دیده می‌شود. بر روی هفت تیغه آن کتیبه آیات قرآنی و نام‌های الهی ائمه (ع) زرکوب شده و نماد خورشید نگین نشان شده است. علم یا همان علامت یکی از نمادهای عزاداری عاشوراست. قدمت این اثر به قرن سیزدهم هجری قمری برمی‌گردد و محل ساخت آن اصفهان است.

علم بزرگ شاه حسینی این علم را مرحوم غلامحسین غیور مرادی معروف به شاه‌حسین علمدار در دی‌ماه سال ۸۶ به موزه مرکزی اهدا کرده است که قدمت آن به دوره قاجار برمی‌گردد و ساخت آن به صورت تدریجی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۶ انجام شده است که برخی تزیینات آن طلاکوب است. این علم ۱۳ متر طول، ۷ متر ارتفاع و حدود یک تن وزن دارد که ۵ پایه برای حمل، ۱۹ تیغه، ۲۶ شیر، ۳۳۰ پر،



۱۰۰ شال، ۱۲۰۰ زنگوله و ۱۳۸ لامپ، اجزای آن را تشکیل می‌دهند.

موزه نقاشی

تابلوی عصر عاشورا این اثر، نقاشی آکرلیک روی مقوای بدون اسید است که استاد نام‌آشنای کشورمان فرشچیان خلق کرده است. استاد، این اثر به یاد ماندنی را در سال ۱۳۵۵ خلق و سال ۱۳۶۹ به موزه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا کرده است. ابعاد این تابلو بدون قاب و حاشیه ۷۳ × ۹۸ س.م است. این اثر توصیف لحظات حزن‌انگیز شهادت امام حسین (ع) و عصر عاشوراست.

تابلو هدیه عشق (حضرت علی اصغر (ع)) این اثر تابلویی است از چهره مبارک فرزند بزرگوار امام حسین (ع)، حضرت علی اصغر (ع) که در ظهر عاشورا و با تیغ ۳ شعبه به شهادت رسیده است. استاد فرشچیان این تابلو را در ابعاد ۷۲/۵ در ۹۵ س.م و در تاریخ سال ۱۳۸۱ خلق کرده و دی‌ماه سال ۸۲ هم به موزه مرکزی هدیه شده است.

بزرگ‌ترین پرده درویشی (تجزیه‌خوانی) این تابلو با تکنیک رنگ روغن روی پارچه ابریشمی و ابعاد ۲/۰۴ در ۷/۳۳ متر بزرگ‌ترین پرده درویشی کشور است که از دو بخش به هم متصل شده است. بخش سمت چپ آن با ابعاد ۲ در ۲/۰۴ متر به نظر می‌رسد و نقاشی آن نیز تا حدی متفاوت است. بخش بزرگ‌تر تابلو که در سمت راست واقع شده، روایتگر گوشه‌هایی از حماسه کربلاست. این اثر به لحاظ کیفیت، وقت و ظرافت در نقاشی آن میان پرده‌های درویشی مشابه، منحصربه‌فرد است. اطراف آن مزین به بند اول ترکیب‌بند معروف محتشم کاشانی است که با خط نستعلیق روی زمینه سیاه نوشته شده است. این کتیبه در طرف چپ بخش سمت راست تابلو نیز ادامه یافته است که بعدها و در زمان اتصال دو تابلو به یکدیگر، نقاش روی آن را با رنگ پوشانده است؛ ولی آثار نوشته‌های زیرین در صورت مشاهده دقیق مشخص می‌شود. نام خالق اثر و تاریخ تابلو مشخص نیست؛ ولی با توجه به عناصر نقاشی سبک قاجاری، به احتمال قریب به یقین مربوط به اوایل دوره قاجاریه است. این تابلو هم در موزه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

موزه تمبر

- تمبر عصر عاشورا مربوط به سال ۱۳۸۱ و سال عزت و افتخار حسینی (ع)
- ۲ تمبر ویژه میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار سال ۱۳۶۶
- ۴ تمبر ویژه میلاد حضرت ابوالفضل العباس (ع) در فاصله سال‌های ۷۱، ۷۲ و ۷۴
- تمبر ویژه میلاد امام حسین (ع) با عنوان «حسین منی و انا من حسین (ع)» سال ۷۷



■ تمبر پنجمین سالگرد دفاع مقدس با عنوان «کل ارض کربلا کل يوم عاشورا» سال ۶۴ مرکز اسناد کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

■ اسناد تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی شبیه‌خوانی و تعزیه‌خوانی عبارت است از مجسم کردن و نمایش دادن صحنه‌های شهادت جانسوز امام حسین (ع) و یاران آن بزرگوار با یکی از حوادث مربوط به واقعه کربلاست. این دو مقوله از سنت‌های هنری اهل تشیع است که به احتمال قوی از پایان عصر صفوی در ایران پدید آمده؛ یعنی تمامی این مراسم از دوره ناصرالدین شاه رونق بسیار پیدا کرده است. در مدیریت اسناد و مطبوعات سازمان مرکزی کتابخانه‌ها، حدود یکصد سفر مربوط به تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی در موضوعات مختلف موجود است که سابقه تاریخی آنها به اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی برمی‌گردد.

از این بین تعزیه‌های مربوط به شهادت حضرت سیدالشهدا (ع)، شهادت حضرت عباس (ع)، شهادت حضرت علی اکبر (ع)، شهادت حضرت قاسم (ع)، شهادت مسلم و طفلان مسلم، غارت کردن خیمه‌گاه اهل بیت (ع)، ورود کاروان امام حسین (ع) به صحرای کربلا، شهادت حر بن یزید ریاحی، شهادت حضرت فاطمه (س) و رحلت رسول خدا (ص) از دیگر موضوعات تعزیه‌هاست.

■ وقف‌نامه‌ها یکی از عوامل مهم و مؤثر در حفظ و احیای مراسم روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی برای ائمه (ع) و اهل بیت (ع) به‌ویژه سرور شهیدان امام حسین (ع)، وقف تکایا، حسینیه‌ها و یا املاک و مستغلاتی بوده که محل درآمد آنها از مخارج روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی تأمین می‌شد.

■ اسناد هزینه‌ها

صدها برگ سند درباره هزینه‌های انجام شده آستان قدس رضوی برای برگزاری مراسم عزاداری شامل: پرداخت انعام به روضه‌خوانان، تهیه پارچه مشکی، اطعام مردم در روضه‌ها، هزینه روشنایی، مخارج نخل‌بندی جهت عزاداری در این مرکز موجود است که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌شود.

■ اسناد روضه‌خوانی، تعزیه‌خوانی و مصارف روشنایی شمع در اسناد مدیریت امور اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، تعداد ۲۱۵ سند در موارد مختلف از جمله، پرداخت مواجب روضه‌خوانی، تعزیه‌خوان‌ها، مصارف روشنایی (خرید شمع و پیه) حرم مطهر و خرید قند و چای در ماه‌های محرم و صفر وجود دارد که در آنها برگزاری و انجام تشریفات مخصوص در نظر گرفته شده است. در یکی از این اسناد که به سال ۱۳۰۷ ش و به شماره ۷/۴۷۷۵ ثبت شده، چنین آمده: «صورت دستورالعمل انعقاد مجالس تعزیه‌داری حضرت خامس آل عبا روحی و ارواح العالمین له الفداء در آستانه مقدس حضرت سریر ارتضاء ثامن‌الائمه الهدی علیه آلاف التحية و الثناء، در ایام و لیالی عاشورا هفده السنه ۱۳۰۷، بدون زیاد و نقصان هریک از اجزاء معمول دارند.

از شب غره محرم‌الحرام ۱۳۴۷ الی دو ماه، نواختن نفازه صبح و شام موقوف است و مؤذنان اعلان عزا نمایند و در غره محرم، ضریح مطهر و مناره‌های طلا و ایوان مبارک نادری و ناصری را سیاه‌پوش نمایند و پارچه مشکی هر یک از خزانه مبارک گرفته شود و نیز سده‌های مبارک را جنابان مستطابان، آقایان سرکشک و خادم‌باشی‌ها از تحویل خانه مبارک بیرون صحن مقدس جدید بر منبر خاتم مبارک نصب نمایند. از غره الی روز عاشورا آقای کشک‌نویس آستانه مقدس، اسباب و لوازمات روضه‌خوانی و سایر ملزومات را تهیه دیده، در دارالضیافه مبارک حاضر کرده، قند، چای، قلیان و سایر ملزومات که در ذیل ورق نوشته می‌شود، پیشخدمت‌باشی و سایر مستخدمین آستانه تدارک کنند. طرف عصر روضه‌خوان‌های دعوت‌شده، حاضر و در کمال نظم مشرف و مشغول ذکر مصیبت شوند. خدام والا مقام هر کشک به استثنای ملزمین به جهت استماع ذکر مصیبت در روز کشک و خدمت باید حاضر شده، مستفیض شوند ...»

در سند شماره ۱/۱۵۹۷۷ هزینه‌های تعزیه‌داری دهه آخر صفر از محل موقوفه وزیر نظام در کتابخانه مبارکه آستان مقدس نشان می‌دهد که این مراسم حتی در کتابخانه هم برگزار می‌شد. این سند به سال ۱۳۰۷ ق است که در آن انعام روضه‌خوان‌ها از جمله رئیس‌الذاکرین، میرزا محمدعلی کرمانی، خرید

ملزومات از جمله قهوه، چای، تنباکو و پرداخت هزینه پیشخدمت‌ها به مبلغ بیست و هفت تومان و چهار هزار و دویست و هفتاد دینار وجود دارد که برای آن زمان مبلغ درخور توجهی است.

■ نمایشگاهی متفاوت، از آیینی کهن تعزیه در گذر زمان

چندی پیش آستان قدس رضوی در موزه مردم‌شناسی یا همان «بنای تاریخی حمام مهدی قلی‌بیک» نمایشگاهی را با عنوان تعزیه در گذر زمان برگزار کرد. همه آثار، از هدایای اهدایی و موقوفات آستان قدس رضوی و از خزانه آستان مقدس گردآوری شده بود.

این اشیاء تاریخی شامل: شمشیرهای بزرگ و کوچک با طرحی مانند ذوالفقار حضرت علی (ع) که روی آن جمله (لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار) درج شده، پرده نقاشی با عنوان (وداع) اثر اسماعیل اصغرپور، شمشیر با غلاف نقره، شمشیر با دسته چوبی، شمشیر با غلاف مصرع و قلم‌زنی شده، شمشیر فولادی با آیات و روایات حکاکی شده، خنجر فولادی با دسته مرصع، کلاه‌خود، زره فلزی، نخل کوچک، طبل، ماکت برنجی گنبد و گلدسته بارگاه امام حسین (ع)، سپر مسی مزین به پوست کرگدن، گردنبنده اسب، بازوبند فولادی، کمان چوبی، علم کوچک نماد عزاداری و ساعدبند فلزی محافظ بود. قدمت برخی از این آثار به عصر صفوی بازمی‌گردد. آثاری مثل کمان چوبی که به عصر شاه عباس صفوی تعلق دارد و دارای قدمتی ۴۰۰ ساله است.

■ نخل گردانی نمادی از تشییع جنازه شهدای کربلا

در برخی شهرهای ایران، در مراسم عاشورا از نخل‌های چوبی بزرگی که با پارچه‌های رنگارنگ و آینه تزیین شده و بر دوش عزاداران حمل می‌شد، استفاده می‌شد که این کار، نمادی از تشییع جنازه شهدای کربلا بوده است.

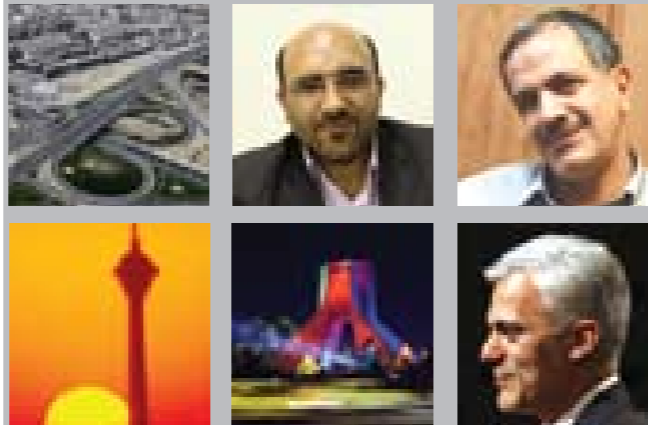
بر بالای این سازه چوبی به‌طور معمول یک نفر از نیکوکاران خوش‌نام که سید هم بوده، می‌نشست. مراسم نخل‌گردانی هنوز هم در برخی مناطق و در ایام سوگواری عاشورا برگزار می‌شود که نخل کوچکی هم به مثابه نماد در این نمایشگاه دیده می‌شود.

این بخش هم بخشی از نواهای عاشورایی است که با طبل و دهل همراهی می‌شود: بارالها این سرم این پیکرم این علمدار رشید این اکبرم

این سکینه این رقیه این رباب

این عروس دست و پا در خون خضاب ... ■

جامعه



شهرداری تهران در چند سال اخیر سعی کرده است، از یک سازمان خدماتی صرف، به یک نهاد اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود. بسیاری از کارشناسان مسائل دینی بر این باورند که این سازمان در دوره جدید مدیریت خود، علاوه بر رسیدگی به مسائل مختلف شهری، در عرصه فعالیت‌های فرهنگی با اقدامات متنوع و تأسیس مراکزی همچون مرکز فعالیت‌های دینی و مذهبی و شورای امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر توانسته است، در میان شهروندان پایتخت به مثابه یک نهاد اجتماعی، دینی و فرهنگی شناخته شود؛ هرچند بین کارهای انجام‌شده تا نقطه مطلوب و مورد قبول هنوز فاصله زیادی وجود دارد.

در این بخش سعی شده است، اطلاعات جامع‌تری در مورد فعالیت‌های دینی و مذهبی شهرداری تهران به مخاطبان محترم نشریه ارائه شود.

رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران:

هدف ما تبدیل تهران به «امرالقرای جهان اسلام» است

گروه جامعه: «مرکز فعالیت‌های دینی و مذهبی» از زمان آغاز فعالیت‌های خود توانسته است، با برنامه‌ریزی و جهت‌گیری منظم برای توسعه روحیه دینی در بین شهروندان، گام‌های مؤثری بردارد. گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمقیم ناصحی، مشاور شهردار تهران در امور روحانیان و رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران انجام دادیم تا مخاطبان محترم نشریه، بیشتر با ابعاد مختلف فعالیت‌های این مرکز آشنا شوند.

■ **حلیا** لطفاً درباره پیشینه مرکز فعالیت‌های دینی - مذهبی شهرداری تهران و تاریخ تأسیس آن توضیحاتی بفرمایید.

گرچه در میان کارکنان محترم و رده‌های مسئولیتی بالای شهرداری، متدینان بسیاری وجود دارند که موضوعات دینی دغدغه همه آنهاست، وجودداشتن نهادی که به‌طور مستقل، متولی امور دینی در شهرداری باشد، باعث شد، دکتر قالیباف، شهردار محترم تهران، دستور تأسیس این مرکز را در پایان سال ۱۳۸۵ صادر کند. هدف از تأسیس این مرکز نیز ایجاد پل ارتباطی بین اقشار مختلف مردم و متولیان امور دینی با شهردار محترم و رسیدگی به امور مراکز دینی اعم از مساجد، حوزه‌های علمیه، تکایا و هیئت‌های مذهبی بود که در نظر گرفته شده بود این اهداف با محوریت مسجد به مثابه پایگاه حضور الهی مردم تحقق یابد. این مرکز با استعانت از خدا و بهره‌گیری از دیدگاه‌های علما و کارشناسان دینی، طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، در عمل فعالیت خود را از سال ۸۶ آغاز کرد و بحمدالله توانسته است، در این مدت هم‌سو با نشر فرهنگ دینی در جامعه به‌طور مؤثری گام بردارد.



■ **حلیا** لطفاً اشاره‌ای به اهم فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران داشته باشید.

مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران از زمان آغاز فعالیت‌های خود تاکنون فعالیت‌های بسیاری داشته است که اشاره به همه آنها از حوصله این بحث خارج است؛ ولی درباره مهم‌ترین اقدامات انجام‌گرفته می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. تشکیل جلسات و هم‌اندیشی با روحانیان و ائمه محترم جماعات تهران برای همکاری‌های مشترک با شهرداری تهران
۲. بازدید از مساجد و حسینیه‌ها و بررسی نیازها و شناسایی اولویت‌های عمرانی و اختصاص بودجه مناسب (در سال ۸۷ مبلغ ۱۷ میلیارد تومان بودجه برای این موضوع در نظر گرفته شده بود که این رقم در سال ۸۸، افزایش یافته است).
۳. تهیه و تدوین بیش از ۱۸ عنوان مقاله آموزشی، پژوهشی، دینی، فرهنگی و اجتماعی و

انتشار آن در نشریه‌ها و سایت‌های اینترنتی ۴. تدوین و چاپ بیش از ۲۰ عنوان کتابچه در مناسبت‌های مذهبی–ملی و توزیع این کتابچه‌ها در ادارات شهرداری، مساجد و حوزه‌های علمیه ۵. اقدام به ساخت ۴۰ باب مسجد در مناطق مختلف شهر توسط شهرداری تهران (که تعدادی از آنها افتتاح شده است)

۶. تشکیل ستاد اقامهٔ نماز شهرداری تهران، برگزاری جلسات پیوسته با ائمهٔ محترم جماعات و اعضای ستاد اقامهٔ نماز شهرداری تهران، بررسی مشکلات و ارائهٔ راهکارهای مناسب

۷. ایمن‌سازی ۲۵۰ مسجد جامع و محوری شهر تهران به دستگاه‌های اطفای حریق و آب فشار قوی با دستگاه شیلنگ قرقره‌ای با هزینهٔ تقریبی ۳۰۰ میلیون تومان

۸. بیمهٔ تمام مساجد و حوزه‌های علمیهٔ شهر تهران در مقابل آتش‌سوزی با همکاری سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران ۹. فرش کردن تمام مساجد منطقهٔ چهار شهرداری تهران به صورت پایلوت، با اعتباری افزون بر ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان

۱۰. معرفی ۷۵ حوزهٔ علمیه به نمایشگاه کتاب «یاد یار مهربان» برای خرید کتاب، به‌ازای هر حوزه ۰/۰۰۰/۱۳۵۰ تومان (در مجموع، مبلغ ۱۰۱ میلیون و ۲۵۰ هزار تومان)

۱۱. اهدای ۲۰۰ هزار قطعه، کارت ورزشی شهروندی به تمام مساجد و حوزه‌های علمیه و پایگاه‌های بسیج مساجد شهر تهران (یکصدهزار قطعه در سال ۸۷ و یکصدهزار قطعه در سال ۸۸ توزیع شده است.)

۱۲. تهیهٔ ۲ هزار بستهٔ فرهنگی تزیینی و اهدا به

۲ هزار مسجد و حوزهٔ علمیهٔ شهر تهران به مناسبت سالروز ولادت امام زمان (عج) ۱۳. برگزاری کلاس‌های تابستانی در مساجد نواحی ۱۲۳ گانهٔ تهران با موضوع نماز، قرآن، احکام، اصول اعتقادات

۱۴. برگزاری همایش‌های علمی–کاربردی برای ائمهٔ محترم جماعات شهرداری تهران در ۲ مرحله با حضور بهترین استادان در شهرهای قم و مشهد

۱۵. برگزاری هم‌زمان یکصد جشن در ۱۰۰ مسجد شاخص و محوری در شهر تهران به مناسبت ولادت امام رضا (ع)

۱۶. برگزاری مسابقات ورزشی ویژهٔ طلاب شهر تهران

۱۷. برگزاری مسابقهٔ اینترنتی «آخرین منجی عالم بشریت» در پورتال شهرداری تهران و اعطای ۳۱۳ جایزه (به تعداد یاران امام زمان (عج)) به برندگان مسابقه)

۱۸. برگزاری بیش از ۵۰ جشن بزرگ به مناسبت ولادت حضرت صاحب‌الزمان (عج) در ۵۰ مسجد شاخص و محوری (که به نام و القاب حضرت مهدی (عج) مزین شده‌اند)

۱۹. برگزاری جشن «روژهٔ اولی‌ها» با شرکت ۲ هزار نفر در تالار بزرگ کشور

خَلیبا **حجم بالای** فعالیت‌هایی که شما بدان اشاره کردید، این پرسش را ایجاد می‌کند که با توجه به وجود ارگان‌های دولتی که در حوزهٔ دین و تبلیغات دینی فعالیت می‌کنند، اهداف شهرداری تهران از انجام فعالیت‌های دینی و مذهبی چیست؟

اگر بخواهیم اهداف این مرکز را بیان کنیم، موارد بسیاری برای توضیح وجود دارد؛ اما اهداف کلی و اصلی که این مرکز دنبال می‌کند، مواردی همچون:

- صیانت از مساجد و مراکز دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی
- رسیدن به هویت اسلامی–ایرانی برای پایتخت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران برابر منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)
- بهره‌گیری از دیدگاه‌های حکیمانهٔ روحانیان معزز و ائمهٔ محترم جماعات در جایگاه طلاب‌یهداران فرهنگ اسلامی و نقطهٔ تماس امین نظام در محلات و دردآشنایان شهروندان عزیز
- اشاعهٔ علوم قرآنی و معارف اسلامی در جامعه و نیز احیا و تقویت اندیشه‌های اسلامی و اعتلای فرهنگ غنی اسلامی
- رسیدن به چشم‌انداز والای «تهران اسلامی به مثابهٔ ام‌القرای جهان اسلام و پیشتاز در خدمات همه‌جانبه به شهروندان»

خَلیبا **منظور شما** از اینکه می‌گویید هدف ما رسیدن به «چشم‌انداز والای تهران اسلامی به مثابهٔ ام‌القرای جهان اسلام و پیشتاز در خدمات همه‌جانبه به شهروندان» است، چیست؟ شهرداری چگونه و با چه برنامه‌ای می‌خواهد، به این هدف بزرگ دست یابد؟

یکی از مهم‌ترین اقداماتی که شهرداری تهران برای رسیدن به هدف «تهران، ام‌القرای جهان اسلام» دنبال می‌کند، بحث «مسجدمحوری» و اعتلای جایگاه اصلی مساجد در شهر تهران است. در نگاه اول باید آثار معنوی حاصل از روح عبادت

جمعی را درنظر گرفت؛ آثاری همچون نزدیکی قلوب مسلمین، باخبر شدن مردم از حال یکدیگر و همچنین نقش مهمی که مسجد به منزلهٔ رسانه ایفا می‌کند و در نگاهی دیگر، باید توجه کرد که مسجد محل تعامل و همکاری مردم برای ادارهٔ زندگی در همهٔ ابعاد آن و محل اخوت ایمانی است و ما باید این نقش را به‌درستی در مساجد ایفا کنیم.

مساجد بهترین مرکز تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری بر حرکت‌ها و جریان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه هستند. مجموعهٔ شهرداری تهران در کلان‌شهری چون تهران به مثابهٔ «ام‌القرای جهان اسلام» با توجه به مساجد دو کار اساسی انجام داده است: از یک‌سو، به معماری ایرانی–اسلامی بر کالبد مساجد توجه کرده و از سوی دیگر به‌طور جدی بحث کارآمدی مساجد در انسجام جامعه و پیوند میان بخش‌های مختلف مردم و مسئولان را پی‌گیر بوده است؛ از همین‌روست که مدیریت شهری تهران در کنار فعال‌سازی شورایی‌ها به منظور واگذاری امور مدیریت شهری به مردم با رویکرد محله‌گرایی، مسجدمحوری را نیز به منزلهٔ رکن مهم این گرایش در دستور کار قرار داده است تا باعث شود، هم هم‌گرایی مردم با تفکر مسجدی و گسترش روحیهٔ دینی و جهادی نمود یابد و هم گسترش فرهنگی و شکلی محلات بر محور مساجد صورت پذیرد؛ چون مساجد، زادگاه انقلاب هستند و بدون مسجد، انقلاب اسلامی تفسیرپذیر نیست؛ بنابراین لازم است، همهٔ فعالیت‌ها در هر سازمان، وزارتخانه‌ها و نهادها با محوریت و تفکر مسجد صورت پذیرد.

خَلیبا **اظهارات شما نشان می‌دهد که مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران، تلاش‌های ارزشمندی را برای گسترش روحیهٔ دینی و فرهنگی آغاز کرده است. با توجه به فعالیت‌هایی که تاکنون در این مرکز صورت گرفته، فکر می‌کنید شهرداری تهران تاکنون چقدر در ایجاد فضاهای دینی موفق عمل کرده است؟**

همان‌طور که می‌دانید، بر اساس تدابیر ابلاغی آقای دکتر قالیباف، شهردار تهران، رویکرد مجموعهٔ شهرداری تهران از یک سازمان خدماتی صرف، به یک نهاد اجتماعی و فرهنگی با رویکرد مسجدمحوری تبدیل شده است؛ بنابراین فعالیت‌های دینی و فرهنگی شهرداری با تفکر مسجدی و برنامه‌ریزی منظم و با جهت‌گیری اصولی و توانایی بالا انجام گرفته است؛ به‌صورتی که در اذهان عمومی، شهرداری، دیگر تنها یک سازمان خدماتی نیست و به مثابهٔ نهادی اجتماعی، دینی و فرهنگی شناخته می‌شود.

در زمینه‌های دینی نیز فعالیت‌های بسیار

گستردهٔ این مرکز در مساجد و حوزه‌های علمیهٔ شهر تهران به‌طور کامل مشهود بوده است و در همهٔ مناسبت‌های مذهبی از جمله اعیاد و سوگواری‌ها، برنامه‌های ویژه‌ای با حضور سخنرانان مذهبی، مداحان اهل بیت (ع)، قاریان ممتاز، گروه‌های تواشیح بین‌المللی و مسابقه‌های دینی برگزار کرده است. همچنین در زمینهٔ مساعدت‌های عمرانی به مساجد، به جرئت می‌توان گفت، در تهران کمتر مسجدی است که نیازهای عمرانی آن از قبیل ایزوگام پشت‌بام، سرویس بهداشتی و تعمیرات و بازسازی صورت نگرفته باشد؛ بنابراین با توجه به فعالیت‌های این مرکز در برگزاری مراسم مذهبی و مساعدت‌های فرهنگی و عمرانی، می‌توان عملکرد این مرکز را مثبت و خوب ارزیابی کرد؛ البته مصمم هستیم، در آینده با هماهنگی سایر نهادهای مربوط به امور فرهنگی و عمرانی مراکز دینی، فعالیت‌های این مجموعه را از نظر کمی و کیفی گسترش دهیم، با این امید که به درگاه احدیت پذیرفته شود.

خَلیبا **با توجه به اینکه فعالیت‌های مذهبی شهرداری با رویکرد مسجدمحوری در حال انجام است، آیا در این مورد با چالش یا مشکلاتی نیز روبه‌رو شده‌اید؟**

یکی از مشکلات این مرکز در بحث مساجد، بافت قدیمی و فرسوده برخی مناطق است. مسئلهٔ دوم کمبود مساجد در برخی مناطق شهر به‌ویژه مناطق شمال شهر است. سیاست‌گذاری مرکز فعالیت‌های دینی در حل این مشکل بر دو منوال است؛ اول در مورد مناطقی از شهر که از لحاظ کمیت تناسب دارند، سعی می‌کنیم که این مساجد بهسازی و نوسازی شوند و در صورت امکان آنان را گسترش دهیم؛ دوم در مورد مناطقی از شهر که از لحاظ مسجد دچار کمبود هستند؛ به‌ویژه بعضی از مناطق شمالی شهر، بهترین مهندسان و معمارهای مجرب در ۴۰ باب مسجد در زمین‌های مورد قبول از نظر متراژ و موقعیت جغرافیایی و دارای کاربری‌های چندمنظوره از قبیل شبستان، کتابخانه، سالن اجتماعات، کلاس‌های آموزشی، گنبد و گلدسته بر اساس معماری ایرانی–اسلامی، مشغول به کار هستند؛ البته شایان ذکر است

- هدف از تأسیس مرکز فعالیت‌های**

دینی– مذهبی شهرداری تهران

ایجاد پل ارتباطی بین اقشار مختلف مردم

و متولیان امور دینی با شهردار

و رسیدگی به امور مراکز دینی

از جمله مساجد، حوزه‌های علمیه، تکایا و

هیئت‌های مذهبی بود ■

تاکنون چند باب از این مساجد افتتاح شده و در اختیار مؤمنان و نمازگزاران قرار گرفته است.

خَلیبا **برنامه‌های «مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران» در فصول مختلف سال چه تغییراتی می‌کند؟**

طبیعی است، برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته در این مرکز به‌گونه‌ای است که در آن، به شرایط زمانی، مکانی و گروه سنی مخاطبان و همچنین اوقات فراغت آنها توجه می‌شود؛ بنابراین برنامه‌هایی که دربارهٔ اوقات فراغت دانش‌آموزان (از قبیل کلاس‌های آموزش احکام، قرآن، نماز و … در مساجد نواحی ۱۲۳گانه) در نظر گرفته شده است، در فصل تابستان انجام شد. همچنین برخی برنامه‌ها نیز برای ایام ویژه‌ای همچون ماه مبارک رمضان، نیمهٔ شعبان، ولادت‌ها و شهادت‌ها و ایام‌الله مختلف درنظر گرفته می‌شود که در زمان خاص خود برگزار می‌شوند.

خَلیبا **این مرکز به صورت مستقل عمل می‌کند یا فعالیت آن زیر نظر سایر ارگان‌های اسلامی نظیر سازمان رسیدگی به امور مساجد یا سازمان تبلیغات اسلامی است؟**

«مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران» همواره با تشکیل جلسات مدون و مرتب با سایر نهادها و ارگان‌های کشور از دیدگاه‌ها و تجربیات آنها استفاده و گاه با همکاری آنها، به برگزاری برنامه‌های مشترک اقدام می‌کند؛ ولی به‌طور کلی با توجه به اینکه بودجه‌ای که در اختیار این مرکز قرار گرفته است از شهرداری تهران تأمین می‌شود؛ بنابراین عملکرد کلی این مرکز به صورت مستقل می‌باشد و زیر نظر سایر ارگان‌ها نیست؛ البته باز هم تأکید می‌کنم، این مرکز همواره از نظریات، تجربیات و رهنمودهای سایر نهادها، سازمان‌ها و ارگان‌های اسلامی و علما برای هر چه غنی‌ترشدن برنامه‌های خود بهره می‌برد.

خَلیبا **مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران چه برنامه‌هایی برای گسترش فعالیت‌های خود در آینده دارد؟**

با توجه به برنامه‌ریزی‌های اصولی، کلان و به‌نسبت بلندمدت این مرکز که با کار کارشناسی و با بهره‌گیری از نظر علما و روحانیان محترم، مرکز رسیدگی به امور مساجد، حوزه‌های علمیه و سایر مراکز دینی و فرهنگی صورت گرفته است، این مرکز در نظر دارد با گسترش طرح‌های خود در سطح وسیع و جهت‌دهی اساسی و اصولی به برنامه‌های خود (به دور از هرگونه موازی‌کاری) برای ارتقای کیفی، گام‌های مؤثر بیشتری بردارد. ■

دبیر شورای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران در گفت‌وگو با خیمه تأکید کرد:

تذکره‌لسانی وظیفهٔ همگانی



گروه جامعه: با وجود ظرفیت‌های مثبت فراوانی که می‌توان در صورت ترویج و نهادینه‌شدن فرهنگ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در جامعه از آن‌رخوردار شد، امروز بسیاری از کارشناسان مسائل دینی معتقدند، استفاده‌نکردن از شیوه‌های اصولی برای ترویج معروف و نهی‌ازمنکر، باعث شده است، متولیان امور دینی و فرهنگی کشورمان نتوانند، از همهٔ ظرفیت‌ها و قابلیت‌های پنهان این فریضهٔ الهی به نحو مطلوبی استفاده کنند؛ اما آن‌طور که مشاور فرهنگی معاون اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران می‌گوید، از زمان امضای توافقنامه‌ای بین شهردار تهران با مسئولان ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کشور، شهرداری تهران توانسته است، فعالیت‌های چشمگیری را برای ترویج این فریضه در سطح درون‌سازمانی و برون‌سازمانی شهرداری انجام دهد. به همین دلیل به سراغ مصطفی خورسندی، دبیر شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران در «مؤسسه فرهنگی و آموزشی سلمان» رفتیم. برای انجام مصاحبه با وی توفیق داشتیم، ساعتی در کلاس آموزش مداحی او حضور داشته باشیم. او پس از پایان کلاس و پاسخ‌گویی به پرسش‌های مختلف علاقه‌مندان مداحی، با ما دربارهٔ فعالیت‌های انجام‌شده در شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران گفت‌وگو کرد.

خیلیا شهرداری تهران چند سالی است، فعالیت‌های خود را در راستای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر گسترش داده است. لطفاً بفرمایید، شهرداری از چه ظرفیت‌ها و توانایی‌هایی برای احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر برخوردار است؟

با توجه به رویکردی که در شهرداری تهران از زمان روی کار آمدن دکتر قالیباف پی‌گیری می‌شود، این مجموعه از یک سازمان خدماتی به یک نهاد اجتماعی تبدیل شده است؛ بنابراین از آنجایی که مسئله‌ای نظیر امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر نیز به فعالیت‌های اجتماعی مربوط است، این مسئله در دستور کار فعالیت‌های شهرداری تهران قرار گرفت. در همین باره ما فعالیت‌های بسیاری انجام داده‌ایم و تصمیم داریم با توجه به ظرفیت‌های بسیار بالایی که شهرداری تهران در احیای فریضه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر دارد، در این زمینه بیشتر فعالیت کنیم و تلاش می‌کنیم، هم به درون سازمان شهرداری و هم به بیرون از آن توجه داشته باشیم.

خیلیا شهرداری دربارهٔ احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر بیشتر به درون شهرداری توجه دارد یا به بیرون این سازمان؟

هم درونی و هم بیرونی. در بُعد درون‌سازمانی در حال انجام فعالیت‌هایی برای همکارانمان در شهرداری تهران هستیم و در بُعد برون‌سازمانی نیز از ظرفیت‌های شهرداری استفاده می‌کنیم.

خیلیا مثلاً چه ظرفیت‌هایی؟

برای مثال ما از بیلبوردهای تبلیغاتی شهر تهران و تلویزیون‌های شهری برای احیای این فریضه استفاده می‌کنیم؛ حتی شورای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شرکت واحد و اتوبوسرانی شهر تهران نیز ۷۵۰۰ اتوبوس را مزین به شعار «تذکرهٔ لسانی، وظیفهٔ همگانی» کرده است؛ درحالی‌که اتوبوسرانی فقط یکی از ظرفیت‌های شهرداری محسوب می‌شود و شهرداری از ظرفیت‌های دیگری همچون مترو، بیلبوردهای تبلیغاتی، مکان‌های ورزشی، سازمان میادین و تره‌بار، فرهنگسراها و بسیاری از امکانات دیگر برخوردار

است که می‌تواند در ابعاد مختلف برون‌سازمانی و یا درون‌سازمانی به احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کمک کند.

خیلیا شهرداری در حال حاضر چقدر از این ظرفیت‌ها استفاده می‌کند؟

ما بسیار از آنها استفاده می‌کنیم. برای اولین گام شوراهای امربه‌معروف را در سطح مراکز مختلف استان تهران راه‌اندازی کردیم. شاید بیان این موضوع از طرف من درست نباشد؛ ولی بنابر اظهارات مسئولان ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کل کشور، شهرداری تهران گوی سبقت را در این زمینه از همه ر بوده است؛ یعنی به اعتقاد خود ایشان، شهرداری تهران نسبت به کل وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها در بُعد احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر جلوتر است و توانسته است، گام‌های بسیار بلند و محکمی بردارد.

خیلیا این موفقیت از زمان انتخاب دکتر قالیباف در نقش شهردار آغاز شده و یا در دورهٔ ایشان شدت گرفته است؟

من مطلع نیستم، در گذشته شهرداری تهران، شورای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر داشته است یا خیر؛ اما دکتر قالیباف تفاهم‌نامه‌ای با «حجت‌الاسلام زرگر» امضا کرد که آن تفاهم‌نامه به آغاز فعالیت‌های مثبتی در شهرداری تهران منجر شد. بعد از امضای توافقنامه، من هم در نقش دبیر شورا، کارها را پی‌گیری کردم که –خدا را شکر– کارها بسیار خوب در حال پیشرفت است.

خیلیا فعالیت‌هایی که شما به آنها اشاره می‌کنید، بیشتر در چه زمینه‌ای است؟ یکی از فعالیت‌های ما در مورد این فریضهٔ مهم، کارکردن روی نگرش‌هاست تا مردم به امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر بیشتر توجه کنند؛ یعنی سعی می‌کنیم، دیدگاه مردم در مورد این فریضه تغییر کند و هرگاه از امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر صحبت می‌شود، موضوع محدود به حجاب خانم‌ها نشود؛ چراکه مهم‌ترین فعالیت ما فرهنگ‌سازی است و به همین‌منظور اکنون حدود ۱۵ هزار جلد کتاب امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی در سطح شهرداری تهران توزیع شده است.

یکی دیگر از فعالیت‌های ما با پشتیبانی دکتر قالیباف، راه‌اندازی «شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر» کل نواحی، مناطق و سازمان‌های شهرداری است. شهرداری تهران افزون بر ۵۰ هزار نفر کارمند دارد؛ یعنی ۵۰ هزار خانواده. شما تصور کنید که همین فعالیت در صورت گسترش به خانوادهٔ همکاران چه ابعاد گسترده‌ای می‌تواند پیدا کند. ان‌شاءالله به لطف امام زمان (عج) امیدواریم بتوانیم، این فعالیت‌ها را با گذر زمان سرعت بخشیم و به کل شهر تهران و سایر استان‌ها نیز گسترش دهیم.

خیلیا با توجه به اینکه سال جاری از سوی مقام معظم رهبری به نام «سال اصلاح الگوی مصرف» نام‌گذاری شده است، شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه و نهادینه‌کردن فرهنگ بهینهٔ مصرف چه برنامه‌ای دارد؟

اسم شورای ما احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است و ما نمی‌خواهیم، به مصادیق وارد شویم، چون تا بخواهید، مصادیق وجود دارد؛ برای مثال نمازخواندن مصادق معروفی است. به گفتهٔ شما، اصلاح الگوی مصرف نیز مصادق معروف دیگری است و …

با توجه به اینکه مصادیق بسیاری دربارهٔ این موضوع وجود دارد، ما نمی‌خواهیم در ابتدا وارد مصادیق شویم، بلکه مهم‌ترین هدف و

■ **شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران**
در حال طراحی بازی‌هایی برای کودکان است
تا بعضی از مصادیق معروف و منکر به صورت پازل به کودکان آموزش داده شود ■

تمام تلاش ما در حال حاضر احیای فریضه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر است؛ یعنی شرایطی به‌وجود آید که مردم از کنار چیزهایی که می‌بینند، بی‌تفاوت عبور نکنند و اگر کار نادرستی در حال انجام است، تذکر بدهند؛ حتی مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «۱۰ نفر بگویند، نه اینکه یک نفر ۱۰ بار بگوید.» در واقع مقام معظم رهبری تأکید می‌فرمایند که بگویید و بروید؛ مسئله‌ای که ما به دنبال احیای آن هستیم و متأسفانه شاهدیم، مردم از کنار برخی مسائل بی‌تفاوت عبور می‌کنند.

خیلیا با توجه به هدف والایی که انتخاب کرده‌اید، گروه‌های هدفتان را چگونه انتخاب می‌کنید. بیشتر به کودکان و نوجوانان توجه دارید یا اینکه بزرگسالان را نیز مدنظر قرار داده‌اید. دربارهٔ جنسیت‌های مختلف چه کارهایی انجام داده‌اید؟

اولین گروه هدف ما در هر جنسیتی، همکارانمان در شهرداری تهران هستند؛ ولی فعالیت‌هایی نیز دربارهٔ گروه‌های مختلف سنی با بعضی ارگان‌ها، همچون آموزش و پرورش انجام می‌دهیم؛ به همین منظور منطقهٔ ۱۸ آموزش و پرورش استان تهران را به صورت پایلوت [نمونه] مد نظر قرار داده‌ایم و تعاملی بین شهرداری و آموزش و پرورش منطقه صورت گرفته است که در این تعامل بحث امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر را در گروه‌های مختلف سنی، از مدارس ابتدایی گرفته تا دبیرستان‌های منطقه از طریق حمایت شهرداری و نیروهایی که آموزش و پرورش به این امر اختصاص می‌دهد، اجرا می‌کنیم.

■ **شهردای تهران با کمک روش‌های نوینی**

از جمله تلفن ۱۸۸۸ این امکان را ایجاد کرده است

که مردم اگر منکری از سوی

کارکنان شهرداری می‌بینند

اطلاع بدهند تا به موضوع رسیدگی شود ■

ما حتی در ادارهٔ کل آموزش و مشارکت‌های شهرداری تهران نیز در حال طراحی بازی‌هایی برای کودکان، دربارهٔ مسئله امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر هستیم؛ به‌طور مثال بعضی از مصادیق معروف و منکر را که برای کودکان می‌خواهیم بیان کنیم، به صورت بازی پازل [جورچین] در حال طراحی هستیم تا آنها از همین سنین با این مسئله آشنا شوند و بدانند که اگر معرفی را می‌بینند، تشکر کنند و اگر منکری را مشاهده می‌کنند، تذکر دهند؛ به‌طور مثال، دروغگویی یک منکر است. پیش می‌آید که کسی با منزل تماس بگیرد و فرزند، تلفن را جواب بدهد؛ ولی پدر می‌گوید: «بگو خانه نیست.» اینجا اگر فرزند از دوران کودکی آموزش دیده باشد، در نهایت عزت و احترامی که برای پدر قائل است، می‌تواند تذکری به پدرش بدهد. خودِ فرهنگِ گفتن و تذکر‌دادن موضوعی است که ما باید بسیار روی آن کار کنیم.

خیلیا برای ترویج این فرهنگ با چه مشکلاتی روبه‌رو هستید؟

یکی از مشکلاتی که گاه با آن روبه‌رو هستیم، تعارضاتی است که بین مردم وجود دارد. حدود ۲۵ سال پیش، ما استادی داشتیم که می‌گفت: «انگلیسی‌ها برای مقابله با فرهنگ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر تلاش‌های بسیاری انجام داده و در مقابل ترویج این فرهنگ عباراتی نظیر «به من چه» و «به تو چه» را ترویج داده‌اند.» دشمن، سالیان سال است که روی این مسئله کار کرده است و ما برای اینکه بتوانیم، توجه مردمی را به این فریضه مورد توجه اهل بیت (ع) جلب کنیم، به یک بازنگری نیاز داریم که زمان‌بر است.

ما در حال حاضر به روش جدیدی برای ترویج این فریضه به صورت همگانی نیاز داریم؛ بنابراین در تلاشیم این فریضه را به روش نوینی در شهرداری اجرا کنیم؛ برای مثال از طریق تلفن‌های ۱۸۸۸ این امکان را ایجاد کرده‌ایم که مردم اگر منکری را از سوی همکارانمان در شهرداری می‌بینند، اطلاع بدهند تا ما موضوع را رسیدگی کنیم؛ با وجود این در واقع فرهنگ‌سازی زمان می‌برد و چندین سال طول می‌کشد تا مردم تعارفات را کنار بگذارند و تذکر بدهند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که اباعبدالله الحسین (ع) می‌فرمایند: «مَنْ أَحَبَّكَ نَهَاكَ.»: «کسی که تو را دوست دارد، نهی می‌کند تو را.» فلسفهٔ امربه‌معروف نیز همین محبت است. ما به کسی که دوستش داریم، تذکر می‌دهیم و کسی که به او تذکر داده می‌شود، نباید ناراحت شود؛ چون کسی که به او تذکر می‌دهد، دوستش دارد. من بسیار خوشبینم که بتوانیم بر این مشکلات چیره و موفق شویم. ■

احمد مسجدجامعی تأکید کرد:

ضرورت نگاه فرهنگی به تهران

گروه جامعه: احمد مسجدجامعی، رئیس پیشین کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران و عضو کنونی این شورا در این مصاحبه گزارشی از روند تحولات جشن‌ها و مناسبت‌های دینی ارائه می‌دهد که به قول خودش، تاکنون در هیچ جایی نه گفته و نه به صورت مکتوب ارائه شده است. او بر این باور است که شهر با مجموعه مردم است که «شهر» می‌شود؛ بنابراین او در نقش عضوی از شورای شهر تلاش می‌کند که نشان دهد، تهران شهری انسان‌گراست و لازم است در یک شهر انسان‌گرا به باورها، گرایش‌ها و مسائل انسانی بیشتر توجه شود. وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی ضمن بیان این انتقاد که «این حقیقت که تهران شهری فرهنگی است، امروز مغفول مانده است و همه فقط درباره ترافیک و آلودگی هوای تهران صحبت می‌کنند»، خواستار داشتن رویکرد و نگاه فرهنگی مسئولان دستگاه‌های مختلف کشور به پایتخت ایران است.

خبایا چند سالی است که شاهدیم، شهرداری

تهران، فعالیت‌های دینی و فرهنگی گسترده‌ای را انجام می‌دهد و امروز بسیاری از کارشناسان مسائل دینی و فرهنگی معتقدند که از زمان انتخاب دکتر قالیباف در جایگاه شهردار تهران، دیگر نمی‌توان به شهرداری به چشم سازمانی که تنها در زمینه ارائه خدمات شهری فعالیت می‌کند، نگریست؛ زیرا شهرداری آنچنان در زمینه فعالیت‌های دینی و فرهنگی فعال شده است که در ارائه خدماتی همچون کمک به مساجد و احیای فرضیه امر به معروف و نهی از منکر گوی سبقت را از برخی سازمان‌های متولی انجام فعالیت‌های دینی ربوده است. هدف شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران از ورود به فعالیت‌های دینی و مذهبی چیست؟

من برای اینکه به‌طور جامع به پرسش جنابعالی پاسخ بدهم، لازم است به مقدمه‌ای اشاره کنم. به مطالبی که شما بدان اشاره کردید، از چند سال پیش در حوزه فرهنگ و در شورای فرهنگ عمومی کشور توجه شده بود. این موضوع که «ما سنت عزاداری را در شکل و شیوه‌های مختلف در کشور داریم.» در آن زمان، بحث ما بود؛ یعنی اگر واقعه سوء و نامطلوبی اتفاق بیفتد، همه کار کردها تعریف شده است. رنگ لباس مشخص است و مردم و سازمان‌ها نیز می‌دانند که مراسم عزاداری را به چه نحوی برگزار کنند؛ اما ما هیچ تجربه‌ای در حوزه مسائل شادی‌آفرین در جامعه نداریم؛ به‌عبارت دیگر، ما وقتی می‌خواهیم، مجلس عزایی برگزار کنیم، از همه جزئیات آن آگاه هستیم؛ اما وقتی می‌خواهیم، جشنی برگزار کنیم، هیچ سنتی نداریم. در واقع ما فقط سنت برگزاری جشن نوروز را داریم که آیین‌های جشن نوروز نیز بیشتر از اینکه جمعی



عکس: حسین اینانو

باشد، خانوادگی است؛ در صورتی که در حوزه برگزاری مناسبت‌های شادی جمعی و گسترده نمی‌دانیم، به چه صورت باید کارها را انجام دهیم؛ بنابراین هنوز هم شاهد هستیم که در برخی مجالس کف می‌زنند، در برخی مجالس دوانگشتی دست می‌زنند و در مجالسی نیز صلوات می‌فرستند. دیگر اینکه ما مناسبت‌های شادی‌آفرین چندانی در جامعه نداشتیم و به همین علت با توجه به مناسبت‌های ملی و مذهبی شروع کردیم به تعریف مناسبت‌های شادی در طول سال و پس از تعریف کردن این مناسبت‌ها، فعالیت‌های اجرایی آن را نیز طراحی می‌کردیم.

خبایا لطفاً اشاره‌ای به برخی از این مناسبت‌ها بکنید؟

برای نمونه یکی از همین مناسبت‌هایی که تعریف شد، «جشن رمضان» بود که این جشن در حقیقت در قالب نمایشگاه قرآن کریم بود که شکل جشن و جشنواره پیدا کرده بود. ما آن جشن را برای سنین مختلف طراحی کرده بودیم و در همین حال بخش‌های دیگری همچون صنایع‌دستی، خاطره‌نویسی، جوانان، دانش‌جویان، بانوان و بخش‌های مختلف و متنوع دیگری در قالب این جشن تعریف شده بودند.

در حقیقت می‌خواستیم که وقتی خانواده‌ای به این فضا وارد می‌شود، برای گروه‌های مختلف خانواده فعالیت‌هایی تعریف شده باشد؛ یعنی عضو کودک خانواده، فرزند دانش‌آموز یا فرزند دانشجو بخش‌های ویژه خود را داشته باشند و در حقیقت والدین و فرزندانشان بتوانند، خواسته‌های مختلف خود را در حوزه‌های مختلف هنری، علمی، پژوهشی، فرهنگی و ... دنبال کنند. در کنار این موارد ما حتی فضایی را برای پذیرایی طراحی کردیم و در حقیقت هدف ما از این فعالیت، طراحی فضایی مفرح با رویکرد امر به معروف بود.

خبایا چرا؟ آیا مجموعه این فعالیت‌ها نتیجه‌ای هم داشته است؟

چون همه، جمع می‌شدند، درباره معنا و موضوعی استعدادهای خودشان را شکوفا می‌کردند و هدف والایی بر عملکردشان حاکم بود. این جشن همچنین یک بخش فیلم داشت که برخی فیلم را تماشا می‌کردند و برخی در نقد فیلم‌ها شرکت می‌کردند. در این جشن، شب شعری نیز وجود داشت که عده‌ای در شعرخوانی و عده‌ای نیز در تحلیل و نقد شعرها شرکت می‌کردند و فعالیت‌های بسیاری که اشاره به همه آنها از حوصله این بحث خارج است؛ اما برگزاری این جشن که بازتاب‌های بسیار مثبتی داشت، این نتیجه را داشت که از تجربیات به‌دست‌آمده توانستیم، در بسیاری از نمایشگاه‌ها و جشن‌های دیگر در گذر زمان استفاده کنیم و امروز

شاهد هستیم که این جشن به خوبی در کشور ما جاافتاده و مورد قبول همه اقشار و سنین، از کودک و نوجوان گرفته تا میانسال و سالخورده، واقع شده است.

ما این فضا را به‌تدریج به برخی فعالیت‌های دیگر وارد کردیم و توانستیم مراسم شادی‌آفرین را نام‌گذاری و مناسبت‌های دینی و ملی را بسط دهیم؛ البته ما در گذشته برخی مناسبت‌ها را همچون روز حافظ، روز سعدی و ... نام‌گذاری کرده بودیم؛ اما در کنار این مناسبت‌ها روزی را به نام روز علامه مجلسی و روزی را نیز به نام شیخ بهایی نام‌گذاری کردیم که در واقع روز مهندسی ایران است و در واقع برای بسیاری از شخصیت‌های ملی و مذهبی مناسبت‌هایی را به‌وجود آوردیم.

در کنار این فعالیت‌ها برخی مناسبت‌های مذهبی را به یکدیگر مرتبط کردیم.

خبایا لطفاً اشاره‌ای هم به مصادیق آن داشته باشید؟

جشنواره رضوی یکی از این مصادیق است. ما از روزی که منسوب به تولد حضرت معصومه (س) است تا روز تولد امام رضا (ع) را به نام «جشنواره رضوی» نام‌گذاری کردیم. در همان ابتدا نیز سعی کردیم که مشارکت‌ها را برای برگزاری چنین جشن‌هایی جلب کنیم. من به یاد دارم که جشنواره رضوی را ما فقط در تعامل با ناشران در مشهد برگزار می‌کردیم؛ ولی به‌تدریج این جشنواره را به جشن رضوی تبدیل کردیم که متشکل از شعر رضوی، تئاتر رضوی، تجسم رضوی و ... بود که خوشبختانه بسط پیدا کرد و همچنان نیز ادامه دارد. این جشن ابتدا از استان خراسان شروع شد؛ ولی در مرحله بعد استان‌های مسیر حرکت امام رضا (ع) همچون استان‌های خوزستان، یزد، فارس و قم را قرار دادیم تا در نهایت در سال‌های بعد، یک جشن ملی شد؛ البته این جشن را ما با برنامه‌ریزی توسعه می‌دادیم و این طور نبود که ما پول زیادی داشته باشیم و بخواهیم عجولانه کاری انجام دهیم؛ چون معتقد بودیم که چنین فعالیت‌هایی به فکر و برنامه‌ریزی نیاز دارد و این فعالیت‌ها را نیز تقسیم می‌کردیم.

■ تهران شهری فرهنگی است

ولی این موضوع امروز مغفول مانده است

و همه فقط درباره ترافیک و

آلودگی هوای پایتخت

صحبت می‌کنند

ولی آیا شما دیده‌اید کسی بگوید

باید به تهران تگاهی فرهنگی داشته باشیم؟ ■

یکی دیگر از جشن‌هایی که ما تعریف کردیم «جشن امید» بود که فاصله زمانی ۲۷ رجب (روز مبعث حضرت رسول (ص) و نیمه شعبان را تشکیل می‌داد. این جشن از آن نظر اهمیت داشت که حضرت رسول (ص) خاتم پیامبران است و حضرت مهدی (عج) نیز خاتم ائمه ماست که ما این دو مناسبت را از لحاظ معنایی به جشن امید نام‌گذاری کردیم؛ چون هم پیامبر (ص) نور امید است و هم حضرت ولیعصر (عج) امید بشریت. ما به همین علت نام این جشن را جشن امید گذاشتیم.

یکی دیگر از این جشن‌ها فاصله زمانی بین عید قربان تا عید غدیر بود که آن را به نام «جشن آسمان» نام‌گذاری کردیم و در همین حال برخی از مناسبت‌ها را نیز که در تقویم ما وجود نداشتند، به تقویم اضافه کردیم؛ برای مثال تولد حضرت علی‌اکبر (ع) در تقویم نبود؛ ولی ما این مناسبت را در تقویم گنجانیدیم که بعدها به نام «روز جوان» نام‌گذاری شد. در حقیقت به این دلیل به این فعالیت‌ها اشاره می‌کنم که بگویم ما مناسبت‌های شاد را تعریف و آنها را پیوسته کردیم؛ البته جشنی که ما نام آن را به امید نام‌گذاری کرده بودیم، بعدها به «جشن شعبانیه» تغییر نام یافت و قسمت مربوط به پیامبر (ص) مغفول ماند که من همچنان تأکید دارم که این جشن از ۲۷ رجب شروع شود؛ حتی در سال‌هایی که این جشن برگزار می‌شد، اصرار می‌کردیم که اهل سنت نیز در این جشن شرکت کنند و حتی در نخستین سالی که ما جشن تولد حضرت علی‌اکبر (ع) را گرفتیم، به یاد دارم که از کردستان، ترکمن صحرا و مناطق مختلف، گروه‌هایی به کاخ سعدآباد آمدند و ما در حضور همه آنها از تابلوی حضرت علی‌اصغر (ع) استاد فرشچیان پرده‌برداری کردیم.

ما اصرار داشتیم که این جشن‌های مذهبی، مناسبت‌های ملی ما هستند و شاهد هستیم که امام حسین (ع) چهره‌ای ملی در ایران است و زرتشتی، مسیحی، ارمنی و ... با مناسبت‌های مرتبط با حضرت نسبت روحی برقرار کرده‌اند. وجود چنین احساسی را در بین اقشار غیرشیعی در کشورمان در مورد حضرت مهدی (عج) نیز احساس می‌کنیم؛ بنابراین ما اصل برگزاری جشن امید را ۲۷ رجب گذاشته بودیم و همان سال‌هایی که این جشن‌ها را برنامه‌ریزی کردیم، شورایی نیز برای برگزاری این جشن‌ها تشکیل دادیم که سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، صدا و سیما و ... نیز عضو آن شورا بودند.

در حقیقت ما این جشن‌ها را به صورت ستادی و مردمی برگزار و احساس می‌کردیم که فضای جامعه به نشاط و نوآوری حول مسائل مذهبی نیاز دارد. با همین رویکرد بود که سمفونی «خسوف» را ساختیم که راجع به حرکت حضرت سیدالشهداء (ع) از مکه بود تا شب یازدهم. «خسوف» اولین سمفونی

آیینی بود که در تاریخ شیعه ثبت و ضبط شده است. بعدها بود که سمفونی‌های دیگری ساخته شدند که گویا به لحاظ کارشناسی، سمفونی خسوف همچنان از سایر نمونه‌های دیگر قوی‌تر است. من فکر می‌کنم، به این دلیل که در آن زمان که ما سمفونی خسوف را ساختیم، کسی ما را تشویق نمی‌کرد و برای برگزاری آن نیز با مشکل روبه‌رو بودیم؛ ولی بعدها برگزاری چنین سمفونی‌هایی متداول شد که در این مورد می‌توان به سمفونی امام رضا (ع) و سمفونی پیامبر (ص) اشاره کرد.

آن زمان کسی برای تشویق و بهره‌برداری مادی این کار را نمی‌کرد و حتی تلویزیون نیز سمفونی خسوف را پخش نکرد؛ ولی ما معتقد بودیم، همان‌طور که در عزای حضرت سیدالشهداء (ع) همهٔ عالم برای آن حضرت گریسته‌اند، باید اقداماتی نیز متناسب با زمانه انجام دهیم و حتی در طول پنج شبی که سمفونی خسوف برگزار شد،

تالار وحدت مملو از جمعیت بود. به یاد می‌آورم، ما تمامی لوازم موسیقایی مورد نظر برای برگزاری سمفونی را نداشتیم و گروهی را از رومانی دعوت کردیم که هم این سازها را داشتند و هم هزینهٔ آن نسبت به سایر کشورهای اروپایی کمتر بود. این گروه رومانیایی این سمفونی را در چند جشنواره بین‌المللی نیز اجرا کرد که به‌طور زنده نیز از بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی جهان پخش شد؛ ولی سالی که این سمفونی در ایران برگزار شد، کسی به برگزاری آن کمکی نکرد. این سنت در حقیقت در آن سال‌ها سیاست‌گذاری شد و تلاش شد که به اجرا هم نزدیک شود که بعضی از آنها نیز مثل جشن رضوی یا جشن رمضان اجرایی شده است.

هرچند نام برخی جشن‌ها مثل جشن امید به جشن شعبانیه تغییر یافته است و می‌تواند بسیار فاخرتر از آنچه امروز برگزار می‌شود، برگزار شود، مسئلهٔ اصلی اجرا شدن آن جشن‌ها در زمان حال است که از سیاست‌گذاری ایجاد چنین فضایی و برگزاری آن در سال‌های اول ناشی می‌شود که در آن زمان اختلاف‌نظرهایی نیز برای برگزاری این جشن‌ها وجود داشت و سازمان‌هایی مثل شهرداری و صدا و سیما که از قدرت مالی و امکانات رسانه‌ای بیشتری برخوردار بودند، بسته به توانشان سمت‌وسویی‌ها در برگزاری این جشن‌ها ایجاد می‌کردند.

مسائلی که من تاکنون به آنها اشاره کردم، مجموعه‌فعالیت‌هایی بود که به منزلهٔ سیاست‌گذاری اجرا می‌شد و از همان زمان نمایندگان شهرداری تهران نیز در این فعالیت‌ها شرکت داشتند.

حاجیا **حال که امروز خودتان عضوی از شورای شهر تهران هستید، فکر می‌کنید که ورود شهرداری به چنین فعالیت‌هایی چه تأثیراتی داشته است؟**

■ **در مساجدی نظیر مسجد سپهسالار که به لحاظ ساختاری نمونه شاخصی محسوب می‌شود همهٔ هنرهایی که تا قرن سیزدهم در ایران به‌کار رفته است، دیده می‌شود در برخی از این بناها دیده می‌شود که سطح معماری برخی از آنها حتی از کاخ گلستان که خانهٔ شاه بود، نیز بالاتر است** ■

به نظرم فعال‌شدن شهرداری در چنین فعالیت‌هایی عوارض و تبعاتی داشت که شهرداری را به یک قלק تبدیل کرد.

حاجیا یعنی چه؟

یعنی به همان نسبتی که شهرداری در این فعالیت‌ها وارد می‌شود، دستگاه‌های دیگر از وظایف خود عقب می‌کشند و این موضوع، یکی از مشکلات فعلی شهرداری است؛ برای مثال شهرداری امروز برای مساجد هزینه می‌کند؛ ولی نباید هزینه‌کردن شهرداری به اینجا منجر شود که سازمانی که متولی رسیدگی به امور مساجد است، احساس کند، در این قضیه از آنها رفع تکلیف شده است. متأسفانه دستگاه‌های دیگر به شهرداری به چشم قلق نگاه می‌کنند که باید با اقداماتی همچون قابلمه‌دادن، پرچم‌دادن، بلندگودادن و … به هیئت‌ها آنها را تقویت کند؛ بنابراین ما برای توسعهٔ این فعالیت‌ها، شوراهایی را طراحی کردیم که با نظارت و مشارکت این شوراه‌ا، این فعالیت‌ها ادامه یابد و فعالیت‌های جدیدی را نیز تعریف کردیم.

حاجیا مثلاً چه فعالیت‌هایی؟ لطفاً کمی هم دربارهٔ هدف این مجموعه از فعالیت‌ها توضیح دهید. منظورم این است که این فعالیت‌ها با چه هدفی در اولویت‌های شما قرار گرفته‌اند؟
مثلاً ما در شهرداری این‌طور احساس کردیم که فضای ساخت‌وسازها به‌طور افراطی مجلل است؛ البته مجلل‌بودن خوب است و انصافاً ما باید در حوزهٔ دین بناهای فاخر و مجللی داشته باشیم؛ چون سنت گذشتگان ما نیز این‌طور بوده است؛ ولی گسترش شهر، فضاهای دیگری را با کمترین امکانات ایجاب می‌کند. کسی که می‌خواهد وظایف دینی خود را انجام دهد، به‌طور حتم به یک سالن باشکوه و آن‌چنانی نیاز ندارد؛ درحالی‌که اکنون بسیاری از محلات و شهرک‌های جدید حتی یک نمازخانه و مسجد معمولی ندارند.

دلیلی ندارد ما وقتی می‌خواهیم یک مسجد بسازیم، به‌طور حتم گنبد، گلدسته، محراب، شبستان، سالن اجتماعات، بخش بهداری، کتابخانه

عمومی و … داشته باشد؛ چون ما باید در برنامه‌ریزی به مسئلهٔ زمان و هزینه نیز توجه کنیم؛ بنابراین ما با توجه به مدیریت زمان و مدیریت منابع تعاریف جدیدی ارائه کردیم که مسجد می‌تواند، شبستان و وضوخانه را شامل شود و لازم نیست که مسجدی که ساخته می‌شود، به‌طور حتم عده‌ای آن را افتتاح کنند یا عده‌ای کلنگ ساخت آن را بزنند و تلویزیون نیز برنامهٔ آن را پخش کند. ما برای نیاز کسی که می‌خواهد، اعمال مذهبی و دینی خود را انجام دهد و مسجد نیز یکی از لوازم انجام‌دادن این فرایض است، حداقل‌ها را تعریف و سندی برای آن تنظیم کردیم.

پس از آن یک شورای معماری در شهرداری ایجاد کردیم تا ساخت‌وسازهایی که در حوزهٔ مساجد و حسینیه‌ها صورت می‌گیرد، از نظرات کارشناسی در حوزهٔ طراحی و ساخت برخوردار باشد تا ضوابط معماری در آنها رعایت شود. در حقیقت سعی کردیم، چنین فضایی را در چارچوب کالبدی شهر به وجود بیاوریم. در کنار اینها جشن‌هایی را نیز که مصوب بودند و سیاست‌گذاری شده بودند، در چارچوب برنامه‌های شهرداری گنجانده شده‌اند و شهرداری در حال انجام آنهاست.

حاجیا با توجه به مسائلی که بدان اشاره کردید، فکر می‌کنید چه ضرورتی دارد که شورای شهر تهران در زمینهٔ فعالیت‌های دینی و مذهبی ایفای نقش کند؟

در حقیقت تهران شهری فرهنگی است؛ ولی این‌ موضوع امروز مغفول مانده است و همه فقط دربارهٔ ترافیک و آلودگی هوای تهران صحبت می‌کنند؛ ولی آیا شما دیده‌اید، کسی بگوید، باید به تهران نگاهی فرهنگی داشته باشیم؟

حاجیا به‌تازگی این‌طور گفته می‌شود که تهران باید «ام‌القرای جهان اسلام» شود.

بله؛ ولی این عبارت بیشتر بار سیاسی دارد تا فرهنگی؛ ولی من می‌خواهم بگویم که تهران فارغ از سیاست، هویتی دینی–تاریخی دارد. تهران در دامان حضرت عبدالعظیم (ع) و شهر ری رشد کرده است که لایه‌لایه تمدن در آن وجود دارد. اکنون شهر ری قسمتی از تهران است و قدیمی‌ترین آثاری که در چنارستان یا روستای تهران دیروز بوده است، در حوزهٔ امامزاده‌هاست؛ مثل امامزاده اسماعیل که از فرزندان امام باقر (ع) است. تهران قدیم روستای خوش آب‌وهوایی بوده است. وقتی تهرانی‌های چندصدسال پیش خواسته‌اند، بهترین آثار خودشان را خلق کنند، همهٔ همت، دقت، قوت و قدرت هنری خودشان را به پای یک امامزاده ریخته‌اند که این کار معنادار است؛ حتی همین گنبد حضرت عبدالعظیم که شما می‌بینید، قدیم‌ترین گنبد جهان و حتی قدیم‌تر از گنبد حرم حضرت

امام رضا (ع) است؛ البته باید درنظر گرفت، شهر ری بارها با خاک یکسان شده؛ ولی این بنا مصون مانده است که نشان می‌دهد، از دقت مهندسی و معماری بسیار بالایی برخوردار است.

این بناها نشان می‌دهند که تهران هویتی دینی دارد. در مساجدی نظیر مسجد سپهسالار که به لحاظ ساختاری نمونهٔ شاخصی محسوب می‌شود، همهٔ هنرهایی که تا قرن سیزدهم در ایران به‌کار رفته است، دیده می‌شود. در برخی از این بناها دیده می‌شود که سطح معماری برخی از آنها حتی از کاخ گلستان که خانهٔ شاه بود نیز بالاتر است.

تهران نه فقط بزرگ‌ترین شهر دانشگاهی کشور است؛ بلکه ظرفیت تولید هنر در آن نه فقط در کشور بلکه در سطح منطقه نیز بسیار بالاست. امروز هیچ مراسم هنری بزرگی در جهان وجود ندارد که برگزار شود و چند اثر هنری مهم از تهران در آنجا حضور نداشته باشد. می‌خواهم بگویم که توجه به این سابقهٔ دینی و هنری نشان می‌دهد که تهران شهری فرهنگی است که هویت فرهنگی آن با دین آمیخته شده است. خاطرتان باشد، من گفتم که امام حسین (ع) امروز فقط شخصیتی دینی نیست، بلکه شخصیتی ملی در ایران است و همان‌طور که ایرانی‌ها عید و نوروز را جشن می‌گیرند در عاشورا نیز همهٔ اقلیت‌های دینی کشور از زرتشتی گرفته تا کلیمی و ارمنی در سوگ شهادت حضرت عزاداری می‌کنند؛ یعنی در ایران دین و فرهنگ به هم آمیخته شده است و ما نیز در جایگاه شورای شهر تهران باید به این روح جمعی توجه کنیم.

حاجیا آیا از اظهارات شما می‌توان استنباط کرد که پیشینهٔ دینی و فرهنگی تهران عاملی برای پرداختن شورای شهر تهران به فعالیت‌های دینی و فرهنگی بوده است؟

بله؛ ما که در جایگاه اعضای شورای شهر نمی‌توانیم، فقط به کالبد و جسم شهر توجه کنیم. کالبد شهر هم متأثر از روح شهر است و در حقیقت روح شهر است که به کالبد شهر شکل می‌دهد. شما وقتی بنایی را می‌سازید، آن بنا را متناسب با آنچه روحیه‌تان اقتضا می‌کند، می‌سازید. ما نیز باید شهر را براساس روح شهر بسازیم و روح شهر تهران نیز روحی دینی–فرهنگی است که در طول تاریخ تیلور پیدا کرده است.

وقتی من می‌گویم، زمانی که تهران روستایی بیشتر نبوده، تمام هنرش را به پای فرزند امام معصوم (ع) ریخته است، نشان‌دهندهٔ همین حقیقت است. همین‌طور وقتی این شهر (روستا) تمام دقت و توان مهندسی خودش را در طراحی حرم حضرت عبدالعظیم به‌کار گرفته و زمانی که همهٔ بناها در این شهر فرو ریخته‌اند، این بنا همچنان استوار مانده است، نشان‌دهندهٔ همین روح دینی، علایق و باورهای شهر است. طبیعی است ما در برابر این

■ **کالبد شهر هم متأثر از روح شهر است و در حقیقت روح شهر است که به کالبد شهر شکل می‌دهد ما باید شهر را بر اساس روح شهر بسازیم و روح شهر تهران نیز روحی دینی– فرهنگی است که در طول تاریخ تیلور پیدا کرده است** ■

علایق، روحیه و باورها وظایفی داریم؛ ولی متأسفانه هنوز هم مسئلهٔ اصلی تهران، ترافیک است! در صورتی که مسئلهٔ اصلی آن، ساکنان آن هستند. شهر با مجموعهٔ مردمش شهر می‌شود؛ بنابراین ما تلاش کرده‌ایم، تا جایی که می‌شود، بگوییم و نشان دهیم که شهر تهران شهری انسان‌گراست و لازم است که در یک شهر انسان‌گرا به باورها، گرایش‌ها و مسائل انسانی بیشتر توجه شود.



حاجیا با توجه به فعالیت‌های مثبتی که اشاره کردید، در شورای شهر تهران انجام شده است، اگر بخواهید به بهترین فعالیت‌های شورای شهر در حوزهٔ دین و فرهنگ اشاره کنید، از چه مواردی یاد می‌کنید؟

ببینید، شورای شهر کار اجرایی انجام نمی‌دهد و فقط سیاست‌گذاری می‌کند. در حقیقت ما بر کار مدیریت شهری نظارت و برنامه‌های آن را تدوین می‌کنیم یا جلوی برخی اقدامات را می‌گیریم؛ برای نمونه، نگاه کمی داشتن در حوزهٔ

فعالیت‌های دینی، آسیبی برای تهران بود. به نظرم ما باید در جاهایی ارزیابی می‌کردیم که مجموعهٔ فعالیت‌های ما چه تأثیری در ذهن مخاطب دارد. اینکه ما تنها حرف‌های خوبی داشته باشیم، کافی نیست؛ اینکه حرف‌ها خوب شنیده شود نیز مهم است؛ یعنی گاهی اوقات ما هزینه می‌کنیم؛ ولی به دلیل اینکه مخاطب را نمی‌شناسیم، به‌طور عکس نتیجه می‌گیریم. در حقیقت ما باید این فعالیت‌ها را قاعده‌مند و قانونمند و میزان موفقیت این فعالیت‌ها را ارزیابی کنیم.

دوم اینکه ساختار این فعالیت‌های دینی و فرهنگی بسط پیدا کند؛ یعنی ما در قالب مدیریت محلات بتوانیم، ظرفیت‌ها را فعال کنیم؛ برای مثال ما در تهران تعداد زیادی هیئت داریم که این هیئت‌ها در تهران در یک ساختار و یک مجموعهٔ تاریخی و بنابر ضرورت‌های زمانه شکل گرفته‌اند؛ به‌فرض زمانی مهاجرت به تهران زیاد می‌شود و کسانی که به تهران می‌آیند، گرفتار نوعی سرگشتگی می‌شوند؛ چون کسی را در تهران نمی‌شناسند و احساس می‌کنند، غریبه هستند. در همین وقت این عده هیئت‌هایی را در تهران درست می‌کنند و زیر پرچم حضرت سیدالشهداء (ع) جمع می‌شوند؛ مثل میانه‌ای‌های مقیم تهران، مشهدی‌های مقیم تهران، شبستری‌های مقیم تهران و … این هیئت‌ها به‌طور خودجوش، خودشان را در کارکردهای اجتماعی پیدا می‌کنند و شما همین‌ها را در محلات می‌بینید؛ برای مثال می‌گویند، نوجوانان قنات‌آباد، جوانان حسن‌آباد، هیئت بین‌الحرمین و … اینها محلات تهران هستند؛ یعنی در تهران، آن محله‌ها کار شورای شهر را انجام می‌دادند که از جنبهٔ عاطفی نیز برخوردار بودند.

همین محلات، هیئت‌های عزاداری، جلسات قرآن‌زانه و مردانه و … داشتند که ما نباید این ساختارها را برهم بزنیم؛ چون این ساختارها ریشه‌دار و خودجوش هستند. گاهی اوقات مدیریت شهری در رقابت با این ساختارها قرار می‌گیرد و فکر می‌کند که باید ساختارهایی را در رقابت با اینها به‌وجود بیاورد و آن چیزی که من در این فعالیت‌های شهری بسیار بر آن تأکید دارم، زیبایی این نهادهای کوچک است که باید آنها را حفظ کنیم و نباید فقط به فکر آن باشیم که این ساختار را از بین ببریم و ساختارهای بزرگی به‌وجود بیاوریم.

حاجیا نکتهٔ جالبی است. لطفاً کمی بیشتر دربارهٔ ضرورت حفظ این نهادهای کوچک مذهبی و حفظ استقلال آنها توضیح دهید.

همین ساختارهای کوچک مذهبی هستند که دوام دین و دینداری در شرایط دشوار را باعث بوده‌اند. اینها تجربهٔ ده‌ها ساله دارند؛ یعنی از پیش از مشروطیت بوده‌اند، دورهٔ قاجار، پهلوی اول و دوم را تجربه کرده‌اند و آبدیده هستند و بدون اتکا به دستگاه‌های

اجرائی، باورها و ساختارهای خود را حفظ کرده‌اند؛ چون اگر وابستگی داشتند، با تغییر دستگاه‌های اجرائی این ساختارها نیز از بین می‌رفتند؛ ولی ما امروز همچنان می‌بینیم که این ساختارهای مذهبی وجود دارند؛ بنابراین ما نباید این ساختارهای کوچک مذهبی را به نهادهای دولتی متکی کنیم و در عوض باید آنها را تقویت کنیم؛ ولی به نظر م این ساختارها امروز با کمک‌هایی بی‌دلیل تهدید می‌شوند.

ما باید به این ساختارها در سطوح کوچک هم توجه کنیم و فکر نکنیم، اگر یک ساختار مذهبی بزرگ به‌وجود بیاوریم، کار بهتری انجام داده‌ایم. ساختارهای بزرگ خوب هستند و تهران باید هم در سطح ملی و هم در سطح فراملی الگوسازی کند؛ اما نباید فکر کنیم، همهٔ کارها را باید خودمان انجام دهیم؛ چون خود مردم سال‌ها آیین، دین، هیئت و مسجدشان را شکل داده‌اند؛ بنابراین ما باید ساختاری را در سطح کلان‌شهری و برنامه‌ریزی و نگاه شهری به‌وجود بیاوریم که این امکان در آن باشد که مردم بتوانند در این شرایط باورهای خودشان را حفظ بکنند.

گاهی اوقات ساختارهای ما شرایط حفظ این باورها را تهدید می‌کنند؛ برای مثال ما زمانی در محلات زورخانه داشتیم؛ ولی امروز ورزشگاه داریم. ما در محلات، قهوه‌خانه داشتیم که در آنها پرده‌خوانی بود، شعرخوانی بود و در جلوی در آنها نیز انگشتر و زیورات فروخته می‌شد؛ ولی همین ساختارها در قالب امروزی تغییر کرده است و برای مثال به پرده‌خوانی می‌گویند، نمایش و به قهوه‌خانه می‌گویند، کافی‌شاپ و آن کسی که دیروز در مقابل قهوه‌خانه در جعبهٔ کوچکی انگشتر و زیورات می‌فروخت، امروز فروشگاه محصولات فرهنگی را می‌بیند.

من نمی‌گویم که ما دوباره بباییم و قهوه‌خانه راه بیندازیم، بلکه می‌گویم، نگاهی به روح شهر داشته باشیم. امروز دیگر دورهٔ قهوه‌خانه نیست؛ ولی می‌توانیم روح شهر را حفظ کنیم تا صمیمیت و عاطفهٔ انسانی که مردم را دور یکدیگر جمع می‌کند، از بین نرود؛ چون منهای عاطفه نمی‌توان شهر را مدیریت کرد؛ چراکه شهر جایی است که عاطفه در آن ظهور و بروز می‌کند و بیش از فعالیت فرهنگی، فرهیختگی و فرزاندگی را باعث می‌شود.

در اصل شهر این ویژگی را دارد که ما بروز فرزاندگی و فرهیختگی را در آن می‌بینیم. اینکه در گذشته بازارچه بوده و امروز سوپرمارکت شده است، اشکالی ندارد؛ ولی من می‌خواهم بگویم که گاهی اوقات ساختار شهری به حفظ و گسترش این عواطف کمک می‌کند و گاهی اوقات هم این ساختار را به‌هم می‌ریزد؛ درحالی‌که حفظ این ساختارها مهم است و من فکر می‌کنم، شورای شهر باید این ساختارهای کوچک دینی را حفظ کند که موفقیت در این مورد نگاهی ساختاری را نیازمند

است و بر اساس ارزش‌ها و باورها بنا شده باشد. حالا اگر این نگاه را مبنا قرار بدهیم، عملکرد شورای شهر می‌تواند در خلال دین‌باوری، بیشتر از پرچم‌دادن، برنج‌دادن و بلندگودادن به هیئت‌ها باشد؛ مسئله‌ای که ما در حد خودمان تلاش داریم، شهرمان را به آن سمت ببریم و تعریفی به آن بدهیم که با این عواطف، نسبتی برقرار کند؛ در عین حالی که این دستاوردها را حفظ و به‌روز کنیم؛ چون این دستاوردها تاریخ شهر و ملت ماست که باید آنها را حفظ و تقویت کرد و لازم نیست، ما بخواهیم همهٔ کارها را خودمان انجام دهیم.

حایا! شما در اظهاراتان بسیار به مسئلهٔ توجه به مخاطب اشاره می‌کنید و از سوی دیگر تأکید می‌کنید که شورای شهر باید نگاه کلانی داشته باشد تا ساختارهای کوچک مذهبی را حفظ کند. فکر می‌کنید، چنین نگاهی چقدر در جذب جوانان به سوی دین ضروری باشد؟

بسیار زیاد؛ چون این ساختارهای کوچک مذهبی در شرایط مختلف شکل گرفته و خودشان را حفظ کرده‌اند و از سابقهٔ بسیار بالایی برخوردارند. هنوز هم شما شاهد هستید که در روز عاشورا بسیاری دوست دارند، به فلان هیئت قدیمی تهران بروند و بسیاری هم به حسینیهٔ ارشاد می‌روند. این دو مانع یکدیگر نیست، بلکه ما باید نهادهای تکمیلی را تقویت و ایجاد کنیم. می‌خواهم بگویم که ببینیم، مردم در کجا به این حس و عاطفه می‌رسند. شهر ما اکنون ظاهر بسیار خشنی پیدا کرده است. در اصل نوع نگاه‌ها و رفتار تغییر کرده است و خشونت کلامی و فیزیکی موج می‌زند. در بسیاری از این ساختارهای کوچک مذهبی خاطرات مشترک وجود دارد و ما نباید بگذاریم، این خاطرات از بین برود؛ ولی اکنون بسیاری از این خاطرها در حال از بین رفتن هستند. آنجایی که ما بتوانیم به نگاه و خاطره‌ای مشترک می‌رسیم. ما امروز بیش از گذشته به چنین نگاهی نیاز داریم.

امروز شاهدیم که برای مثال، کاشانی‌ها به هیئت خودشان می‌روند، قصری‌ها به هیئت خودشان می‌روند، یزدی‌ها و اردکانی‌ها نیز به هیئت‌های خود می‌روند؛ چون در آنجا همان‌طور که می‌گویند، شهر ما خانهٔ ما، احساس می‌کنند که در خانهٔ خود هستند؛

	■ اگر تهران را با توجه به جمعیت آن از نظر سرانهٔ فرهنگی با سایر استان‌ها مقایسه کنیم می‌بینیم تهران بسیار فقیر است و بسیاری از سازمان‌ها برای این شهر هزینه نمی‌کنند، و انتظار دارند شهرداری کارهای زیادی برای تهران انجام دهد ■	
---------------	---	---------------

چراکه در این هیئت جدا از اینکه نام بلند ابی‌عبدالله (ع) وجود دارد، احساس آشنایی و خویشاوندی شکل می‌گیرد. حرکت ما نباید برای تضعیف این ساختارها باشد؛ ولی در همان حال می‌توانیم، ساختارهای جدید نیز ایجاد بکنیم؛ البته ساختارهای جدید ایجادکردن و به‌روزرودن نباید گرفتار مُزددگی شود. ما به‌طور حتم باید برای اینکه به‌روز باشیم، بدانیم که چه عقبه و سابقه‌ای داریم. در حقیقت ما در به‌روز بودن این معنا را می‌فهمیم که سستی از گذشته داریم که باید آن را روزآمد کنیم؛ یعنی بتوانیم، ظرفیت‌های جدیدی را به آن اضافه کنیم تا دستاوردها را حفظ کنیم.

حایا! آیا شورای شهر تهران برای انجام فعالیت‌های دینی و فرهنگی خود با محدودیت‌هایی هم روبه‌روست؟

بله؛ اولین محدودیت ما در اجراست؛ زیرا ما اعتبار محدودی برای انجام این فعالیت‌ها داریم؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد، دستگاه‌های مسئول چندان برای تهران هزینه نمی‌کنند. تهران بسیار شهر فقیری است.

حایا! از چه نظر؟

از نظر سرانهٔ فرهنگی هر شهروند. شما به هر شهری که بروید، سرانهٔ کتابخانه، فضای فرهنگی، مسجد و … آن از تهران بالاتر است. اگر تهران را با توجه به جمعیت آن از نظر سرانهٔ فرهنگی با سایر استان‌ها مقایسه کنیم، می‌بینیم، تهران بسیار فقیر است و بسیاری از سازمان‌ها، برای تهران هزینه نمی‌کنند و انتظار دارند، شهرداری کارهای زیادی را برای تهران انجام دهد. شهرداری چاه نفت که ندارد. شهرداری باید به فعالیت‌های عادی خود بپردازد. شما اگر شهر کثیفی داشته باشید، هیچ ارزشی ندارد که در آن فعالیت دینی انجام دهید؛ چون ما باید در ابتدا شهری پاکیزه و شاداب داشته باشیم تا بتوانیم بگویم این شهر، شهری دینی است.

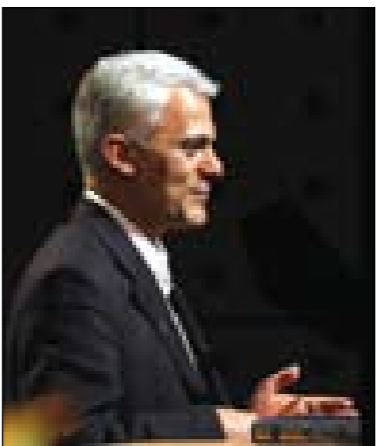
ما نمی‌توانیم از شهرداری انتظار داشته باشیم که ایجاد فضای سبز، فعالیت‌های عمرانی و … را نادیده بگیرد و فقط هیئت و دستهٔ سینه‌زنی راه بیندازد، بلکه باید شهر آراسته و بانشاطی داشته باشیم که امکان بروز فرزاندگی و فرهیختگی در آن وجود داشته باشد و در همان حال، دینی هم باشد؛ بنابراین شهرداری باید در کنار این وجوه، به چنین فعالیت‌هایی نیز بپردازد؛ ولی متأسفانه به نظر می‌رسد، به دلیل فعالیت‌های شهرداری، برخی سازمان‌های متولی انجام فعالیت‌های دینی خودشان را کنار کشیده‌اند؛ درحالی‌که ما برای جذب اعتباری در حوزهٔ دین کلی با اعضای شورا چانه‌زنی می‌کنیم. آنها می‌گویند: «تهران نیازهای دیگری نیز دارد و مگر ما چقدر می‌توانیم، اعتبار محدودمان را به فعالیت‌های دینی و مذهبی اختصاص دهیم؟» که البته درست می‌گویند. ■

نقش آفرینی مؤثر

درحوزهٔ نرمافرزای دین و فرهنگ

*مرتضی طلایی**

اصلی موضوع باشد. شهرداری در بخش کالبدی و حمایتی از مکان‌های مذهبی مانند مساجد، حسینیه‌ها و تکایا همچنین حمایت از هیئت‌های مذهبی بسیار خوب و مؤثر عمل کرده است؛ اما به نظر می‌رسد، حوزه‌ای که می‌تواند، به‌صورت جدی تر به آن توجه کرد، موضوع نرم‌افزاری فرهنگ است. شهرداری پیش از آنکه نهادی خدماتی باشد، نهادی اجتماعی است و بنا به ذات اجتماعی خود باید در حوزهٔ نرم‌افزاری دین و فرهنگ نیز به‌صورت مؤثری نقش‌آفرینی کند. ایفای



نقش هدایتی و سیاست‌گذاری با استفاده از ظرفیت‌های تخصصی شهرداری مانند مرکز فعالیت‌های دینی و نیز همکاری با نهادهای تخصصی دینی در جامعه مانند اوقاف، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و … می‌تواند،

در چشم‌انداز دیگر، فعالیت‌های تخصصی دینی در بسترهایی چون فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ با هدف ارتقای روحیهٔ دینی در اقشار مختلف به‌ویژه جوانان است.

سومین محور از برنامه‌های درازمدت مدیریت شهری در حوزهٔ دینی، رسوخ نمادها، هنجارها و حامل‌های دینی در طراحی‌های اماکن، نمادها و معماری مناظر مختلف شهری است.

وجود خلأ در برنامه‌های دینی شهرداری شاید پرداختن به‌طور مصداقی بتواند بیان‌کنندهٔ روح

در کنار حمایت‌های مادی شهرداری از همان طریق و به روش حمایت‌های نرم‌افزاری و ایفای نقش اندیشه‌پردازی در ساحت دین، بسیار مؤثر باشد.

از دیگر اقدامات شهرداری و شورای شهر تهران در عرصهٔ فعالیت‌های دینی و مذهبی می‌توان به نوآوری‌های ارائه‌شده در این زمینه‌ها اشاره کرد. به نظر می‌رسد، فعالیت‌هایی مانند برگزاری نمایشگاه «عطر سیب» برای باشکوه‌تر برقرارشدن مراسم بی‌بدیل عزای سالار شهیدان، مسجدمحور کردن ارتباط مسئولان شهری با شهروندان و اجرای طرح‌های جهادی برای بهسازی محیط مساجد از جمله نوآوری‌های شهرداری در این عرصه باشد.

حمایت از تشکل‌های مردمی فعال در حوزه‌های دینی، مذهبی، فرهنگی، احداث و حمایت از ساخت و توسعهٔ مراکز دینی و مذهبی همچون مساجد و حسینیه‌ها و اموری از این دست، از دیگر نوآوری‌ها و خلاقیت‌های شورای شهر و شهرداری تهران در حوزهٔ دین بوده است.

در بحث خلأهای موجود در برنامه‌های دینی و مذهبی شهر تهران باید اشاره کرد که مهم‌ترین نکته، نبود یک هم‌پوشانی میان فعالیت‌های دینی و مذهبی بخش‌های مختلف مدیریت شهری است که موجب می‌شود، بخشی از فعالیت‌ها به صورت موازی انجام شود و برخی همدیگر را خنثی کنند. از دیگر سو، به‌روزرودن متولیان حوزهٔ فعالیت‌های دینی و فرهنگی به نحوی که بتوانند، در برابر مسئلهٔ انفجار اطلاعات و هجومهٔ فرهنگی و فرهنگ‌های بیگانه که هویت دینی و ملی را هدف قرار داده‌اند، به بهترین وجه نقش‌آفرینی کنند، از دیگر مشکلات موجود در این عرصه است.

پوشش‌ندادن به برخی مناطق شهری تهران از نظر مراکز دینی و مذهبی، خلأیی را به‌وجود آورده است تا به واسطهٔ این فقدان، بخشی از جامعه به‌ویژه نسل جوان به فاصله‌گرفتن از ارزش‌ها متهم شوند که به‌هیچ‌وجه به مصلحت نیست.

توجه‌نداشتن به فضای کالبدی شهر و روح اسلامی – ایرانی آن و نیز کم‌توجهی به کارکردهای دین در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی به‌ویژه نقش و مشارکت مردم در عرصهٔ فعالیت‌های دینی نیز از دیگر آسیب‌های این حوزه به شمار می‌رود. ■

* رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست‌شهری شورای اسلامی شهر تهران

^[1] حایا! شما در اظهاراتان بسیار به مسئلهٔ توجه به

^[2] حایا! شما در اظهاراتان بسیار به مسئلهٔ توجه به

بررسی اجمالی کارنامهٔ فعالیت‌های دینی – فرهنگی شهرداری تهران

تلاش مدیریت شهری برای نهادینه کردن آموزه‌های دینی در جامعه

در گذشته‌ای نه چندان دور شهرداری تهران سازمانی بود که فعالیت‌های آن بیشتر به ارائهٔ خدمات شهری همچون نظافت شهر، آسفالت خیابان‌ها، ایجاد فضای سبز، زیباسازی معابر و … محدود می‌شد؛ اما نگاهی به عملکرد شهرداری طی چند سال گذشته نشان می‌دهد، سازمانی که در گذشته، فعالیت‌های آن تنها محدود به ارائهٔ این خدمات بود، امروز از یک سازمان خدماتی به یک نهاد اجتماعی قدرتمند تبدیل شده است. شهرداری در طول سال‌های گذشته به حوزه‌های جدیدی ورود پیدا کرده و تجربیاتی را در زمینهٔ انجام برخی فعالیت‌ها (همچون پرداخت وام‌های ازدواج، ایجاد اماکن ورزشی، تجهیز پارک‌ها به لوازم ورزشی و …) کسب کرده است؛ اما یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های شهرداری که با استقبال گستردهٔ مردمی همراه بوده است و مسئولان برخی سازمان‌ها نیز موفقیت فعالیت‌های شهرداری را در این زمینه تأیید می‌کنند، ورود شهرداری به حوزهٔ فعالیت‌های دینی و فرهنگی است. در این گزارش سعی شده است، در ابتدا دربارهٔ ضرورت ورود شهرداری به حوزهٔ مسائل دینی و فرهنگی و سپس به مهم‌ترین فعالیت‌های این سازمان در این حوزه اشاره شود.

توسعهٔ فرهنگ شهرنشینی

شهرداری تهران در انجام فعالیت‌های دینی و فرهنگی عملکرد خوبی داشته است و بسیاری از مسئولان مساجد، هیئت‌ها، حسینیه‌ها و فعالان مذهبی از فعالیت‌های صورت‌گرفتهٔ این سازمان ابراز رضایت می‌کنند؛ اما در کنار نگاه مثبتی که به فعالیت‌های دینی و فرهنگی این نهاد وجود دارد، دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارند؛ برای مثال گفته می‌شود، چرا به‌رغم وجود سازمان و نهادهایی همچون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان رسیدگی به امور مساجد که از متولیان اصلی پی‌گیری فعالیت‌های دینی و فرهنگی هستند، شهرداری تهران به چنین حوزه‌ای وارد شده است؟ به‌عبارت دیگر، فعالیت‌های دینی و فرهنگی شهرداری تهران از نگاه برخی مسئولان نوعی موازی‌کاری یا در برخی موارد، دخالت در حوزهٔ وظایف و مسئولیت‌های سازمان‌های دیگر محسوب می‌شود. با توجه به وجود چنین دیدگاهی این پرسش مطرح است که آیا شهرداری باید همهٔ توان و تمرکز

محمد صادق امینی

خود را دوباره روی ارائهٔ خدمات شهری به شهروندان متمرکز کند؟ آیا در صورتی که شهرداری تهران از توجه به فعالیت‌های دینی و فرهنگی چشم‌پوشی کند، سازمان‌های مسئول از توان کافی برای پُر کردن جای خالی شهرداری در انجام فعالیت‌های دینی و فرهنگی برخوردار هستند و می‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای دینی و فرهنگی شهری با جمعیتی حدود ۱۲ میلیون نفر باشند؟

در پاسخ به چنین پرسش‌هایی دیدگاه‌های



متفاوتی وجود دارد؛ اما ابراهیم علی‌پور، کارشناس مسائل شهری و اجتماعی معتقد است، پیش از اینکه به دنبال پاسخی برای پرسش‌های فوق باشیم، باید دید که در اصل چه عواملی منجر به ورود شهرداری تهران به حوزهٔ فعالیت‌های دینی و فرهنگی شده است. وی در این مورد می‌گوید: «من فکر می‌کنم، علت اینکه شهرداری تهران به حوزهٔ فعالیت‌های دینی و فرهنگی وارد شده است، بیشتر به فلسفهٔ

به عرصهٔ فعالیت‌های دینی و فرهنگی نوعی موازی‌کاری با فعالیت سایر سازمان‌ها نیست، تصریح می‌کند: «به نظر من تصمیم شهرداری و شورای شهر تهران برای ورود به فعالیت‌های دینی و فرهنگی تصمیم درستی بوده است و نباید اسم موازی‌کاری روی آن گذاشت؛ زیرا اگر بخواهیم از این زاویه به این فعالیت‌ها نگاه کنیم، باید گفت که سالن‌ها و امکانات ورزشی که شهرداری می‌سازد و در اختیار جوانان و ورزشکاران قرار می‌دهد نیز مشابه فعالیت‌های سازمان تربیت‌بدنی است و نباید این فعالیت‌ها را انجام دهد؛ در صورتی که این فعالیت‌ها نیز در گذشته جزو وظایف شهرداری نبوده و با گسترش فرهنگ شهرنشینی و کمبود سرائهٔ فضای ورزشی، شهرداری مجبور شده است که در پارک‌ها و … امکانات ورزشی تهیه کند.»

به گفتهٔ این کارشناس مسائل شهری و اجتماعی، برخی سازمان‌ها فکر می‌کنند، فعالیت‌های دینی و فرهنگی جزو حوزهٔ تخصصی آنهاست و شهرداری تهران ناهنجاری، بزه‌کاری، مشکل اعتیاد، کم‌توجهی برخی جوانان به مسائل دینی و فرهنگی و … را شاهد باشیم، باید تمام سازمان‌ها و ارگان‌ها از همهٔ امکانات خود برای حل مشکلات استفاده کنند؛ زیرا هر چقدر هم که سازمان‌های تخصصی و مستقلی نظیر آموزش و پرورش، سازمان رسیدگی به امور مساجد، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و … داشته باشیم، باز نمی‌توان بدون همکاری و بسیج تمامی امکانات بر مشکلات پیروز شد و نیازهای دینی، فرهنگی، علمی و ورزشی جامعه را برآورده کرد؛ جدا از اینکه نگاهی به فعالیت‌های دینی و فرهنگی شهرداری نشان می‌دهد که با وجود اینکه مدت‌زمان کوتاهی از ورود این سازمان به حوزهٔ چنین فعالیت‌هایی می‌گذرد، توانسته است، بسیاری از خلأهای موجود را برطرف و رضایت مردمی را نیز جلب کند.

ظرفیت بالای شهرداریدر فعالیت‌های دینی

دبیر شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران نیز بر ظرفیت بالای شهرداری در

■ **شهرداری تهران هر سال در آستانهٔ محرم به برگزاری نمایشگاه «عطر سیب» با هدف اهدای اقلام فرهنگی و تجهیز هیئت‌های مذهبی اقدام می‌کند**
■ **نمایندگان هیئت‌های مذهبی می‌توانند با در دست داشتن مجوز هیئت برای دریافت کارت خرید به واحدهای مستقر در این نمایشگاه‌ها مراجعه کنند** ■

احیای این فریضه تأکید و تصریح می‌کند: «شهرداری تهران مصمم است که با توجه به ظرفیت‌های بالایی که در احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر وجود دارد، در این زمینه فعالیت کند؛ ضمن آنکه بنابر اظهارات مسئولان ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کل کشور، شهرداری تهران گوی سبقت را در این زمینه از همه ربوده است.»

به گفتهٔ ابراهیم خورسندی، شورای احیای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شهرداری تهران در حال حاضر از بیلبوردهای تبلیغاتی و تلویزیون‌های شهری در سطح شهر برای احیای فریضهٔ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌کند. در همان حال شورای امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر شرکت واحد و اتوبوسرانی شهر تهران نیز ۷۵۰۰ اتوبوس را مزین به شعار «تذکر لسانی، وظیفهٔ همگانی» کرده است.

بنابر اظهارات مشاور فرهنگی معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، این سازمان می‌تواند، از امکانات خود در متروها، مکان‌های ورزشی، سازمان میادین و تره‌بار، فرهنگسراها و … نیز برای ترویج فرهنگ امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر استفاده کند.

حقیقتی که مغفول مانده است

امروز یکی از حقایقی که عدهٔ بسیاری در شهرداری و شورای شهر تهران می‌خواهند، توجه مسئولان مختلف را بدان جلب کنند، ضرورتِ فرهنگی-دینی نگاه‌کردن به شهر تهران در کنار جست‌وجوی راهکاری برای مشکلاتی از قبیل ترافیک و آلودگی

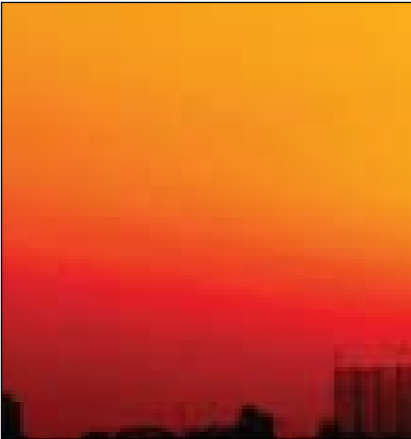
هواست؛ زیرا برخوردارنبودن از چنین نگاهی می‌تواند، تأثیرات منفی زیادی بر تلاش‌های شهرداری در جذب هر چه بیشتر جوانان به سوی دین داشته باشد. در واقع مسئولان شهرداری و شورای شهر تهران به‌شدت بر این موضوع تأکید دارند که امروز در کلان‌شهری مثل تهران باید به‌روز بود و مدیریت شهری فقط توجه به جسم و ظاهر شهر نیست، بلکه تهران امروز نیاز دارد که به روح شهر نیز در کنار کالبد آن توجه شود.

احمد مسجدجامعی، از اعضای شورای شهر تهران می‌گوید: «کالبد شهر متأثر از روح شهر است و به‌راستی روح شهر است که به کالبد شهر شکل می‌دهد.» وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌افزاید: «شما وقتی بنایی را می‌سازید، سعی می‌کنید، آن بنا را متناسب با آنچه روحیه‌تان اقتضا می‌کند، بسازید. ما نیز باید شهر را بر پایهٔ روح شهر بسازیم و روح شهر تهران نیز یک روح دینی-فرهنگی است که نگاهی به تاریخ این شهر و بناهایی همچون حرم حضرت عبدالعظیم (ع) نشان‌دهندهٔ همین روح دینی، علایق و باورهای شهر است. طبیعی است که ما نیز در برابر این علایق، روحیه و باورهای دینی وظایفی داریم؛ ولی متأسفانه هنوز هم مسئلهٔ اصلی تهران، ترافیک است! در صورتی که باید ساکنان باشند.»

رئیس پیشین کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران تصریح می‌کند: «ما در شورای شهر تلاش کرده‌ایم که تا جایی که ممکن است، نشان دهیم، شهر تهران، شهری انسان‌گراست و لازم است که در یک شهر انسان‌گرا به باورها، گرایش‌ها و مسائل انسانی بیشتر توجه شود.»

تأسیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران

رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران، هدف از تأسیس این مرکز را صیانت از مساجد و مراکز دینی و ارزش‌های انقلاب اسلامی، رسیدن به چشم‌انداز والای «تهران اسلامی، ام‌القرای جهان اسلام و پیشتاز در خدمات همه‌جانبه به شهروندان» و رسیدن به هویت اسلامی-ایرانی برای پایتخت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، برابر منویات مقام معظم رهبری بیان می‌کند.



ایجاد پل ارتباطی بین اقصای مختلف مردم و متولیان امور دینی با شهردار و رسیدگی به مراکز دینی از جمله مساجد، حوزه‌های علمیه، تکایا و هیئت‌های مذهبی از دیگر اهداف تأسیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران است که «حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالمقیم ناصحی» به آن اشاره می‌کند. وی تأکید می‌کند که مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران همواره تلاش کرده است با پرهیز از موازی کاری، برنامه‌هایی با سطح کیفی خوب و مورد قبول ارائه کند. در ادامه به گوشه‌ای از فعالیت‌های دینی شهرداری تهران به اختصار اشاره می‌شود:

برنامه‌های ماه مبارک رمضان

رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران به عملکردهای این مرکز در ماه مبارک رمضان اشاره می‌کند؛ فعالیت‌هایی از قبیل برگزاری محافل انس با قرآن در مساجد منتخب سطح شهر تهران با حضور قاریان و گروه‌های تواشیح بین‌المللی با نام «کاروان تلاوت نور»، نظافت و شست‌وشوی فرش‌ها و غبارروبی مساجد و نیز نورپردازی مساجدی که از نظر ساختمان و بنا مستعد باشند.

به گفتهٔ وی، تبیین مسائل دینی با محوریت قرآن، نهج‌البلاغه و نیایش ائمهٔ معصومین (ع) با نام دین و اندیشه در پورتال شهرداری تهران، برگزاری کلاس‌های مفاهیم قرآن برای نوجوانان و فرزندان کارکنان شهرداری و توزیع کتابچهٔ ادعیهٔ اربعه و دعاهای ماه مبارک رمضان در مساجد و در بین نمازگزاران از دیگر برنامه‌های مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران است.

احداث ۴۰ باب مسجد

مشاور شهردار تهران سیاست‌های مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری برای گسترش مساجد در شهر تهران را به دو بخش ساخت و نوسازی تقسیم و اظهار کرد: «مساجد در مناطقی از شهر که از لحاظ تعداد، کمیت مناسبی دارند، بهسازی و نوسازی می‌شوند و در مناطقی از شهر که دچار کمبود هستند، ۴۰ باب مسجد در زمین‌های مورد قبول از نظر مترژ و موقعیت جغرافیایی و دارای کاربری‌های چندمنظوره در حال ساخته‌شدن هستند.»

نمایشگاه عطر سبب

شهرداری تهران هر سال در آستانهٔ محرم به برگزاری نمایشگاه «عطر سبب» با هدف اهدای اقلام فرهنگی و تجهیز هیئت‌های مذهبی اقدام می‌کند. دکتر سیدهادی ایازی، معاون فرهنگی-اجتماعی شهرداری تهران، هدف از برگزاری این نمایشگاه را تأمین نیازهای دسته‌های عزاداری بیان می‌کند و ادامه می‌دهد: «غرفه‌های زیادی هر سال در این نمایشگاه به‌صورت رایگان در اختیار فروشندگان محصولات مورد نیاز هیئت‌های عزاداری قرار می‌گیرد، با این تعهد که کالاهای خود را با تخفیف ویژه عرضه کنند.»

■ **نصب یادبود، تمثال و مجسمه‌های شهدا در پایتخت از جمله برنامه‌های شهرداری تهران است که با هدف گرامی‌داشت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی انجام می‌شود همچنین قرار است به‌زودی باغ مجسمهٔ شهدا نیز در تهران ساخته شود** ■

نمایندگان هیئت‌های مذهبی تهران، شمیرانات، شهر ری، شمال‌غرب و شرق، جنوب شرق و غرب تهران می‌توانند، با در دست‌داشتن مجوز هیئت برای دریافت کارت خرید به واحدهای مستقر در این نمایشگاه‌ها که به‌طور معمول در فرهنگسراهای تهران برگزار می‌شود، مراجعه و کارت خرید خود را دریافت کنند.

تندیس‌های استوار؛ نمادهای ماندگار

نصب یادبود، تمثال و مجسمه‌های شهدا در پایتخت از جمله برنامه‌های شهرداری تهران است که با هدف گرامی‌داشت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی انجام می‌شود؛ از جمله شاخص‌ترین تندیس‌های ساخته‌شده می‌توان به تندیس‌های شهیدان آیت‌الله بهشتی در منطقهٔ ۷، شهید همت در منطقهٔ ۳، شهید رجایی در منطقهٔ ۱۶ و شهید آوینی در منطقهٔ ۲۰ اشاره کرد. به گفتهٔ مدیر ادارهٔ آثار حجمی سازمان زیباسازی شهرداری تهران، فهرستی از مشاهیر ایران از جمله آیت‌الله طالقانی، شهید احمد کاظمی، مولانا و میرداماد برای تهیهٔ تندیس در نظر گرفته شده است. سیدمجتبی موسوی بیان می‌کند که هم‌اکنون، ساخت تندیس شهید مطهری در دستور کار قرار دارد و فراخوان آن نیز برگزار شده است که پس از انتخاب طرح برتر، آغاز می‌شود.

همچنین به گفتهٔ مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری تهران، قرار است، باغ مجسمهٔ شهدا در تهران ساخته شود. حجت‌الله ملاصالحی با بیان اینکه قرار است، در این باغ مجسمه‌ها و تمثال‌های حجمی از شهدای انقلاب اسلامی نصب شود، اظهار می‌دارد: «هم‌اکنون این باغ مجسمه در حال طراحی است که پس از پایان این مرحله به‌زودی ساخت آن نیز آغاز می‌شود.»

همکاری با ستاد اعیاد شعبانیه

رئیس ستاد مردمی «اعیاد شعبانیه» با اشاره به فعالیت‌های فراوان این ستاد در چند سال گذشته، از همکاری گستردهٔ شهرداری تهران با این ستاد در مناسبت‌های این ماه خبر داده است و می‌گوید: «بر اساس توافق‌های انجام‌شده با شهرداری، آنها همهٔ معابر اصلی شهر را آذین بسته و به مردم نیز در آذین‌بندی‌ها کمک کرده‌اند.»

قدرت‌الله زنجانی با تقدیر از همکاری شهرداری

تهران با این نهاد مردمی خاطر نشان می‌کند: «ما در اوایل کارمان در ۸ سال پیش، مشکلات زیادی با شهرداری‌ها داشتیم؛ ولی طی ۴ سال گذشته، کار بسیار راحت و حتی شهرداری در این مسائل جلوتر از ما بوده است.» به گفتهٔ وی، شهرداری تهران در زمینهٔ در اختیار قراردادن بعضی اقلام نیز با این ستاد همکاری مناسبی داشته است.

خدمت‌گذاری به نمازگزاران جمعه

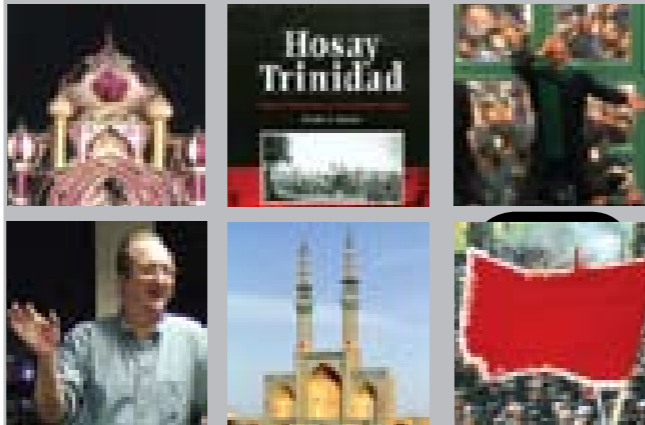
شهرداری تهران همواره در روز جمعه اقدامات مختلفی برای هرچه بهتر برگزارشدن فریضهٔ الهی نماز جمعه انجام می‌دهد. به گفتهٔ عیدیان، قائم‌مقام معاون خدمات شهری شهرداری تهران، روزهای جمعه حجم کار در محل برگزاری نماز جمعه به دلیل تردد بیشتر شهروندان، افزایش می‌یابد و به همین دلیل پاکسازی محیط، در دو نوبت پیش و بعد از برگزاری نماز انجام می‌شود. همچنین به گفتهٔ مدیرعامل شرکت تاکسی‌رانی تهران، روزهای جمعه ۲۵ تا ۳۰ دستگاه ون در محدودهٔ برگزاری نماز جمعه به نمازگزاران به‌صورت رایگان خدمات می‌دهند. حسین تیموری می‌افزاید: «این تاکسی‌ها با هدف ارائهٔ خدمات به سالمندان و با اولویت کسانی که توان پیاده‌روی را ندارند، در این محدوده تردد می‌کنند.»

مدیرعامل شرکت اتوبوس‌رانی تهران نیز می‌گوید: «برای برگزاری این نماز، علاوه بر حرکت از همهٔ مساجد، از میدین بزرگ تهران مانند آزادی، تجریش، امام حسین (ع)، فلکهٔ دوم نازی‌آباد نیز اتوبوس‌ها به سمت محل برگزاری نماز حرکت می‌کنند.» حسین بیژنی با بیان اینکه با توجه به حجم جمعیت، تعداد اتوبوس‌های این روز به ۳۰۰ تا ۵۰۰ دستگاه می‌رسد، می‌افزاید: «اتوبوس‌ها از ساعت ۸ روزهای جمعه، شهروندان را به محل برگزاری نماز جمعه منتقل می‌کنند و با راهنمایی که در طول مسیر می‌شود، پس از پایان اقامهٔ نماز، شهروندان به سمت محل پارک اتوبوس مورد نظر می‌روند و به محل اولیهٔ خود بازمی‌گردند.»

خوب، اما ناکافی

فعالیت‌های شهرداری تهران در مدت کوتاهی که به‌صورت جدی به این حوزه وارد شده است، مطلوب ارزیابی می‌شود؛ ولی همگان اذعان دارند، با توجه به اهمیت و گسترهٔ حوزهٔ مسائل فرهنگی به‌ویژه حوزه‌های دینی، هنوز کلان‌شهر تهران به منزلهٔ پایتخت بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان تا رسیدن به یک شهر با فرهنگ مورد قبول و مطابق با آموزه‌های دینی بسیار فاصله دارد و رسیدن به نقطهٔ ایده‌آل در این زمینه نیازمند است، همهٔ سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکار این حوزه به‌طور نزدیک‌تر همکاری و تعامل داشته باشند. ■

مردم‌شناسی



در این شماره ابتدا در صفحه‌ای با نام «یادداشت مهمان» مطلبی از جناب آقای اصغر ایزدی جیران، دربارهٔ نسبت مردم‌شناسی هنر و مناسک آیینی می‌خوانیم. سپس بخش اول نوشته‌های مقدماتی دربارهٔ نخل‌گردانی در ایران را از نظر می‌گذرانیم. آن‌گاه دربارهٔ یکی دیگر از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه سخن خواهیم گفت. در پایان یادداشتی کوتاه در بررسی پژوهش‌های مردم‌شناختی دربارهٔ فرهنگ جوامع مسلمان را از نظر می‌گذرانیم.

جایگاه مناسک آیینی در مردم‌شناسی هنر

یادداشت مهمان

اصغر ایزدی جیران*

ریشه‌های عمیق مردم‌شناسی در حوزهٔ دین، مناسک و ایفاهای آن قرار دارد. (سالامون، ۲۰۰۴) به این ترتیب می‌توان گفت که رشتهٔ مردم‌شناسی

مولود توجه به بُعد مناسکی فرهنگ‌های کوچک بومی است. متفکران اولیهٔ مردم‌شناسی همچون ادوارد تایلور، هنری مورگان، جیمز فریزر و امیل دورکیم به دنبال منشأهای دین و ارتباط آن با فرهنگ بودند. مطالعات اخیر مردم‌شناسانی چون کلود لوی-استراوس، مری داگلاس، کلیفور گیرتس و ویکتور ترنر نقش مهمی در فهم مناسک داشته است.

رشتهٔ مردم‌شناسی هنر بر اساس مبنایی جهان‌گستر بسیار وسیع است. این وسعت، خود را در هنرهای گرافیکی، هنرهای پلاستیک، موسیقی، نمایش، معماری، ادبیات و ... نشان می‌دهد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در برخی وجوه فرهنگ‌های ابتدایی ظاهر می‌شوند. (اینورایتی ۱۹۵۵: ۳۷۵) هوارد مورفی از محققان و اندیشمندان برجسته که مدخل «مردم‌شناسی هنر» را در دایرةالمعارف مردم‌شناسی به نگارش درآورده است، تعریفی از هنر را برای رشتهٔ مردم‌شناسی مفید می‌داند که در آن آثار هنری ویژگی «معنایی» و یا «زیبایی‌شناختی» داشته باشند و برای اهداف «نماینی» و «بازنمایی» به‌کار روند. (مورفی ۱۹۹۴: ۶۵۵)

در واقع می‌توانیم بگوییم که کارکرد اصلی و مرکزی هنرها، بیان احساسات و عقاید است؛ به این دلیل مردم‌شناسان به این فعالیت‌ها به مثابهٔ اشکال «فرهنگ بیانی» رجوع می‌کنند. (امبر و امبر ۱۹۹۳: ۴۵۵)

در میان زمینه‌ها و فعالیت‌هایی که در آنها می‌توان آثار هنری غنی‌ای را یافت، مناسک و آیین‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا «آیین‌ها اجزای زیباشناختی دارند و بسیاری از آنها از لحاظ هنری شگفت‌انگیزاند.» (رودنولر ۱۳۸۷: ۶۰) یک منسک، مجموعه‌ای از اعمال است که از اساس برای «ارزش‌های نمادین» آن به توصیهٔ یک دین یا سنت‌های یک اجتماع اجرا می‌شود؛ بنابراین منسک، نظامی از «فعالیت‌های نمادین» است که یک یا چند نفر برای هدف انجام کار کرده‌ها اجرا می‌کنند. مناسک به مثابهٔ یک «رویداد نمادین»، سنت یا تاریخی را بیان می‌کنند؛ درحالی‌که بر اهمیت و جایگاه آن تاریخ در آینده نیز تأکید می‌ورزند. (فراپیش ۲۰۰۴: ۳۶۱) مناسک ممکن است گفتاری یا غیرگفتاری یا ترکیبی از این دو باشند. مناسک گفتاری از طریق بیان واژگانی که به‌طور معمول در برگزیدهٔ معانی متنی غنی‌ای هستند، اجرا می‌شوند که برای مشارکت‌کنندگان فهم‌پذیرند. مناسک غیرگفتاری پیچیده‌تر هستند و از طریق بیان اندیشه‌ها و ایده‌ها به شیوهٔ حرکات بدنی، استفاده از مکان و ... ایفا می‌شوند.

مناسک و آیین‌ها ارتباط مستقیمی با امر قدسی دارند؛ به نحوی که کارکرد مناسک و آیین‌ها کارکردی مقدس است؛ به این معنا که برای اجرای اعمال مهمی به‌کار می‌روند که ارتباط میان نیروهای طبیعی و فراطبیعی را به نمایش می‌گذارند. این ارتباط در قالب بعد دینی زندگی انسان‌ها شناخته می‌شود؛ بنابراین به‌طور عمومی از مناسک و آیین‌های دینی یاد می‌شود. بدین ترتیب عرصهٔ مناسک، عرصهٔ ظهور مقدس‌ترین امور یک فرهنگ و جامعه است؛ بنابراین اعضای آن باید بهترین و به معنایی زیباترین داشته‌هایشان را برای عرضه در مناسک فراهم آورند. به نظر می‌رسد، یکی از حوزه‌های تولد آثار هنری و کنش هنری، مناسک دینی (به معنای اعم کلمه) باشد. این مناسک در دوره‌های مختلف زندگی انسان دربردارندهٔ انواع باورهای آنیمستی، توتمیستی، چندخدایی، تک‌خدایی و ... بوده است. به این ترتیب انسان‌ها با ایفای سلسله‌ای از اعمال مشخص در قالب مناسک، قصد بیان باورهای



مقدسی را داشته‌اند که به‌طور عمومی موجودیت و هویت خود را از آن می‌یافتند: «ما آیین توتمی را در مرکز بازنمایی‌های نمایشی می‌یابیم.» (دور کیم ۱۹۶۷: ۲۲۵) اهمیت ایفای مناسکی چنان بوده است که زیباترین آثار و اعمال برای آن برگزیده می‌شد. با این اوصاف باید تأکید کرد، که مناسک یکی از اصلی‌ترین محمل‌های هنر بوده و بدین ترتیب هنرمند نیز یکی از مهم‌ترین اجراکنندگان آیین به شمار می‌رفته است.

از آنجایی که بیانی‌بودن، یکی از ویژگی‌های مهم آیین به شمار می‌آید، (رودنولر ۱۳۸۷: ۶۰) هنر مناسکی در قالب نقاشی، موسیقی، حرکات نمایشی و ... یکی از وجوه فرهنگ بیانی و از این‌رو باز نمود محوری‌ترین باورهای انسان نسبت به خود و کیهان است؛ خود و هویتی که در درون نظام زیست کیهانی تعریف و با اجرای مناسکی، همواره بازخوانی و بازتعریف می‌شود: «یک جامعه نمی‌تواند، خود را خلق و بازآفرینی کند؛ مگر اینکه هم‌زمان ایده‌ها را نیز بیافریند.» (دور کیم ۱۹۷۶: ۴۲۳) بنابراین هنر مناسکی، یک روایت فرهنگی است. می‌توان گفت که هر قومی متشکل از چندین روایت است که در افسانه‌ها، اساطیر، داستان‌ها و به‌طور کلی در هنر و ادبیات مردمی (فولکلور) متجلی و پدیدار شده‌اند. در واقع هر یک از هنرهای مناسکی بخش‌هایی از این روایت‌های فرهنگی را ایفا می‌کنند؛ اما مهم‌ترین محتوای هنرهای مناسکی، بیان اساطیر است؛ به‌طوری که برخی هنرهای مناسکی به‌طور ویژه صورت دراماتیزه یا نمایشی شده‌اند اساطیر هستند. (فریزر ۱۳۸۴: ۶۷۷)

بیان اساطیر در هنرهای مناسکی، به سرگذشتی

بسیار ارجمند و گرانقدر اشاره دارد که «سنت قدسی یا مینوی، وحی اصلی یا آغازین و الگوی نمونه‌واری» را نشان می‌دهد. (الیاده ۱۳۸۶: ۱۱-۱۰) از این‌رو هنرهای مناسکی در جایگاه زاوی، با زنده کردن اساطیر و زیستن با آن، مشارکت‌کنندگان در مناسک را از زمان دنیوی می‌گذراند و به زمان قدسی وارد می‌کند؛ زمان و موقعیتی که اصیل‌ترین شکل جامعه و فرهنگ را نشان می‌دهد؛ به همین دلیل است که بهترین وسیله بیان انسانی، یعنی هنر انتخاب می‌شود تا بتواند از عهدهٔ چنین وظیفهٔ سنگین و مهم فرهنگ انسانی برآید. برخلاف زبان، هنر ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند به لایه‌های عمیق‌تر زندگی فرهنگی انسان نفوذ کند و بیانی هرچه واقعی‌تر از بازنمود زبانی را به قامت اشکال مختلف هنری درآورد.

اجراکنندگان هنرهای مناسکی، صاحبان بالاترین مرتبهٔ دانشی نسبت به فرهنگ یک جامعه به حساب می‌آیند و به تأثیرگذارترین انسان‌ها تبدیل می‌شوند؛ از همین روست که از آنان با نام هنرمندان مردمی یاد می‌شود. هنرمندان مردمی میراث‌داران فرهنگ هستند. ■

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران

■ مناسک یکی از اصلی‌ترین محمل‌های هنر است و بدین ترتیب هنرمند نیز یکی از مهم‌ترین اجراکنندگان آیین به شمار می‌رفته است ■

منابع:

- الیاده، میرچا، ۱۳۸۶، چشم‌اندازهای اسطوره، ترجمهٔ جلال ستاری، تهران، انتشارات توس.
- رودنولر، اریک، ۱۳۸۷، ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده، ترجمهٔ عبدالله گیویان، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فریزر، جیمز، ۱۳۸۴، شاخهٔ زرین، پژوهشی در جادو و دین، ترجمهٔ کاظم فیروزمند، تهران، آگاه.
- Emil, 1976 (1915), *The Elementary Forms of the Religious Life*, Translated by Joseph Ward Swin, London, George Alien & Unwin Ltd.
- Ember, Carol R & Ember, Melvin, 1993, *Anthropology*, New Delhi, Prentice-Hall of India.
- Forbish, Todd S., 2004, "Ritual as Communication", *Encyclopedia of Religious Rites, Rituals, and Festivals*, Edited by Frank A Salamone, London & New York: Routledge, 361-362 p.
- Inverarity, Robert Bruce, 1955, "Anthropology in Primitive Art", *Yearbook of Anthropology*, 375-389 p.
- Morphy, Howard, 1994, "The Anthropology of Art", *Companion Encyclopedia of Anthropology*, Edited by Tim Ingold, London & New York, Routledge.
- Salamone, Frank A., 2004, *Encyclopedia of Religious Rites, Rituals, and Festivals*, London & New York, Routledge.

نوشتهٔ دکتر پیترو چلکووسکی

نخلگردانی در ایران

گروه مردم‌شناسی: نخلگردانی یکی از مناسک سوگواری شهادت امام حسین (ع) در مناطق مرکزی کشور عزیزمان ایران است که تاکنون مورد پژوهش‌های متنوع با رویکردهای علمی گوناگون بوده است. نوشتهٔ حاضر، به قلم یکی از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه، نخلگردانی را با اشاره به منابعی مستند، به صورت اجمالی بررسی می‌کند و می‌تواند، به مثابهٔ متنی اولیه در شناخت این موضوع استفاده شود. لازم به ذکر است که پی‌نوشت‌ها در متن اصلی موجود نیست و برای تکمیل مفاهیم این نوشتار افزوده شده است.

یکی از اشیای اصلی مرتبط با مناسک سوگواری که به هدف بزرگداشت رنج و شهادت امام حسین بن علی [ع]، نوهٔ [حضرت] محمد [ص]، برگزار می‌شود، نخل نام دارد. نخل را به منزلهٔ سازه‌ای چوبی، شبیه حجلهٔ دامادی که با شال‌های ابریشمی رنگارنگ، پارچه‌های قیمتی، آینه‌ها، فانوس و امثال آن تزئین شده است، توصیف می‌کنند. گل‌ها و شاخه‌های سبز نیز به زینت‌های نخل افزوده می‌شود.

(تصویر ۱: طرحی از یک نخل در شهر یزد، طراحی گوگا چلکووسکی، بخش‌های این نخل عبارت‌انداز:

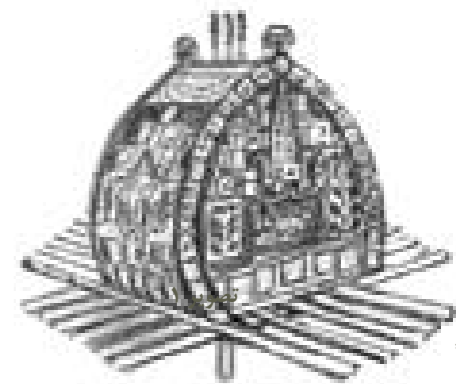
۱. پایه که نخل چهارتا از آن دارد و در این تصویر یکی از آنها نمایش داده شده است.
۲. تیرک‌هایی که برای برداشتن نخل استفاده می‌شوند، بستری را برای نخل فراهم می‌کنند. این بستری، تابوت حسین [ع] را شبیه‌سازی می‌کند.
۳. آینه‌ها
۴. نمادی از درخت سرو
۵. شده، پرچی که از نخل آویخته می‌شود.
۶. پارچه‌های رنگین
۷. علم حسین [ع]

علاوه بر آن، نخل به مثابهٔ تخت روانی بلند و بزرگ که خنجرها، شمشیرها و پارچه‌های پرزرق‌وبرق و آینه‌ها به آن آویخته شده نیز توصیف شده است. گاهی اوقات این چنین تابوتی برای جوانی که زودتر از زمان معمول درگذشته نیز فراهم می‌شود. (دهخدا، مدخل نخل)



نخل گردانی آیینی، مراسمی آیینی است و حمل نخل به مثابه بازنمایی نمادین تابوت امام حسین [ع]، در دسته‌گردانی عاشورا (دهم محرم، روز شهادت [امام حسین (ع)]) است. در روز عاشورا، نخل به مکان برگزاری روضه‌خوانی (برنامه‌های سوگواری در بزرگداشت فاجعه کربلا) یا محل اجرای نمایش مصایب حسین [ع] (تعزیه) حمل می‌شود. گاهی اوقات نخل آن‌چنان بزرگ و سنگین است که چند مرد باید آن را بلند کنند و حرکت دهند. (تصویر ۲: نخل‌پردازان آماده فرمان برای برداشتن نخل هستند، عکس از ج. قربانپور، مهریز، ۱۹۹۷م.) نخل به منزله شیئی مناسکی برای عاشورا در اندازه‌های مختلف از چوب ساخته می‌شود. این اندازه‌ها عبارت‌اند از سازه‌های ساده که دو نفر می‌توانند آن را حمل کنند تا سازه‌های عظیم به بلندی کم‌وبیش ساختمان سه طبقه که باید صدها نفر آن را نگه دارند، ساخته می‌شود.

در یزد و شهرها و روستاهای اطراف آن، نخل را نقل می‌نامند که حمل می‌شود، به دوش گرفته می‌شود و انتقال می‌یابد. مطابق



تصویر ۱

برخی [منابع]، این سازه در همه ایام سال به جز روز عاشورا که نقل نام می‌گیرد، نخل خوانده می‌شود؛ اما این توجیه فراگیر نیست. اشاره به این مطلب جالب توجه است که در لوحی که به برجسته‌ترین و معروف‌ترین نخل، تقدیم گردیده، کلمه نقل [به جای واژه نخل] استفاده شده است. این نخل در مقابل تکیه امیرچخماق در میدانی به همین نام در یزد قرار دارد. (نگاه کنید به تصویر ۳: نخل امیرچخماق در برابر تکیه امیرچخماق، عکس از تارا بهرامپور) تاریخ این تقدیم‌نامه ۲۰ رجب ۱۲۲۹ ق. برابر با ۹ فوریه ۱۸۸۲م. است. طول، عرض و ارتفاع هریک از اضلاع نخل تکیه امیرچخماق ۸/۵ متر است. (ایرج افشار، ۱۹۷۵-۱۹۶۹: جلد ۲، ۷۰۹)

نخل، چهارپایه دارد که قاعده‌ای مستطیل شکل را نگه می‌دارد. این قاعده از چند تنه

درخت متقاطع تشکیل شده است که از پهلو در چهار جهت به هم چسبانیده شده‌اند. مردها از تیرک‌ها، برای حمل این سازه بر روی شانها و ساعدهایشان استفاده می‌کنند. این تیرک‌ها به‌طور مجازی نماد نیزه‌هایی هستند که در کربلا بر بدن امام حسین [ع] فرو رفتند. به عقیده عبدالعظیم پویا، پایه‌های نخل از چوب درخت چنار و تیرک‌هایی که بر روی شانها و دست‌ها قرار می‌گیرند، از چوب درخت صنوبر ساخته می‌شود.

چوب درخت توت نیز برای ساخت شبکه‌ای استفاده می‌شود که بر روی صفحه مشبک ساخته‌شده از تیرک‌ها قرار می‌گیرد. این تیرک‌های مشبک با میخ و بست‌های فلزی به هم وصل می‌شوند و برخی اشیای تزئینی با میخ و ریسمان به آنها متصل می‌شوند. اگرچه به این سازه نام نخل (درخت خرما) داده می‌شود، شکل این تیرک‌های مشبک بسیار شبیه درخت سرو است. در ادبیات فارسی، درخت سرو استعاره زیبایی، به‌ویژه برای انسانی خوش‌قیافه و دلپذیر است. در لوح هدایی که به نخل امیرچخماق الصاق شده است، سازه نخل شبیه پیکر زیبای «سلطان کربلا» که امام حسین [ع] باشد، توصیف شده است.

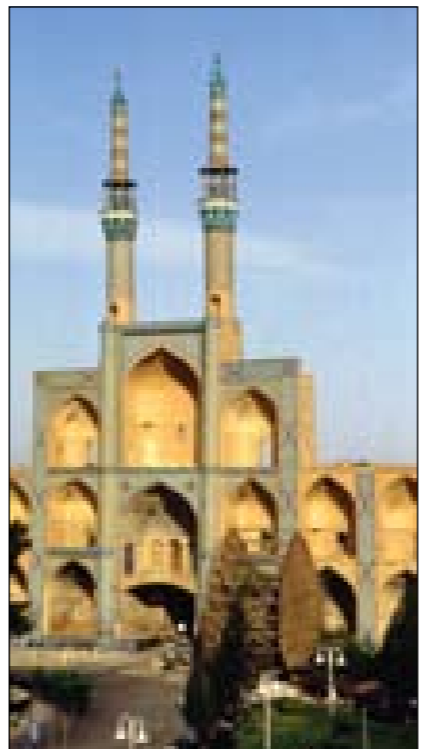
نخل و مناسک نخل در اصل در شهرها و روستاهای حاشیه کویر بزرگ مرکزی [ایران] از سمنان تا دامغان، تا قم، کاشان، خور، بیابانک، زواره، اردستان و نایین یافت می‌شود؛ اما بزرگ‌ترین نخل‌ها در منطقه یزد که بیشترین نخل‌ها هم در همین منطقه است، یافت می‌شوند. در این منطقه، [حتی] همه روستاهانخل‌خوردارزند.

نخل علاوه بر مظاهر دینی و مناسکی، همچنین نمادی از وحدت اجتماعی آن شهر، روستا یا منطقه به‌شمار می‌رود. نخل‌ها در فضاهای عمومی و جمعی همچون میدانی شهرها، درون و یا اطراف تکیه‌ها قرار داده می‌شوند. بیشتر مردم عقیده دارند که پیکر امام حسین [ع]، پس از مرگ قهرمانانه‌اش، به سایه نخلی انتقال یافت و بنابراین، نخل تابوت

■ نخل و مناسک نخل در اصل در شهرها و روستاهای حاشیه کویر بزرگ مرکزی [ایران] از سمنان تا دامغان، قم، کاشان، خور، بیابانک، زواره، اردستان و نایین یافت می‌شود ■

وی شد. اعتقادی پذیرفتنی‌تر می‌گوید که از شاخه‌های یک نخل که در دشت کربلا وجود داشت، تابوتی موقتی ساخته شد. با گذر زمان، آن بُرانکار ساده به سازه‌ای دارای جزئیات بسیار و تزئینات فراوان تبدیل شد. برای ساخت نخل‌های بزرگ در منطقه یزد، گاهی تا پنجاه درخت لازم بود. در بسیاری موارد، درخت‌هایی که برای ساختن نخل لازم بود، از مسافت‌های دور بر شانه مردم به محل ساخت نخل که پس از ساخت هم در همان محل باقی می‌ماند، آورده می‌شد. (محمد ابوفضلی ۱۹۹۰: ۱۰۶-۸۷)

سازه هر نخل بیشتر در طول سال در جایی



تصویر ۲

ویژه بدون آرایه‌ها و پارچه‌ها در محیط طبیعی قرار داده می‌شود؛ در نتیجه، چوب‌ها کم‌کم می‌پوسند؛ اما نخل عقدا در مکان سرپوشیده‌ای به نام خانه نخل نگهداری می‌شود. (ایرج افشار ۱۹۷۵-۱۹۶۹: جلد ۱، ۴۵۴) نخل معروف میدان امیرچخماق یزد در سال ۱۸۸۲م. وقف شده است و هنوز همانجا قرار دارد؛ اما از آنجا که سازه نخل پوسیده است و دیگر برای حمل ایمن نیست، در دسته‌گردانی‌های سالانه استفاده نمی‌شود. (ایرج افشار، ۱۹۷۵-۱۹۶۹: جلد ۲، ۱۶۷)

عقیده عمومی می‌گوید که نخل به منزله شیئی مقدس، نباید معدوم شود، بلکه باید به کناری نهاده شده تا به‌طور طبیعی بیوسد. این وضعیت هم‌اکنون در شهر تفت که نخل کهنه به کناری نهاده شده است تا عمرش به پایان



Years in a Persian Town, London, 1908, illus. facing p. 134. Abd-al-Azim Puyā, "Jostār-i dar bāra-ya nakhl wa nakhl-bardāri dar Yazd," in *Majmua-ye maqālāt-e nakhostin hamāyesh-e Moharram wa farhang-e mardom-e Irān, Sāzmān-e Mirās-e Farhang-e Kašvar, Tehran*, 1990, pp. 107-20, Hechmatollah Tabibi, "Cérémonies traditionnelles du naxl à Natanz," *Objets et Mondes*, 1714, Musée de L'Homme, Paris, 1977, pp. 175-78, Sayyed Mahdi Sorayyā, *Gozāresh-e marāsem-e nakhl-gardāni-e ruz-e Āšurā dar Mehriz*, 1991," unpubl. fieldwork report.

منبع:

"Nakhl", by Peter J. Chelkowski, *Encyclopedia Iranica*, Vol. 7, Edited by Ehsan Yar-Shater, Mazda Publishers, Costa Mesa, California, 1996

پی‌نوشت:

۱. عقدا یکی از شهرهای استان یزد است. این شهر در بخش عقدا از توابع شهرستان اردکان قرار دارد.
۲. مهریز یکی از شهرهای استان یزد است. این شهر در بخش مرکزی شهرستان مهریز واقع است.

فاصله میان تیرک‌ها در هر طرف کمتر از یک متر است. برای حمل نخل مهریز^۲ به ۱۵۶ نفر نیاز است، در هر طرف سازه این نخل، ۳۹ جا برای ایستادن و بلند کردن است. ■ ادامه دارد....

کتابنامه

Mohammad Abu-Fazli, "Nal-gardāni dar Qamsar-e Kāšān," in *Majmua-ye maqālāt-e nakhostin hamāyesh-e Moharram wa farhang-e mardom-e Irān, Sāzmān-e Mirās-e Farhang-e Kašvar, Tehran*, Iraj Afšār, *Yādgār-hā-ye Yazd*, 2 vols. in 3, Tehran, 1969-75, II, p. 709, Peter Chelkowski, unpubl. field research in Yazd, Mehriz, and Taft, June 1999, Napier Malcolm, *Five*

■ نخل علاوه بر مظاهر دینی و مناسکی همچنین نمادی از وحدت اجتماعی آن شهر، روستا یا منطقه به شمار می‌رود ■

برسد، در حال وقوع است. (ایرج افشار ۱۹۷۵-۱۹۶۹: جلد ۱، ۴۱۰)

در تفت، نخل جدیدی در کنار نخل کهنه قرار دارد. از آنجا که عقیده‌ای همگانی مبنی بر اینکه نخل دارای ویژگی‌های معجزه‌آسایی است وجود دارد، نخلی که دیگر استفاده نمی‌شود [هنوز] مورد احترام است. مردم هنگامی که نذر یا حاجتی دارند، به نزد نخل می‌آیند و جلوی آن شمع روشن می‌کنند. نخل امیرچخماق یکبار از [همین] شمع‌های نذری که نزدیک آن قرار داده شده بود، آتش گرفت.

نخل‌های بزرگ‌تر، بیشتر، جاهایی برای نگه‌داری قسمت‌های مختلفشان در نزدیکی خود دارند. این قسمت‌ها هر ساله برای تزئین استفاده می‌شوند. در برخی موارد، وسایل تزئینی ضروری در انبار یک تکیه قرار داده می‌شود

گاهی اوقات تیرک‌های کُنده‌ای جلو و عقب این سازه مشبک، از میان تیرک‌های کناری گذشته‌اند و گاهی اوقات تیرک‌های کناری بر روی تیرک‌های جلویی و عقبی نهاده می‌شوند؛ بنابراین تیرک‌ها، ردیف‌بندی‌هایی چهارخانه را می‌سازند. مردانی که نخل را از جلو و عقب برمی‌دارند، آنها را بر روی شان‌های خود حمل می‌کنند؛ اما کسانی که از دو طرف کناری نخل را بلند می‌کنند، تیرک‌های نخل را بر جلوی بازوی وساعده‌های خم‌کرده خود می‌نهند.

نگاهی به زندگی و آثار
دکتر فرانک ج. کروم

کسانی است که آن عزاداری را شاهدند. تاکنون شماری از مردم‌شناسان به تحقیق دربارهٔ ابعاد گوناگون این مراسم پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به دکتر فرانک کروم اشاره کرد. دکتر کروم در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۵۷م. در کیپ‌تاون/آریژونا و مونتنگرو به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۸۴م. کارشناسی انسان‌شناسی فرهنگی (مردم‌شناسی) و مطالعات دینی خود را از دانشگاه کلرادو/آریژونا دریافت کرد. از آن پس در مقطع



کارشناسی ارشد در رشتهٔ «فرهنگ عامه و زندگی عامه» (Folklore and Folklife) به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۸۷م. از دانشگاه پنسیلوانیا مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت داشت. او در همین رشته ادامهٔ تحصیل داد و در سال ۱۹۹۲م. از همین دانشگاه و در رشتهٔ مذکور مدرک دکتری دریافت کرد. علایق پژوهشی دکتر کروم، دین (هندوئیسم، بودیسم، اسلام)، مناسک و اسطوره، فرهنگ عامه

گروه مردم‌شناسی: دکتر فرانک ج. کروم (Frank J. Korom) دانشیار گروه دین و مردم‌شناسی دانشگاه بوستون آمریکا یکی از مردم‌شناسان متخصص مناسک آیینی شیعه به‌شمار می‌رود. وی از ماه سپتامبر سال ۱۹۹۸م. در این دانشگاه مشغول به تدریس است.

یکی از حوزه‌های تخصص و پژوهش ایشان مراسم آیینی «حُسی» است. این مراسم در میان شیعیان کشور ترینیداد و توباگو در دریای کارائیب در ایام محرم به منظور مناسک عزاداری شهادت امام حسین (ع) برگزار می‌شود.

ترینیداد و توباگو کشوری کوچک در دریای کارائیب است که هشتاد درصد جمعیت کم‌وبیش یک میلیون و سیصد هزار نفری آن را کسانی با تبار آفریقایی و هندی تشکیل می‌دهند. در اوایل قرن نوزدهم، دولت بریتانیا شماری از مردمان شمال هندوستان را برای کار در مزارع به ترینیداد و توباگو منتقل کرد. در سال ۱۹۱۷م. حدود یکصد و چهل و چهار هزار کارگر از هندوستان به ترینیداد کوچ داده شده بودند. این عده از مناطقی چون آگره و اوده به ترینیداد آمده بودند. از نظر دینی آنها بیشتر هندو بودند؛ اما در میان‌شان شیعیانی نیز یافت می‌شدند. (Thaiss 1999: 38 p)

از آنجا که علاوه بر شیعیان شبه‌قارهٔ هند، پیروان دیگر ادیان این منطقه نیز مشارکت فعالی در مراسم محرم و سوگواری امام حسین (ع) دارند، به‌زودی برگزاری مراسم دههٔ محرم در میان این مهاجران نیز آغاز شد و تاکنون نیز ادامه داشته است. این مراسم که به دلایلی مردم‌شناختی صورت‌های فرهنگی تازه‌ای یافته است، به‌طور عمومی به مراسم «حُسی» (تحریف‌شدهٔ نام حسین) معروف است. حُسی مجموعه‌ای از آداب فرهنگی است که گروه‌های مختلف مردم در این کشور برگزاری می‌کنند. از نکات درخور توجه این مراسم، استفاده از طبل‌های گوناگون و فریاد «حُسی! حُسی!» عزاداران و مشارکت «گویم حُسی! گویم حُسی!»

ماخذشناسی آثار دکتر فرانک ج. کروم

13, 1993, 54-63 p. [co-authored with

P. Chelkowski]

یک سوگواری جشنی: محرم در ترینیداد
سخنرانی‌ها

"Ritual and Power in Trinidad, 1845-

1997", Department of Anthropology,

Uppsala University, December 2005

منسک و قدرت در ترینیداد، ۱۸۴۵-۱۹۹۷م.

"Ritual and Power in Trinidad, 1845-

1997", Occidental Lecture, Indian

Historical Society, Kolkata, India,

November 2004

منسک و قدرت در ترینیداد، ۱۸۴۵-۱۹۹۷ م.

"Ritual and Resistance in Colonial

Trinidad", Rupasi Center for Culture

Studies, Kolkata, India, January 2003

منسک و مقاومت در ترینیداد زیر استعمار

"Visually Documenting Ritual in Trini-

dad", Department of Anthropology,

Williams College, November 2001

مستندسازی تصویری منسک در ترینیداد

"Ritual and Power in Trinidad, 1845-

1997", Slovenian Academy of Sciences, Ljubljana, September 2001, (postponed)

مقالات

"Reconciling the Local and the Global

: The Ritual Space of Shi' i Islam in

Trinidad", *Journal of Ritual Studies*,

Vol. 13, No. 1, 1999, 21-36 p.

تلفیق میان امر محلی و امر جهانی: فضای

مناسک اسلام شیعی در ترینیداد

"The Transformation of Language to

Rhythm : The Hosay Drums of Trini-

dad", *The World of Music*, Vol. 36,

No. 3, 1994, 68-85 p.

دگرگونی زبان به ریتم: طبل‌های حُسی در

ترینیداد

"Community Process and the Perfor-

mance of Muharram Observances in

Trinidad", *The Tisch Drama Review*,

Vol. 38, No. 2, 1994, 150-175 p. [co-

authored with P. Chelkowski]

طرز عمل جماعت و نمایش آداب محرم در

ترینیداد

"A Festive Mourning : Moharram in

Trinidad", *The India Magazine*, No.

ثمرهٔ پژوهش‌های دکتر کروم دربارهٔ مراسم حُسی، طیف وسیعی از موضوعات و شاخه‌های مختلفی از تولید علمی را دربرمی‌گیرد. آثار ایشان دربارهٔ این منسک شیعی، شامل تولید یک فیلم مستند، یک کتاب، شمار زیادی مقاله، سخنرانی و مقالهٔ ارائه‌شده به کنفرانس‌هاست که از این پس به تفصیل به آنها اشاره خواهد شد. در ذکر آثار وی دربارهٔ مراسم آیینی حُسی، عنوان این آثار به فارسی ترجمه شده است. از ذکر اسناد آثار و نیز محل سخنرانی‌ها و یا کنفرانس‌ها به زبان فارسی (به علت کمبود صفحات) خودداری می‌کنیم.

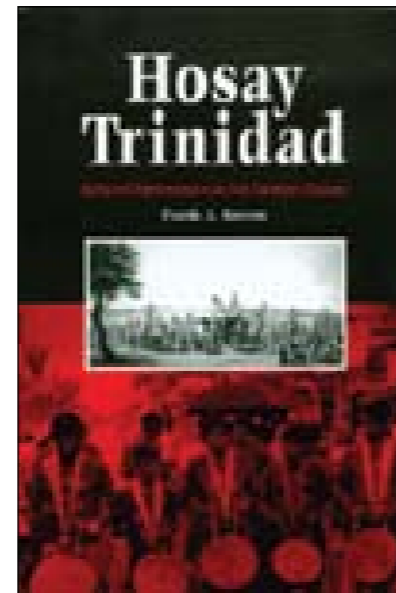
فیلم مستند

فیلم مستند «حُسی ترینیداد»، این فیلم مستند اولین بار در گردهمایی سالانه انجمن مردم‌شناسی آمریکا در فیلادلفیا در دسامبر ۱۹۹۳م. به نمایش درآمد. این فیلم پس از آن بارها در مجامع علمی و سینمایی جهان به روی پرده رفته است.

کتاب

Hosay Trinidad: Muharram Performances in an Indo-Caribbean Diaspora, Philadelphia, University of Pennsylvania Press, 2003

ترینیداد حُسی: نمایش‌های محرم در پراکندگی قومی هندی-کارائیبی



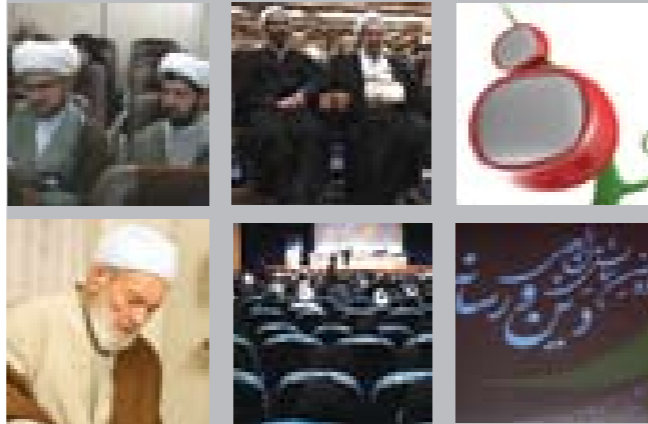
و فرهنگ مادی، سیاست‌های بازنمایی، مطالعات نمایشی، قومیت، پراکندگی قومی، جهانی‌شدن و فراملی‌گرایی، زیارت و گردشگری، جنوب آسیا (هند، نپال، پاکستان، بنگلادش، حوزهٔ دریای کارائیب (ترینیداد و جامائیکا))، تبت و ایران است. وی ۲ سال پس از دریافت مدرک دکتری به تدریس دانشگاهی مشغول شد و از سال ۱۹۹۴م. تا ۱۹۹۸م. مدرّس دین و انسان‌شناسی در «سانتافی کامیونتی کالج» بود. از آن پس و تاکنون در دانشگاه بوستون به تدریس مشغول است.

رویکردهای مردم‌شناختی به دین، سنت شفاهی به منزلهٔ هنری کلامی، رویکردهای نظری به اسطوره، فرهنگ، جامعه و دین در جنوب آسیا، معنویت عصر جدید، هندوئیسم و مردم‌شناسی دین مهم‌ترین موضوعات تدریسی دکتر کروم بوده است. ایشان به زبان‌های انگلیسی، آلمانی، بلغاری، بنگالی، هندی و اردو مسلط است.

اولین کار میدانی و پژوهش دکتر کروم در ترینیداد و مطالعه دربارهٔ مناسک حُسی، در تابستان سال ۱۹۹۱ م. بود که در تابستان سال آینده‌اش ادامه یافت. از آنجا که در کتابخانه بریتانیا آثار فراوانی دربارهٔ مناسک سوگواری محرم در شبه‌قارهٔ هند، وجود دارد، دکتر کروم در ژانویهٔ سال سوم (۱۹۹۳م.) به انگلستان سفر کرد و به تحقیق دربارهٔ «نمایش‌های قرن نوزدهمی محرم» در کلکسیون ادارهٔ شرقی و هند موزهٔ بریتانیا مشغول شد. بار دیگر در ماه فوریه ۱۹۹۶م. بود که وی در مناسک حُسی در ترینیداد شرکت جست. ماه می ۱۹۹۷م. جدیدترین حضور وی در منطقهٔ ترینیداد و توباگو و انجام پژوهش میدانی و نیز مطالعهٔ آرشیوی دربارهٔ این مراسم بوده است.

دکتر کروم هم‌اکنون یکی از برجسته‌ترین متخصصان منسک آیینی «حُسی» به‌شمار می‌رود و هیچ محقق دیگری دربارهٔ این منسک آیینی در میان شیعیان حوزهٔ دریای کارائیب از آثار ایشان بی‌نیاز نیست. ■

اسلام مختلف اسلام من شعوب



گروه رسانه: مشخص نیست که اولین شبکه مذهبی چه زمانی راه اندازی شد. در واقع این شبکه‌ها که مذاهب گوناگونی را شامل می‌شوند، عمری دراز دارند، بعضی از آنها با گذشت زمان باقی ماندند و رشد کردند، برخی نیز فراموش شدند و به حاشیه رفتند. امروز می‌بینیم، شبکه‌های متعدد مذهبی فارسی‌زبان سر برمی‌آورند و این احساس تعلق به ریشه‌های دینی اسلام، حساسیت پیروان را برانگیخته و توجه آنها را جلب کرده است. اینکه این شبکه‌ها از چه فیلترهایی عبور کرده‌اند تا در معرض دید مخاطب میلیونی در سراسر جهان قرار گیرند، جای پرسش دارد. یکی از این شبکه‌های ماهواره‌ای، شبکه سنی «نور» است.

نمی‌کند و خود را یک رسانه فارسی‌زبان مستقل معرفی می‌کند و ترویج ارزش‌های اصیل اسلامی را دل‌مشغولی روشنفکران و صاحب‌نظران این شبکه می‌داند.

اهداف

- شبکه نور در معرفی خود در وبسایت، این اهداف را برای خود در نظر گرفته است:
- پیوند تمدن اسلامی با سایر تمدن‌ها بر اساس رهنمودهای نبوی و با بهره‌گیری از شاخص‌های جامعه مدنی دوران پیامبر اکرم (ص)
- نشر ارزش‌های اخلاقی و اسلامی چون محبت، الفت، هم‌گرایی و مودت
- گشودن دریچه تفاهم، گفت‌وگو و پیوند دینی به روی تمام مخاطبان
- ارائه برنامه‌های متنوع، گیرا، مفید و مناسب برای همه رده‌های سنی
- دوری از همه معیارهای مغایر با وحدت و یکپارچگی جهان اسلام
- ابتعاد از دخول به مباحث و چالش‌های سیاسی

پایگاه اینترنتی

طراحی پر رنگ و لعاب وبسایت، در نگاه اول توجه را جلب می‌کند. صفحه اصلی این سایت، تصویر محور است و متن در آن

تاریخچه
فکر تأسیس شبکه ماهواره‌ای نور در شهریور ماه ۱۳۸۲ ایجاد شد و طی مراحل مختلف تولید تا پخش اولین برنامه این شبکه، ۵ سال به طول انجامید. ۱۹ مرداد سال ۱۳۸۷ پخش آزمایشی این شبکه روی ماهواره هاتبرد آغاز شد.

گرایش‌های مذهبی

شبکه جهانی نور را کارشناسان اهل تسنن اداره می‌کنند؛ اما در مقایسه با همتای شیعی خود، وابستگی به یک مذهب خاص، در نگاه اول به چشم نمی‌آید. این شبکه حتی در معرفی خود در وبسایتش، به گرایش مذهبی خود اشاره‌ای

- سر بر آوردن شبکه‌های ماهواره‌ای در اقصی نقاط جهان
- با هزینه‌های شخصی و بودجه‌های نامعلوم
- زنگ خطر را برای رسانه ملی
- و علمای دینی به صدا درمی‌آورد

غول‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان شیعه و سنی تلنگری به خلأ رسانه‌ای ما هستند. پس از بررسی شبکه سلام در شماره پیشین، این بار مروری بر «نور تی‌وی» می‌کنیم و در مورد رویدادهای اخیر در حوزه رسانه، «همایش دین و رسانه» بحث می‌کنیم.

University of Pennsylvania, Philadelphia, October 1989

یادآوری و به فراموشی سپردن دردناک: رستگاری به وسیله نمایش درپارسایی مردمان

"Popular Religious Drama in the Shi'i World", University of Pennsylvania, October 1987

نمایش متداول دینی در جهان شیعی

مقالات ارائه شده به کنفرانس‌ها

"Contested Identities and the Use of Tradition in an Indo-Trinidadian Community", International Symposium on Hindu Diaspora, Concordia University, August 1997

هویت‌های رقیب و استفاده از سنت در جماعتی هندی-کارائیبی

"Identity on the Move: A Trinidadian Shi'i Ritual in Transnational Perspective", Symposium on Migrations and Homeland, real and Imagined, Constructing South Asian Muslim Identities, North Carolina State University, May 1997

هویت در حرکت: یک منسک شیعی ترینیدادی در چشم‌اندازی فراملی

"Moon Men: Body Symbolism in the Hosay Moons of Trinidad", Annual Meeting of the American Folklore Society, Jacksonville, October 1992

مردان ماه: نمادگرایی جسمانی در ماه‌های حسی ترینیداد

"Tragic Shi'i Drama in Iran, India and Trinidad", Annual Meeting of the American Folklore Society, Albuquerque, October 1987

نمایش حزن‌انگیز شیعی در ایران، هند و ترینیداد

"Muharram and Ta'z'iyeh in Shi'i Islam: A Comparison of Two Performative Contexts", Annual Meeting of the Southeastern Regional Chapter of the American Academy of Religion, Atlanta, March 1987

محرم و تعزیه در اسلام شیعی: مقایسه‌ای میان دوزمینة نمایشی

منابع:

Thaiss, Gustav, 1999, "Muharram Rituals and the Carnavalesque in Trinidad", ISIM Newsletter, No. 3, 1999, 38 p.



Observance in Trinidad", Anthropology Seminar, Smithsonian Institution, October 1992

حسی: یک منسک دینی مذهبی متعلق به شرق هندوستان در ترینیداد

"Vicarious Suffering in Shi'i Islam and Other World Religions", University of Lethbridge (Canada), July 1992

رنج نیابتی در اسلام شیعی و دیگر ادیان
"The Sought Asia Background of Shi'i Mourning Rites in Caribbean", Workshop in Intercultural Performance, New York University, February 1992

پیش‌زمینه جنوب آسیایی مناسک عزاداری در کلایب

"I Say Hosay": The Transformation of an Islamic ritual in Caribbean", New York University, November 1991

«گویم حسی!»: دگرگونی یک منسک اسلامی در کارائیب

"Who Say, I Say, Hosay": The Ritual Maintenance of East Indian Ethnic Identity In Trinidad", University of California, Los Angeles, October 1991

«که می‌گوید، من می‌گویم حسی»: نگهداشت مناسکی هویت قومی شرق هندی در ترینیداد شیعی

"Suffering Remembering and Forgetting: Salvation Through Drama in Shi'i Folk Piety", Moors, Giants, Saints and Fools: Festival Drama From around the World, University Museum, Uni-

منسک و قدرت در ترینیداد، ۱۸۴۵-۱۹۹۷ م.

"Where Drums are Sacred: The Tassas of Trinidad", Music and Religion Symposium, Center for the Study of World Religions, Harvard University, April 2001
جایی که طبل‌ها مقدس‌اند: طبل‌های تاسه ترینیداد

"Negotiating Ethnicity Through Ritual in Multicultural Trinidad", Anthropology Colloquium, School of American Research, July 2000

گفت‌وگو درباره قومیت به واسطه منسک در ترینیداد چند فرهنگی

"Making Tadjahs: The Art of Community Formation in Trinidad", Seminar of Art in the Diaspora, University of East Anglia, December 1996

ساخت توجه: هنر شکل‌دهی به جماعت در ترینیداد

"Islam in a Carnival Context: A Shi'i Ritual as Practices in Trinidad", Loyola University, Chicago, September 1995

اسلام در زمینه‌ای کارناوالی: منسکی شیعه بدان گونه که در ترینیداد برگزار می‌شود

"Hosay Hermeneutics: Contested Meanings of An Indo-Trinidadian Ritual Performance", Indiana University, February 1994

تفسیر حسی: معانی رقیب یک نمایش آیینی هندی-کارائیبی

"Hosay: An East Indian Religious

بانرخوانی مفاهیم رسانه‌دینی و این رسانه‌های شده

■ گزارشی از دومین همایش بین‌المللی دین و رسانه ■



مطهره آخوندی

دومین همایش «دین و رسانه» که به همت دفتر پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما قم، چهارم آبان در سالن همایش‌های سازمان تبلیغات اسلامی قم و روز پنجم آبان ماه سال جاری در دانشکده صدا و سیما تهران برگزار شد، به بررسی رسانه دینی و حضور دین در رسانه پرداخت.

دکتر «سعیدرضا عاملی»، رئیس دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، «علیرضا پویا»، رئیس مرکز تحقیقات صدا و سیما و «عیسی جهانگیر» مقالات خود را در روز اول همایش ارائه کردند. همچنین آیت‌الله «مرتضی مقتدایی»، رئیس حوزه علمیه قم نیز با تأکید بر برگزاری همایش‌هایی از این دست، با محوریت رسانه و دین سخنرانی کرد.

سرزمین همیشه آفتاب

سعیدرضا عاملی، رئیس دانشکده مطالعات جهان و استادیار دانشگاه تهران، مقاله خود را با نام «شهر مجازی اسلامی» ارائه کرد. عاملی از استادان مطرح در حوزه مطالعات جهانی شدن و فضای مجازی است و هم‌اکنون پروژه شهر مجازی اسلامی را در حال اجرا دارد. وی با مقایسه ویژگی‌های دین و فضای مجازی، با تعبیر «سرزمین همیشه آفتاب» برای فضای مجازی به موضوع زمان در فضای مجازی که ۲۴ ساعت و هفت روز هفته است، پرداخت که بر خلاف زمان واقعی که گذشته و حال دارای معناست، این عناصر در این فضا رنگ می‌بازد.

رئیس دانشکده مطالعات جهان بر این باور است که دین می‌تواند، با ظرفیت رسانه‌ای فضای مجازی تطابق پیدا کند؛ زیرا فراگیری، همه‌جا حاضر بودن فضای مجازی، فرازمانی و فرامکانی بودن از ویژگی‌های فضای مجازی است. در دین اسلام مفهوم ابدیت پیام وجود دارد که سازگار با ویژگی‌های فضای مجازی است. در ادامه عاملی به ارائه نتایج پیمایشی در حوزه نیازسنجی مسلمانان از فضای مجازی پرداخت؛

پیمایشی که مسلمانان ۶۴ کشور پاسخ‌گوی آن بودند، نشان داد که فعالیت‌هایی که مسلمانان، علاقه‌مند به انجام آن از طریق فضای مجازی هستند، عبارت‌اند از: پرداختن به امور تجاری و مالی مبتنی بر بانکداری اسلامی، خرید و فروش کالاهای مرتبط با دین و امور معنوی، ارسال ایمیل با محتوای مذهبی، به‌جا آوردن آیین‌های

مذهبی، گفت‌وگو با دیگران در مورد مسائل دینی، امور زندگی اجتماعی، مشاوره گرفتن در مورد مسائل دینی، استفتاء از طریق وبسایت مراجع، انفاق و کمک به نیازمندان. ۶۹ درصد پاسخ‌گویان از آسیا، ۳/ درصد از استرالیا، ۶ درصد از آمریکا، ۱۹ درصد از آفریقا و ۶/۴ درصد از اروپا بودند.

مذهب تسنن، نزدیکی آن به فضای ایران، محتوای برنامه‌های آن و طرح مباحث حساس، دست‌به‌دست هم داده است تا این شبکه ماهواره‌ای همیشه مشتریان ثابت خود را داشته باشد؛ با وجود این، تلاش برای جذب مخاطب بیشتر، همواره در دستور کار این شبکه‌ها وجود دارد.

جای خالی بزرگان

گرایش به شبکه‌های مذهبی ماهواره‌ای از سوی مردم، امری بدیهی است؛ چراکه بخشی از نیاز مردم را که وظیفه برطرف ساختن آن به عهده رسانه است، برطرف می‌سازند. سر برآوردن شبکه‌های ماهواره‌ای در اقصی نقاط جهان، با هزینه‌های شخصی و بودجه‌های

جایی ندارد. ظاهرش مذهبی‌تر از رقیب شیعی خود است؛ اگرچه در نگاه اول تعلقات مذهبی آن به چشم نمی‌آید. هرچه در صفحات داخلی سایت جست‌وجو کنیم هم نشانی از گرایش مذهبی گردانندگان آن نمی‌یابیم. این مسئله، خود امتیازی برای سایت است که می‌تواند به جذب مخاطب از هر مذهبی بپردازد.

برنامه‌ها

برنامه‌های شبکه ماهواره‌ای نور، میزگرد مذهبی، گفت‌وگوی تلفنی و پاسخ‌گویی به سؤالات، بخش مراسم مذهبی و احادیث را شامل می‌شود. این شبکه نسبت به هم‌تای شیعه خود مخاطب‌محورتر است و در طول تمام برنامه‌ها پیام کوتاه و پیام‌های تلفنی بینندگان شبکه با نام و نام شهرشان روی صفحه حرکت می‌کنند و در نگاه اول تنها از طریق متن پیام‌ها و نام شهرهاست که می‌توان به ماهیت شبکه پی برد.

تأمین مالی

این شبکه نسبت به هم‌تای شیعی خود با مشکلات کمتری برای تأمین بودجه روبه‌روست؛ چراکه تعداد کسانی که از این شبکه حمایت می‌کنند، بیشتر از حامیان شبکه‌های مشابه شیعی است؛ چنان‌که مانند آن به برگزاری هفته همیاری و اعلام شماره حساب برای واريز کردن پول توسط بینندگان خود، نیاز ندارد.

تولید برنامه‌ها

بیشتر برنامه‌های این شبکه در ایران تولید می‌شود و فضاهای شهری که در تصاویر می‌بینیم، همگی متعلق به ایران است. به نظر می‌آید، این شبکه در نقاط مختلف ایران صاحب استودیوست و از این طریق به تولید و پخش برنامه‌های متنوع می‌پردازد. این شبکه در مقطعی به مسائل حساسی پرداخته است که جز تأکید بر اختلافات شیعه و سنی نام دیگری برای آن نمی‌توان یافت. میزگردها و برنامه‌ها و برخی اعمال ویژه فرقه‌های خاصی از اهل تسنن از این دسته هستند که بر طبل اختلاف می‌کوبند.

کیفیت برنامه‌ها

در جایگاه یک شبکه ماهواره‌ای که مخاطبان خاص دارد و عمر چندانی ندارد، برنامه‌های این شبکه از کیفیت خوبی برخوردارند. دکورهای گرافیکی، استودیوهای ضبط و پخش برنامه، آهنگ‌ها و کلیپ‌های مذهبی این شبکه، کیفیت خوبی دارند و نشان‌دهنده سفارش آنها به سازندگان حرفه‌ای است.

مسابقه رسانه‌ای

شبکه ماهواره‌ای نور تا حد زیادی در جذب مخاطب موفق بوده است. مجموعه عواملی چون تازگی داشتن این شبکه، نبود کانال‌های مشابه در سطح جهانی برای پیروان فارسی‌زبان



آیت‌الله مقتدایی، رئیس حوزه علمیه قم، سخنران بعدی همایش بودند که به بررسی تاریخی حضور دین در نظام جمهوری اسلامی ایران پرداختند. وی از تأکید امام خمینی (ه) بر حضور نظام اسلامی در جامعه گفت و از رسانه دینی، داشتن حالت قداست‌گونه را خواستار شد. وی معتقد است که هنر باید چهره دینی داشته باشد و هدف این همایش را ارائه بحث‌هایی در زمینه دینی‌شدن رسانه دانست.

جایگاه رسانه در مدل اسلامی تبلیغات

حجت‌الاسلام «محمد کاویانی» به بررسی مدل‌های تبلیغات اسلامی پرداخت و مقاله خود را با نام «جایگاه رسانه در مدل اسلامی تبلیغات» ارائه کرد. کاویانی سه مدل محتوایی، ساختاری و جریانی را بیان کرد و به تشریح این سه مدل پرداخت.

بر اساس این طرح، مدل محتوایی به این معناست که فضای محتوای دینی چه باید باشد و اهداف و مسیر آن چیست. مدل ساختاری به ساختار پیام و شکل‌دهی پیام می‌پردازد و مدل جریانی نیز به کیفیت اجرای تبلیغ از ابتدا تا انتها به صورت زنجیره‌وار اشاره دارد.

کاویانی در ادامه نقش رسانه‌های گروهی را در تبلیغ دین بررسی کرد. وی معتقد است که رسانه‌های گروهی در تعامل چند جانبه، نقش مخزن بزرگ اطلاعات را بازی می‌کنند که بخش‌های دیگر به آن راه دارند و به تبادل اطلاعات با سایر مجموعه‌ها می‌پردازند.

مونوگرافی فضای سایبر شیعه

«عیسی جهانگیر» مقاله‌ای را با نام «مونوگرافی فضای سایبر شیعه» که از پایان‌نامه ارشد وی اخذ شده بود، ارائه داد.

وی با نگاهی تماشگراییانه به حضور ۱۱ ساله شیعه در فضای مجازی پرداخت. منظور از فضای سایبر شیعه در این مقاله، سایت‌های متعلق به شیعیان اثنی‌عشری است که اطلاعاتی در حوزه شیعه ارائه می‌کنند.

اولین فضای سایبر شیعه در ایران با سایت «حوزه نت» در سال ۷۷ آغاز شده است و پس از آن سایتی متعلق به آیت‌الله سیستانی و سپس «بلاغ» پا به عرصه ظهور نهاده‌اند. وی از نقش پررنگ قم و حوزه علمیه و طلاب دینی در فضای سایبر شیعی یاد و هفت موج از فضای سایبر شیعی را به ترتیب زیر ارائه کرد: متن‌محوری، نهاد‌محوری، مناسک‌محوری، مواجهه‌محوری، گفت‌وگو‌محوری، اجتماع‌محوری، آموزش‌محوری.

هفت موج فضای سایبر شیعی

موج متن‌محوری: متون دینی بر سایر فعالیت‌های ارتباطی چیره بوده است و سایت‌های ایستا با گرافیک ساده و صرف انتقال مفاهیم مکتوب بوده‌اند.



موج نهاد‌محوری: نهادهای دینی و مراجع به ایجاد سایت و یا حمایت از وبسایت‌های موجود پرداخته‌اند و چندبازنگی از ویژگی‌های این سایت‌هاست.

موج مناسک‌محوری: که با تأکید بر عواطف دینی در جامعه به جای تأکید بر شناخت سایت‌هایی چون استخاره آنلاین، حج مجازی، حسینه مجازی و ... را شامل می‌شود.

موج مواجهه‌محوری: سایت‌ها به مواجهه عقیدتی نگاه می‌کنند و بیشتر حالت دفاع انفعالی در برابر وهابیت دارند. مواجهه سیاسی چون تکفیر اینترنتی، سایبر تروریسم از مفاهیم این موج است.

موج گفت‌وگو‌محوری: به هم‌زیستی و گفت‌وگوهای دینی چون تالار گفت‌وگوها اشاره دارد.

موج اجتماع‌محوری: که به ساماندهی یک زندگی دینی در اینترنت که نیازهای مختلف کاربران دینی را به صورت مجازی در برمی‌گیرد، شامل می‌شود. ارتباط دوسویه، پویابودن و به‌روزرسانی سریع مانند سایت تبیان مثالی از این موج محسوب می‌شود.

موج آموزش‌محوری: که گرایش به آموزش مجازی دارد.

جهانگیر راه‌حلی برای تثبیت موج اجتماع‌محوری ارائه داد که عبارت‌اند از: پرهیز از موازی‌کاری، بازآفرینی هنری و تولید محتوا، اهتمام به ابعاد ارتباطی و تعاملی و توجه به مخاطب و ارتباط دوسویه.

آسیب‌شناسی رسانه دینی

دکتر «علیرضا پویا» به ارائه نتایج مقاله خود درباره «معیارهای خبر و اطلاع‌رسانی در قرآن کریم» - که کتابی با این نام نیز چاپ شده است - پرداخت.

است که در نتیجه آن مخاطب رفتارهای دینی از خود بروز می‌دهد.

وی جامعه اسلامی را جامعه‌ای به دور از تعصب و دارای گفتمان انتقادی ارزیابی کرد که رسانه دینی در آن به تبیین اخلاق‌ها و ارزش‌های دین می‌پردازد و جامعه را به سمت زندگی عادلانه‌تر، دینی‌تر و انتقادی‌تر سوق می‌دهد.

همچنین دکتر «ناصر باهنر» و «علی جعفری»، مقاله‌ای با موضوع «رادیو و مدل آیینی در توسعه ارتباطات دینی؛ مطالعه موردی شبکه معارف صدا» را ارائه دادند.

«حجت‌الله بیات» نیز در مقاله «مبانی ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین» به ارائه این موضوع در همایش پرداخت.

بیات معتقد است که اسلام، دینی است که به طور کامل ارتباطی است. او به بهره‌گیری از رسانه‌های نوین در امر تبلیغ پرداخت و گفت:

«دو بعد مهم رسانه‌های نوین بعد «ارتباطی» و «بهرمندی» است. پیشرفت‌های حاصل از رسانه‌های جدید تغییرات عمده‌ای را در ارسال پیام و استفاده مخاطبان رسانه‌ای ایجاد کرده‌اند.

فراهم‌شدن امکانات برای پخش گسترده باعث شده است، این تغییرات به وجود آید؛ شیوه‌های جدید ضبط و نگهداری رسانه‌های نوین و فرا ملی شدن پیام‌رسانی، سهولت دسترسی مخاطبان به برنامه‌های مختلف و بالا رفتن قدرت انتخاب آنان، همچنین بخش عمده‌ای از فرصت آنان را به بهره‌گیری از برنامه‌های رسانه‌ها اختصاص داده است.»

وی در چنین شرایطی برای ابلاغ پیام‌های جهانی و جاودانه اسلام، تکیه صرف به ارتباطات سنتی، میان‌فردی و گروهی را لازم ندانست؛ زیرا ابزارها، شیوه‌های ارتباطات و تبلیغات با زمان‌های گذشته به طور کامل متفاوت شده است و اصل تناسب تبلیغی در اسلام، ما را ملزم می‌کند که از رسانه‌های نوین در تمام فرآیندهای پیام‌رسانی بهره ببریم.

در مقاله «رادیو، مدل آیینی در توسعه ارتباطات دینی» که دکتر باهنر آن را ارائه کرد، آمده است: «به نظر می‌رسد، رادیو معارف در رویکرد کم‌و‌بیش یکنواخت، اما مستمر و فعال ده سال اخیر خود، به طور عمده با «تلفی‌هایی انتقالی از ارتباطات» سروکار دارد و نخواستار است، توسعه ارتباطی خود را از راهبردهایی بدیل و جدید دیگری پی‌گیری کند. اتکاء به بسته‌های تک‌موضوعی، مورد خطاب قرار ندادن هویت‌های دینی سنی و صنفی با برنامه‌سازی همگانی و سطح‌بندی مخاطبان به نخبه و عوام، از نشانه‌های ضعف بهره‌های آیینی این رادیوی مهم است.»

این مقاله برای برنامه‌سازی آیینی، این پیشنهاد را ارائه کرد که رویکرد اختصاصی (اختصاص

برنامه‌ها به هویت‌ها و گروه‌های مذهبی متنوع) به جای رویکرد تخصصی (برنامه‌هایی که به هویت‌های مذهبی مختلف مخاطبان توجهی ندارند و که فقط از نظر عمق محتوایی به دو دسته عمومی و تخصصی تقسیم می‌شوند) در اولویت قرار گیرد، حضور تلفنی شنوندگان در برنامه‌سازی توسعه کمی و کیفی یابد و برنامه‌های تلفنی «قرارگرایانه» و «ابرازگرایانه» نیز در کنار تلفن‌های «بیانگرانه» حضور داشته باشند، همچنین در بسته‌های اختصاصی برنامه‌سازی، به محتواهای سرگرم‌کننده و تاریخی به طور جدی توجه شود.

اصالت با ارتباطات دینی است یا رسانه دینی؟

در میزگردی نیز که با حضور «حسام‌الدین آشنا»، استاد فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)، «حسن خجسته»، معاونت سابق صدا و حجت‌الاسلام «هادی صادقی»، دبیر همایش برگزار شد، موضوع رسانه دینی پی‌گیری شد.

آشنا بر خلاف صادقی معتقد است که اصالت با ارتباطات دینی است. وی به مفهوم مطلق رسانه‌های دینی معتقد نیست؛ زیرا در اساس ارتباطات فرهنگی و دینی است و در آن رسانه دینی تحقق می‌یابد.

از این منظر ارتباطات دینی امری جدید نیست، رسانه، وسیله‌ای برای تبدیل دین در جامعه به فرهنگ است. تبدیل دین به امور باید و نبایندی که همان تبدیل امر مکتوب دینی به امر جاری زندگی روزمره است، کار رسانه است. امر فرهنگی باید با ویژگی‌های تغییر تدریجی، اختیاری و انتقال بین نسلی همراه باشد.

صادقی، رسانه دینی را با توجه به نحوه نگرستن از ابعاد مختلف در تعریف دارای گستردگی و محدودیت توصیف کرد. وی تعریف



از رسانه را محدود به رسانه دیداری و شنیداری و تعریف از دین را نیز به همان معارف قدسی، محدود کرد و بحث را با این پرسش ادامه داد که برای آنکه رسانه به رنگ قدسی درآید، چه باید کرد؟ راه‌حلی‌هایی که برای دینی‌کردن رسانه از طرف صادقی مطرح شد، عبارت‌اند از: ارائه موضوعات، محتوای دینی، ساختار دینی و تأثیر دینی. رسانه دینی از دیدگاه صادقی رسانه‌ای است که بتواند سمت‌وسوی مخاطب را به سمت دینداری و فرا رفتن از خود‌مادی زمینی این جهانی و این مکانی به سمت عالم قدسی متمایل کند و به تعالی‌بخشی به مخاطب بپردازد.

خجسته از حوزه هنجاری باید و نبایندی به رسانه نگاه کرد که چه چیزهایی به مثابه برنامه دینی در رسانه باید مطرح شود و کدامیک بر خلاف خط قرمز رسانه‌ای در رسانه دینی امکان طرح شدن را ندارد.

وی اظهار کرد که اگر بخواهیم، در حوزه عمومی و زندگی روزانه، رسانه‌ای به طور کامل دینی داشته باشیم، نمی‌توانیم؛ زیرا گرفتار ذات رسانه مدرن هستیم که ماهیت ضد اخلاق دارد؛ در نتیجه ذات آن در دست ما نیست که بخواهیم اصلاح کنیم؛ چراکه ذات ماهیت را شکل می‌دهد.

وی یکی از نارسایی‌های رسانه را در بیان مفاهیم قدسی با بیان مثالی این‌گونه مطرح کرد که بعضی مفاهیم عالی که به تلویزیون وارد می‌شود، دچار تنزیل و تقلیل می‌شوند؛ برای مثال تصویری‌کردن شیطان، درک آدمی را از مفهوم شیطان محدود می‌کند.

اکنون این پرسش وجود دارد که رسانه‌های مدرن چقدر می‌توانند، هم‌گام با زندگی دینی، ما را راه ببرند؟ وی کشف عنصر ارتباطی را که بتواند به این پرسش پاسخ دهد، ضروری تلقی کرد. ■

بنیاد مبتنی

گزارشی از نشست‌های خیمه با اساتید، صاحب نظران و مدیران درباره موضوع رسانه‌های دینی



مجلسه‌ای در یکی از جلسات خیمه

شیوه‌های علمی افکارسنجی و بر اساس روش‌های جامعه‌شناختی
 - اخذ نظریات صاحب‌نظران و کارشناسان در حوزه تخصصی و همچنین علم رسانه و انتقال آن به مدیران رسانه
 - برگزاری سمینارهای علمی-کاربردی دین و رسانه
 ■ خدمات آموزشی:
 - آشنایی با استانداردهای نوین جهانی در عرصه رسانه
 - آموزش مدیریت رسانه
 - آشنایی با فناوری‌های نوین رسانه
 - آشنایی با مهم‌ترین رسانه‌های جهان به‌ویژه رسانه‌های دینی
 - آشنایی با روزنامه‌نگاری نوین
 - آشنایی با ژورنالیسم آنلاین
 - برگزاری دوره‌های خبرنگاری و خبرنگاری
 - آشنایی با مفاهیم و نظریه‌های مهم جهانی مانند: جهانی‌شدن، WSI، عصر اطلاعات و ارتباطات و ...

لینک، پوشش خبری عملکرد رسانه‌های عضو برگزاری نمایشگاه‌های دوره‌ای مشترک، انتشار ویژه‌نامه‌های مشترک و ...

کمیته به افزایش سطح کیفی رسانه‌ها از طریق: تأمین منابع انسانی متخصص، برگزاری دوره‌های آموزشی مشترک، به اشتراک‌گذاری منابع محتوایی و اطلاعاتی مشترک، برگزاری جشنواره رسانه‌های دینی و ...
 - برجسته‌سازی اخبار و مطالب ارزشی و اسلامی از طریق پوشش خبری هم‌زمان و مناسب توسط همه رسانه‌های عضو

کمیته و هم‌یاری برای رفع مشکلات صنفی عنوان پیشنهادی برای این کار، بنیاد «برتر» بود. اعضای پیشنهادی مجمع عمومی بنیاد، کلیه رسانه‌های دینی و مکتوب و غیر مکتوب را شامل بودند که در صورت تشکیل چنین بنیادی می‌توانند، از خدمات زیر بهره ببرند:

■ خدمات برنامه‌ریزی و مخاطب‌پژوهی:
 - کمک به طراحی و تدوین سند چشم‌انداز، مأموریت، اهداف و راهبرد، ساختارها و آیین‌نامه‌های داخلی برای رسانه‌های عضو
 - کمک به تعریف دقیق مخاطبان با استفاده از

- درج آگهی‌های مبادله‌ای در رسانه‌های عضو (تبادل لینک)
 - پوشش اخبار و گزارش عملکرد رسانه‌های عضو توسط یکدیگر
 ■ و خدمات گوناگون دیگری از جمله:
 - ایجاد کتابخانه تخصصی
 - به اشتراک‌گذاری منابع انسانی
 - به اشتراک‌گذاری منابع اطلاعاتی، سخت‌افزار و نرم‌افزار، توانمندی‌ها
 - معرفی کارشناسان و صاحب‌نظران کمتر شناخته‌شده به دیگر اعضا

اولین نشست

به این منظور اولین جلسه بررسی پیش‌طرح تشکیل بنیاد رشد و توسعه رسانه‌های دینی (بنیاد برتر) ساعت ۱۰:۳۰، روز دوشنبه ۸۸/۶/۹ در دفتر ماهنامه خیمه در قم برگزار شد. در این جلسه:
 - حجت الاسلام لاجوردی، مدیر مؤسسه انتشاراتی لیلۃ‌القدر
 - حجت الاسلام عبدالله حسن‌زاده آملی، مدیر مسئول نشریه پوپک
 - آقای غفاری، نماینده رادیو معارف قم
 - حجت الاسلام علوی، نماینده مؤسسه تبیان قم
 - حجت الاسلام احمد نجفی، دبیر انجمن وبلاگ نویسی دینی
 حاضر بودند. در این جلسه که در آن همه استادان و کارشناسان حاضر، بر ضرورت تشکیل چنین بنیادی تأکید کردند، موارد زیر مصوب شد:



مصوبات:

- تعیین اهداف بنیاد به طور مشخص و واضح در جلساتی که به منظور تدوین پیش‌طرح با حضور نمایندگان ثابت هر مؤسسه تشکیل خواهد شد
 - تعریف دقیق رسانه دینی و به اتفاق نظر رسیدن در بین اعضا
 - تشکیل دبیرخانه موقت در مرکز مطالعات راهبردی خیمه و پی‌گیری ارتباطات لازم تا تدوین پیش‌طرح از طرف دبیرخانه
 - تشکیل یک اتاق فکر برای تعیین وظایف دبیرخانه و نحوه اجرایی شدن مصوبات
 - آسیب‌شناسی این موضوع که چرا تا به حال هیچ نهادی اهداف مورد نظر را پی‌گیری نکرده است و بررسی موانع احتمالی در ادامه فعالیت‌های بنیاد
 - معرفی یک نماینده تام‌الاختیار برای هر مؤسسه

- بررسی مستند همه مؤسسات و نهادهایی که می‌توانند، در بنیاد عضو شوند و منطق عضو شدن هر مؤسسه

دومین نشست

به دنبال پی‌گیری‌های دوستان مسئول در مرکز مطالعات راهبردی خیمه، دومین جلسه در تاریخ ۸۸/۷/۲۷ با حضور ۱۰ نفر از استادان و کارشناسان ارتباطات و رسانه در سالن جلسات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما برگزار شد. در این جلسه که آقایان دکتر سلیمی، خبازی، متقی‌زاده، حاج‌بابایی، آشتیانی، اسدی‌زاده، رجایی‌فر و بشیری حضور داشتند، به موارد زیر اشاره شد:
 - این طرح بسیار ضروری است و مطبوعات کشور به آن نیاز دارند؛ اما باید فازبندی و از اقدامات کوچک و محدود آغاز شود. ابتدا باید چند رسانه با هم متحد شوند و سپس دیگران را نیز به حضور در بنیاد مجاب کنند.

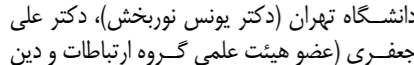


- به فرض اگر همه اقدامات به صورت درست انجام شود، افق و چشم‌انداز طرح موجود مبهم است و باید مشخص شود، در تحقق اهداف در این پهنه رسانه‌ای مکتب چگونه می‌توانیم، تأثیر مطلوب داشته باشیم.
 - باید بررسی کنیم که چگونه می‌توانیم، مصوبات این طرح را الزام‌آور کنیم و آیا مسئولان رسانه‌های دینی پایبند به این الزامات خواهند بود؟
 - اهداف طرح اکنون بسیار نازل‌تر از یک بنیاد است و ما باید واژه توسعه رسانه‌های دینی را به تولید و توسعه رسانه‌های دینی تبدیل کنیم.
 - سه مرحله باید در این طرح مد نظر قرار گیرد:
 الف) خدمات رسانه‌ای، ب) هم‌سان‌سازی و هم‌افزایی، ج) قدرت‌سازی و کنترل قدرت
 - برای موفقیت این طرح باید کسانی خود را برای این کار وقف کنند و با حضور در اتاق فکر بنیاد در یک فرایند زمانی طولانی، طرح را پی‌گیری کنند.
 - پیشنهاد می‌شود با ایجاد یک سایت برای ارائه خروجی‌های رسانه‌های مختلف، به تبلیغ این رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی و ارائه محتواهای این رسانه پرداخته شود و سپس رسانه‌ها را با توجه به لزوم وجود اتحاد به زمینه‌سازی برای حضور در مجمع عمومی ترغیب کنیم.
 - باید بررسی کرد که آیا دیگران پیش از این در

این عرصه گام نهاده‌اند و تلاشی برای گردآوری رسانه‌ها داشته‌اند؟ اگر چنین است، به چه دلیل کار آنها عقیم مانده و به نتیجه نرسیده است؟

سومین نشست

سومین نشست بنیاد برتر در شانزدهمین نمایشگاه مطبوعات برگزار شد. در این نشست، رئیس مرکز مطالعات بین‌المللی دینی و استادیار



دانشگاه تهران (دکتر یونس نوربخش)، دکتر علی جعفری (عضو هیئت علمی گروه ارتباطات و دین دانشکده معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) و مدیر مرکز مطالعات راهبردی خیمه (حجت‌الاسلام مرتضی وافی) به بیان دیدگاه‌های خود درباره چنین بنیادی پرداختند. همچنین مرتضی وافی با بیان اینکه در دنیای امروز آنچه بیش از پیش فضای فرهنگی، دینی و آیینی ما را رنج می‌دهد، دوری رسانه‌های آیینی از یکدیگر است که هریک به مثابه قطعه‌ای از یک جورچین عمل می‌کنند، تأکید کرد: «ممکن است، هریک از این قطعات در جای خود، قطعه‌ای زیبا، مطلوب و مورد قبول باشد و با یک درجه از مقبولیت به کار خود ادامه دهد؛ اما با وضع موجود، وقتی این قطعات را کنار یکدیگر می‌گذاریم، به یک تصویر کامل و دقیق از یک رسانه آیینی نمی‌رسیم.» وافی طرح تشکیل بنیاد برتر را یک اختراع فرهنگی نامید و تلاش برای ظهور و بروز یک جریان چندرسانه‌ای متناسب با نیازهای امروز جامعه را از وظایف این بنیاد دانست.

دکتر نوربخش در این جلسه سه مفهوم «رسانه دینی»، «دین رسانه‌ای» و «دین در رسانه» را از هم جدا کرد و پرداختن به این سه مفهوم را در بحث‌های آینده بنیاد ضروری دانست.
 رئیس مرکز مطالعات بین‌المللی دینی ضرورت توجه به تأثیر چنین مسئله‌ای بر جامعه و بر خود نهاد دین را متذکر شد و شکل دیگر گفت‌مان‌های مختلف دینی را از تبعات این فعالیت‌ها دانست.

سومین نشست بررسی پیش‌طرح بنیاد برتر در شانزدهمین نمایشگاه مطبوعات با سخنرانی دکتر جعفری پایان یافت. دکتر جعفری ضمن استقبال از این طرح با برشمردن ویژگی‌های جامعه ایران و با توجه به تمایزهای جامعه ایرانی با جوامع غربی تأکید کرد: «در کشور ما همه رسانه‌ها باید دینی باشند. یک رسانه می‌تواند، به موضوع ورزش و یا هر موضوع دیگری بپردازد؛ اما رویکرد آن می‌تواند و باید اخلاقی و دینی باشد.» ■



در قسمت‌های پیشین اشاره شد که وجود برنامه‌های مذهبی در رادیو ایران به دلیل توجه به دین‌مداری نبوده است، بلکه از دین به منظور سدی در برابر کمونیست استفاده می‌شد و اکنون ادامه تاریخ برنامه‌های مذهبی رادیو از سال ۱۳۴۰ به بعد:

در زمان نخست‌وزیری دکتر مصدق، «بشیر فرهمند» به ریاست اداره کل تبلیغات و انتشارات منصوب شد. در آن زمان بشیر فرهمند از استاد راشد درخواست کرد که سخنرانی‌هایش را به هفته‌ای دو بار در هفته افزایش دهد؛ اما استاد با این پیشنهاد موافقت نکرد.^۱

همچنین طی گزارش ساواک در تاریخ ۱۳۳۸/۳/۳۰ اعراب، از سخنرانی‌های آقای راشد استقبال کردند. در این گزارش آمده است که این سخنرانی‌ها نقش مفیدی در راه اتحاد مسلمانان ایفا می‌کنند. در ادامه این گزارش آمده است که «... هرگونه وزنه که از این راه در تهران به دست آید، به همان اندازه مفید است؛ زیرا هر که مدعی وحدت اعراب است؛ تضعیف خواهد شد.»^۲

گیتی کاوه*

این برنامه‌ها افزوده می‌شد، سیاست بر این بود که بر محتوا و وزانت برنامه‌های مذهبی افزوده شود. شاید رژیم پهلوی بدین طریق می‌خواست، زهر برنامه‌های سکولار رادیو را بگیرد و بر این سیاست دوگانه سرپوش گذارد. شاهد این مدعی برنامه‌ریزی رادیو برای برنامه‌های ماه مبارک رمضان است. توضیح اینکه در زمان ریاست اسفندیار بزرگمهر پخش اذان صبح در رادیو قطع شده بود؛ اما در اسفند ۱۳۴۰ مصادف با ماه مبارک رمضان بنا به خواست شنوندگان از این تاریخ به بعد هم در ماه مبارک رمضان و هم در سراسر سال اذان صبح از رادیو ایران پخش می‌شد. در زمان نخست‌وزیری دکتر «علی امینی» در سال‌های ۴۱-۱۳۴۰ که مصادف با ریاست «نصرت‌الله معینیان» بر اداره کل انتشارات و رادیو بود، درخواست‌های زیادی مبنی بر راه‌اندازی سخنرانی‌های آقای «محمدتقی فلسفی»، واعظ مشهور، از طرف مردم و مجامع مذهبی می‌شد؛ از این‌رو سخنرانی‌های ایشان در روزهای ماه مبارک رمضان از مسجدی که

از آنجا سخنرانی می‌کرد، از رادیو پخش می‌شد و شنونده‌های رادیو در سراسر کشور از آن بسیار استقبال می‌کردند.^۳ در ایام مذهبی محرم، ویژه دهه اول، برخی برنامه‌های عادی رادیو قطع می‌شد و به جای آنها برنامه‌های مذهبی پخش می‌شد و یا محتوای برنامه‌های روزمره قبلی به گفتارهای مذهبی اختصاص می‌یافت. در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ که قسمتی از آن مصادف با ماه محرم بود، آقای «حسن صدر» سلسله سخنرانی‌هایی داشتند و نیز آقای «نعمت‌الله قاضی شکیب» چند برنامه با نام «خون و خورشید» برای رادیو نوشت. برنامه‌ای نیز به نام «ردای کارون» به نویسندگی آقای «محمد سروش» در فهرست برنامه‌های مذهبی رادیو جای داشت. همچنین کسانی چون: آقایان سبزواری، دکتر ناظرزاده کرمانی، دکتر خوانساری، دکتر مظاهر مصفا، دکتر مهاجرانی، آل آقا از رادیو سخنرانی داشتند.^۴ در زمان ریاست نصرت‌الله معینیان در اداره کل انتشارات و تبلیغات، تحولات اساسی زیادی در ابعاد گوناگون فعالیت‌های رادیویی به وجود

آمد. یکی از این موارد تنوع‌بخشی و جذاب کردن قالب‌های برنامه‌سازی رادیویی بود؛ از این‌رو برنامه‌های مذهبی رادیو نیز علاوه بر قالب سخنرانی، در قالب‌هایی چون نمایشنامه، اشعار عرفانی همراه با آیات قرآن ساخته شد. در ایام سوگواری‌های مذهبی نیز رادیو قطع موسیقی داشت.^۵

با انتصاب «جهانگیر تفضیلی» به ریاست اداره کل تبلیغات و انتشارات، مردی که در حیات سیاسی خود هر روز به رنگ تازه‌ای درآمد، سیاست تبلیغاتی رادیو در قبال برنامه‌های مذهبی به کلی تغییر کرد. او در بدو کار پخش اذان از رادیو را متوقف کرد.^۶ سپس از پخش سخنرانی استاد راشد جلوگیری کرد. او حتی ترکیب شورای نویسندگان رادیو را به هم زد و از عناصر لائیکی چون «فرخ لو پارسا» در این شورا استفاده کرد و آنقدر در اتخاذ

رحیم موذن‌زاده اردبیلی:
هر گوشه‌ای انداختم نشد
تا اینکه آن را
در روح‌الارواح
آواز بیات ترک
اجرا کردم

سیاست غیر مذهبی و ضد مذهبی افراط کرد که ساواک در گزارش اطلاعات داخلی خود با موضوع افکار عمومی در تاریخ ۱۳۴۲/۳/۱۹ که سند آن موجود است، می‌نویسد: «بی‌سیاستی جهانگیر تفضلی در تحریک مقامات مذهبی و ایجاد عصبانیت در مردم بسیار مؤثر بوده است و قسمت عمده تشکیلات مخالفان در اثر اقدامات بی‌رویه تفضلی قدرت گرفته است.»^۷ **برنامه‌های مذهبی، پخش اذان محلی ۱۳۴۴** در سال ۱۳۴۴ زمانی که رادیو زیر نظر وزارت

اطلاعات اداره می‌شد، «حسن پاکروان» وزیر اطلاعات بود. یکی از مهم‌ترین اقدامات پاکروان در این مقام برای رادیو راه‌اندازی پخش اذان به ساعت شرعی محلی در مراکز استانی بود. این اقدام را مهندس پارسا استاندار اصفهان در جلسه افتتاح برنامه‌های بامدادی رادیو اصفهان که حدود صد نفر از شخصیت‌های اصفهانی هم در آن حضور داشتند، چنین بیان می‌کند: «مطلب دیگر اینکه من نامه‌ای داشتم، از جناب آقای وزیر اطلاعات (حسن پاکروان) که برای تعیین ساعات در قیل پخش اذان جلسه‌ای تشکیل شود تا اذان مغرب به وقت محلی پخش شود. این کار نیز بسیار خوب است و پیش از این مورد تقاضای عده زیادی از علما بود...»^۸ مسئله قطع موسیقی در رادیو، بسیار جدی بود. در ایام قطع موسیقی، رادیو حتی از پذیرفتن و پخش آگهی‌های همراه موسیقی خودداری می‌کرد و به صاحبان شرکت‌ها اعلام



مرحوم مؤذن‌زاده و برادرش

کرد که از آنها آگهی بدون موسیقی می‌پذیرد و مسئولیت این کار با دفتر آگهی وزارت اطلاعات بوده است.^۹

در سال ۱۳۵۲ دکتر «سیدضیاءالدین سجادی» مسئولیت برنامه‌های مذهبی رادیو را به عهده داشت.

هدف برنامه‌های مذهبی، روشن کردن افکار مسلمانان و نشر حقایق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌های مهم اسلام، اعلام شده بود.^{۱۰}

قاریان قرآن در دههٔ ۵۰: آقای احمدیان، محمدتقی از نفرات اول مسابقات داخلی و بین المللی قرآن بودند.^{۱۱}

لازم به توضیح است که در این سال‌ها رادیویی به نام «رادیو دریا» در شمال کشور تأسیس شده بود که مسئولیت تهیهٔ برنامه برای جماعتی که در ساحل دریا با وضعیت منافی عفتی که خوانندگان این مقاله از آن آگاه‌اند، داشت؛ بنابراین برنامه‌های مذهبی در رادیو، یک پوشش سطحی بیش نبود.

در سال ۱۳۵۲ صدا و اطلاعاتِ موسیقایی خوانندگان اشعار مذهبی رادیو می‌بایست به تصویب شورای موسیقی می‌رسید، خوانندگان اشعار مذهبی در این زمان عبارت بودند از:

آقایان: سید جواد ذبیحی، حسن یزدانیان، احمدیان، میلادی، رضایی، رستمی و رضوی. در سال ۱۳۵۲ گروه دین و ادب در رادیو راه‌اندازی شد و اقداماتی به شرح زیر در زمینهٔ برنامه‌های مذهبی انجام داد:

الف) توجه بیشتر سخنرانان به امور اجتماعی و اقتصادی و نیازمندی‌های نسل جوان به امور تربیتی و اخلاقی

ب) بررسی دقیق اشعار عرفانی و مذهبی که به وسیلهٔ خوانندگان اجرا می‌شد، تا اشعار سست و کم‌ارج به برنامه راه نیابد

ج) ایجاد هماهنگی بین گروه دین و ادب و سایر گروه‌های رادیو و تلویزیون ملی ایران؛ به این منظور که از تکرار مکررات در برنامه‌های مختلف جلوگیری شود

د) دخالت‌دادن چند تن از جوانان تحصیل کرده در امر تهیه و طرح برنامه مدیر گروه دین و ادب آقای دکتر «ضیاء الدین سجادی» بود و آقای «سید ابراهیم ستوده» از طرف ایشان امور اداری و فنی این گروه را انجام می‌داد.

در سال ۱۳۵۲ برنامه‌های مذهبی روزمرهٔ هر روز ساعت پنج تا شش بامداد در برنامهٔ صبحگاهی و ساعت ۱۱/۴۰ تا ساعت دوازده با نام سخنرانی مذهبی پخش می‌شد. روزهای جمعه بعد از اخبار ساعت ۲۰ برنامهٔ یک ساعته، استاد راشد جزو برنامه‌های مذهبی روزمره بود.

■ **برنامه‌های مذهبی رادیو نیز علاوه بر قالب سخنرانی، در قالب‌هایی چون نمایشنامه، اشعار عرفانی همراه با آیات قرآن ساخته شد** ■

برنامه‌های مذهبی روزهای عادی و نیز ایام سوگواری و اعیاد مذهبی و ماه مبارک رمضان با نظارت مستقیم گروه دین و ادب در قسمتی از برنامه‌های مربوط و با همکاری این گروه در زمینهٔ مطالب مذهبی سایر گروه‌ها انجام می‌گرفت.

سخنرانان مذهبی به ترتیب روزهای هفته: شنبه آقای دکتر بهبهانی، یکشنبه آقای دانشی، دوشنبه آقای آل آقا، سه‌شنبه دکتر صالحی کرمانی، چهارشنبه دکتر مهاجرانی، پنج‌شنبه آقای سبزواری، جمعه آقای راشد^{۱۲}

اخبار مذهبی رادیو

پس از ادغام رادیو و تلویزیون در سال ۱۳۵۰ شورای مذهبی به ریاست آقای جعفریان، معاون سازمان تشکیل شد. تأسیسات برنامه‌های دینی در این شورا طرح‌ریزی می‌شد و توسط کمیته مذهبی به اجرا درمی‌آمد. اولین تصمیمی که این شورا گرفت، ایجاد یک بخش خبر با نام اخبار مذهبی بود. ایجاد این بخش این هدف را داشت که مردم علاقه‌مند از رویدادهای مذهبی کشور خود و سایر کشورهای اسلامی آگاه شوند و در واقع نقطه‌ای برای ارتباط جهان اسلام با کشور اسلامی در دستگاه ارتباط جمعی (رادیو) به وجود آید.

اخبار مذهبی ابتدا کار خود را با تشکیل مجالس دینی در تهران آغاز کرد و به علاقه‌مندان محلی مشخصات تشکیل یک مجمع مذهبی را آگاهی می‌داد، سپس مجالس دینی شهرستان‌ها را نیز در این بحث آورد.

آنگاه به معرفی کتاب‌هایی که در ایران و جهان اسلام به چاپ می‌رسید، پرداخت و در این زمینه تا آنجا که مقدور بود با مولفان و ناشران کتاب‌های دینی نیز مصاحبه‌هایی ترتیب می‌داد و در آخرین مرحله به پخش خبرهای دینی مربوط به جهان اسلام پرداخت.

خبرهای مذهبی را در تهران کمیتهٔ مذهبی تهیه می‌کرد و جالب بود که خود مردم خبرنگاران کمیتهٔ مذهبی بودند، کمیته پس از بررسی، خبر را منتشر می‌کرد.

در شهرستان‌ها مراکز خبری رادیو و تلویزیون با این برنامه همکاری مستقیم داشتند و اخبار خود را به این مرکز مخابره می‌کردند و مرکز خبر هم آن را به قسمت خبرهای مذهبی می‌داد. سه ماه رمضان، محرم و صفر خبرهای مذهبی

رونق بیشتری داشت. در ماه رمضان گروه مذهبی سازمان رادیو و تلویزیون فعالیت فشرده و تلاش بیشتری از ماه‌های دیگر داشت. در طول سال گروه مذهبی سازمان رادیو-تلویزیون مرجعی بود، برای پاسخ سوالات دینی شنوندگان رادیو و طبق آمار، ماهانه کم‌وبیش به دو هزار سؤال پاسخ گفته می‌شد.

کمیتهٔ مذهبی علاوه بر این وظایف، روزانه از رادیو، ۲۵ دقیقه برنامهٔ مذهبی پخش می‌کرد که سخنرانی مذهبی نیم‌روز، اخبار مذهبی و اذان را شامل می‌شد. در سخنرانی‌های نیم‌روز هر روز، یکی از سخنرانان مذهبی دربارهٔ مسائل مختلف دینی و اسلامی و معارف و فرهنگ اسلام سخنرانی می‌کردند که به ترتیب روزها آقای بهبهانی، آقای صالحی کرمانی، آقای مهاجرانی و روزهای پنج‌شنبه، دانشمند محترم، آقای راشد سخنرانی می‌کردند. دیگر همکاران برنامه‌های مذهبی رادیو در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۵۰ عبارت بودند از آقای سیدمهدی آل طاها، محمد موقتیان، سیدمحمد ستوده، دکتر محمد پیشوایی و دیگران.

آنچه به اختصار دربارهٔ برنامه‌های مذهبی رادیو آمد، نشان می‌دهد که مردم ایران، همه، اسلام را می‌خواستند؛ نه آنچه به‌طور ناقص و ابتر به آنها می‌رسید.

برای حسن ختام این یادداشت به اصیل‌ترین و جاودانه‌ترین اثری که در رادیو ساخته شد، می‌پردازم و آن اذان مرحوم رحیم مؤذن‌زادهٔ اردبیلی است. ایشان، خود، دربارهٔ این موضوع می‌گویند: «هر گوشه‌ای انداختم نشد تا اینکه آن را در روح‌الارواح آواز بیات ترک اجرا کردم.» و این همان آذانی است که بیش از پنجاه سال است که از رادیو پخش می‌شود و با شنیدن آن روح هر مخاطبی به سوی عرش اعلا به پرواز درمی‌آید. ■

* دبیر کمیتهٔ مرکزی نظارت موسیقی معاونت صدا

منابع:

۱. اسنادی از تاریخچهٔ رادیو در ایران (۱۳۷۹)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۸
۲. همان ص ۴۵۹
۳. همان ص ۵۹
۴. مجلهٔ رادیو ایران (۱۳۴۴) ش ۱۰۲، ص ۵
۵. منبع اول، ص ۵۱۰
۶. مصاحبه با شاهرخ نادری، تابستان ۱۳۸۶
۷. مجلهٔ رادیو ایران (۱۳۴۴) ش ۱۱۳، ص ۶
۸. کارهای هفته، ادارهٔ اطلاعات و رادیو اصفهان، ۱۳۴۴/۳/۱، ص ۳
۹. شرح وظایف بخش‌های وزارت اطلاعات ۱۳۴۸/۱۲/۲۰ (سند موجود در مرکز اسناد ملی ایران)
۱۰. تماش، ۱۳۵۲/۳، صص ۲۲-۲۳
۱۱. تماش، ۱۳۵۲/۲، ص ۶۸
۱۲. تماش، ۱۳۵۲/۱۱، ص ۵۵

انتشارات خیمه منتشرگر



خیمه



■ اثری که پیش رو دارید با نام «قرآن مجید» کتابی است از نوع علوم دینی، عقاید، معارف و در این حال مناسبه و روان که تاریخ و زمانگی مولفان کمترین محصور به اندیشه‌های محصور علیه اسلام را به عبور از کلیت از عقل اصحاب، مؤلفان و اولاد می‌کند.

استاد سواد بر آیات، احادیث و تفاسیر ائمه و روای دینی معاصر کتاب را پیش از آن که قطعه کتابی تاریخی و دینی معرفی کنند، به نظر مناسبه علمی، اندیشه‌مدار و معاصر نظر آن قرار می‌دهد. نقل کتاب‌های دینی علمی در باب حدیث، تفسیر، فقه و کلام، عقاید فلسفی، مسائل فلسفی و جغرافیای کربلا و عاشورا و تاریخ‌نگاری، برداشته‌های تطبیقی مشابه به دور از در واقعیت‌ها نظرات شخصی، کتاب را تا حد زیادی قابل تحسین و تکریم در کار می‌نویسد و با استفاده از تجربه است.

کتاب در کتاب، در صورت آید که محسوس حدیث، تفسیر، عقاید، احادیث و روای از حدیثی شهر همدان و از اشعار و اشعار آموخته در طی محسوس حدیثی بوده است.

انتشارات خیمه‌های اسلام

تهران صندوق پستی: ۱۹۲۱۱-۱۵۸۱۵
تلفن دفتر تهران: ۰۲۱۹۴۴۱۲۰



PADISAN

پاديسان

دارنده ۹ نشان برتر جهانی



دفتر تهران : خیابان جمهوری ، پلاک ساختمان آکویلیوم ، ساختمان کاوه ، طبقه سوم ، شماره ۳۱
 صندوق پستی : ۲۸۸۲ - ۱۳۱۵۵ تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸
 پست الکترونیک : admin@padisan.ir
 کارخانه : کیلومتر ۱۵۹ اتوبان کرج - قزوین ، پل کوردان تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸



ماکارونی
 مکی

تحت لیسانس والدیگرانو ایتالیا

VALDIGRANO



آدرس : تهران ، خیابان کاوه ، پلاک ۸ ، واحد ۵ تلفن : ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸ - ۰۲۱ - ۸۸۸۸۸۸۸۸
 www.makpasta.com

نام:

نام خانوادگی:

۱. جنسیت: مرد زن

۲. سن:

۳. گروه شغلی: دانشجو کارمند کارشناس مدیر پژوهشگر

۴. تحصیلات:

۵. سابقه و نحوه آشنایی شما با مجله چگونه است؟

۶. نحوه مطالعه مجله: به طور پیوسته به طور اتفاقی

۷. شما انتخاب کدام زمینه تخصصی را به مجله پیشنهاد می کنید؟

الف) عوام گرایی و خردورزی در دین به ویژه در مناسک عاشورایی

ب) تبیین اهداف قیام عاشورا

ج) پرداختن به مسائل و موضوعات مربوط به گروه های فعال در مناسک عاشورایی (هیئت ها، مداحان، منبری ها و ...)

د) هر سه مورد

ه) موارد پیشنهادی دیگر:

۸. به نظر شما خیمه میان نشریات دیگر چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟

خوب متوسط ضعیف نمی دانم

۹. در چه مواردی از مجله استفاده کرده اید؟

مطالعه عمومی مطالعه تخصصی پژوهش های علمی پژوهش های موردی

۱۰. حجم مقالات را چگونه ارزیابی می کنید؟

بسیار زیاد زیاد کافی کم

۱۱. تنوع عناوین و موضوع مقالات چگونه است؟

عالی خوب مناسب کم

۱۲. سطح علمی مقالات مجله از نظر شما چگونه است؟

بسیار تخصصی تخصصی معمولی غیر معمولی بسیار پایین

۱۳. سطح کاربردی مقالات را چگونه ارزیابی می کنید؟

کاملاً مفید مفید در برخی موارد مفید بی فایده کاملاً بی فایده

۱۴. جای چه مطالبی را در خیمه خالی می بینید؟

۱۵. سبک نوشتاری و ویرایش مطالب چگونه است؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۱۶. خیمه را در پرداختن به مسائل و موضوعات روز تا چه حد موفق می دانید؟

بسیار موفق موفق متوسط ضعیف

۱۷. تیترا و سوتیتراهای انتخابی تا چه حد در تصمیم شما برای خواندن مطالب مؤثر هستند؟

بسیار زیاد زیاد کم بسیار کم

۱۸. صفحه آرایی مجله را چگونه ارزیابی می کنید؟

بسیار خوب خوب متوسط ضعیف

۱۹. طرح روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده است؟

بسیار زیاد زیاد کم بسیار کم

۲۰. نظر شما در مورد قیمت مجله چیست؟ (هر شماره ۸۵۰ تومان)

بسیار گران گران متناسب ارزان

۲۱. به نظر شما کدام فاصله زمانی برای انتشار، مناسب است؟

فصلنامه ماهنامه دو هفته نامه هفته نامه

۲۲. مجله خیمه را چگونه تهیه می کنید؟

خرید از کیوسک اشتراک کتابخانه و اتاق های مطالعه سازمان تبلیغات

۲۳. به نظر شما آیا ضرورتی برای انتشار نشریه ای با شرایط و ویژگی های مجله خیمه وجود دارد؟

بسیار ضروری است ضروری است موازی کاری است نیازی نیست شاید با تغییر شرایط انتشار، ضرورت آن احساس شود

۲۴. بهترین طرح جلد از نظر شما: شماره بهترین طرح صفحه از نظر شما: صفحه شماره بهترین مقاله از نظر شما: صفحه شماره بهترین تیترا از نظر شما: صفحه شماره



موتور برق گاز سوز

گرین پاور

دیگر نگران قطع برق در هیئت خود نباشید

با ارایه مجوز رسمی از تخفیف ویژه

اماکن مذهبی بهره مند شوید



از گاز شهری و گاز مایع
برق تولید نماید



فقط موتور برق را به شیر گاز شهری یا کپسول گاز وصل نمایید

G P I C O

صنایع نیروگاهی پایا انرژی سبز

واحد فروش: ۰۲۹۹۱۳۳۱۲-۰۲۹۹۱۸۰۱۲

WWW.GREENPOWER.IR



پست جواب قبول

نیمازی به چسباندن تصویر تعداد
هزینه پست بر اساس قرار داد شماره ۳۷-۳۷۱۸۴ بر داخات
شده است.

صندوق پستی تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۸۲۳

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهانه همیشه

ما به مشتریان سیدالشهدا اطلاعات داریم

- پست سفارشی
- پست هفتگی
- شماره ۳۵۰۰۰ ریال
- شماره ۵۱۰۰۰ ریال
- شماره ۱۲۰۰۰۰ ریال
- شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیدالشهدا (بانک ملی) **۰۱-۱۲۸۹۵۵۵** به نام مرکز ملی و افی، قابل پرداخت در کلیه شعب
سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را دقیقاً تکمیل نموده، و
به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.
تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۹۷۰
تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۸۲۳

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی:

استان: شهرستان:

آدرس دقیق پستی:

.....

تلفن: کد اختصاصی پستی:

شماره و تاریخ پیش واریزی:

تصویر فرم اشتراک نیز قابل قبول می باشد.